٢١

هذا

کتاب مستطاب بحر الغرائب

و منتخب الحبوب

بسعی و اهتمام جناب آقای آقا سید

محمد صیرکمالی دام عزه العالی

مرکز فروش

طهران - جلو خان کوچک مسجد شاه

کتابفروشی - میرکمالی

هذه رسالة صاحب الغرائب

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لوليه وهو الذي له الأسماء الحسنى والصلوة
على نبيه محمد بالاسم المسمى وآله وأصحابه الذين سلكوا
طريق الهدى اما بعد برادران با عقل وايمان
مخفي نماند كه اكابر اولياء وخواص اشا الله تبارك وتعالى كتب ورسائل
بطريق مزايا نوشته اند اذا بجهة خواص را فايده تمام هست اما
عوام را كه ايشان نيز از جمله وداير الهي اند بهره وافي نيست اين فقير
ضعيف محمد بن شيخ محمد بن ابو سعيد الهروي كه اكثر اوقات خود را
صرف مطالعه شروح اسما الله كرده وانچه بزرگان دين در اين
باب بيان فرموده بودند بحمد الله تعالى بر ضمير منير چون نقش
نقش بست وبمقتضاى كلمه انما المؤمنون اخوة شفقت برادري

هذا كتاب حيث اخوتي

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي لا يكشف السوء
من سواه ولا يفرج الهم والغم
من عداه ومن استجاره اجاره ومن
استعانه كفاه والصلوة والسلام
على خير من استجابه الله ولباه و
على آله الذين من والاهم كانت
الجنة مثوبه ومن عاداهم كانت
النار مثوبه اما بعد چون
كافران انام از خواص وعوام در جميع
عزت ومسعادت ودولت وحصول مراد
وقضاى حوايج وانجام مطالب و
ادائى قروض وشفاى مرضى ودفع
هموم وغموم وبرآمدن
حاجات كليه وحصول مرادات رقمه
وسايرمطالب مشروعه محتاج
بود بتعليم واطلاع بر بعضى از
خوتى

فی بیان مقدمة الکتاب

چنان اقتضا نمود که بیانات مفصله و اشارات مشکله و طرق
جفریه اکابر این فن را در شرح خواص اسماء خداوندی جل
ذکره مشروحا بکلک ترقیم در آورم تا در بدو نظر بر همه کس
واضح و هویدا گردد و کافهٔ خواص و عامهٔ عوام را از خواندن
آن بهره اکفی و حظی اوفی روی دهد گردد اما صرف چرخ بوقلمون
و نامساعدی روزگار دون و تصادم سیاغم و ترا که سحابت هم
و مشقت کربه و زحمت و مرض و بلای قرض که معطل قواعد
سنت و فرض است بحیثیتی اطراف و جوانب را فرو گرفته که فما
ادری یمینی عن شمالی بدینواسطه مدتی از ترتیب این رساله
محروم شده تا آنکه بنابر ملتمس بعضی از اخوان دین و بسی
اصرار بعضی از استادان راه یقین توفیق رفیق گشته و باتمام
و انجام آن کوشیده و باسعی بسیار مثالهای روشن و روشن
طریقهٔ هر یکی از مشایخ این فن را در کیفیت تکسیر در این رساله
مندرج نمودم و صورت لوح بر بیاض برده امید از حضرت
رب العزة آنکه مقبول خاطر خطیر و ملحوظ ضمیر منیر هر یک
از ناظرین گرداند و جمیع همکنان را بجهة مطالعهٔ این رساله که
موسوم شده به بحر الغرائب بتشریف خواص اسماء حسنی خود
مشرف گرداند بحکم این آیه که لِلَّذِینَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَزِیَادَةٌ

مجرب و آیات موثره قرآنی و اسماء
جلاله سبحانی و بخواص از اوراد و ادعیه
و دعوات مستجابه و باقی و نبوت کتاب بکه
مشتمل بر جم غفیری از خوص مجربه و
کثیر هی از ادکار موثره باشد لهذا
این اقل خلیقه بل لاشیء فی الحقیقه
شکر الله بن لطف الله لواشی بر خود
لازم دانسته که این رساله بحر الغرائب را
که مشتمل است بر شرح خواص نود و نه
اسم خداوند متعال با لوح منعلق
هر یکی بطبع در آورم و در حاشیه اسماء
خوص و اوراد چند را که سایر اخوا
باشد مندرج نمایم و بعضی از
این حقیر بجهة رسانیده ام و مکرر
اتفاق افتاده که در اثنای ذکر با جا
مضرت شد و باقی دیگر را از کتب
معتبره با کمال دقت و ملاحظه استنباط
جمع و انتخاب نمودم

در شرح و خواص کلمهٔ هو

والله الموفق والمعین چون اکثر اکابر در کتب خویش ابتدا باسم
الله نموده اند که اسم ذات است و مستجمع جمیع صفات اما چون در کلام
مجید و فرقان حمید چنین واقع شده که هو الله الذی لا اله
الا هو و بعضی از کمل اولیا برانند که اسم اعظم عبارت از
این اسم است بنضعیف بضاعت ابتدا بخاصیت این اسم نمود
هو الکریم المعبود باسم سبحانه هو را اهل تحقیق اسم
اعظم گفته اند دلیل آنکه اسمیست دو حرف و نقطه ندارد و
بهیچ حال او را نوعی دیگر نمیتوان خواند که از او معنی حاصل
شود غیر هو دلیل دیگر آنکه اسماء عظام را نود و نه تعیین فرموده
اند و مقدم بر همه هو است پس اعظم هو بود و حدیث وارد
شده از بهترین موجودات و سرور کاینات علیه افضل
الصلوة و اکمل التحیات که ان لله تعالی تسعة و تسعین اسما
من احصیتها دخل الجنة یعنی خداوند تعالی را نود و نه نام است
هر که احصا آن اسماء نماید در بهشت در آید و شیخ برهان الدین در
شرح خود چنین آورده است که احصا در لغت شماره کردن است
و سید طایفه فرموده که احصا خواندن و معنی آن دانستن است
بعضی از مشایخ فرموده اند که احصا خواندن و معنی دانستن توجه
نمودن است پس اسم هو که ابتدای اسماء ایزد تعالی باشد خاصیت

الحق اکثر اعظم دیگر بشرط آنکه دعوت
آنها بشرایط واقع کرده اگر کسی خدا
نکرده این دعوت را در مطالب غیر مشروعه
معمول دارد موجب خسران دنیا و آخرت است
و مسمی نمودم بمنتخب الختوم امید آنکه
بعد از اتمام مهمات و مطالب بیحصر
کثیر التقصیر را بدعای خیر یاد نمایند و از
برای مؤلف و والدین او استغفار نمایند
این رساله مشتمل است
بر سه باب و یک خاتمه باب اول در
ختوم متعلقه بایات و سور و کلمات
قرآنی باب دوم در ختوم متعلقه
بکلمات و دعوات و اسماء
ائمه طاهرین صلوات الله علیهم
اجمعین باب سوم در ختوم متعلقه
بنمازهای وارده از پیشوایان دین
مبین و خاتمه در بیان مطلوب دعوات و
الاذکار دیگر الباب الاول ختم آیه
مبارکه

در شرح و خواص کلمهٔ هو

نامها است و عدد اسم هو پانزده است و عدد تکبیر که هاء و واو باشد که
بطریق مشایخ مغربیه اعتبار میکنند تمام مجموع سی و سه و اگر بدستور
حضرت شیخ قبول میکنند بیست و دو میشود و بعضی از بزرگان گفته اند
که هر که در یک مجلس وارده هزار نوبت بگوید یا الله یا هو جن و
انس و وحوش و طیور با او انس گیرند و در انصراف مطیع او گردند جملهٔ
مخلوقات خواطر شیا و علو مخفیات بر وی مکشوف گردد و حضرت شیخ
عبد المجید در کتاب کرالاعلی فی شرح اسماء الله تعالی روایت کرده از
عبد الله بن عباس که وی روایت کرده از رسول خدا صلی الله علیه و آله
که در قرآن هفت موضع قول لا اله الا هو است و بعضی از علمای
ربانی گفته اند که اسم اعظم خدا تعالی در این آیات است و قادر آن البته دعاء
مستجاب و خواص بسیار از برای آن ذکر نموده اند که این مختصر گنجایش
ندارد هر کس خواهد تسخیر قلوب سلاطین و امرا کند و تمام خلایق مطیع
او گردند و چه بگوید هیچکس از قول او تجاوز ننماید و مقبول قلوب
گردد و صفای ظاهر و باطن او بمرتبه رسد که هر که را چشم بر وی افتد محب
شود و از علم باطنی خدا تعالی او را کرامت فرماید از اینجهت او را با کمال معرفت
بیرون برآید که در دست بعد هر نماز یکبار بخواند بشرطیکه چون نماز تمام کند همچنان
رو بقبله بر زانو بنشیند و سه بار بخواند و در راه نخواند و بیست و سه بار بخواند با خشوع و
خضوع و بتانی و درست بخواند تا مراد بی دغدغه او حاصل گردد و حصول مقصد کلی

بسم الله الرحمن الرحیم از برای هر مطلب
یک مجلس هفتصد و هشتاد و شش بار
این آیه بخوانند بعد از اتمام همین عادت
صلوات بفرستند تجربت و در بعضی
نسخ بنظر رسیده که یکصد و سی و
مرتبه صلوات بفرستند ایضا
مجموع هر مهمی را از ده هزار بار بخوانند
و دو رکعت نماز بنیت حاجت بخوانند
بعد از حمد هر سوره که خواهند بخوانند
ضرر ندارد و بزرگی گفته است خواص
ایضا از بزرگان مشایخ منقول است
که هر که در وطن یا مایه گرفتار شود
و راه نجات بر او مسدود گردد نوزده
مرتبه بگوید بعد از هر نماز و بخواند
مثل یا مستعان الکریم الرحیم و اگر در
بخواند بسم الله الرحمن الرحیم و اگر در
یک مجلس هفتصد و هشتاد و شش بار
همین کلمات را

بخواهد اهل و اولاد خود بجهت
خلاصی از دست ظالم و حصول مهمات
در خلوت هفتاد و سه مرتبه این کلمه
را رو بقبله یا طهارت بخواند و
بعد از اتمام سه مرتبه صلوات
بفرستد از خداوند تعالی خود را
بخواهد بر او وارد شد انشاء الله
بجهت هلاکت ظالم هزار بار
بسمله و هزار بار الحمد لله و هزار بار
لا اله الا الله محمد رسول الله
و هزار بار صلوات و هزار بار
فان ظالم بهترین کند الله هلاک
شود با خذول و منکوب او گردد
روزی و صفای باطن است ختم
سوره مبارکه فاطر الکبار چنانچه
مرحوم مجلسی ره و جمعی دیگر از علما
متعرض شده اند

در ختم کلمه لا اله الا هو

در فوائد ایات است حضرت رسول ص فرمودند هر که در عمر خود یکبار
بخواند چنان بود که تمام قرآن را یاد گرفته و خوانده و امرزیده شود از جمیع
گناهان اگر چه بعدد ریگ بیابان و قطرهای باران و برگهای درختان بود
باشد یا اعتقاد درست خواند سیئات او را بحسنات مبدل گردانند
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که هر که ارزوی حفظ داشته
روز پنجشنبه روزه دارد و این ایات بر کاسه چینی نویسد و باب باران
یا آب چشمه بشوید و روزه ایان آب بگشاید چنان شود که هر چه بشود
یاد گیرد و اگر کسی را سحر کرده باشند یا عقد الله از این آب خورد
دفع گردد و اگر کسی این ایات بنویسد یا خود دارد از بلاهای گوناگون
ایمن شود و بر دشمنان مظفر و منصور گردد و در نظر وضیع و شریف شیرین
نماید هر که او را ببیند دوست دارد و اگر کسی را علت قولنج باشد
یا درد که درمان ندارد و اطباء ندانند و در جمعه پیش از صبح این ایات را
بمشک و زعفران بر ظرف چینی نویسد با آب یا گلاب بشوید و بناشتا
بخورد از آن مرض صحت یابد هر که ورد کند بعد از نماز بامداد یکبار بخواند
از همه بلاها ایمن بود و متصل خوشوقت و خوشحال باشد و بزرگان
روزگار مطیع و مسخر او گردند خداوند جل و علا هفتاد فرشته بفرستد
که از روز تا شب بر او نگاه دارند از بلیات و نکبات و آفات و ملالت و پریشانی
جمله بلاها از وی دفع گردانند هر که را قرض بسیار بود و کار خود فرو ماند

در شرح کلمهٔ الملک هو

وتحیر شود این اسمها را چهل و یکبار بعد از نماز جمعه بجهت کسانی که خواهند
مراد و مقصود خود واصل شود و اگر کسی خواهد که اکابر و سلاطین را
مطیع خود گرداند باید که روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه دارد و
هر روز غسل کند این آیات را در این ایام هزار و یکبار بخواند و خلوت
و بخور بسوزد روز چهارم و دایم بود دل سلیم و قلب مستقیم و پادشاهان
مسخر و مطیع وی گردند بر قوم خود مسلط گردد و هیچکس از سخن او
تجاوز ننماید دعوات این آیات مناکسانیست که خواهند ملکی را
ضبط کنند حاکم و لایتی گردند دعوات این آیات مذاوقت نمایند و اگر
این آیات را بمشک و زعفران و گلاب بر پوست بره سیاه نویسند و قتیکه
قمر در تحت الشعاع باشد بتاج نهند تاج سر هر کجا که رود
هیچکس او را نبیند مادام که آن تاج بر سر او باشد مخفی بود و شیخ بزرگ
در جواهر القرآن این آیات را شرح بسیار نوشته اند خواص بجهت کفایت
در این نسخه باین اکتفا کرد تا خوانندگان را ملال نرسد و آیات کریمه
این است بسم الله الرحمن الرحیم و الهکم اله واحد لا اله الا هو
الرحمن الرحیم الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة
و لا نوم له ما فی السموات و ما فی الارض من ذا الذی یشفع
عنده الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون
بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات و الارض و لا

و نتیجه بسیار است از کیا بنا
ختم از روز جمعه شود و بعد از صبح
بعد از نماز صبح و قبل از صبح
غسل کرده و بعد از نافله و فریضه
صبح و بعد از عصر بیست زهراء یکصد
مرتبه بگوید الحمد لله رب العالمین
علی کل حال و یکصد مرتبه
صلوات بفرستد و با کسی سخن
نماید و سخن نگوید بجهت دوام و اتمام
انشاء و صبح نماید باین نحو که چهار
یکشنبه شود حمد و اتمام بخواند بعد
که غلط نشود و بعد از اتمام بخواند
فاصله سبزه نوبت بنا غانجی
یا مفتح فتح یا مفتح فتح یا مفتح
سبب یا مسبب تسبب یا مصلح اصلح
یا مدبر تدبر یا مقدم تقدم برحمتک
یا ارحم الراحمین و بعد چهل و یکبار
روز چهل و یک نوبت

در آیات شامله بر لا اله الا هو

بوده حفظهما وهو العلی العظیم الله لا اله الا هو الحی
القیوم هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا
هو العزیز الحکیم شهد الله انه لا اله الا هو والملئکة و
اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم
الله لا اله الا هو خالق کل شیء فاعبدوه وهو علی
کل شیء وکیل اتبع ما اوحی الیک من ربک لا اله
الا هو واعرض عن المشرکین قل یا ایها الناس انی رسول
الله الیکم جمیعا الذی له ملک السموت والارض لا اله الا
هو یحیی ویمیت فامنوا بالله ورسوله النبی الامی الذی یؤمن
بالله وکلماته واتبعوه لعلکم تهتدون وما امروا الا
لیعبدوا الله مخلصین له الدین لا اله الا هو سبحانه
وتعالی عما یشرکون فان تولوا فقل حسبی الله لا اله
الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم حتی اذا ادرکه
الغرق قال امنت انه لا اله الا الذی امنت به بنوا
اسرائیل وانا من المسلمین فان لم یستجیبوا لکم فاعلموا
انما انزل بعلم الله وان لا اله الا هو فهل انتم مسلمون
وهم یکفرون بالرحمن قل هو ربی لا اله الا هو علیه
توکلت والیه متاب تنزل الملائکة بالروح من امره علی

وهما نوشته هما امکان بخوانند البته
اگر در وقت و مکان باعد احتراز
و مسلم خشم را از سر گیرد و الا بفضل
الله در هفته اول اثر ش ظاهر شود
و جوز مطلب بعمل آمد هر چند که
دولت عظیم بهر بند بدهم داده
چهل بار روز تمام کند و در نسخه بنظر
رسیده که آیه بسمله را بام الله
معتبره بدون شرط و قید بی
مسطور است باین نحو که تدبر چهل و
یکروز هر روز در چهل و یک مرتبه
از نماز صبح بخوانند و اندعا را
بزبان نحو بخوانند و اندعا را
غنی گردانند و قرض او را ادا
کرم خواد افرماید ایضا بجهت
برآمدن حاجات نحو در یکصد و
فاتحه را باین حق

در اثبات شش کلمهٔ لا اله الا هو

مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ
اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَأَنَا اخْتَرْتُكَ
فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَذَا النُّونِ
إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ
أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا
لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ
الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ
قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ
فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ
هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ
وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَ
إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ
مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ إِنَّهُمْ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
يَسْتَكْبِرُونَ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
فَأَنَّى تُصْرَفُونَ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ
ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ

خالق

بخوانند صبح هیچ کلی و جزئی او را
خداوند را نماید بعد از نماز صبح
بیست و یکم شنبه و بعد از نماز ظهر
بیست و دو بار بعد از نماز عصر
سیه بار بعد از نماز مغرب و چهار
بار بعد از نماز خفتن ده بار و اگر
در هفته اول تأخیر واقع شود هفت
دوم بخوانند که مجرب و از موهبات
و در بعضی نسخ دیگر بنظر رسیده که
ابتدا از روز پنجشنبه نماید و روز جمعه
مطلب نماید یکی روز میان آبا و بعد
و آبا و استعین و یکی و الرحمن
و از بعض مشایخ منقول است که بجهت
نجوا از سلطان یا از ظالمی یا از
بار یا گویند یا مالک یوم الدین قبر یا مالک
استعین از شخص ضرر و آسیب
بوی نرسد و اگر قاطع طریق و یا
سبع سر راه بر او

در آیات شامله لا اله الا هو

خالق کل شیء لا اله الا هو فانی تؤفکون هو الحی لا
اله الا هو فادعوه مخلصین له الدین الحمد لله رب
العالمین لا اله الا هو یحیی و یمیت ربکم و رب آبائکم
الاولین فانی لهم اذا جاءتهم ذکریهم فاعلم انه لا اله الا
الله و استغفر لذنبک و للمؤمنین و المؤمنات هو الله
الذی لا اله الا هو عالم الغیب هو الرحمن الرحیم هو الله
الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن
المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون
هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح
له ما فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم الله لا اله
الا هو علی الله فلیتوکل المؤمنون رب المشرق و المغرب لا
اله الا هو فاتخذه وکیلا و صلی الله علی محمد و آله اجمعین
و چون تواند آدمی ضعیف که شکر این نعمت بجا آورد که ایزد سبحانه و
تعالی از غیر عنایت و لطف و مرحمت بخواندن اسماء رخصت فرموده
که اگر دستوری نبوی که راز هر و یا رای آن بود که نام او را بر زبان
جاری کردی و در امت پیشین چنین بوده است که بی اجازت نمیتوانستند
که نام ملک تعالی برند مگر با اسمی که مأمور بودند که انبیا و رسل
ایشان را خبر داده بودند و این دولت و سعادت مر این امت را است که هر نام

بگیرد بعد مذکور بخواند خلاصه
شود و بکرات تجربه شده و بصحت
پیوسته ختم سوره مبارکه
قل هو الله احد از جمله خواص
مجربه معتبره که سر همه ختمها است
و از جهت هر حاجت و هر مرام سبب
است که اول غسل کند و لباس پاکیزه
بپوشد در مکان خلوت و پاکیزه
تکلم نکند و انگشتر عقیق سرخ یا
فیروزه در دست نماید و دو رکعت
نماز حاجت بگذارد بعد از حمد
هر سوره که خواهد بعد از نماز
هفت بار سوره حمد را بخواند و صد
بار صلوات بفرستد و
نه بار سوره الم نشرح بخواند بعد
از آن هزار و یک مرتبه سوره قل هو
الله را بخواند و صد بار صلوات
بفرستد و هفت بار باز حمد بخواند
و سر را بسجده بگذارد و مطلب را از
خداوند بخواهد

در شرح هو الله الذی لا اله الا هو

که خواهند خدای تعالی را بخوانند چون بدین مستور در هر حال که
باشند از قبض و بسط و بیم و امید بسمائی که مناسب آن حال باشد و وقت
وعده خوانند دعوه صغیر و کبیر لوح تکسیر خاتم مجموع از قول بزرگان
علماء و مشایخ این فن بیاوریم تا خواص آن ظاهر گردد و مقصود حاصل
آید ان شاء الله تعالی و خواص اسماء الله تعالی است و بیان کردن آن بر
بنی آدم مشکل که خدای تعالی در کلام مجید و قرآن حمید فرموده است که
قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی
ولو جئنا بمثله مددا اما آنچه عمل او بتجربه رسیده در این نسخه مذکور
خواهد شد ان شاء الله تعالی امید بکرم بزرگان اینکه چون این بنده
از مختصر اینعلم عاری بود و این نسخه از کتب ارباب ریاضت جمع کردم اگر
لفظی عامیانه بینند قلم عفو کشند بالله التوفیق نور و نور نام یا تعالی
جل جلاله هو الله الذی لا اله الا هو این جمله سه اسم است هو الله
اسم ذات است خدای را و پرستش که موصوف است بجمیع صفات و کمال
و این اسماء عظام ذکر اهل توحید است و بزرگان گویند که هر که در یک
شبانروز یکهزار بار بگوید یا الله یا هو و بدین اسما مداومت نماید خدای
تعالی او را از اهل یقین گرداند و بمقام اهل تحقیق و درجات اهل توحید
برساند آنچه خواهد بدو کشف شود از جهت آنکه الله اسم ذات است و اسم ذات
اسم اعظم است و اهل تحقیق اسم اعظم اسمی را گویند که هر حرف از او بیفکنی

که با جانب مقرب است و بعضی
گفته اند فرمان خواندن بوی خوش
بخور کند و ابتدا از روز پنجشنبه
نماید و جمعه هم خوب است و اگر
پنجشنبه را روزه بدارد و آب و
اولی است و در بعضی کتب آورده
اینعمل را در وقتیکه قمر در ابدان
باشد بجا بیاورد بهتر است و هیچ
شکی و سرعت اجابت این دعوه
نیست انصاف بجهت هر حاجت
از مقاتل مرویست که مدت هفت ماه
بعد از نماز صبح هر روز یکصد بار
سوره توحید را بخوانند بدل و تکلم
با خضوع و خشوع هنوز هفته نیامده
نشان حاجتش را دیده شود انشاء الله
بتجربه رسیده که مدت هفت روز
هر روز سی سه مرتبه بخوانند یا
هو کذا الله الصمد را هزار بار
تکرار نماید و هر روز بعد از اتمام عمل
باب باز آید نعود

در شرح هو الله الذی لا اله الا هو

همان اسم الله شود مثلا از الله الف کم کنند لله شود و اگر بیک لام از او
دور کنند اله شود و اگر الف و یک لام دور کنند له شود و اگر الف و هر دو
لام حذف کنند هو شود و هو اسم اعظم است و اسم الله سخن و دلیل بسیار
است دلیل چند از قرآن بیرون آورده اند و گفته اند که اسم اعظم خدای تعالی
آن است که ابتداء آن با الله و ختم آن به هو باشد و این چند کلمه با نقطه نبود
اگر معرب یا غیر معرب نویسند همانکه هست خوانند شود و غیر آن نتوان
خواند و در کلام مجید چهار جا تنزیلا سماوی بنجا آمده است اول
در سوره بقره الله لا اله الا هو دوم در سوره آل عمران الم
الله لا اله الا هو است سوم در سوره النساء الله لا اله الا هو
لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیه چهارم در سوره طه الله لا
اله الا هو له الاسماء الحسنی پنجم در سوره تغابن الله لا اله
الا هو و علی الله فلیتوکل المؤمنون پس بر این دلیل اسم اعظم
الله لا اله الا هو است و بعضی زیاده نموده فرموده اند که هر که این پنج آیه
که مذکور شد ورد کند هر روز یازده بار بطریق کلی و جزئی که روی نماید
بخواند مهمات او حاصل شود و خواص آیات کلام الله که ابتدا باسم الله
است خواهد مدد دیگر در کلام مجید یافتم یک آیه و کلمه است و آن اسم
خدا بتنها است و نقطه ندارد اگر معرب باشد یا نباشد که درست خوانده
میشود و شک نیست که این دو اسم اسم اعظم اند و هر دو در سوره اخلاص واقع است

الله

(و باز از سوره انا فتحنا که اول آن
اشداء علی الکفار است تا آخر
سوره بخواند در مکان خلوت
با طهارت و بقبله مراد حاصل
گردد ایضا مرویست که چهل
یک روز هر روزی چهل و یک
نوبت بخواند و بعد از آن سبزه
مربعه عای با مفتح فتحه ثابته از
که در کیفیت ختم حمد مذکور شد
بخواند حاجات دنیویه و اخرویه
او برآورده شود ختم آیة الکرسی
در کتاب معتبر از کتب علماء شیعه
بنظر چنین رسیده که در آیة شریفه
آیة الکرسی ده وقت است هر که وقت
خواندن آن ده وقت بعمل آورد
و بعد دعا کند دعای او مستجاب
و قاعده آن باین نحو است که ابتدا
از انگشت کوچک یعنی خنصر بطرف
وسطی انگشت را عقد کند و ختم بانگشت
ابهام رسد)

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الله الصمد

الله الصمد معنی الله مذکور شد و معنی صمد پناه نیازمندان
و جمعی فرموده اند که در شرح یکی از بزرگان یافتیم که هر که را کاری
صعب واقع شود و امر مشکلی که بهم گشتن بود بجهت دفع آن بلیه یا فتح
کارها بیک مجلس هزار بار سورهٔ اخلاص بخواند نجات یابد اما
بزرگی گوید که این فقیر را یاری بود که دایم با مردم نامناسب نشستی
هر چند نصیحت کردمی قبول نمیکردی و گفتی که هر گاه مرا واقعهٔ صعب است
دهاسم اعظم مرا تعلیم کنی نجات یابم بار او را قصه فتاد که حکم بر قتل او
کردند در راه که بقتلگاه میبردند ملاقات کردم در این محل طلب اسم اعظم
کرد گفتم با هیچکس سخن مگوی و تا پای دار هزار بار بگوی الله الصمد
و اگر با تمام نرسید مهلت خواه تا تمام شود صدا او را موافق قول خود
یافتم ابتداء کرد هنوز بپایان نرسیده بود که خبر فتح شنید و او را مژده خلاص
دادند و چند نوبت تحقیق این اسما افتاد و هزار و یک نوبت بقول
شیخ رکعت عدد کبیر قل هو الله است و نزد شیخ مغربی عدد کبیر تکبیر زدن
اسلم است و عدد تکبیر این و اسم را بیان کنیم بسه نوع بیان عدد کبیر که علمای
این فن تکبیر کرده اند دو هزار و هفتصد و نه است و صد و مؤخر تکبیر
کردیم با بیست افزودیم این شد سیصد نود و نه و تکبیر این است الله
اصمد دم لص ل اه ا اده ال م ل لص ص ال دل م ال
ل ص ا م اه دل ل ل ده ص ه ل ام م ل ال ل د اص ه ه م ص ل

کند میان دو عین شمع عندهم هو
خواهد از عمل خیر طلب کند و در
میان دو میم تعلم ما بین ابراهیم اینجا
از مقولهٔ دفع شر باشد طلب نماید
و چون ده وقت تمام شود سه مرتبه سوره
الم نشرح و سه مرتبه سوره قل هو الله
بخوانند و سه بار صلوات بفرستند
و سر بجو آسمان کنند و حاجت بخواهد
و بعد ده مرتبه سوره حمد را بخوانند
و بعد از اتمام هر حمد یک انگشت از
انگشتان مفتوحه را بگشایند و قت
گشودن نامبارک از انگشتان بهام دست
چپ نما بدنا انگشت خنصر دست راست
که ابتدای عقد از او بوده و بعد از
فتح همه اصابع بآسمان نظر کنند
و حاجت خود را بخواهد و بعضی از نسخ
و ارباب سلوک فتح اصابع بعد از خواندن
سوره ها است و در نسخه منقول شده
است که وقت اصابع مفتوح خواندن
کبیر کرده اند

در خواص آیهٔ مبارکهٔ آیة الکرسی

ا ا د ل ل ه ل م د ص ل ا و عدد وسیط که عدد اصل اسما است دویست و سی و یکی است و عدد تکبیر بطریق شیخ مغرب دو نوبت بصلوات و مؤخر یکهزار و صد چهل و چهار و نزد بعضی سه نوبت و سید العلماء سی نوبت و سید العلماء از عشرات و احاد میگیرند و اگر باز بقراءت سید مجموع را اعتبار میکنند و از احاد را اعتبار نمی‌کنند و عدد کبیر مغربان بیست و سه هزار و صد و ده عدد است بنوعی که حروف ملفوظ تکبیر میکنند و در شرح اسم الله شیخ فرموده است که آیة الکرسی آیتی است بس معظم و مکرم که زبان بیان از وصف عظمت او قاصر است و آن آیهٔ کریمه را خواص بسیار مشاهده کرده اند اول از جهت ازدیاد دولت و سعادت و حشمت و بزرگی و دفع اعداء و غالب آمدن بر خصما و رسیدن بجاه و نجات یافتن از بلاها و هر حاجت که داود و ذکر کند و بعد از هر فریضه باین کیفیت خواند که در وقت او از هر وقتی یک عدد بگیرد و ابتدا از انگشت خورد دست راست و عقد آخر انگشت بزرگ دست چپ و در ما بین عینین که یشفع عنده است هر حاجت که دارد در دل بکند و اندک طلب حاجت خود کند و در ما بین که یعلم ما بین ایدیهم است دفع اعداء و مقهور شدن ایشان جمع و خاطر او و چون آیهٔ کریمه تمام کند سه نوبت سورهٔ الم نشرح و سه نوبت سورهٔ اخلاص و سه نوبت صلوات فرستد بجانب آسمان و هر عقد یک بار سورهٔ فاتحة الکتاب بخواند و باد بر و کف دست دمد

طریق عمل کند بطرز است و در بعضی کتابها طریق اول را تا چهل روز ذکر کرده اند و بجهت قضای حاجات تخلف ندارد و مواضع وقف از این قرار است اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۱ اَلْحَیُّ الْقَیُّوْمُ ۲ لَا تَاْخُذُهٗ سِنَةٌ وَّلَا نَوْمٌ ۳ لَهٗ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ ۴ مَنْ ذَا الَّذِیْ یَشْفَعُ عِنْدَهٗ اِلَّا بِاِذْنِهٖ ۵ یَعْلَمُ مَا بَیْنَ اَیْدِیْهِمْ ۶ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا یُحِیْطُوْنَ بِشَیْءٍ مِّنْ عِلْمِهٖ اِلَّا بِمَا شَآءَ ۷ وَسِعَ کُرْسِیُّهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ ۸ وَلَا یَئُوْدُهٗ حِفْظُهُمَا ۹ وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ ۱۰ از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست هر که دائما پیش آید و در آن عاجز ماند باید غسل کند بنیت از هم

در خواص آیة الکرسی

وبر تمام اعضا برساند و چون این دو کند هر حاجت که دارد بروی
مقرون باجابت گردد و از بزرگواری این آیت یکی آنست که ابتدا بالله
وختم باسم العلی العظیم میشود و شارحان اسماء ربانی گفته اند که
اگر فی المثل گدائی که در تباش هرگز بزرگی نبوده باشد و خواهد
که بسلطنت رسد و امور ملکی بوی تفویض کنند باید که دوازده روز
ترک جوالی کند و روزه دارد و افطار بحلال کند و هر روز غسل کند
و جامهٔ پاک در پوشد و از اول غسل سخن نکند تا بعد از آنکه دو رکعت نماز
بگذارد و همچنان بر روی سجاده هزار بار آیة الکرسی بخواند چون در ایام
مذکوره این شرط قیام نماید بصدق پاک البته مراد یابد و مقصود حاصل
گردد و آنچه خواهد بدان رسد و از شک نباید آورد در مغرب قصهٔ
سلطنت صالح شبان چنین بود و قصه طولی دارد مناسب این نسخه نبود
اهل تحقیق گویند که هر که را توفیق رفیق گردد که هر روز هزار بار
بگوید الله خدای او را از اصحاب یقین گرداند و این اسم مناسب
کسانی است که مبتکر اند و هنوز بدرجهٔ کمال نرسیده اند و عدد
این اسم شصت و شش است و اگر کسی را طلب جاه و بزرگی باشد و آنچه
در شرف زحل بر اطلس سرخ شش در شش درج کند با حروف اسم خود
و در تاج محفوظ سازد و اگر شرف زحل زود میسر نگردد چون در خانهٔ
خود باشد قمر را با وی نظر باشد و از مخصوصات منفصل و باسعود

وآیة الکرسی را بخوانند بطریقه
وقف مذکور و دمبادو عین
تنفع عنکم از تمام آنجا طلب
بکند و آنکه بموجب دلخواه
او برآید و هر زمان که در آنکه
مستجاب است و اگر دشمن ضعیف داشته
باشد بر تنبت مغلوب شدن او
شروع در ختم نماید تا چند روز که
متوالی بخوانند و دمبادو عین تعلیم
ما بین آید هم دشمن را نظر در آورد
البته از دشمن بی شک مغلوب گردد
و گفته اند که استعمال از جمله مجربات است
ایضا بزرگان و اکابر گفته اند
اگر کسی بعد نام هو بخوانند بعدد افتوما
بر دو او گشوده گردد و سعادت باو
رو نماید و فقر و فاقه از او دور گردد
و اگر از برای مجلس شرعی بعد از اسم
طالب و مطلوب بخوانند شود انجیب
ایضا در نسخهٔ ملا احمد شد
که اگر کسی را

در شرح و خواص لفظ جلاله

متصل دم نهد همین خواص دهد و طریق مربع نا این است و مثال
نموده شود الله محمد ال ل ه م ح م د و این هشت حرف را بنطق
در مربع شش در شش می باید نهاد و روش این است که از هر ضلع
اسمی حاصل شود و در وقت نوشتن بخور بسوزد و در جای پاک
بخصوص دل نویسد تا خواص بسیار بیند و در پیش بزرگان با حرمت بود

و مربع این است

ال	ل	ه	م	ح	د
ح	م	د	ال	ه	ل
م	د	ل	ح	ال	ه
د	ح	م	ه	ل	ال
ه	ال	ح	ل	د	م
ل	ه	ال	د	م	ح

و یکی از بزرگان صاحب
و در این اسماء
چنین فرموده اند
که هر که خواهد صاحب
صدق و یقین گردد

و از عالم غیب انواع فتوحات ظاهری و باطنی متواتر بوی نازل
گردد هر روز بعد از فراغ از فریضه صبح هزار بار این اسماء را
باین نوع بخواند یا الله یا هو و عدد این اسماء نود و نه است
موافق با نود و نه نام باری تعالی و بزرگی فرموده که هر که نیم شب با
طهارت کامل رو باسمان کند و نود و نه بار این اسم را بگوید مستجاب
الدعوه گردد و چشمه های معرفت از دل وی سر بر زند و از علوم لدنی
با نصیب گردد و اگر این دو اسم را با نام خود عدد گیرد و در شرف زهره

مهمی باشد و خواهد که زود کفایت
گردد بصحرائی رود که در آن درختی
نباشد و خطی در گرد خود بکشد
و رو بقبله بتواضع بنشیند و هفتاد
بار آیة الکرسی را تا و هو العلی
العظیم بخواند بی شک در همان
روز حاجت او برآورده شود و در
آن نسخه نوشته بود هذا مجرب
و مؤثر و لا شک و لا ریب فیه

ختم سوره مبارکه انعام

روایت شده که هر که خواهد روزی
بر وی فراخ گردد و حاجت او روا شود
شب پنجشنبه یا روز جمعه یا شب جمعه
رو بقبله کند اول سوره فاتحه را
بخواند و بعد شروع کند بخواندن
سوره انعام تا آیه مثل ما اوتی
رسل الله پس بلا فاصله بر خیزد
و دو رکعت نماز کند و در هر رکعت
هفت بار سوره حمد و هفت مرتبه
آیة الکرسی

در شرح کلمهٔ عالم الغیب والشهادة

در مربع پنج در پنج اعداد بنهد طریق این است که از جملهٔ عدد شصت
طرح کند و باقی بر پنج قسمت کند و یک قسم را در خانهٔ اول نهد و
اگر کسر داشته باشد بدست آورد که نمودیم درج کند مقبول القول گردد
و مخلقان زهره مسخر وی گردند دارندهٔ این مربع را از عالم غیب
فتوحات رسد دایم خوش دل و خرم گذراند و در هیچ مجلس رسوا نگردد
و هر چه خواند یاد گیرد و این مربع را خواص بسیار است مثلاً اگر
محمد را خواستیم با این اسم عدد گیریم عدد مجموع صد و نود و یک شد
شصت عدد طرح کردیم صد و سی و یک باقی ماند بر پنج قسمت کردیم
قسمتی بیست و شش شد کسر یکی عدد ماند در خانهٔ بیست و یکم اضافت
کردیم و اگر کسر دو باشد یکی در خانهٔ شانزدهم اضافت کنند و اگر سه باشد
در خانهٔ پانزدهم اضافت کنند و اگر چهار باشد یکی در خانهٔ ششم
اضافت کنند چون تمام کنند معطر ساخته در پیچد با خود دارنده
نیت ادای قرض و حصول حاجت دنیا و آخرت و برآمدن مرادات کلی و جزئی

۱ ۲۶	۲۰ ۵۱	۱۹ ۴۴	۱۳ ۳۸	۷ ۴۲
۱۴ ۳۹	۸ ۳۳	۲ ۲۷	۲۱ ۴۷	۲۰ ۴۵
۲۲ ۴۸	۱۶ ۴۱	۱۵ ۴۰	۹ ۳۴	۳ ۲۸
۸۰ ۳۵	۴ ۲۹	۲۳ ۴۹	۱۷ ۴۲	۱۱ ۳۶
۱۸ ۴۳	۱۲ ۳۷	۶ ۳۱	۵ ۳۰	۲۴ ۵۰

اما باید که هر روز کمتر از
نود و نه بار نخواند و شکل
این است و برکتی فرموده
که هر که هر روز صد بار
بخواند هو الله الذی

و هفت بار سورهٔ انا اعطینا را
بخوانند و چون فارغ شود هان بخو
و بقبله از بسم الله الرحمن الرحیم
حبب تحصیل رسالت تا آخر سورهٔ
بخوانند و بعد بجملهٔ مقابل
بگوید لا اله الا الله محمد رسول
الله انگاه حاجت خود را بخواهد
که بعد تحقیق خدا برآورده خواهد شد
خمسه سوم صبا سه هو
بجهت حاجتی بزرگ
مرادها حاصل کرده و انشاء الله
خمسه سوم و ۵ صاد
عظیمی و مهلک خطر بعایش آید
از علاج آن عاجز مانده باید که صد
بار سورهٔ ذاریات بخواند
چهل بار ابتدا سورهٔ
بخواند و بجز جهت ضرورت اکل و شرب
و نماز از جای بر نخیزد از آن ورطه
خلاص شود و هیچ مکروهی باو نرسد
خمسه سوم نبی اسرائیل
بجهت هر

شرح کلمهٔ عالم الغیب والشهادة

لا اله الا هو و بدین مداومت نماید حق تعالی او را از اهل یقین
گرداند و بمقام اهل تحقیق و در جا اهل توحید سد اینه خواهد او
کشف شود و اگر بعد از وظیفه صباح بیست نوبت بر هفت صورت طایفی
خواند و بناشتا بکودک کند هر چه هدیه بخورد تر فهم گردد تا بیست روز
پیوسته چنین کند البته فهم چنان شود که هر چه بخواند یاد گیرد
و هرگز فراموش نکند اگر مربع پنج دینی که ذکر او کردیم در شرف
زهره بنویسد بر آن کودک بند البته او را عقل و ادراک بمراتبی
که اهل عالم متحیر او گردند شیخ فرموده اند که هر که با خلوص و
اعتقاد تمام بعد از نماز بامداد صد بار بگوید عالم الغیب والشهادة
خدای تعالی او را از اهل یقین گرداند و از اصحاب کشف شود
چنانکه اسرار عالم صورت و معنی بر او روشن گردد و مشکلات کلی
و جزئی از قادری این اسما بگشاید و در هر کاری که شروع کند فتح
پیدا و از مقصد بهره مند گردد و شیخ گفته که هر که نوزده روز بعد
اصل اسماء یک بار بخواند و عدد اصل اسما هزار و نهصد و سی و یک
است کشف قبور او را حاصل شود و مطلع شود بر نیکی و بدی تمام
اهل گور و شیخ گفته که بعد کبیر مسیر شود که در نوزده
روز هر شبانه روزی بعد کبیر بخواند بر مخفیات و دفاین عالم
مطلع گردد بر تمام معادن که خزانه خداوند است عالم شود و عدد کبیر

صعب مشکلی که او را درد دهد و
حاجت و مطلبی که داشته باشد
هفت مرتبه بلا فاصله تلاوت
نماید البته مهم او کفایت گردد
ختم سورهٔ طاهر که بخوانند و
دو تا او برساند زمانی که گمان نداشته
باشد نزد طلوع فجر صادق بگرسنه
این سوره را تلاوت نماید روزی
تازه دارد روزی او را مشغول دهد
از برای او فهم گردد و دشمنان غالب
آید ختم سورهٔ مریم که بیاد کردن
هر که را بوده باشد از برای او وضو
وضو بگیرد بنیت قضای حاجت و
دعا و تلاوت قرآن و بعد تا حضور
قلب صد بار صلوات بفرستد و شروع
در خواندن سوره نماید و حاجت را
در سه موضع خاطر بگذراند و از
خداوند بخواهد یکی بعد از امام
عیسی و یکی بعد از ذکریا و یکی بعد از

در شرح کلمهٔ عالم الغیب والشهادة

عدد تکبیر است و عدد تکبیر موضع صد و موخر چهار هزار و هشتصد
سی و دو و هم شیخ فرموده است که اگر میسر شود که در نوزده روز ترک
خوبی کند و انزوا اختیار کند و در ایام مذکور بعدد کبیر مسبب تکرار
کند و عود و صندل بخور نماید و دهمین خواندن سه عدد تکبیر کبیر چهل و
چهار هزار و چهار صد و نود و شش است کشف غریب حاصل شود و عالمیان
مسخر وی گردند و حکام زمان وی محتاج بمشورت وی گردند و او را
باطن بمرتبه شود که از مشرق عالم تا مغرب الی ما شاء الله بروی مکشوف
شود و بر احوال عالم مطلع گردد و عزل و نصب سلاطین را بگوید و امور
غریبه و وادست هذا ما باید که در آن ایام تقوی رعایت کند و صائم
باشد و افطار بحلال کند و سخن کم گوید و خلوت گزیند چون مرادات
و مقاصد حاصل شود تقوی لازم او است و دیگر آنکه حکمت هر چیز
بداند و خواص اشیاء بروی ظاهر گردد الرحمن یعنی بخشاینده جمیع
مخلوقات و عالمی فرموده اند که هر کس بدین اسم مداومت نماید و بعد
از هر نماز فریضه صد بار بخواند خداوند تبارک و تعالی او را پاک گرداند
از ظلمت و غفلت و فراموشی حضرت سلطان اولیا و برهان اتقیا تاج
الاصفیا سلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام در شرح اسما چنین
فرموده که هر که بعد از هر نماز دویست و نود و هشت بار بگوید جمله مخلوقات
او را دوست دارند و دشمنان بروی مهربان گردند و اهل تحقیق گویند

دعوت

سلام قولا من رب رحیم و چون
بایه سلام برسد و را بسی چهار بار
یا چهارده بار یا هفت بار مکرر کند
و چون از سوره فارغ شود بگوید
سبحان الفتاح عن کل محزون
سبحان المخلص عن کل مدیون
سبحان المنفس عن کل مکنون
سبحان العالم عن کل مکنون
سبحان من جعل خزائنه بین الکاف
والنون سبحان من اذا اراد شیئا
ان یقول له کن فیکون فسبحان
الذی بیده ملکوت کل شیء و الیه
ترجعون پس بگوید اللهم افتح
ابواب رحمتک و ابواب خزائن
بجود سوره یس و تفضلک و کرمک
یا ارحم الراحمین پس صد بار بگوید
یا مفتح لهم فتح و بعضی گفته
اند که در آیه و جمیع لدینا محضرون
نیز حاجت بقاضی حاجت عرض
نماید و قدرت خود را در

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الرحمن

دعوات این اسم مناسب کسانی است که صاحب کرم باشند و از ایشان نفع بنگارند
رسد و شیخ ابراهیم در شرح خود فرموده که هر که را مهمی باشد و عاجز
گردد از تدبیر آن باید که روز جمعه بعد از نماز عصر هیچ وردی
مشغول نگردد و هیچ سخن نگوید و با حضور دل متوجه قبله این هر دو اسم
تکرار میکند یا الله یا رحمن تا زمانیکه آفتاب فرو رود و بعد از آن
سر بسجده نهد و حاجت خواهد البته حاجت وی روا گردد و شیخ ابن
نعیم را از خواجه ایاس یافته در کفایت مهمات مسلمانان شرح این اسم
بسیار است و بزرگی فرموده هم در این معنی که چه مشکلات عزیزه و
امور کلیه بعد از نماز عصر روز جمعه متوجه قبله بود بسم الله
الرحمن الرحیم قیام نماید چون بانگ نماز شام بشنود روی بر سجده حاجات
نهد حاجت خواهد تا مؤذن اذان تمام کند روی و دستها بر داشته
صلوات فرستد مؤمنین و مؤمنات را فراموش نکند و آمرزش
خواهد برای هر مهمه که باین وردها دوام نماید مرادات حاصل شود
از بزرگی اسماء و هم بزرگی فرموده که از استاد خود چنین یاد دارم که
هیچ اسمی از اسماء خدای تعالی بزرگوارتر از این سه اسم نیست زیرا که
اگر بزرگتر بودی مقدم بر کلام خود و در اول هر سوره مکتوب
گشتی و حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله در فضیلت این سه نام
فرموده اند که من قال بسم الله الرحمن الرحیم مرة لم یبق من ذنوبه

اجابت مشاهده نماید و قسم دیگر
آنکه سوره را بخواند چون بآخر
رسد هفتاد مرتبه تکرار کند و
مطلب را از خداوند خود بخواهد
که مجرب است طریقهٔ دیگر آنکه
از روز جمعه شروع کند تا روز پنجشنبه
و هر روز سیصد بار بخواند که در عرض
یک هفته بیست و یکبار خوانده شود
و هر روز بعد از فراغ دعا یا ذا
محل به عند الکاره را از صحیفه
سجادیه بخواند و اگر بتواند در یک
مجلس بیست و یکمرتبه سوره را بخواند
و بعد از آن نیز دعا را بخواند از
برای مراد و مطلبی مجرب است
لکن بجهت وسعت رزق و وسعهٔ دار
معیشت در روز پنجشنبه بخواند و جهت
دفع دشمن سه شنبه و جهت دفع
و عزت روز یکشنبه بخواند
ختم شد حمد رحمان از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الرحمن

ذرّهٔ راوی این حدیث عبدالله بن مسعود است که حضرت رسالت پناه فرموده اند که هر که یکبار بگوید این سه اسم را باقی نماند از گناهان آن بقدر ذرّه و هم شیخ فرموده که هر که بجهت فتح کارها و محفوظ بودن از بلاها و ایمن بودن از مکر شیطان در مربع چهار در چهار باین طریق بنویسد با خود دارد اما اگر در شرف آفتاب بنویسد با

۱۹۶	۱۹۹	۲۰۲	۱۸۹
۲۰۱	۱۹۰	۱۹۵	۲۰۰
۱۹۱	۲۰۴	۱۹۷	۱۹۴
۱۹۸	۱۹۳	۱۹۲	۲۰۳

الرحیم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحیم	الرحمن
بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحمن	الرحیم	بسم	الله

ساعات مسعود خواص عظیم دارد و هر کس این مربع را با خود دارد و ورد کند هر روز هفتصد و هشتاد و شش نوبت تکرار کند هر طلبی که خواهد تواند گشودن و همه مشکلات بر وی آسان گردد و بعد از فراغ این باید که یکصد سی و دو نوبت صلوات بر محمد و آل محمد فرستد مستجاب الدعوه گردد و روزی بر وی گشاده گردد و صفای باطن او را حاصل گردد و هیچ کاری بر وی مشکل نگردد و فتوحات بوی رسد از برکت این اسما و دارنده این مربع باید که دایم با طهارت باشد و معطر ساخته با خود دارد و عزیز دارد که گناهان صغیره و کبیره قاری را محو

کنند

منقول است که هر که این سوره را جهت کفایت مهمات و مغلوب نا رنجور شدن مهمات او بود و کاتب شود و اگر این سوره را کسی بنویسد با خود دارد شب بود و بر ایمن باشد در نظر خلق با هیبت بود و مردم او را دوست دارند

خمسه سوره اخفا

القرآن وارد است که هر که در مهلکه گرفتار شود این سوره سه مرتبه بخواند خلاصی یابد انشاء الله خمسه سوره والعصر و انصر ما توفیق هر که این سوره را بجهت برآمدن حاجات بنویسد و بخواند حاجت او بزودی برآید و امید خمسه سوره و اعلم ازدواج و طلاق و مزید مال و معیشت و سعت و مال از برای مزید و بودن مرجع شمال و مزید عقول و افکار از کیفیت این نبوی که عقول و افکار از کیفیت آن عاجز باشد مداومت کردن باین چهار سوره انشاء الله مذکوره

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الرحمن

کنند این جمع را خواص بسیار دانند و شیخ فرموده که هر آینه و هر غا
که در اول ان اللهم یا الله باشد ان باجابت نزدیکتر است و از
دعوات ان زود تر مقصود باید و جهت بزرگی و حکومت و عزت و طلب جا
و دوستی آدم در اعمال و الفت ها و فراخی روزی و هر آنکه دارد ورد
ساخته هر روز هزار و یک نوبت بخواند الله لطیف بعباده یرزق
من یشاء و هو القوی العزیز آنچه مقصود او باشد بزود تر از آنکه
گمان دارد بوی رسد و اگر برای ادای قرض و خلاصی از حبس و رسیدن
بعمل که از او معزول شده باشد و طلب حرمت و دفع دشمن قوی با
نیت گردانیدن لشکری از گرد شهر که محاصره کرده باشند شش روز
هر روز سه هزار و سیصد و سی نوبت بخواند و این عدد را جهت محاصره
و خلاصی از حبس و جمعیت تمام خواندن اثر عظیم دارد و اگر کسی
این اسماء را در نگین عقیق یمنی نقش کند یا خود دارد خواص بسیار
بیند و خاصیت اول آنکه بر دشمنان غالب آید در نظر خلق
عزیز بود و در پیش همه کس شرمنده نشود و از مفاجا ایمن بود پس
این تسمیه را از اسم اعظم ترتیب فرموده اند و در این لوح درج کرده اند
و خواص کلی دارد اول الله دوم رحمن سوم رحیم و شیخ فرموده اند
که در معنی این اسم الرحمن الرحیم فرق نیست زیرا که رحیم بخشاینده
یک معنی دارد هر که رحیم است بخشاینده است و بخشایش از رحیم است

در سبیل استمرار و اگر یک روز
فوت شود سبب قضا نماید و این عمل
مجرب و از مجربات حقیر است و علیک
بالتجربه چنانچه مداومت کردن
سوره والذاریات در همه روز
موجب ثروت و دولت بیشمار
سوره فاتحه اگر کسی خواهد که در
دولت و نعمت بروی گشاده گردد و
ابواب خیر بر او مفتوح شود هر روز
سه مرتبه با وضو و بقبله یا بر مثل
متصل بهم بخواند و از خدا و تبجوا هد
مرزوق خواهد شد
ختم سوره اذا وقعة اگر زرگر
توسعه در امر معیشت اثر غریب دارد
و از جمله مجربات است که تخلف ندارد
باید ابتدا از شب شنبه کند و هر شب
سه دفعه بخواند و شب جمعه هشت بار
بخواند تا مدت نه هفته همین نحو
معمول دارد و قبل از شروع عدد سوره
در هر شب این دعا را بخواند

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الرحیم

الرحیم یعنی مهربان بر بندگان شیخی فرموده که هر که هر روز
صد نوبت این اسم را بخواند حضرت رحیم او را مهربان و مشفق گرداند با
خلق و خلق را با او و این دولت عظیم است در دو جهان و دعوت این اسم مناسب
کسانی است که مضطرب احوال باشند در مهمّ و کار خود فرو مانده
باشند و یکی از بزرگان فرموده است که هر که خواهد دعوت اسمی کند از
اسماء الهی باید که اوّل شرایط آن امر عمل دارد و شرط در خواندن آنست که
چون شروع کند پیش از آن چهل روز تهوّی و غایت کند و ماکول و ملبوس
از حلال ترتیب دهد بزیارت بزرگان و ائمه اقدام نماید و فحش نگوید
و با احتیاج کلّی نبود در میان خلق نباشد و سخن نگوید و آنچه تواند صدقه
دهد و اگر میسّر شود هر روز غسل کند و دایم با وضو باشد و جامه‌ها
پاک پوشد و بوی‌های خوش با خود دارد و کنار آبهای روان بسیار رود
و اغلب ایام شریف صائم باشد و بزیارت والدین خود بسیار رود و
اگر در حجره باشند ایشان را عزیز دارد و همّت خواهد بشمار بعدد
کبیر خواند و عدد کبیر در خواندن اسماء عدد تکبیر است و اگر بعدد تکبیر
میسّر نشود زیادت از هزار بار هم دعوت کبیر گویند و دو نفر از آگاهان
فرموده‌اند که هر که چهل شبانه روز هر شب پانصد و پانصد
نوبت این اسم را بخواند جمیع مخلوقات از پرندگان و غیره بر او انس گیرند
و حکّام و سلاطین مطیع و فرمانبردار وی گردند و مقاصد اهل عالم

الاحمد ان تعانی فاسعا
خلا الا تنبا من غیر الله و اسجد
دعوتی من غیر رد و اعوذ بك
من فتنة القبر و الفتن و الآفات
ادفع عنی هذین یحق الآفات
السبطین محمد و الحسین بر
با ارحم الراحمین اضاطر
دعا آنکه ابتدا از شب پنجشنبه کند
و شب و پنج بار بخواند و شب جمعه
یازده بار بخواند و باقی شبها دیگر
سی و پنج بار بخواند که در یک هفته
چهل و یک بار خوانده شده باشد
بعدد ایام هر شبه یکبار بخواند
انه هو ان کان رزقی فی السماء
فانزله و ان کان فی الارض فاخرجه
و ان کان بعیدا فقربه و ان کان قلیلا
فکثره و ان کان کثیرا فبارك لی فیه
یا ارحم الراحمین طه یس حم
محمد و علی علیه الرحمة

شرح کلمهٔ مبارکهٔ الرحمن

از حضرت شیخ الاجل علیه رحمه نقل کرده
اذا کان اول الشهر یوم الاثنین فابدأ
بقراءة سورة اذا وضعه الیوم الرابع
عشر کل یوم علی عدد الایام بحیث یقرء
یوم الرابع عشر اربعة عشر مرة وفی کل
خمیس اقرء الدخان مرة وهذا العمل
الختم لتوسعة الرزق وتسهیل الامور
المشکلة واداء الدیون بجرب عنی
مرات لیکم من الجهات السقیا
البشولا رخص قدرها ولا تبدل
مهرها والدعاء هذا یا واحد
یا ماجد یا جواد یا حلیم یا حنان
یا منان یا کریم اسئلک بحقه
من تحفاتک تلم بها شعثی و
تقضی بها دینی وتصلح بها
شأنی برحمتک یا ارحم الراحمین
ان کان رزقی فی السماء فانزله و
ان کان فی الارض فاخرجه وان کان
بعیدا فقربه وان کان قریبا فیسره
وان کان یسیرا فکثره

اندکانا و کفایت شود اما چون مراد حاصل شود نباید که دست از دعوت
بدارد و اگر بدان عدد نتواند خواند بعد از دعوت با نقل که میسر
گردد بخواند اما اگر هر روز از هزار بار زیادتر خواند بهره مند شود
و بزرگان گفته اند که تسخیر قلوب و ارواح را این اسم است و بزرگی
گفته که این دو اسم الرحمن الرحیم ذکر خایفان است و مناسب کسانی
است که در کلیهٔ امور مضطرب باشند و هر که در حین خوف و
فرو ماندگی و اضطراب و غم و حزن و شدت و گرفتاری در امور
امور دنیا بقرض یا حبس و غیره بدین اسماء مداومت نماید کسان
قاهر و شدید رحیم و مهربان او گردند و دعوت این اسماء در محل
اضطراب نه شبانه روز است هر شبانه روزی بعدد تکبیر معین
پانصد و پنجاه و هفت اگر خواهد بالف و لام تعریف خواند یا بی
تا هر دو مقبول است و اگر محل تقاضای آن نکند جمعی متفق
گشته بیک مجلس پنجاه هزار و یکصد و سی نوبت بخوانند آنچه
او در شبانه روز خواهد خواند و اگر اسمین عدد گرفته در
مربع چهار در چهار بنهند باین طریق و با خود دارد آن بلیه
بزودی رفع گردد و قاهر آن عالم مقهور او گردند و بر همه غالب
آید و مرحوم مخلوقات گردد و مغموم نماند و از بیماریها گونا
گون ایمن بود و مقبول القول گردد و ابواب فتح بروی گشاده شود

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الملک (۲۵)

وحامل این مربع رحفظ خداوند تبارک وتعالی باشد مربع این است
الملک جل جلاله یعنی پادشاه فرمان روا بر جمیع مخلوقات هر که
خواهد که دعوی این اسم کند باید که بحقیقت حق تعالی را بزرگ داند و
هرچه طلب کند از وی خواهد و طمع از مخلوقات قطع کند و همه را چون
خود فقیر و حقیر و محتاج تا الله تعالی او را از ملک ملکوت بهره مند گرداند
و بزرگان گفته اند که ذاکر این اسم محتاج نگردد و حضرت امام علی موسی
الرضا علیه السلام فرموده اند که هر که هر روز نوبت این اسم را تکرار کند از
خلق بی نیاز گردد و دولت دنیا و آخرت بیابد شخصی از شیخ جلال الدین
محمود چشتی که صاحب گلشن راز است سؤال کرد که شیخنا اسماء الله را
خواص فرموده اند و لوح و عدد تعیین کرده اند مگر اسم الملک الکبیر را
شیخ فرمود که نخواستم عوام را بر خاصیت آن اطلاع افتد که سبب وبال
ایشان گردد و اکنون خواص در رنج نداشتند فرمود که هر کس بدعوت
اسم یا ملک مداومت نماید و شرایط مذکوره بجای آورد روز شبانه
دو روز نه هزار بار تکرار کند بمرتبهٔ سلطنت و پادشاهی رسد و این
نسبت بهمت فارغ کس باشد که پادشاهی در عالم معنی خواهد و کس
باشد که دعا لم صورت و خواص الکبیر در محل خود شمه بیاید ان شاء الله تعالی
و مربع الملک این است **القدوس** جل جلاله یعنی پاک از همه عیب و
نقصانی حضرت امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام فرموده اند هر که

م	ی	ح	د
ح	ر	م	ی
ر	ح	ی	م
ی	م	د	ح

۶۴	۶۷	۷۰	۵۷
۶۹	۵۸	۶۳	۶۸
۵۹	۷۲	۶۵	۶۲
۶۶	۶۱	۶۰	۷۱

وان کان
کثیرا فبارک لی فیه و
وارسله علی یا حیا حلقات
والا فخوجی الی شیا حلقات
وانه یکن

ك	ل	م	يا
م	يا	ك	ل
يا	م	ل	ك
ل	ك	يا	م

۲۲	۲۵	۲۸	۱۵
۲۷	۱۶	۲۱	۲۶
۱۷	۳۰	۲۳	۲۰
۲۴	۱۹	۱۸	۲۹

درج کلمهٔ مبارکهٔ القدوس السلام

ق	د	و	س
و	س	ق	د
س	و	د	ق
د	ق	س	و

۳۵	۴۸	۴۵	۴۲
۴۶	۴۱	۳۶	۴۷
۴۰	۴۳	۵۰	۳۷
۴۹	۳۸	۳۹	۴۴

اللهم انی اسئلک بکونک قکونه
تنقله الی حیث اکون ولا
علی کل شیء قدیر یا رحیم یا غنی
صل علی محمد و

س	ل	ا	م
ا	م	س	ل
م	ا	ل	س
ل	س	م	ا

۲۵	۳۹	۳۵	۳۲
۳۶	۳۱	۲۶	۳۸
۳۰	۳۳	۴۱	۲۷
۴۰	۲۸	۲۹	۳۴

هر روز بوقت زوال یکصد هفتاد بار بگوید لا اوصافی کردد و از شر
نفس و وسوسهٔ شیطان امان یابد و یکی از بزرگان فرموده که ذاکر این
اسم را باطن پاک و مصفی گردد از کدورات قلب و نفاق و اهل تحقیق
گویند که هر که هر روز یکصد یازده مرتبه بخواند از بیمار ظاهر و باطن
صحت یابد و هر که روز جمعه بر یک لقمه نان نویسد سبوح قدوس
رب الملائکة والروح و بخورد صفت ملائکه پیدا کند و مربع
القدوس این است **السلام** یعنی پاک و بی عیب از نکوهش و نقایص
حضرت امام هشتم علیه السلام فرموده اند که هر که یکصد سی و پنج نوبت
بر سر بیمار خواند بنیت صحت آن بیمار از رنج خلاص شود و اگر یکصد
هجده نوبت بر شربتی خواند و بدشمن دهد تا بخورد مهربان گردد و اهل
تحقیق گویند هر که خواهد احصای این اسم کند اول خود را مقصر
داند و هر روز این اسم را یکصد یازده نوبت بخواند خداوند عالم
دل او را از بیماری در امان دارد و در دار السلام در آورد و عدد این
این اسم صد سی و یکی است و عدد دیگر صد شصت و دو و اگر مربع باین
طریق وضع کند با خود دارد از جمیع مرض و علل چون جذام و برص و
انواع بلیه ایمن باشد از برکت این اسم و مربع **السلام** این است
المؤمن یعنی راست کننده وعده های خویش حضرت امام هشتم
علیه السلام فرموده اند هر که این اسم را بر نقره نقش کند دایم با طهارت

شرح کلمهٔ مبارکهٔ المؤمن

نگاهدارد از شر شیطان ایمن گردد و دشمنان بروی ظفر نیابند و
ایمان بسلامت برد و اهل طریقت گویند هر که هر روز صد و شصت و
هفت نوبت بگوید خدای تعالی او را از مکر و وسوسهٔ ظاهری و باطنی
محفوظ دارد و خصم بر او قادر نباشد و یکی از اهل تحقیق گفته است
هر که بر خاتم نقرهٔ مربع بکشد بطریق تکسیر حروف المؤمن را نقش کند
در وقت و ساعت در حال کند بخورد بنوزد در ساعت سعد در انگشت
کند دایم با طهارت باشد معطر دارد ایمن بود از مکر مکاران و غمز
غمازان و طعن بدخواهان و بر خصم غالب آید و در نظر سلاطین و
حکام با هیبت نماید ظاهر و باطن او را حق تعالی محفوظ دارد از بلیه
و اگر بعد از آنکه خاتم در انگشت کند هر روز شصت و نود و شش
نوبت بخواند و اگر بعد تکسیر بخواند اثرش زیاده بود و عدد تکسیر این
اسم هزار و صد بیست و نه است و مربع المؤمن این است المهیمن
یعنی خدا آگاه است بر جمیع نهانها و آشکارا حضرت امام هشتم علیه السلام
فرموده هر کس که بعد از غسل صد نوبت بگوید بر باطنها مشرف گردد
و یکی از مشایخ فرموده هر که را طلب اسرار باطن باشد در هوشیانه
روز و یکبار غسل کند بعد تکسیر که هزار و چهل عدد است هر روز بخواند
بعد از غسل پیش از آنکه سخن گوید تا مدت چهل روز یا هفتاد روز البته
بمقصود برسد بر قلوب خلایق مطلع گردد و باطن او را صفایی پیدا گردد

اَلْمُحَمَّدِ وَتَمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ
وَهَبْ لَنَا كَرَامَتَكَ وَالْبَسْنَا
عَافِيَتَكَ اَيْضاً تا چهل و دو
سورهٔ اذا وقعت فرمود و الیه
المرجع هر که بکتابت این ترتیب
بخواند بجهت رای دین و دفع
فقر و شدت زن و جهت دفع زموده است و بعد
بخواند نهاد سوره در هر روز اینها را
نیز بخواند یا رازق الناس یا ملجأ
الناکبین یا ولی المؤمنین یا غیاث
المستغیثین یا ارحم الراحمین صل علی
محمد و آل محمد و اکفنی بحلالک عن حرامک
و بطاعتک عن معصیتک و بفضلک عمن سواک

ن	م	و	م
و	م	ن	م
م	و	م	ن
م	ن	و	و

۳۳	۳۷	۴۰	۲۶
۳۹	۲۷	۳۲	۳۸
۲۸	۴۲	۳۵	۳۱
۳۶	۳۰	۲۹	۴۱

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المهیمن

که خود او متحیر گردد و صاحب باطن شود و دیگر او را فیوض متواتر گردد که مطلقاً نظر بظاهر نکند و بعد از اینکه این واقع شود و بمقصود برسد بعد از آن هر روز صد نوبت بخواند و بروش تکسیر بر خاتم نقرهٔ نقش کند و در انگشت کند تا دولت و صفا مدام بود و اگر پیش از دعوت نقش کند و در دست داشته باشد در حین خواندن در خاتم نگاه کند تا زودتر مراد برسد مرتبهٔ این است و اندولت میسر گردد و بمرتبهٔ عالی رسد و او را مراتب مشایخ و ذوق اهل تحقیق دست دهد که مستغنی از خلق گردد و لحظه لحظه حالت او زیاده شود از برکت و بزرگواری این اسم و خاتم و صورت لوح این است العزیز یعنی رحمند و بزرگواری و منزه از سود و زیان و کفر و ایمان حضرت امام هشتم علیه السلام فرموده اند که هر که هر روز چهل و یک نوبت بعد از نماز بامداد بگوید محتاج بخلق نگردد و هر که در نماز روز ایام بگوید در میان مردم عزیز و مکرم گردد و اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که با بندگان خدای تعالی بعزت و حرمت سلوک کند تا حضرت عزت او را در دنیا و آخرت عزیز دارد و دعوت این اسم مناسب کسانی است که در میان خلق عزت و حرمت خواهند و دولت و حکومت و بزرگی فرموده هر که مداومت نماید هر روز بعد از نماز صبح بعدد تکبیر که هفتصد و پنجاه است و بقول دیگر هشتصد سی و هشت عدد و قاری مخیر است بهر عدد که خواهد بخواند اما بعضی

کفته اند

م	ه	ی	م	ن
م	ن	م	ه	ی
ه	ی	م	ن	م
ن	م	ه	ی	م
ی	م	ن	م	ه

۲۸	۴۲	۳۹	۳۶
۴۰	۳۵	۲۹	۴۱
۳۴	۳۷	۴۴	۳۰
۴۳	۳۱	۳۳	۳۸

ختم سوره اناً فتحنا الا ایام جمعه بسیار خوب است در سبب این ختم بسیار رسیده اند بنا در روز شنبه بعد از هر نوبت یا بخواند و در جمعه تا ده مرتبه و بعد از هر نوبت سوره اذا جاء نصر الله بخواند چون چهل و یک بار تا چهل مرتبه بیست و یک بار و تمام شود دارد و فتح یا مسبب یا مفتح فتح یا فتاح سهل یا متمم یا میسر یا مسهل الواجبین ختم سوره حشر

بلا اله العالمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ العزة (۲۹)

گفته‌اند و متفقند بر اینکه بعد از عدد که تمام کند هر نو چند نوبت تا آنچه تواند بگوید یا معز اعزنی بعزتک یا عزیز و در اول و آخر اسم نقد که تواند صلوات فرستد و چند آیت از قرآن که شیخ خواص گفته مناسب این اسم که در این تسخیر در اوده بخواند اول العقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم هر که این آیت را در مربع چهار در چهار وضع کند در شرف آفتاب باین طریق و با خود دارد در نظر خلایق عزیز گردد و در چشم سلاطین با عزت و حرمت بود و مقبول القول گردد و تمام دشمنان او دوست گردند و با هر که مجادله نماید غالب گردد و وضع شریف او را عزیز دارند و مربع این است و اگر عدد این آیه که دو هزار و هشتصد و نود و هشت است در شرف آفتاب چهار در چهار نهد یا در شرف زهره وضع کند بدین مثال که نموده شد تخواص دهد که سلاطین مطیع وی گردند و اکابر و اشراف و تمام خلایق مسخر او شوند و خواص بسیار دارد و انمنسوبا آفتاب او را نفع دهد و چون مربع زهره با خود دارد دایم خوشحال گذراند و اصول و مقام و فهم و عقل دارنده این لوح را حاصل شود که مبصران عالم در نزد وی گنگ گردند و تیز فهمان جهان پیش وی نادانی معترف آیند و عقلای زمان در نظر دارند این لوح بعجز خود اقرار کنند و این هر سه لوح را مثال و روش نمودیم تا بر دوستان

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره حشر را از برای قضای حوایج و برآمدن مهمات و هر روز یکبار بخواند و امور او و اسباب او و کار او روح کبیر و زهره مایل و زهره شود

۲۳	۲۶	۲۹	۱۶
۲۸	۱۷	۲۲	۲۷
۱۸	۳۱	۲۴	۲۱
۲۵	۲۰	۱۹	۳۰

بالمؤمنین رؤف رحیم	عنتم حریص علیکم	انفسکم عزیز علیه ما	لقد جاءکم رسول من
انفسکم عزیز علیه ما	لقد جاءکم رسول من	بالمؤمنین رؤف رحیم	عنتم حریص علیکم
لقد جاءکم رسول من	انفسکم عزیز علیه ما	عنتم حریص علیکم	بالمؤمنین رؤف رحیم
عنتم حریص علیکم	بالمؤمنین رؤف رحیم	لقد جاءکم رسول من	انفسکم عزیز علیه ما

۷۲۴	۷۲۷	۷۳۰	۷۱۷
۷۲۹	۷۱۸	۷۲۳	۷۲۸
۷۱۹	۷۳۴	۷۲۵	۷۲۲
۷۲۶	۷۲۱	۷۲۰	۷۳۱

ز	ی	ز	ع
ز	ع	ز	ی
ع	ز	ی	ز
ی	ز	ع	ز

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ العزیز

مشکل نکرد اما باید که در وقت نوشتن عدد گرفتن با طهارت
باشد و بخور بسوزد و خود را ببوهای خوش معطر سازد و لوح را عزیز
دارد و بیشتر اوقات در تاج نهد اگر این آیه را با اسم عزیز عدد گیرد
و یا این روش در لوح بیخ درخت بر مس نقش کند در شرف زهره با نام
خود و نام هر کس که خواهد و هم در شرف آن لوح بکشد و با خود دارد
مثلا این عدد و عدد نام خود و عدد نام یکی از سلاطین یا حکام با نام
والدین مجموع حساب کند و مثال نمائیم آن لوح که شیخ از برای خود عمل
کرده بود تا بر دوستان مشکل نکرد و عدد آیهٔ کریمه یا عزیز نهصد و سی
بود و عدد نام صاحب شاه عبد المجید والدهٔ او دویست و سی و سه و سلطان
عصر والدهٔ او چهارصد و شصت و یک مجموع هزار و ششصد و بیست و
چهار میشود و از این جمله شصت کم کردیم هزار و پانصد و شصت و چهار
این ماند از آنچه هشتم کردیم قسمی میشد دوازده بود چهار عدد کسر
داشت این عدد را در لوح مس نقش کند و با خود دارد و یکی از اکابر گفت
من چنان کردم بخدمت سلطان حاضر شدند بنده را تعظیم و تکریمی
کرد که بوصف راست نشاید از مقام معهود بکذرانید مرا بر خود مقدم
نشانید و نوبت دیگر درس خواندن پیش گرفت نزد من جهت استاد تعظیم
کردی بحدی که چون در آمد مرا و برخاستی باستقبال روان شدی
و امرا او را منع کردند گفت استاد من است دیگر در لوح را در مرکذاشتم

که

این ختم را از سرگرد اکثر از اکابر علما
از عجرتا رشده اند ختم سوره حدید
بجهت تمام مطالب مهمه مجرب را زموده است
بدین طریق شب جمعه در جا خلوتی
رو بقبله بنشیند و یا وضو هفت
نوبت بی فاصله بخواند و بعد از آن
ابتدا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسئلک بعزتک یا عزیز
و بقدرتک یا قدیر و بحکمتک
یا حکیم و برحمتک یا رحمن و بمنک
یا منان ان تحفظنا بالایمان
قائما قاعدا راکعا و ساجدا تائما
و یقظة حیا و میتا و علی کل
حال اعوذ بالله من شر نفسی و من شر
کل ذی شر و من شر شیاطین الجن و الانس
ان ربی علی صراط مستقیم و صلی
الله علی محمد و آله اجمعین ختم
سوره مزمل هر که این سوره را نوشته
با خود دارد هر جا رود

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ العزّ

که شاید تعظیم کمتر کنند که از حدّ اعتدال گذشته بود یا وجود آن
همچنان متواضع و این از مجرّبات است و صورت لوح مس این است
و عجایب دیگر که از این لوح دیدم این بود که مجموع عوام اندیار هرگز
بیرون نمی‌آمدند از خانه چون بنده سلوک میشدم با جمیع مریدان ایشان
بر کنارهٔ بامها بر میآمدند و مناظره میکردند که شیخ عبد المجید
میگذرد و پیش از این لوح این نبود و من از این بجصو میشدم و قصد
کردم که آن لوح را بگذارم تا باشد که این شهرت کم شود و باز مدّاخله
آن نمودم که لبسی درجه و دقیقه در شرف زهره رعایت کرده بود
و اگر کسی را این میسّر شود خواص لبسها دیگر کسی بعد از
نماز صبح پیش از سخن گفتن ده نوبت این آیه را بخواند و باد بر دو
کف خود دمد و بر روی و تمامی اعضاء بمالد در آن روز هیچ بلائی
بوی نرسد و شیخ تمیمی در جواهر القرآن وده در شرح این آیات که
اگر فی المثل آسمان بر زمین آید که خوانندهٔ این آیه را هیچ آسیب
نرسد محفوظ باشد و در شرح کبیر قرآن شیخ احمد تمیمی گفته است
اگر کسی خواهد از جمیع آفات و عاهات سالم ماند باین آیه مداومت
کند **الجبّار** یعنی دارندهٔ خلقان بدان حضرت امام رضا علیه السلام
فرموده که باین نام هر مظلومی از ظلم ظالم محفوظ ماند و باز
فرموده اند که دعوت این اسم مناسب حال اکابر و اشراف است تا مملکت

۳۰۸	۳۲۱	۳۰۴	۳۱۷	۳۰۰
۳۰۱	۳۰۹	۳۲۲	۳۰۵	۳۱۳
۳۱۴	۳۰۲	۳۱۰	۳۱۸	۳۰۶
۳۰۷	۳۱۵	۲۹۸	۳۱۱	۳۱۹
۳۲۰	۳۰۳	۳۱۶	۲۹۹	۳۱۲

اورا فتح و ظفر نصیب شود و دشمنان را
زیر شود و در اجوبه نگشایند
حاصل شود اگر کسی چیزی گم کرده باشد
هر روز یکبار شود و مبالغه در اجوبه نماید
باشد سوده مبالغه در اسباب ترتیب بخورند
بیاشامند تحت مهبا شوند و اگر کسی را
فرزند نباشد و شوهر هر روز دو دانه دارند
وقت افطار و غسل کنند و هر روز از آن بخورند
اگر بخورند و اگر کسی قرضدار باشد و هیچ
حاصل شود و اگر کسی خارجی نداشته باشد سوده مبالغه در امداد
نماید باین بخور که بعد از هر نوبت
باین نوبت

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المتکبر

بر ایشان قرار گیرد و هر که از پادشاه ترسد در برابر روی او دوازده
نوبت بخواند از شر وی ایمن گردد و هر پادشاه که خواهد سلطنت
با او بماند و هیچ دشمن روی بوی نتواند کرد این اسم را مداومت نماید
و بعد از نماز بامداد دویست و شش بار بگوید همه کس از وی بترسد و
در چشم خلایق با هیبت باشد هر گاه بعد از مستحبات عشر بیست و
یک بار بگوید از شر شیطان ایمن بود و دعوات این اسم بعدد کبیر هزار و
یک بار و هزار و دویست و سه نوبت استماع صدمهٔ خرق و جهت تسلای
کودک این مربع را نویسد و در زیر پرنگیر کند اگر ناخودآرد از شر
جن و جباران ایمن باشد و از موذیات ضرری بوی نرسد و مربع
این است المتکبر یعنی ظاهر کننده بزرگواری خود بر همه
قاطع بر اهل آسمانها و زمین ها حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند
و عامه هم در این قول متفقند که هر که دلبر خوب بیش از صحبت
با حلال خود ده بار این اسم را بگوید خداوند سبحانه و تعالی او را فرزندی
صالح کرامت فرماید و شیخ فرموده که این اسم مناسب احوال ملوک
و سلاطین و کسانی است که طالب حشمت و دوام جاه و دوام دولت
و مظفر شدن بر اعدا باشند مداومت نمایند العزیز الجبار
المتکبر و طریق دعوات این اسما آنستکه در ساخته هر روز بعد
تکبیر یا بعد کبیر بخوانند بعد از طلوع صبح یا بعد از نماز صبح پیش از

بخواند او خلاص شود و اگر کسی را
درد اندام باشد سوره مزمل را
بر روغن بادام تلخ خوانده بر اندام
مریض بمالند صحت یابد و اگر کسی
دردی باشد این سوره را هر روز
تا چهل روز یک بار بخواند و
پیدا شود اگر کسی را سحر کرده باشند
روز یکشنبه سوره را بنویسند و
محو و بخورد دفع شود ایضا جهت
دفع همات یازده روز هر روز یازده
بار بعد از نماز بامداد بخواند هنوز
روی یازده تمام نشده باشد که مراد
حاصل گردد و در هر روز
یازده

ج	ب	ا	د
ا	د	ج	ب
د	ا	ب	ج
ب	ج	د	ا
۴۴	۵۷	۵۴	۵۱
۵۵	۵۰	۴۵	۵۶
۴۹	۵۲	۵۹	۴۶
۵۹	۴۷	۴۸	۵۳

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الخالق

سخن گفتن با طهارت متوجه قبله بهر عدد که خواهد خواه با الف و
لام تعریف و خواه بیاء ندا و عدد تکسیر مع صد و مؤخر هشتاد و
یا نصد و سی است و این اسم مرکب از ده حرف است سوای حروف
مکرر در شرف مشتری با تثلیث و تسدیس زهره و مشتری در لوح
دوره بحروف وضع کنند و با خود دارند بر کاغذ مهره زده بر تاج نگاه
دارند عزیز و مکرم گردد بطریقی که وصف نتوان کرد و مربع کبیر این است
الخالق یعنی آفریدگار هر چیز بر تعداد و اندازه که شاید
و اهل حقیقت گویند هر که در شب این اسم را بسیار گوید حق سبحانه
و تعالی فرشته خلق کند تا در قیامت عبادت میکند و ثواب آنرا
در نامهٔ عمل آن بنده ثبت میکنند و حضرت امام علیه السلام فرموده اند
هر که صنعتی یا کار نازکی یا خط منسوب پیدا از خلل آن متوهم است یا
کاری که تعلق بسلاطین دارد و از فساد آن میترسد باید که این اسم را
در مربع چهار در چهار بحروف تکسیر نوشته با خود دارد و هر صباح صد
بار این اسم را بگوید کار او بدلخواه او شود و از آن شغل و عمل نیکو بهما
بیند و هر کس که مداومت نماید بعدد کبیر یا بعدد تکسیر شیخ فرموده که
حق تعالی ظاهر و باطن او را بنور عنایت خود منور گرداند و او را از
جملهٔ مقبولان درگاه خویش گرداند و مخلوقات او را دوست دارند
از برکت این مربع مداومت این اسم متاکسانی است که ایشانرا اولاد

۱۶۵	۱۶۸	۱۷۱	۱۵۸
۱۷۰	۱۵۹	۱۶۴	۱۶۹
۱۶۰	۱۷۳	۱۶۶	۱۶۳
۱۶۷	۱۶۲	۱۶۱	۱۷۲

سر مشتری و تثلیث و تسدیس زهره و مشتری

ر	ب	ك	ت	م
ك	ث	م	ر	ب
م	ر	ب	ك	ث
ب	ك	ت	م	ر
ث	م	ب	ر	ك

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الباری

واتباع فرزند کم باشد و دعوت کبیر این اسم نزد بعضی زیکهزار
زیاده است و نزد بعضی زبزرگان دو هزار و سیصد و هشتاد و شش است
و اگر صد و زبا بعد بخواند او را بود باطن صاف و دل خرم و بسیار
از مشکلها که حضرت عزت بر دست او آسان گرداند و بهر کاری که رو
آورد از دست او برآید خدای تعالی او را بر سر قوم سرور گرداند و کامکار
سازد و اگر صنعتی دارد در آن کار یگانهٔ عصر شود و از خلق نیز مستغنی
گردد اما باید که باطهارت باشد و مربع یا خود دارد خوص بیابند
و مربع این است **الباری** یعنی آفرینندهٔ هر چیز بصنعتی خاصیتی اهل
تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که با خلق باری
تعالی مهربان و متواضع باشد تا حضرت حق تعالی خلق را محکوم و منقاد
وی گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که هر جمعه صد بار
این اسم را بگوید حق تعالی در قبر او را تنها نگذارد و مونسی فرستد اهل
تحقیق گویند هر که یک هفته هر روز با بعد خواند خداوند جل جلاله
فرشته را خلق کند که تا روز قیامت با او مونس کند و شیخ فرموده که این
اسم الرب الخالق الباری ذکر کسانی است که محتاج باشند بمربی و مرشدی
که راه نماید ایشان را و طالب حقیقت باشند و شیخ جلال الدین چنین
گوید هر روز پانزده نوبت این اسمها را بخواند لطف خدای تعالی در دنیا و
آخرت هم قرین حال او باشد و رفیق روزگار او گردد و در قبر مونس او و در حشر

ممد او

چهارده مرتبه بدون کم و زیاد شنبه
اثنا فحتا یکشنبه پس دوشنبه اثنا
و قه سه شنبه اوحی چهارشنبه قل
اوحی پنجشنبه تبارک جمعه الکه
مطلب بوده است **سخر شوره**
منقول است که هر که سوره حمل بالا
دوازده ماده و دوازده مرتبه بخواند
مجموع صد و دو مرتبه شود
از نگاه مطلب مرتبه شود

ق	ل	ا	خ
ا	خ	ق	ل
خ	ا	ل	ق
ل	ق	خ	ا

۱۸۲	۱۸۵	۱۸۹	۱۵۷
۱۸۸	۱۷۶	۱۸۱	۱۸۶
۱۷۷	۱۹۱	۱۸۳	۱۸۰
۱۸۴	۱۷۹	۷۸	۱۹۰

بخوانند و هر حاجتی که داشته باشد
استجابت شود و اجابت موزون
من بعد الله تعالی

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المصوّر (۳۵)

ب	ا	ر	ی
ر	ی	ب	ا
ی	ر	ا	ب
ا	ب	ر	ی

۶۹	۸۲	۷۹	۷۶
۸۰	۷۵	۷۰	۸۱
۷۴	۷۷	۸۴	۷۱
۸۳	۷۲	۷۳	۷۸

م	ص	ق	ر
ق	ر	م	ص
ر	ق	ص	م
ص	م	ر	ق

۸۹	۱۰۲	۹۹	۹۶
۱۰۰	۹۵	۹۰	۱۰۱
۹۴	۹۷	۱۰۴	۹۱
۱۰۳	۹۲	۹۳	۹۸

ممدّ او باشد مربع بیست المصوّر یعنی تصویر کنندهٔ هر چیزی بصورت مخصوص و شکلی که بدان ممتاز گردند از یکدیگر و حضرت امام علیه السلام فرموده اند هر زن عقیم که طالب فرزند باشد باید که هفت روز روزه دارد و در وقت افطار بیست و یک نوبت صلوات بر دل بخواند و بر آب دمد و بیاشامد حقتعالی او را اولاد صالح کرامت فرماید اگر زن و شوهر هر دو روزه دارند بهتر باشد و نیز بزرگی فرموده که هر که طالب فصاحت و بلاغت و شعر گفتن و دانستن طلاقت لسان بود بذکر این اسم بعد تکبیر مع صد و مؤخر بخواند سرآمد و زکار گردد و عدد تکبیر این اسم دو هزار و هشتاد و است باید که چون بمقصود رسد باینعدد نوبت خواند هر روز سیصد سی و شش نوبت بخواند ترک نکند تا دولتش مستدام بود و مقصود حاصل باشد مربع این است الغفار یعنی پوشاننده زشتیها و معایب بندگان از انواع گناه و تقصیر حضرت امام رضا علیه السلام فرموده که هر که بعد از نماز جمعه دو سازد و صد نوبت بگوید یا غفار اغفر لی ذنوبی از جملهٔ مغفور گردد و حقتعالی پردهٔ او را اندر بعضی خوانده اند باینعدد و بزرگان فرموده اند بطریق تکسیر معرب بی خاتم عقیق نقش کرده در دست دارند اولیا را در او نظر خفیه واقع شود و او را دوست دارند و بیکدیگر نمایند و در حق وی دعا خیر کنند و اگر آن خاتم را با خود بقبر برد از عذاب ایمن بود اما طریق معرب بیان دو نوع است و عامل مجرب است

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الفها و الوها

ق	ه	ا	د
ا	د	ق	ه
د	ا	ه	ق
ه	ق	د	ا

۶۹	۸۲	۷۹	۷۶
۸۰	۷۵	۷۰	۸۱
۷۴	۷۷	۸۴	۷۱
۸۳	۷۲	۷۳	۷۸

غ	ف	ا	د
ا	د	غ	ف
د	ا	ف	غ
ف	غ	د	ا

۳۱۲	۳۲۸	۳۲۲	۳۱۹
۳۲۳	۳۱۸	۳۱۳	۳۲۲
۳۱۴	۳۲۰	۳۳۰	۳۱۴
۳۲۹	۳۱۵	۳۱۶	۳۲۱

امّا نوع خر افضل است از اوّل و مربّع این است **الفها** یعنی شکننده
گردنِ هر گردنکشی با انواع رنج و خواری اهل حقیقت گویند هر که بر ماند
این اسم را بگوید محبّت دنیا از دلِ او برود و حضرت امام رضا علیه السّلام
فرموده اند هر کس که این اسم البسیا بگوید خدا تعالی غم و رنج و محبّت دنیا
از دلِ وی برداد و در نفس خود غالب آید و هر که مبادی فرض و سنّت نماز جمعه
بنیّت قهر دشمن صد بار بخواند خصمان وی مقهور شوند و صفا باطن او
حاصل آید و در مغیبی بر او گشاده گردد و مربّع اینست **الوها** یعنی بخشاینده
با انواع عطاها و نعمت ظاهری و باطنی بندگان بغرض هر که بعد نماز
پیشین سر بسجده نهد و هفت نوبت این اسم را بگوید از خلق مستغنی گردد
و حضرت امام علیه السّلام فرموده اند که این اسمی است بغایت پر خاصیت و
سیر الاجابة و خواص او بیش از آنست که بشرح راست و صاحبان دعوت
این اسم فرموده اند که از بزرگواری این اسم هر که دعا کند باین طریق
که بعد از فراغ از نماز دستها را بردارد و هفت نوبت این اسم را بگوید
و حاجت خود را بلیّه سمای او مستجاب گردد و خداوند مقاصد او را
محصول شوند و اهل تحقیق گویند هر که در شبانروز هزار و سی
پنج بار بگوید یا وهّاب یا ذا الطول روزی بر وی فراخ گردد و اگر
مداومت نماید باین اسم از جائی که گمان نداشته باشد روزی او برسد
و دیوی از وی بگریزند و شیخ فرموده هر کسی که ماهی پیش آید یا مرادی

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الوهاب

میطلبد یا دوست خصمی گرفتار باشد در روز بروز بیشتر باشد یا اجل
خود عزل شده باشد یا دنیا خواهد یا حکومت در اعلی مرتبه یا دفع دشمن
یا تمنای دوست و هر مراد که داشته باشد شب در نیمه شب برخیزد و
وضو سازد و دو رکعت نماز حاجت بگذارد در مسجد یا در خانه رو و سر
برهنه کند و دستها بلند بردارد صد نوبت این اسم بگوید حاجت عرض
کند حق سبحانه و تعالی حاجت او را روا کند شیخ فرموده که هر که چهل
روز هر روز بعد تکبیر عوت این اسم کند بحضور دل و معده را خالی دارد
آنچه خواهد بیابد بیشتر عدد تکبیر ضمیر یکصد هفتاد پنج است و عدد
کبیر هزار و چهار صد هشتاد چهار است و بجهت حصول مراد و مقهور شدن
عدو و ادای قرض و وسعت رزق حلال و خوشنودی خدای تعالی و خوشحالی
و فرح و برکت عمر و قوه باصره مربع شاد این اسم را بطریق شیخ و با خود

۳۷	۳۷۴	۳۷۷	۳۶۳
۳۷۶	۳۶۴	۳۶۹	۳۷۵
۳۶۵	۳۷۹	۳۷۲	۳۶۸
۳۷۳	۳۶۷	۳۶۶	۳۷۸

ب	ا	ه	و
ه	و	ب	ا
و	ه	ا	ب
ا	ب	و	ه

دارد نقل است که از جهت ادای قرض و وسعت رزق و دوام دنیای
و توانگری دو رکعت نماز در روز جمعه یا پنجشنبه بگذارد و روزه باشد
و انرو پیش از نماز صد صلوات فرستد و بطریقت که دارد شروع در نماز

کند

تا چهل شب هر شب چهل نوبت فرخوانی
و هفت نام باید و ما الاحد من ذکر
کند سوره را تمام کند و دعا
انی غیاث الغیاث و کثیر ما الاسد عجیب
نفعی غیاث دارد که عقول از کیفیت
اسم و در خیم مراعات قوی احد
مناهجی با شبکات شطا اشعاعی
کبیر بلی زم و اشد ناشد سوره الباب
نبود لیو باید نباشد کرد
انضا بزرگ کشد اند که هر
شب یک دو سوره و اللیل و سوره الشمس
سال هفت منبر خواند و سی منبه
باید بسم الله الرحمن الرحیم تبارک الله
رب العالمین و لا حول و لا قوة
بالله العلی العظیم و صلی الله علی
باشد حاصل کرد و بعضی
انشاء الله انضا در بعضی
رسید که هر کس ثالث نباشد
نماز عشا هفت منبر سوره والشمس و هفت
سوره و اللیل و هفت نام
سوره

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الوهاب

کند و در هر کمت بعد از فاتحه پانزده بار آیة الکرسی بیست و پنج
نوبت قل هو الله احد بعد از نماز چهل و یکبار نوبت یا وهاب
بگوید جهد کند که از اول نماز تا اتمام تسبیح نماز سخن نگوید و
بعد از فراغ از نماز دو اسم را کند که البته مستجاب الدعوه گردد
این را تجربه کرده اند و مجربست و این اسم که چهارده عدد است و مربع
وضع نتوان کرد اما اگر کسی خواهد که جهت حصول مراد و وسعت رزق
حلال و مقهور شدن عدو و خوشحالی و فرح و برکت عمر و قوت باصره
و خوش روی خدا تعالی جل جلاله مربع سازد این اسم را عدد گیرد و
اسم خود را نیز عدد گیرد از مجموع سی کم کند و باقی را بچهار قسم
کند و در مربع بطریق شش وضع کند مثلا اسم یا وهاب بیست و
پنج عدد است و اسم محمد نود و دو است مجموع صد و هفده بود سی عدد
طرح کردیم هشتاد و هفت باقی ماند بچهار قسمت کردیم بیست و
یک شد کسر ماند بدین طریق وضع تا آسان باشد مربع این است

۲۹	۳۲	۳۵	۲۱
۳۴	۲۲	۳۸	۳۳
۲۳	۳۷	۳۰	۲۷
۳۱	۲۶	۲۴	۳۶

الرزاق یعنی روزی دهنده
هر روزی خواری بدان قدر که غایت
او باشد این نامی است که فرشتها
بر کشته ها خوانند و از برکت این اسم
دانه در خوشه ها پیدا شود و بر هر دانه نامی نوشته است که رزق

قل یا ایها الکافرون و هفت مرتبه
سورهٔ اخلاص و هفت بار سورهٔ
معوذتین هر یک هفت بار بخواند
بعد از آن بگوید هفت بار اللهم
انجحلی و هفت بار اللهم
بخواند و شب اول یا دوم یا سوم یا چهارم
یا پنجم یا ششم یا بیست یا یازدهم اگر
باجابت رسد خلاص و نقضای دو شرط
دعوت است ختم شوهٔ و الضحی
هر که چهار مرتبه بلا فاصله بدون
تکلم دو رکعت نماز بخواند
لیلاً مبتدا مثلاً شب جمعه و امثال آن
بخواند هر مرتبه الا بسته حاجتش بر آورده
است ختم شوهٔ مفاتح
در شب خواندن محتاج را که بر آورده
طلاق هر که بیست مرتبه یا اوای فرض
بیست و یک بار بخواند نافع و مجربست
جهت وسعت رزق و زیادتی رزق
و رزق او پیدا شود ختم صلی الله علیه
جهت دفع مشکلات و کفایت مهمات
بر بجای صد هشت بار بخواند
حاجتش روا شود

کیست پس اهل تحقیق گویند که هر که احصاء این اسم کند باید که طعام
و شراب از بندهای خدا دریغ ندارد و غم روزی نخورد و اهل طریقت
گویند هر که چهار طرف خانهٔ خود در هر یکی صد بار بگوید این اسم را
بپای ندا فقر و درویشی را راه در آن خانه نباشد و دعوت این اسم
مناسب کسانی است که تنگ روزی و درویش حال باشند اربع مربع را
با خود دارند و بعد تکبیر تا بعد تکبیر مداومت نمایند هر درویش
از صبح و باد باطراف خود و جوانب عالم دمند توانگر گردند و دنیا
بیشی و درویشی در آن خانه و عدد تکبیر این اسم هزار و هشتصد
چهل و پنج است و هر که چهل روز هر روز چهار عدد تکبیر بخواند
خدای تعالی چنان دنیائی کرامت فرماید که صفت نتوان کردن و
توانگر گردد و چهار عدد تکبیر هفت هزار و ششصد و هشتاد نوبت
است و اگر هر روز باین عدد نتواند بخواند باید که در چهل شبانه
روز چهل هزار و چهار هزار و هفتصد نوبت بخواند و در
آخر مربع بر نقره نقش کند و با خود دارد و چون اربعین تمام شود
دو رکعت نماز قبول ختم و استجابت دعا یکذارد و دعا کند و صد
بدهد بچه تواند خدای تعالی نعمت بجناب باوارزانی فرماید
انشاء الله تعالی و مربع مذکور در صفحهٔ بعد مشرح جمعه شود

الفتاح یعنی گشاینده هر کار بسته هر که خواهد حاجت

شرح کلمهٔ مبارکهٔ الفتاح

د	ذ	ا	ق
ا	ق	ر	ز
ق	ا	ز	ر
ز	ر	ق	ا

۷۶	۸۲	۸۸	۶۲
۸۶	۶۴	۷۴	۸۴
۶۶	۹۲	۷۸	۷۲
۸	۷۰	۶۸	۹۰

این اسم کنند باید که کار و بستگی که او را پیش آید رو باستانهٔ مفتح الأبواب آورد و بداند که ابواب رحمت او دایم گشاده است حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که هر روز بعد از نماز صبح هفتاد و هفت نوبت بگوید و دست بر سینه فرود آورد زنگ غفلت از دل او برود و بهر کاری که او را از پیش برآرد و یکی از اکابر گوید هر که هجده شبانه روز هشتهزار و هفتصد و نود و سه نوبت بخواند که سه عدد تکبیر است او را فتحی واقع شود که هرگز قبض و بسط نه بیند و در باطن او را از عالم غیب فتوح متواتر رسد و چندان صفای باطن یابد که مطلق روی از دنیا نیابد اما باید که از قرائت این اسم باز نماند و بعد از این دولت هر روز پانصد نوبت کمتر نگوید و شرح این اسم جای دیگر خواهد آمد مربع در صفحهٔ بعد است

العلیم یعنی خدای دانا در ازل بر همه بوینها انیتک و بدنا ابد اهل حقیقت گویند هر که خواهد حصا این اسم کند باید که

نوبت بعد از آن هفت بار فاتحه را بخواند و صد صلوات بفرستد ضامن که سه روز نگذرد که مراد حاصل گردد بجهت وسعت رزق هر روز بعد از نماز صبح و شام سورهٔ الم نشرح را بخواند نافع است

ختم روحانی حل یا ایها الکافرون در کتاب بقرة الدلیل از حضرت رسول مروی است که هر کس تا مدت یک سال بعد از نماز صبح روز جمعه قبل از طلوع آفتاب این سوره را بخواند و صد بار صلوات بفرستد باین طریق اللهم صل علی النبی الامی محمد و آله و سلم هر مراد و مقصد که داشته باشد بیابد و هر آرزو خواهد شد راوی گوید من تجربه کردم **ختم روحانی** انا انزلناه بجهت وسعت رزق هر روز در دفعه بعد از نماز صبح بخواند و قدرت حق را مشاهده نماید و از جمله مجربات است

ایضاً بعضی از علما و اهل دعا گفته اند که اگر این سوره را برای هر حاجت مطلبی سیصد و شصت مرتبه بخواند

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الفتاح

خداوند را عالم السر والخفیات داند بحقیقت و خود را در نزد
هیچکس دانا اعتبار نکند و متواضع باشد تا عالم علام او را بر عاوم

ف	ث	ا	ح
ا	ح	ف	ث
ح	ا	ث	ف
ث	ف	ح	ا

۱۱۴	۱۳۸	۱۲۵	۱۲۲
۱۲۶	۱۲۱	۱۱۵	۱۲۷
۱۲۰	۱۲۳	۱۳۰	۱۱۶
۱۲۹	۱۱۷	۱۱۹	۱۲۴

عالم گردانند حضرت امام رضا علیه السلام فرمایند هر که این اسم را
در دل خود بسیار گذراند از علم لدنی بهره مند گردد و اگر خواهد
که از امر پنهان آگاه شود سه شب متعاقب وضو ساز دو دو رکعت
نماز بگذارد و بعد از نماز صد و پنجاه نوبت این اسم را با وضو بخواند
و صلوات بگوید تا در خواب شود از عالم غیب ندا مرید نمایند و اگر
این مربع را در ساعت بنویسد با خود دارد و بعد از نماز در شبهای
جمعه صد بار صلوات فرستد و بعد از آن بعد تکبیر که چهار صد
پنجاه نوبت است بخواند مع صد و مؤخر یا فاتحای هزار و هفتصد
بیت و یکبار روی یای ندا و صد و مؤخر سی و هفت نوبت بخواند و با
صد بار صلوات فرستد انگار چنان ساخته گردد که خود قاری در
آن متحیر ماند و صفای باطن و ظاهر در او حاصل گردد و اگر همین لوح را
در خاتم نقش کند و در انگشت دارد در محل دعوت در لوح نگاه میکند

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ القابض

زود اثر میکند مرادات او بخوبی و وجهی متبرک در اهل حقیقت گویند
این اسمی است که کودکان از برکت این اسم گویا و دانا گردند و صاحب
دعوت این اسم را خدا تعالی معرفت کرامت فرماید انشاء الله مربع این است

ع	ل	ی	م
ی	م	ع	ل
م	ی	ل	ع
ل	ع	م	ی

۳۰	۴۳	۴۰	۳۷
۴۱	۳۶	۳۱	۴۲
۳۵	۳۸	۳۵	۳۲
۴۴	۳۳	۳۴	۳۹

القابض یعنی خدا پاک کننده است خواهد بعلم و حکمت خویش
حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که را دشمنی قوی باشد
و از او ترسد این اسم را سه شب هر شب بنیت و هزار بار بخواند البته
آن دشمن دوست گردد یا هلاک گردد یا آواره شود اهل حقیقت گویند
هر که چهل روز این اسم را بر چهل لقمه نان نویسد و بنا شتا بخورد خدا
تعالی او را از خوف جوع و عذاب قبر ایمن گرداند و این عمل مناسب
کسانی است که اول نسلوک در آمده باشند و این اسمی است که ملک
الموت بقوت این اسم جان بندگان قبض میکند عوت این اسم بقول
جمعی از اکابر از جهت دفع دشمن صد تکبیر است و عدد تکبیر دو هزار و
هفتصد و نه است مع صد و مؤخر پنجهزار و چهار صد و دوازده است
و بقول مغربیان دو هزار و هفتصد و نه است مع صد و مؤخر پنجهزار و

عبارت بخواند از خدا تعالی حاجت را
بخواهد البته آن حاجت روا شود
و اگر این سوره را بر کلاب بخوانند
عذر از آن در چشم کشد روشنائی
چشم زیاد شود و اگر این سوره را بر
چشمی خوانند که رمد داشته باشد
یا مرض بکر شفا یابد البته **ختم**
سوره تکاثر از برای هر مطلبی از
خیر خاصه مفعول است که دویست و
پنج بار در خلوت بخواند و بخور
خوش نماید بعد از آن هزار بار صلوات
بفرستد که انشاء الله بر آورده است
ختم سوره مجادله بجهت غلبه
کردن بر دشمن سه بار زبر مشت خالی بخواند
و بطرف دشمن اندازد مقهور گردد
اگر بیمار خواند شفا خوشی و دلتنگی
و اگر بخواند از سوره مداومت نماید
از هر ذی شری ایمن گردد و اگر میان
اینها غله یکدانه از هر موی در مفسده
ایمن باشد **ختم سوره طاعون**
اگر که بخواهد فوت

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الباسط

چهارصد و هجده است اگر بعد مغربها خوانده دوازده روز مداومت
نماید بنیت هر که خواند اگر از آهن و سنگ بود چون از پر بگدازد
و لوح مربع این است الباسط جل جلاله بغیر خدا فراخ کنده

ق	ا	ب	ض	۲۱۸	۱۳۲	۲۲۸	۲۲۵
ب	ض	ق	ا	۲۲۹	۲۲۴	۲۱۹	۲۳۱
ض	ب	ا	ق	۲۲۳	۲۲۶	۲۳۴	۲۲۰
ا	ق	ض	ب	۲۳۲	۲۲۱	۲۲۲	۲۲۷

اینچه خواهد بحکمت خویش اهل حقیقت گویند هر که خواهد حضرت
این اسم کند باید که طعام و شراب از بندگان خدا بتعالی دریغ ندارد
تا حضرت باسط او را بسط کرداند و همیشه خرم و خوشدل باشد
هر غمزده را که نظر بروی افتد اندهش بفرح مبدل کردد و این نامی است
که میکائیل بار انهار را ببرکت آن نام میفرستد حضرت امام رضا
علیه السلام فرموده اند هر که در سحرگاه باطهارت در رشت شب دارد
و ده بار بگوید یا باسط و در روی خود فرو آورد هرگز مغموم و مقبوض
نشود دعوت این اسم مناسب کسی است که تنگدست باشد یا بلای قحط
مبتلا باشد دعوت این اسم بقولی آنست که سه شبانه روز ده عدد تکبیر
بخواند و عدد تکبیر این اسم دویست و شانزده است مع صد و مؤخر
چهارصد سی و دو عدد است و در این سه شبانه روز یکهزار و دویست و

دیگر چهل روز با این شرط خواند
و محتاج نگردد خواننده او در
حفظ و حمایت خداوند باشد و در
دیگر خمسین مرتبه مطالب دنیوی
برآید و بجهت دفع آکومعیت بروی
باید بخواند و بعد از دو روز
مثل باشد بعد از دو روز
او سیم کرده خمسین مرتبه الباسط
اگر کسی این سوره را بنویسد و حامل آن شود
او را شود و حامل آن از خوف این گردد
و اسباب و سعت رزق بجهت او آماده
و اگر بعد اسم مبارک علی علیه السلام بخواند
که این سوره در شان او نازل شده است
و روزی او بر سیم حضرت حبیب الله
که این سوره را بنویسد باشد
که گمان نماید از جهت فتوحات عظیم
آن است که از شب جمعه تا روز
شب و شنبه تا یازده شب هر شب
این سوره را بخواند و در هر مرتبه بعد از
اتمام سوره را بر آبها آن آب صفو
و زنجیر و اعضای دیگر
افعلو

در شرح کلمهٔ مباکهٔ البساط

بود و شش عدد میشود و اگر پیش از خواندن تواند این عدد را در مربع چهار
در چهار بر اطلس سفید کشد و در محل دعوت در پیش سجاده نهاده و در وی
نظر کند و بر نگین نقره بحروف تکسیر مغربی نقش کند و در دست دارد و در وقت
خواندن در خاتم نگاه کند خوشحال و توانگر گردد و هم بظاهر و هم بباطن و
در سر او انبساط باشد که سلاطین عصر در نزد او و نظر او خود نمایند بحسب
دنیا و آخرت کامل گردد و باندک دنیائی که او را باشد چندان اکرام و سخاوت
کند که اهل دنیا نتوانند کردن و نشاط و خرمی در باطن خود اندوهر مغمور
که با صاحب دعوت ملاقات کند مفرح و شادمان شود و مربعی که باید نقش
کند این است که کار او در زمان خلا بوگشاده شود و دیگر خود را غمگین نه بیند
اما باید که بعد از دعوت هر روز دویست و بیست و دو نوبت که عدد تکبیر است
بخواند و ترک نکند تا در آن حالت دایم بماند انشاء الله و مربع این است

۱۷	۲۳	۲۹	۳
۲۷	۵	۱۵	۲۵
۷	۱۳	۱۹	۱۳
۲۱	۱۱	۹	۳۱

ط	س	ا	ب
ا	ب	ط	س
ب	ا	س	ط
س	ط	ب	ا

الخافض یعنی فرود آورنده آنچه خواهد بعلم قدیم و قدرت بالغه
هرچه در اراده او بود و این نامی است که حضرت موسی و ابرهیم علیهما السلام
از برکت این اسم از خصمان نجات یافتند و مظفر گشتند هر که را خصم شیطان

بود

لعلکم تفلحون را بخواند و
پانزده بار صلوات بفرستد و بعد
سجده کند حاجت خود را
بخواهد که برآورده است ختم
سورهٔ فیل در بعضی کتب
مسطور است که هر که در شب
سه شنبه یا چهار شنبه این سوره را
بخواند بعد هر چیزی که در خود
این سوره است و هر دفعه که دو
بجانب دشمن کند و بر دشمن
هلاک شود و این سوره بیست و سه
کلمه و نود و هشت حرف است
باب دوم در حروف متعلقه
بکلمات قرآن و دعوات مأثوره
از ائمه طاهرین علیهم السلام از
شیخ بهاء الدین علیه الرحمه
نقل است که هر که را مهمی پیش
آید در جائیکه آبادی نبوده باشد
چهار خط بکشد و یک خط در
میان از چهار خط بکشد و آن را
قرعه مطلب حضرت رسول
فرموده و تصور

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحافض

بود دشمن قوی و دایم متوهم باشد خواهد که احصای این اسم
کند اول باید سه روز روزه دارد و افطار بهلال کند اندک
خورد و در این سه روز این اسم بی عدد میخواند و در چهارم روزه دارد
و بخلوت رود و دو رکعت نماز بگذارد و متوجه قبله برای دفع عدو
هفتاد هزار نوبت بخواند چون باتمام رسد بسجده هفتاد دفع
دشمن از خدا خواهد از شر شیطان ایمن گردد و عددی که هر روز برای
محافظت بدن احسن بود تعداد این است یکهزار و پانصد و هشتاد و
یک و اگر بر نگین نقش کرده بتکسیر شیخ در دست کند بر اعداء غالب آید
و اگر در شرف شمس بر خاتم نقره مربع چهار در چهار با این طریق که حروف
اسم را منقوش سازد و پادشاه در انگشت کند و یا بر صفحهٔ نقره
چهار در چهار نقش کند الحافض الرافع الرقیب الحفیظ و نام پادشاه
میان مربع با این طریق نوشته و این صفحه بر سر علم بسته بر لشکر
که دو آرند منهزم شوند و سپاهی که این صفحه در آن میان باشد
هر چند اندک باشند در نظر اعداء بسیار نمایند و مهیب باشند
عدو مغلوب گردد و اگر در جات و دفاتر شرف نگاه دارند در وقت
نقش از عجایب و غرایب این لوح دانند نیز چنان ماند شیخ مغرب گوید
بسیار بود که در لشکری همراه بودم و این صفحه با بند بود لشکر خصم
بی آنکه بر ما برآیند فرار مینمودند و قدوم مرا پادشاه بر خود مبارک

نماید و نظر در همان نقطه مبالغه
قبر فرض کرده بنماید و اشاع نماید و
دوازده هزار بار بگوید صلی الله
علیک یا رسول الله آن شود
شود و خوانندهٔ را حاجت
که لنت ذا نزاد و یا بعجز
لا اله الا الله از برای جمیع مطالب
و مقاصد مجرب و از دوره است
اثبات کرده یازده هزار بار بگوید
دوشنبه و دوازده هزار بار
همچنین تا روز جمعه شانزده هزار
بگوید که مجموع هشتاد و یکهزار
نوبت گفته شود مطلب برآورده است

بجهت عمل الاسان و دفع و عزت
و قبول خلق و انجاب دعا و شاهی
و دنیی خلایق بنا بدر انجوانند عدد کبیر
و سبب راست و علی و شیطان
هزار و سی و نه کریم بنا است لیب و القرآن
شصت و یکم ص و القرآن ذی الذکر
ن و القلم و ما یسطرون
ابراهیم و القرآن المجید
و بجهت ازاله کردن عدو
و ادای قرض

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحافظ

گرفته بودند بنده را معلوم بود که این از خواص آن لوح است
اگر کسی برای خود این لوح بنهاد و یا خود دارد در هیچ محل شرمنده
و خجل نشود و دایم مظفر و منصور بود و از عمل عزل نگردد و هر که
دارندهٔ این لوح را بدی نرسد اگر خواهند که بدی با او رسانند باز پس

خافض	رافع	رقیب	حفیظ	ا	ح	م	د
رقیب	حفیظ	خافض	رافع	م	د	ا	ح
حفیظ	رقیب	رافع	خافض	د	م	ح	ا
رافع	خافض	حفیظ	رقیب	ح	ا	د	م
خ	ا	ف	ض	۴۳۹	۷۴۵	۲۵۰	۲۴۷
ف	ض	خ	ا	۲۵۱	۲۴۶	۲۴۰	۲۴۴
ض	ف	ا	خ	۲۴۵	۲۴۸	۷۴۷	۲۴۱
ا	خ	ض	ف	۷۴۶	۲۴۲	۲۴۴	۲۴۹

راجع شود و خواص این لوح بسیار است و اگر در بیان او بکوشیم بطول
می انجامد مختصر کردیم و اگر اسم حامل چهار حرفی باشد و مکروه نداشته
باشد بنظر تو که اسم حمد نوشته شد و وضع کند الرافع یعنی دارنده
آنچه خواهد از مرتبهٔ سفل باعلا درجه و رفعت این نامی است که اسمها
ببرکت این نام بیشتر ایستاده و پادشاهان را مملکت از برکت و بزرگی

وشفا بیابد و حصول حاجات کلیه و طلب
بندگی و توانگری سه هزار و سیصد و
سی و سه بار بخواند اگر ممکن باشد و
بلکه بجلس والابهر منسم که تواند
فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین
جهت حصول حوائج و هلاک دشمن و
دفع خوف و عقد اللسان جمله خصما
هزار و یکبار بخواند بحرمت انا نحن
نزلنا الذکر و انا له لحافظون
جهت وسعت رزق و طلب جاه و منصب
بزرگی و محبت سلاطین و عقد اللسان
امرا و وزرا به یکبار بخواند الله اللطیف
بعباده یرزق من یشاء و هو القوی
العزیز ایضا بحرمت ادای قرض و برآمدن
حاجات و خلاصی از حبس و دفع دشمنان
و اندوه باید پنج روز هزار بار بگوید
بخواند و اگر زیاده خواند اولی است
دعای شاید که حضرت رسول در جنگ
بخواند چون زکاری در مانده هزار
مرتبه بگوید تا خالص یا مخلص یا خلاص
ایاک نعبد و ایاک نستعین
خلاص گردد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الرافع

این اسم سید است و اهل تحقیق گویند هر که خواهد حصار اسم
رافع کند اول باید انقدر که تواند از آزار خلق خدا تعالی بردارد
تا حضرت رافع رایت ولایت او را فراز دشمنی طریقت گوید هر که بیست
یا بیست و دو اسم رافع را صد نوبت بخواند و بر این مداومت نماید خصمای او را
ببرکت این اسم از خلق برگزیند و عزیز و مکرم گرداند بدهد و را توانگری
و آنچه خواهد دعوت این اسم مناسب اهل جاه است در دنیا چون این اسم را
در سادات عمل و دلت مستقیم ماند و روز بروز زیاده گردد و چون دعوت
این اسم گوید هر که صد بیست و شش بار روزی نه عدد تکسیر که عدد نه هزار و
چهار صد و هفتاد و هفت میشود بخواند یک عدد تکسیر مع صد و مؤخر هزار و هشتصد و
شصت و شش میشود و نه عدد تکسیر مع صد مؤخر شانزده هزار و هفتصد و
نود و چهار و اگر میسر شود که در این ایام باینعدد بخواند یا ده از آنکه مذکور شده
خواص خواهد بدهد چون مداومت نماید در این ایام باینعدد بخواند یا ده از
آنکه مذکور شد خواص خواهد بدهد چون مداومت نماید در این ایام باینعدد
بیابد مرتبهٔ علا و جاه و نعمت کامل در صوت و معنی که میسر نشود هر روز یک
عدد تکسیر که یکهزار و پنجاه و سه عدد است بخواند همین عمل کند اما آن تعلق
بصنم و اعتقاد و جهد قادری دارد و لوح الرافع باینطریق بنویسد و در حین
خواندن دعوت نه عدد تکسیر بخواند و در آن لوح نگرد بر طلا نقش کند یا بر نقره
بر نقره و در آب نیم نظر خود در او و در آن بنگرد چون از خواندن فارغ شود لوح را با خود در آب در آن
بزرگ

مستقیم

تجربه است بجهت هر مطلب که
مرتب بگوید باید بیع مطلب بدو داده
خواهد شد در کتاب تحفة الدعوات
وارد است که بجهت ازالهٔ غم و اندوه
سه نوبت چهار دو هزار نوبت
بگوید سهل و آن بفضل تا غم
بزودی زایل گردد بجهت هر مطلب
مطلب از حضرت ماسمه باقی علیه
که هر که سه هفته این اسم را
در خود بنویسد و باین ترتیب
روز شنبه هزار بار بگوید باید
آن کاتبین روز یکشنبه هزار بار
آن حاجات دوشنبه هزار بار
حاشا سه هزار بار
ولا اله الا الله الملک الحق
هزار بار بار الله صلی علی
محمد و آل محمد بجهت ادای دین
هزار بار بگوید تا قوی تا غنی تا علی تا
وفی از برای ادای قرض روز
روز صد نوبت بخواند
بجهت

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المعز

مستقیم ماند و از زوال اندولت از برکت این لوح ایمن باشد لوح این است

۸۷	۹۰	۹۴	۸۰
۹۳	۸۱	۱۶	۹۱
۸۲	۹۶	۸۸	۸۵
۸۹	۱۴	۸۳	۹۵

ع	ف	ا	ر
ا	ر	ع	ف
ر	ا	ف	ع
ف	ع	ر	ا

المعز یعنی عزت دهندهٔ انرا که خواهد بعد از خواندن این نامی است که انبیا و اولیا از برکت این اسم بر ظالمان ظفر یافته اند اهل تحقیق فرموده اند هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که همه مخلوقات خدا تعالی را عزیز دارد خصوصاً متقیان را که عزیز کرده های خداوند که ان اکرمکم عند الله اتقیکم تا حضرت عزت نیز او را عزیز و مکرم دارد در دنیا و آخرت و شیخ گفته که هر که شبهای جمعه و دوشنبه صد و چهل یکنوبت میان نماز شام و خفتن بخواند حق سبحانه و تعالی خوف از دل او ببرد و او را شکوه و هیبتی در میان خلایق پیدا آید و مراد از خلایق حکام و سلاطین اند و اکابر و کارهای شیخ مغرب که صاحب دعوت این اسم است میگوید هر که طالب عزت و حرمت و جاه و بزرگی باشد در دین و دنیا باید که چهل و یک روز دعوات این اسم کند بطریق و شرایطی که مذکور شد در شرح اسم الرحیم و عدد تکبیر معز سیصد و چهارده است و یک عدد تکبیر مع صد و مؤخر ششصد و بیست و هشت و هفت عدد

یا حفی الالطاف بحقنا مما نخاف یا لطیف ادرکنی بلطفک الخفی اذ نرای حوائج و مرادات این نحو کلمه را سه هزار و بیست و سه بار بخواند بعد از طلوع صبح و قبل از طلوع آفتاب بعد از نماز فریضه و بوی خوش بکار برد یا کافی یا غنی یا معین یا فتاح یا رزاق **ختم** اللهم بارک و من بنور الله تا آخر برای وسعت معاش در روز پنجشنبه اول ماه شروع کند تا چهل و یک روز هر روز سیصد و پنجاه و نه مرتبه بخواند بدون تکلم که مجرب است و بعد از تمام هر آیه یکبار بگوید یا فتاح یا رزاق یا واسع **ایضاً** حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که بجهت زیادتی مال و رزق و اسباب معیشت و وسعت دنیا ابتدا از روز جمعه یا پنجشنبه یا دوشنبه غایبه چهل روز هر روز یکصد و پنجاه و نه مرتبه بخواند و طلب توانگری خواند بعد از نماز صبح باشد

درسر کلمهٔ مبارکهٔ المعز

تکبیر چهار هزار و سیصد نود و شش است و سه عدد تکبیر یکهزار و هشتصد و
هشتاد و چهار و با تقوی و صوم و عزلت باین نوع خواند یا معز یا عزیز
در هر شبی سه عدد تکبیر و در روز هفت عدد و در هر شبانه روزی در
آخر هر دعوت یکصد و چهل و یک نوبت باین نوع میگوید یا عزیز
یا معز اعزنی بعزتک و چون شرایط دعوت بدین منوال بجای آرد
او را حق تعالی او را عزیز دارد و بدهد او را رتبه که برگزیدگان جویند
عطا فرموده است که تسخیر قمر در این اسم است هر کس خواهد که تسخیر
قمر کند شرط دعوت آنست که ترک چلونات کند و کم خوردن عادت سازد
مدت پنجاه و دو روز در هر شبانه روزی یکصد نوبت بخواند و اغلب در شب
خواند و باید که در این مدت سخن کم گوید و از گفتار ما لا یعنی دور باشد
و تا ضرورت نباشد با مردم اختلاط نکند و چون مراد حاصل شود هر روز
هزار و دویست و شصت و سه نوبت کمتر نخواند و صاحب دعوت این اسم را بر
آفرو بعدد تکبیر یا حروف او را تکسیر نقش کند هر کدام که خواهد و اگر
هر دو را نقش کند خوبتر و نیکوتر بود و ما هر دو را مثال نمائیم تا بر عامل
دشوار نگردد و عددی که در مربع باید نهاد این است و مربع دیگر بدین نوع
نویسد و چون خاتم نقش کند در انگشت کند با طهارت باشد و شرایط
تقوی بجای آرد تا حق تعالی او را عزیز گرداند و از عالم غیب در دهاجر
جمعیت بر وی گشاده گردد و او را بوی توانگری در عالم صورت و معنی در میان

و وقتی ان باید تخلف نکند در روز
چهل یکصد و هشتاد بار بخواند که
تمام ان شهزار و سیصد هشتاد و باید
نوبت باشد موافق حاد ابد و باید
قبل از شروع عمل کند نماز و نصف باید
و دو رکعت نماز حاجت بکند و بعد
از نماز صد مرتبه صلوات بفرستد
بحق و از مقوه اشیا خواهیم
کرد ان شاء الله

ع	ز	م	یا
م	یا	ز	ع
یا	م	ع	ز
ع	ز	م	یا

۲۹	۳۲	۳۵	۲۱
۳۴	۲۲	۲۸	۳۳
۲۳	۳۷	۳۰	۲۷
۳۱	۲۶	۲۴	۳۶

۳۱۵	۳۲۱	۳۲۷	۳۰۰
۳۲۵	۳۰۲	۳۱۳	۳۲۳
۳۰۴	۳۳۱	۳۱۷	۳۱۱
۳۱۹	۳۰۹	۳۰۶	۳۲۹

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المعز

خلایق عزت و حرمت تمام او را بود و بر اعلاء نصرت و ظفر تمام یابد
و دشمنان وی مقهور گردند و هیچکس را بر وی حکم نباشد و مطلع گردانند
ایزد سبحانه و تعالی او را بر منسوبات قمر چون کانها نقره و دفاین عالم
و خزاین دنیا چندانکه صاحب عوت خواهد تصرف تواند کرد و علو
جاه او بلند گردد و تسخیر قلوب و زراء و اکابر در این مندرج است و صاحب
دعوت عجایب و غرایب خواهد دید و صف این اسم از حصر بشریت بیرون است
اگر خواهد که بالف و لام تعریف خواند در میان دعوت چند نوبت
بگوید یا عزیز یا معز اعزنی بعزتک و هر شب چهاردهم از دعوت
در خلوت پاکیزه یا در مقام شریف و بوی خوش بر آتش نهاده حاضر
وقت باشد و خاطر جمع دارد که وقت ظهور تجلی انوار اسماء است و ظهور
عجایب و غرایب است و محل نزول قمر یعنی ملائکه قمر بصورت خوب پیش
صاحب دعوت آید که در این ایام مذکور غسل بسیار کند و آب روان
یا در خانهٔ خلوت و حمام نرود و در این ایام جامه‌های سفید پوشد و شرایط
نگاه دارد و مربع این کریمه این است و شیخ مغربی گوید که اگر کسی تسخیر مهر
خواهد باید این مهر را بر چهار مثقال نقره نقش کند (تصویر مهر
در صفحهٔ مقابل نموده شده است) و شبهای چهاردهم ماه بخور بسیار
بسوزد و این مهر را بر بخور دارد و در پیش جای نماز خود بنهد و اسما
بخواند و در این مهر نظر کند که زود بمقصود واصل شود و این مهر را

بر صحیفه

بدیدم اوزا کفایت مهمات و بر
آمدن حاجات و دفع خصمان این کلمه
را هفتصد هفتاد بار بخواند که
مجلست کسی بعض و اکثر تواند
کلمهٔ جمعیت را با او ضم کند و هر
دو کلمه را هزار و پنجاه مرتبه در
این مجلس بخواند البته مراد بر
آید انشاء الله از برای مهمات
کلمهٔ خاصه از جهت خلاص از
حبس در شب جمعه بعد از نماز
و عشا دوازده هزار مرتبه در این
مجلس بر متکلم بخواند البته
آورده است

یا عزیز	یا معز	اعزنی	بعزتک
بعزتک	اعزنی	یا معز	یا عزیز
یا معز	یا عزیز	بعزتک	اعزنی
اعزنی	بعزتک	یا عزیز	یا معز

۲۰۲	۲۱۵	۲۱۲	۲۹۰
۲۱۳	۲۰۸	۲۰۳	۲۱۴
۲۰۷	۲۱۰	۲۱۷	۲۰۴
۲۱۶	۲۰۵	۲۰۶	۲۱۱

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المذلّ

بر حصول مقصود بنام هر کس که در آب اندازد یا در شیر بنویسد و بخورد او
دهد مطیع گردد و خطا ندارد باید که این مهر را از نظر زبان و
ناپاک پوشیده دارد و با بوهای خوش با خود دارد و مهر این است

المذلّ یعنی خوار و ذلیل گرداننده
که خواهد و حضرت رضا علیه السلام
فرمودند این نام است که مظلومان
از برکت این نام از ظالمان امان
یابند هر که خواهد احصای این اسم کند
باید اول خود را بر طریق شرع راست کند و امر خلاف شریعت
از او ظهور نیابد تا حضرت عزت دشمنان او را ذلیل و خوار گرداند
اهل طریقت گویند هر که را خصمی قوی باشد جابر و قهار و
ظالم و خائف باشد وضو سازد و دو رکعت نماز بگذارد و سر
بسجده نهد و هفتاد و پنج نوبت این اسم را بتضرع تمام بخواند
و از حق جل جلاله درخواهد خدای تعالی او را ایمن گرداند و
خصم او را خوار و ذلیل و از مرتبه که باشد معزول گرداند شیخ
مغربی گوید اگر کسی را خصم قوی باشد یا در دست ظالمی گرفتار گشته
یا لشکری گران قصد ولایتی کرده یا شهری را خصمان محاصره
کرده باشند و از دفع ایشان عاجز باشند و قوت مقاومت نداشته

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المنّ

باشند باید که سی و یک روز این اسم را در هر شبانه روزی ده هزار
نوبت بخواند بنیت فم الخصم الله تعالی الخصم امقهو گرداند و
بخواری و زاری از آن مملکت آواره کند و اگر صاحب دعوت هلاک
او را خواهد چون به چهل روز رساند دشمن هلاک گردد بحرمت و
بزرگواری این اسم گویند تسخیر عطارد در این اسم است و بسیاری
فواید بقاری این اسم شد اگر خواهد که دعوت و تسخیر عطارد کند
اگر رعایت شرایط کرده و قواعد نگاهداشته شصت روز اگر
شرائط رعایت نکرده باشد نود روز در هر شبانه روزی ده هزار
نوبت بخلوت خواند دعوت عطارد در خاطر دارد و نیت درست کند
چون شرایط نگاهداشته باشد و روز سی و یکم صوت عطارد حاضر
گردد و با صاحب دعوت دوستی نماید الا در شصتم روز با نود روز
تمام شود عطارد حاضر شده او را گوید ای بندهٔ خدا تعالی تو را
از دعوت من مقصود چیست گوید مراد من دوستی تو و از طلب معاونت
و علم و هنر تو عطارد قبول کند و مراد از عطارد ملک عطارد
که حاضر میگردد باید که صاحب دعوت نشانی طلبد و مبالغه نماید تا
عطارد نگینی بدو دهد که اسمی بر او نوشته باشد و خواست کند
تا اسم بدو نماید تا صاحب دعوت هرگاه که عطارد خواهد این اسم را
هفت بار بخواند صوت عطارد با ملک عطارد حاضر گردد و مهمّ او

کفایت

در شرح از جمله مجرّبات که هیچ شبهه در
آن نیست این است که سه شب متوالی
در گوشه خلوتی بنشیند و در هر شب
هزار مرتبه بگوید یا حی یا قیوم
انقطع رجائی عن الخلق و انت
رجائی ایضاً از اسرار عجیبه
که خود عمل نمودم بکرات و مکرّرات
اتفاق افتاد که در اثنای ذکر بجا
رسید و آن این است که بیست و دو
نفی یکصد بیست و نه دانه باشد
این عمل مخصوص است بشب دوشنبه
یا جمعه اگر شب جمعه عمل نماید باید
روز پنجشنبه را روزه داری و اگر شب
دوشنبه روز یکشنبه روزه بگیر
و افطار کن بغیر چوانی و مالحلال
و در اطاق باشد که کسی در آنجا غیر از
تو نباشد اول دو رکعت نماز کن بعد
از آن حاجت بعد صد و بیست و نه مرتبه از
یا لطیف و بعد از اتمام هر روز بگو
الامر تمام و هو اللطیف
الخبیر بود

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ السّمیع

کفایت کند و این از خواص این اسم شریف است و اگر صاحب عوت باین ذکر بطریق
پای نداشاید و در موثر افتد مقصود برآید و لوح باین ذکر این است

یا	م	ذ	ل
ذ	ل	یا	م
ل	ذ	م	یا
م	یا	ل	ذ

۱۸۵	۱۹۸	۱۹۵	۱۹۲
۱۹۶	۱۹۱	۱۸۶	۱۹۷
۱۹۰	۱۹۳	۲۰۰	۱۸۷
۱۹۹	۱۸۸	۱۸۹	۱۹۴

السّمیع یعنی شنونده هر آوازی از پست و بلند اهل حقیقت
گویند هر که خواهد حصول این اسم کند باید که زبان و گوش را از
دروغ و غیبت نگاهدارد و از ما لا یعنی گفتن و شنیدن و بغضی بر آنند
که اسمی از دعوت که با شرایط بجای آورند مستجاب الدعوه گردند این
اسم است و حضرت عزت سبحانه و تعالی در کلام مجید فرقان حمید خود
چند جا سمیع و بصیر و سمیع علیم آورده و هر آینه دعائی که کلمهٔ سمیع
علیم در آن مندرج است خاصیتها گفته اند و حضرت پیغمبر موجودات
علیه افضل الصلوات حدیث فرموده اند که هر که هر صباح سه نوبت
بگوید بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی
السماء و هو السمیع العلیم و باد بر هر دو کف دست دمد و بر روی
خود فرود آورد در آن روز بهیچ بلا و زحمت مبتلا نشود و اگر در شب
باین ورد قیام نماید در آن شب از نکبات محفوظ و سالم ماند حضرت

اگر کسی را مهمی پیش آید و دشوار
شود که بهیچ وجه علاج نپذیرد
شب جمعه یکنماز بخواب رفته بعد
از نماز عشا در بیت بجای بگوید
الله یا رحمن یا رحیم یا قادر یا
مقتدر یا قاهر یا قاب یا البر یا
الله تعالی الله الصمد
کفایت شود ان شاء الله
اشکال هر که اندعای او مستجاب
برای قضای حوائج باعمال و شود و هیچ شبهه
نیست خصوصا از برای بیمار بجهت
شفای او بخواند بسیار مجرب است و دعای ابتلاء الا
الا الله بحقک و حرمتک الا الله
الا الله فرج عنی برحمتک الا الله
و طلب هر مطلب که بنیت کفایت
خواهد شود حاصل ما حی یا قیوم یا
ذو الجلال و الاکرام یا حی یا قیوم
یا ذو الجلال و الاکرام بحق
نیست و نیست و نیست
خدا را

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ السمیع

امام رضا علیه السلام فرموده اند که هر که پیش از آنکه سخن
دنیا گوید بعد از ادای صلوة فجر هفت نوبت بگوید سَمِعَ اللّٰهُ
اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ خداوند تعالی از برکت این کلمات قرآنی
جملهٔ مهمات او را در آن روز کفایت کند و اگر روز سازد و بعد از نماز
فریضه بقرائت این آیه قیام نماید هرگز بهیچ چیز محتاج نگردد و مرادات
او را حضرت سمیع بقدرت کامله کفایت شاد و اگر این آیهٔ کریمه
باین طریق که نموده میشود در مربع وضع کند در شرف آفتاب و با
خود دارد حق تعالی او را در نظر خلق عزیز گرداند و اگر کسی را میسر
گردد بر کاغذ مهره زرد بطلا بنویسد و در جات و دقایق شرف
نگاه دارد که هیچ منحوس ناظر شمس و قمر نباشد معطر ساخته
در والای زر گیرد و در تاج نهد نزد پادشاهان با حرمت و مقرب
گردد و نزد خلایق مکرم شود و هر که او را ببیند عزیز دارد و مهمات خلق
از پیش او کفایت و بر کار و هر کس که متوجه شود بمقصود رسد و در
کار و عمل خود فتح بیند که متصوران نبوه باشد حضرت مولینا
شرف الملة والدین الیزدی چند جا این آیهٔ کریمه را اوده اند بر وش
غیر مکرر و هر دو شی را خواصی گفته اند از جمله فرموده اند که اگر کسی
تنگدست و فرومانده و عیال بسیار و قرضدار باشد این مربع را
با خود دارد فتح در کار او ظاهر گردد و روز بروز ترقی در کارهای او

باشد

از زندان و عذاب از دست ظالمان
و دشمنان این آیه را هفتصد و سی و سه
بخواند از موده است لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
سُبْحَانَكَ اِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ
ختم بسم الله الرحمن الرحیم
المؤمنین علیه السلام هر
گوید این ختم را از برای مطلبی خواهد
کردم چهار روز نگذشت که روا شد
از برای هر مطلب مشروعی در مسجد
یا در خلوت دوازده هزار بار بگوید
یا علی البته بر آید و سر این کلمه
اسم اعظم خداوند است و هر غفلت
دارند از این اسم **بحر وصیاء**
حاجات و عذاب از شر اشرار و شیاطین
یا صد و چهل و چهار بار این اسم را
بخواند که از جمله بحر بات است و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله
دشواری این کلمه دو فرد
یا روز یا یکم **بحر و شعر**
موانع دو فرد روز و روز دو هر
بیست و هفت روز
اسما را بخواند

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ السمیع

باشد باید که در تاج نگاه دارد و موم گرفته که خواص بسیار دارد
جهد کند که طرح کسر را غلط نکند مثال نمودیم تا عامل را مشکل
نگردد و شیخ مغربی فرموده هرگاه بعد کبیر این را بداد خلوت مداومت
نماید او را هرگز احتیاج بیرون آمدن نباشد مگر بجهت طهارت و اگر
کسی جهت کفایت ملکی تجرات این بعد قیام نماید مقصود او حاصل شود
و ضبط آن ملک نتواند کرد اما در این نسخه شرح را اختصار کردیم و
این لوح را در کتاب با چند لوح دیگر خواهد آمد خواص شرح نوشته
انشاء الله و اگر زیاده خواهند رجوع بجواهر القرآن کنند و مربع این است

فبکفیکم	الله وهو	السمیع	العلیم		۱۸۵	۱۹۸	۱۹۵	۱۹۲
العلیم	الرحیم	الله وهو	فبکفیکم		۱۹۶	۱۹۱	۱۸۶	۱۹۷
الله وهو	فبکفیکم	العلیم	السمیع		۱۹۰	۱۹۳	۲۰۰	۱۸۷
الرحیم	العلیم	فبکفیکم	الله وهو		۱۹۹	۱۸۸	۱۸۹	۱۹۴

س	م	ی	ع
ی	ع	س	م
ع	ی	م	س
م	س	ع	ی

۳۷	۵۲	۴۷	۴۴
۴۸	۴۳	۳۸	۵۱
۴۲	۴۵	۵۴	۳۹
۵۳۰	۴۰	۴۱	۴۶

و در جواهر القرآن آورده اند که اگر کسی این آیه کریمه را بر لوح بلور

بخط

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ السّمیع

بمشک و زعفران بنویسد بشوید با گلاب و صاحب او اسیر بود
آزاد از حبس بیاید و اگر بر سقف خانه نویسد بر خراب گردد و اگر
نوشته در تاج نهد حاکم قوم خود گردد و اگر باین طریق در مربع وضع
کند با خود دارد مادام عمر ساعات سعد کند تا مراتب او بلند
گردد و ضع شریف محتاج وی گردند بی واسطه سابقه مردم او را
عزیز دارند و فتوح متواتر او را رسد و مقبول القول گردد و اگر
بخواند زاپنا به باینعدد هشت جمعه قیام نماید در هر شبانروز جمعه
چهار هزار و شصت و هشت نوبت بخواند خدا تعالی او را یاری
برساند اگر خود سلطنت روی زمین باشد و اگر در این هشت هفته
در خلوت خواند و روزهای دیگر بطریق او را دقیام نماید و هر روز یکنوبت
نه نوبت اینا به بخواند چون جمعه هشتم شود سلاطین عصر و اکابر
روزگار روی بپابوس وی آیند و از مشاهیر عالم گردد و این آیه خود
بیپا گفته اند و آیه کریمه این است بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَاِذْ
یَرْفَعُ اِبْرٰهِیْمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَاِسْمٰعِیْلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا
اِنَّکَ اَنْتَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ و اگر این آیه را بر والای سفید در مربع
باینطریق نویسد بر گردن خروس سفید بندد و در جائیکه گمان دفینه
دارد و بر ظرفی بمداد نوشته آب بنشانی بشوید و در آنمقام برابیا شد
و آن خروس را رها کند آن مرغ برود و بر بالای گنج قرار گیرد و اگر در

مذکور بخواند باین خواهد بود
از برای هر حاجت مشروعه
دو اسم را سر از شش شمار
مرتبه بخواند باوضو روز جمعه
خلوت با جمعیت خاطر تا جمعه دو
قوم از حاجات مشروعه
ختم صلوات چهارده هزار
صلوات بفرستد و هدیه نماید
بارواح مکرمه چهارده معصوم
مجرب و آزموده است تاریخ
اول بروح پیغمبر خدا ص دو هزار
دوم بروح امیرالمؤمنین ع هزار
سوم بروح حضرت فاطمه زهرا ع
هزار چهارم بروح حضرت امام حسن ع
بهمین نحو الی آخر چهارده
مطالب رد غایب باینا دکه و
لسوف یعطیک ربک فترضی را
بعد اسم جود بخواند با حضور قلب
انشاء الله بمقصد خود خواهد رسید
و اگر روزی یکصد و دو مرتبه بخواند
از اولاد منتفع گردد و روز
بروز بطور

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ البصیر

انمقام در خواهد و از عالم غیب او را اعلام گردانند و بمقصود
رسد و اینهم از برکت السمیع ست و اگر کسی این اسم را در پنجشنبه بعد از
نماز چاشت پانصد نوبت بخواند تمام حاجتی که خواهد واگردد
و اگر قاری باین قیام نماید مستجاب الدعوه گردد و در هر روز بطریق
او را چهار صد دو نوبت بخواند یا سمیع یا بصیر هرگز
هیچ چیز محتاج نگردد و رسوا نشود و سمیع او را از پریشانی
نگاهدارد و دعاهای او را مستجاب گرداند و صفای باطن
او را حاصل شود و جلای قلب دهد این و اسم ست و مربع آیهٔ کریمه

این است البصیر

واذ یرفع ابرهیم القواعد	من البیت و اسمعیل ربنا	تقبل منا انک انت	السمیع العلیم
تقبل منا انک انت	انت السمیع العلیم	واذ یرفع ابرهیم القواعد	من البیت و اسمعیل ربنا
السمیع العلیم	تقبل منا انک انت	من البیت واسمعیل ربنا	واذ یرفع ابرهیم القواعد
من البیت و اسمعیل ربنا	واذ یرفع ابرهیم القواعد	السمیع العلیم	تقبل منا انک انت

یعنی بیننده چیزهای پنهانی را آشکارا اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند اول باید که چشم از عیوب خلق بپوشد بعیوب خود بینا گردد و از امر خلاف شرع دیده نگاهدارد تا حضرت عزت او را در باطن و در ظاهر بینا کرامت

در امتحان هر که او را بصیر از دیگر
دولت و کشایش کارها هر روز این
ایراد سیصد و پنجاه بار بخواند
که از عجائب فالات الفضل
بید الله یؤتیه من یشاء والله
ذو الفضل العظیم از برای
وسعت رزق و کشایش در امور
چهل روز بعد از نماز صبح هر روز
مهر بی تکلم روزه بگشاید با وضو بخواند
روز اول دو رکعت نماز حاجت بخواند
و صد هزار صلوات بفرستد و اما روزه
دیگر نماز نماز دو اما روزه
صلوات بفرستد مطالب قصد نماید
و اگر در اول شروع قرآن بدا النور باشد
ما ثابت و اخرا و آیه منالت و از
و انت خیر الرازقین و الکریم راغب
یعنی رود هانود و دمتر بخوانند
الله نور انت الملک بخوانند
تمام و الحمد

شرح کلمهٔ مبارکهٔ البصیر

فرماید این نامی است که انبیاء و اولیاء علیهم السلام از برکت این نام
معجزات نموده اند و معراج یافته اند و اولیاء از برکت این نام
مقرب گشته اند هر که میان فرض و سنت نماز جمعه صد یک نوبت
بخواند یقین او درست گردد بنظرات عنایت و مکاشفات اسرار
اسماء الله تعالی و دیگر اهل حقیقت گویند هر که دعا بر زبان
گذرد توفیق یابد که دست اثابت بدرگاه حضرت عزت بردارد و دعا
کند باید در اول یا در آخر دعا یا سمیع یا بصیر بگوید البته خضوع
دعای او را باجابت مقرون گرداند و در دعا الحاح نمودن از جمله
شرایط است و دعوت این اسم مناسب کسانی است که در کارها فرو
مانده باشند و امرها کلی بر ایشان مشکل گشته و در مهمات خود
سرگردان شده باشند و شیخ مغربی گوید هر که چهل روز هر روز پنج
صد تکبیر تکرار کند و عدد تکبیر شیخ مغربی یکهزار و ششصد و شصت و
پنج عدد است و پنج عدد تکبیر هشتهزار و سیصد و بیست و پنج و مع صد
و مؤخر شانزده هزار و ششصد و پنجاه است و شرایط کم خوردن
و کم گفتن و کم خفتن و نظر از محارم نگاه داشتن و اکثر متهجد
شود در شب خواند و اکثر اوقات در خلوت باشد تا جمیع مرادات دین
و دنیا و صفای ظاهر و باطن و تمام مقصدی که دارد جمله بمدعای
او گردد و کارهای پریشان او جمع شود و او را جمعیت قلبی حاصل شود

کرده

ان یتحقق من هذا القسم
وعدد کبیر این کلمات دویست و
شانزده است و صغیر شش چهارده
حصول مطالب بجهت
شنبه شروع کرده تا ده روز هر
روز ده مرتبه بخواند بسم الله الرحمن
الرحیم یا مفتح الابواب یا مسبب
الاسباب و یا مقلب القلوب
والابصار یا مدبر اللیل والنهار
المستغیثین و یا غیاث
الدین یا ملک یوم
و یا اله یوم الدین
رحمتک یا ارحم الراحمین
مطلبش بر آورده است و راوی
گوید بتجربه کردم ایضاً جهت
هر حاجت و مطلب در پانزده روز
هر روز هزار و هفتصد و هشتاد
بار این آیه را بخواند و افوض
امری الی الله ان الله
بصیر بالعباد

درشرح کلمهٔ مبارکهٔ الحکم

که هرکس از پیش وی گذرد ضمیر و مزاج وی بملکه نام او را از بزرگواری
این اسم بداند و بعد ذوقوع مراد هر روز شانزده هزار و ششصد و
پنجاه نوبت که عدد تکسیر است بخواند و اگر میسر گردد بعد از هر نماز
سیصد و نوبت بخواند و در آنحالت مستقیم گردد و مقیم ماند و مقاصد

ب	ص	ی	ر
ی	ر	ب	ص
ر	ی	ص	ب
ص	ر	ب	ی

۵۳	۹۲	۳۸	۷۴
۸۶	۷۱	۵۶	۸۹
۶۸	۷۷	۹۸	۵۹
۹۵	۶۲	۶۵	۸۰

او بی سعی او برآورده گردد **الحکم** یعنی از هند و جدا کنند
بحکم خویش میان خلق حق را از باطل این نامیست که مقربان بدرگاه
این قرب یافته اند باحوال دمبدم هر که در نیمه شب چندان بگوید
که از خود برود باری تعالی باطن او را محرم اسرار خود گرداند و در آن عالم
غیب بر دل او کشاد کرده و اگر در پگاه بان ورد قیام نماید صفا باطن
و ظاهر زیاده از آن شود که بود و مربع با خود دارد و این مربع نیز است

ی	ح	ک	م
ک	م	ی	ح
م	ک	ح	ی
ح	ی	م	ک

۹	۲۴	۱۹	۱۶
۲۰	۱۵	۱۰	۲۳
۱۴	۱۷	۲۶	۱۱
۲۵	۱۲	۱۳	۱۸

واگر مطلب حاصل نشود تا
چهل روز بخواند البته بمراد
برسد بشرط بر رسیده او را
در ایام هفته روز یکشنبه
هر که در ساعت اول بعد
از نماز صبح چهار صد هفتاد و
نه مرتبه بگوید تا فتاح فتح
نصرت تا بد روز دوشنبه
در ساعت اول هر که یکصد و
بیست و نه مرتبه بگوید
مال بی نهایت او گرامت فرماید
روز سه شنبه در ساعت اول
هر که هفتصد و سه مرتبه بگوید
تا قابض از خدا تعالی هر چیز را
که خواهد عطا فرماید چهار شنبه
در ساعت اول هر که تا نصد و
چهل و یک بار بگوید تا متعال
خدا عزت دنیا و آخرت باو کرامت
فرماید پنجشنبه هر که
در ساعت اول

شرح کلمهٔ مبارکهٔ العدل

العدل یعنی خداوند راست گفتار و راست کردار و دارنده هر چیزی بر حد و مقدار آن چیز این نامی است که سحرهٔ فرعون ببرکت این نام مسلمان شدند هر که خواهد که دعوت این اسم کند باید که با خدا تعالی عدل و احسان پیش گیرد تا حضرت عادل بود دهد هر چه مستحق آن باشد و نخواهد که از وی غیر عدل و احسان ظاهر شود و اعتقاد کند که اسور و احکام عالم بر عدل و احسان نهاده است و هر که ظلم گرد سر او گردد کبریای حضرت عادل نگردیده است من جمیع الوجوه اهل تحقیق گویند هر که شب جمعه این اسم را بر بیست و یک پارهٔ نان حلال نویسد و بخورد حضرت عزت او را از کارها فرموده باز دارد و خلایق را مسخر او گرداند و دل او را محرم اسرار خود کند و بر آینهٔ دل او از کجی و قلبی دل او را ایمن نماید و ظلم از باطن او بدر رود و دعوت این اسم کنندگان که بظلم ظالمان و جور جابران گرفتار شده باشند سی و پنج روز بصدق و شرایط مذکوره دعوت کبیر این اسم قیام نماید پیش از کلام بعد از ادای فرایض شام حضرت ملایک علام انوار ظالمان ملک را گرداند و جبار انوار مقهور سازد و اگر بعد از نماز صبح که هنوز بسخن دنیا تکلم نکرده بعدد تکسیر نه نوبت تکرار کند که سه هزار و صد و نوبت شد و چون خواهد که مکرر گرداند تا نه نوبت پنجهزار و ششصد و شانزده نوبت خواهد شد که چون در این ایام با نور در قیام

نماید

مسعود هشتم مرتبه بگوید یا رزاق خداوندا تقدر رزق و مال باو دهد که حسابش را خدا داند **روز جمعه** در ساعت اول دو پست و پنجاه و شش بار بگوید یا نور در چشم هر آیق عالم شیرین گردد اگر چیزی گم کرده باشد در وقت خواب دو رکعت نماز کرده اسم مبارک یا نور را بعدد مذکور بخواند در خواب باو گویند که هر کس در ساعت اول **روز شنبه** مرتبه بگوید یا غنی هزار و شصت و دو بار گردد که جمیع مالداران بر او حسد برند و از جمله جهات است که دارا بجزیه رسیده است

مطلب از کلام ابی المؤمنین علیه السلام

و آن این است که در وقت

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ اللطیف

نماید ایزد تعالی شر آن ظالمان را دفع کند و جبّاران را بنکبات دنیا گرفتار سازد و قادری بر همه منصور و مظفر آید و اسرار غریبه از باطن خود مشاهده کند باید که بعد از ختم هر گاه که دعا کند چهار نوبت بگوید یا عادل مستجاب الدعوه گردد و این مربع را با خود دارد و مربع این است اللطیف یعنی خداوند رساننده

۲۵	۲۸	۳۳	۱۸		ل	د	ع	یا
۳۲	۱۹	۲۴	۲۹		ع	ی	ل	د
۳۰	۳۵	۲۶	۲۳		یا	ع	د	ل
۲۷	۲۲	۲۱	۳۴		د	ل	یا	ع

نیکوییها و نعمتهای پوشیده و پنهان بر بندگان برسانی چنانکه او را علمی نباشد در آن و در دنیا هیچکس اسرار آن را نداند این نامی مر عابدان را که ملائکه ببرکت این اسم اعمال مؤمنان را باسمان برند اهل تحقیق گویند هر که خواهد که دعوت این اسم کند باید که دایم باشد گان خدا تعالی بلطف و نیکوئی و شفقت و نوازش اقدام نماید تا ایزد تعالی او را مظهر لطف خود گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند که هر که هر روز هشتاد نوبت این اسم را بخواند از هیچ مقصود نامراد نگردد و مهمات او کفایت شود شیخ مغربی فرموده هر کس که هیچ از اسباب معیشت نداشته باشد درویش حال یا

طلوع کوکب عطارد و نظر کردن بر آن این قطعه را بکبار بر آن کوکب بخوانند انجاز خداوند بخواهد عطا خواهد شد و هیچ شدت در این عمل واجبات ترقی صباحا آسم الله طال ترقی مساء کی ارالفا غنا فها انا فاضی قوی ابلغ المنی و در لدالعلوم الغامضات تکونا و آن تکفی الحظوظ و الشر کله ما بیع ملیک خالق الارض و السماء و نفاذ امر کرد بفرستند تعبیر بکوید بسم الله الرحمن الرحیم و هذا بارالحمد و هذا بارصاد و رسول الله و هذا بارصاد و هذا بعد از آن هذا بارد دعا بد درخش ظالم کند که بر او ظلم کرده ابتدا انظالم بمیرد یا منکوب گردد و از بعضی از اسماء طاهر ناصر مطالب و مقصد عمل بوده باشد در کار خود

درشرح کلمهٔ مبارکهٔ اللطیف

دور افتاده باشد از دیار و دوستان یا غایبی دارد یا دختری
بخت بسته باشد یا بیماری که از علاج عاجز باشد یا مرادی دارد
که تدبیر از و شوار است یا مهمی که کفایت نمیشود این جمله که گفته
شد و میخواهد که ساخته گردد تدبیر آنست که غسل کند یا وضوئی
کامل بسازد و دو رکعت نماز با خضوع و خشوع کند چون سلام
باز دهد همچنان بر جای سجاده با قلب سلیم متوجه قبله صد نوبت
بگوید یا لطیف بان نیت حاجات و مرادات حاصل گردد
و مهمات کفایت شود و مقاصد بنوعی شود که در تصور نیاید.
یکی از اکابر در خواص این اسم فرموده که فیها اسرار عجیبة و اعواذ
جلیلة فی التفتیح فی اتیان جمیع ما یطلب فی الخلوات من
المکاشفات و التجلیات و آثار ما یراقبه من الکمالیة
الظاهرة و الباطنة و حصول رتبة المحبة و دفع البلا
و الالام بفضل الله و رحمته و آنچه شیخ ابو العباس فرموده
اند در دعوت کبیر این اسم و صوت تکبیر بنا ان این است که هر کس
دعوت خواهد کرد اول شرط بجای آورد و شرط دعوت آنست
که برنگین عقیق یا بلور یا نقره خالص تکسیر حرف این اسم را
نقش کند و با طهارت و تعظیم تمام آنرا نگاه دارد و در زمان
دعوت گاه گاه نظر در آن کند و در آخر مجلس این کلمات را از سر

تواضع

و روانه باشد و بچه وجه چاره آن
کار رواند و معلوم نباشد
که آخر آن چه طریق خواهد شد
بعد از نماز عشاء هزار مرتبه
بگوید یا کریم و بعد از آن
هزار بار صلوات بفرستد و
مطلب را قصد نماید و در بیشتر
بخواب در خواب او را دلالت
و مقصود کشف و بچاره آن او را
خبر دهند و این عمل از جمله مجربات
است از خواجه نصیر الدین
طوسی علیه الرحمه منقول است که
از برای مطالب عظیمه و دفع عدو
اگر این بیت را یکصد مرتبه بخواند
بیشک حاجت روا شود و مهمات
کفایت شود و بسیاری از بندگان
باین نیت مداومت نمودند بمقصود
رسیدند یا قاهر العدو و یا والی
الولی یا مظهر العجائب یا رتق
علی از برای دفع دشمن

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ اللطیف

تواضع و تعظیم تمام بگوید یا اللطیف الطفنی بلطفک و
مدت دعوت هفتاد و پنج روز است و اگر تکثیر این اسم بر
خاتم میسر نشود بر پارهٔ کاغذ نویسد یکی را تعویذ کند و یکی را
در نظر دارد و در شبانروز هفت هزار و سیصد نوبت تکرار کند
و در هنگام دعوت در خواب یا بیداری بسی چیزهای عجیب و غریب
ببیند و داند و انواع علوم و خواص اشیاء بر او کشف شود و باید
که باینها التفات نکند که سبب حجاب میگردد و اثری عظیم دارد
در اجابت دعوت در اکثر اوقات و کشف احوال و ظاهر شدن خفایا و
و سر حکمت و قدرت و شیخ مغربی گوید که این مربع الله لطیف
بعباده یرزق من یشاء اسماء را باینطریق بنویسد مکرراً و
یکی را متصل در نظر دارد و اندیکرا دمو مرکار نفرموده در تاج
نگاهدارد و مربع این است در صفای باطن و جلای قلب و تسخیر قلوب
و وسعت رزق و

الله لطیف	بعباده	یرزق	من یشاء
من یشاء	یرزق	بعباده	الله لطیف
بعباده	الله لطیف	من یشاء	یرزق
یرزق	من یشاء	الله لطیف	بعباده

فتح کارها و مقهور
شدن اعداء و سایر مطالب خود بسیار
دارد و در وقت نوشتن مربعات
و دعوت اسم اعظم باید که بوی خوش بکار
دارد و بخور بسوزد و در خلوت لباس پاک بپوشد و در بیشتر اوقات
روزه باشد و شرایط اسماء مذکور شده در اسم الرحیم و نقش خاتم

از روز پنجشنبه تا مدت هفت روز
صد چهل و شش مرتبه بگوید جمیع
الله البناء مرا از شر شما کفایت شود
و دفع شود و از برای غیر این
وعده و دفع مطالب هم خواند زخویش
بزرگان نیز و مشایخ شیعه گفته اند
که از برای حصول مطالب و وصول بر
غایب هفتاد و یک تنبه اینده غاء را
که بجای مشاهده میشود و
بخوانند که تجربه شده است و اگر
گفته اند که شب بخواند روز اثر شد ظاهر گردد و
بالعکس نیز
یا حی یا قیوم یا حلیم یا قوم لا تنفع
مال و لا بنون الا من اتی الله
بقلب سلیم و از لفت الجنة
و شرح عجب بعبد و فی کتاب
المستطرف
مجرب الدعوات و اورده است که هر که
حاجتی بوده باشد هفتاد مرتبه
کلمات را بخواند با وضو و بقبله
بدون تکلم مجرب است
تا حاجت

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الخبیر

بروش شیخ باید غیر آنکه نموده شد نقش نکند و اگر شرح این اسم و هر
اسم یکو که زیبا این خواهد که در این نسخه نوشته شده رجوع بشرح کبیر شیخ نماید

ل	ط	ی	ف		۲۴	۳۸	۳۵	۳۴
ی	ف	ل	ط		۳۶	۳۱	۲۵	۳۷
ف	ی	ط	ل		۳۰	۳۳	۴۰	۲۶
ط	ل	ف	ی		۳۹	۲۷	۲۹	۳۴

الخبیر یعنی خدای آگاه بر نهانها اینها این نامی است که بیانمندان
ببرکت آن بی نیاز گشته اند و مقبول شده اند و اهل تحقیق گویند
هر که خواهد که احصای این اسم کند و بدعوات قیام نماید اول باید
که با بندگان خدا بتعظیم ظاهر و باطن را پاک گرداند و اندیشهٔ
بد از دل بیرون کند و با همه کس بر رفق و مدارا و شفقت و مهربانی
سلوک کند تا حضرت خبیر او را از اسرار قلوب باخبر گرداند و دعوت
این اسم مناسب کسانی است که به بدفعلی گرفتار باشند و خصوصاً
رضا علیه السلام فرموده اند هر که این اسم را بسیار گوید از شر شیطان
و جور سلطان و بلاهای ناگهان ایمن ماند ما عدا معتبر نکرده اند
و شیخ ابو العباس فرموده هر که بعد تکبیر خواند تا بیست و یکروز
از شر نفس و حیلهٔ حسودان و مکر خصمان محفوظ ماند و دانا شود
بر سرنهانی که باشد از ضمایر و اندیشه که در خاطر خلایق باشد

یا علی یا فاطمه یا صاحب
الزمان ادرکونی و لا تهلکونی
و بعضی گویند از برای هر مطلب
که خوانده شد اثرهای کلی
بظهور رسید و ایضاً در بعضی
کتب وارد است که اگر کسی با وضو
در خلوت بنشیند و قاسه سبز
بکشد در میان هر شبی چهل
هزار و چهار صد بیست و چهار
مرتبه بگوید یا باسط البسط
دفع پریشانی و فقر از او میشود
و من حیث لا یحتسب مدد معیشت
از برای او میرسد و تنگی معیشت
او بوسعت و فراخی مبدل گردد
و شخص زود گفته بود که یا دهنا
عجیبه کردم و از برای عدم
زوال نعمت و از برای
حفظ نظر و عدم تاثیر
ملازم و ماه تمام هلالی هر روز
هزار بار صلوات بخوانند
چون مدت

درشرح کلمهٔ مبارکهٔ الحلیم

واز سر خواص اشیاء و عزه واقف شود و عدد تکبیر این اسم و هزار و
چهارصد و سی و شش عدد است و عدد تکبیر مع صدد و موخر
چهار هزار و هشتصد و چهل و دو عدد است و مربع این است

خ	ب	ی	د		۱۹۵	۲۱۰	۲۰۵	۲۰۲
ی	د	خ	ب		۲۰۶	۲۰۱	۱۹۶	۲۰۹
د	ی	ب	خ		۲۰۰	۲۰۳	۲۱۲	۱۹۷
ب	خ	د	ی		۲۱۱	۱۹۸	۱۹۹	۲۰۴

الحلیم یعنی بردبار و تاخیر کننده در عقوبت عاصیان مبدا آن
که غایب شدن از انعال قدیم ممکن نباشد تمام مخلوقات در تحت
قدرت و بند عاصیان و مجرمان از دست قدرت او نتوانند گریخت
اهل تحقیق گویند که مرتب و مرکب شدن آب و طعام بر مخلوقات
و اقامت عالم بر برکت این نام است اهل طریقت گویند هر که خواهد
که احصای این اسم کند اول باید که بدرب حلم آتش خشم خود فرو
نشاند و هر چند خلایق طریق ادب غایب نکنند وی تحمل و بردباری را
شعار خود سازد تا اگر کسی وی را بیازارد بر او شفقت و مرحمت
نماید و قهر نکند و غضب نراند و گوید با وجود کمال توانائی و
قدرت بر غضب حضرت عزت بر بندگان نافرمان خود حلم میورزد
و روزی بدخواه میرساند و هر چند گناه و بی ادبی میکنند او پرده

تمام شود مطلب هم بر آورده
خواهد شد انشاء الله تعالی
بعضی از بزرگان رضی الله عنهم
و بزرگان دین گفته اند
که از برای عزت و حرمت
و تقرب نزد سلاطین و بزرگان
در میان مطلب هزار و هشتاد و نه روزه
بخوانند که مراد حاصل گردد و همه روزه
با نیت بخوانند تا شدن تا آنجا
بود و معتقد و عدد بکصد و
با و نیز وارد است بایه
و الهکم الهٔ واحد لا اله الا
هو الرحمن الرحیم و گفته اند که
وقتیکه فرد و اسد باشد این
ایه را بر انگشتر نقره نقش کنند
و با خود دارد حاکم بر او غالب نشود
و از کسی با او نیت نرسد و این
بعضی از علما موده اند که در وقت
در هفت خانه هست شدن و غضب و
و وسعت و جاه و حشمت و محبت
و قدرت و اهمیت و
دارین

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحلیم

بر ایشان بپوشد و در افشای سر ایشان ضرر نکند تعالی شانه
حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که برای فرو کشتن آتش غضب
پادشاه صد بار بگوید الحلیم خشم سلطان بحلم مبدل گردد
اگر دو قوت آب را در کشت و جهت برکت در اعتنا اسم در کاغذ بنویسد
و بر آب بشوید و آب بر زمین که رسد برکت آن زیادت شود و اسهال
منقطع و بر خود و گردد و آن خرید از آفت سالم ماند و صورت این اسم مبارک
مناسب کسانی باشد که مخوف از ظالمی باشند یا جور جباری این اسم را
بسیار خواند دفع شود از وی شر آن ظالم و اگر مداومت نماید بعد از هر نماز
هشتاد هشت نوبت زایل گردد از وی خوی بد و کبر و حسد و بخل و پاک گردد از
افعال ذمیمه و ادمی را هیچ عقوبت تر از خوی بد نیست و شیخ مغربی فرموده
هر که بر بالین بیمار فاتحة الکتاب و یازده نوبت اسم الحلیم بخواند بیمار
بدل خدای تعالی او را شفا دهد این را بزرگان آزموده اند و اگر کسی را
میسر گردد که نود نوبت بعد تکبیر بخواند بشرایط مذکوره ابو علی
که اگر جباران عالم بر وی جور و ظلم کنند و آن صبر کند و بیرد باری
و در زد و حلم او بمرتبه رسد که سلاطین عصر سر بر خط فرمان
او نهند و جن و انس مسخر او گردند و اگر تقوی را رعایت
کند بمرتبه بسیار بلند رسد و صفای باطن و جلای
قلب و علم و خواص اشیاء او را میسر گردد بلکه

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحلیم

بر دفاین عالم مطلع شود اما او را در ختم این اسم همین باید که اگر
گنجهای عالم را بر او ظاهر سازند نظر در آن نکند و از همه چیز
و از همهٔ خلق خدا تعالی او را بی نیاز گرداند و خواص این دعا بسیار
است و عدد تکسیر این اسم با صد بیست و هشت عدد است در روزی که نه
عدد خواهد خواند چهار مربع بدین شکل بنویسد با خود دارد که اثر
عظیم دارد و خواص بسیار و این مربع را استادان این علم خواتیم الرادی
نام کرده اند از بس سریع الاثر است و مربعات این است

ح	ل	ی	م
ی	م	ح	ل
م	ی	ل	ح
ل	ح	م	ی

۱۴	۲۸	۲۵	۲۱
۲۶	۲۰	۱۵	۲۷
۱۹	۲۳	۳۰	۱۶
۲۹	۱۷	۱۸	۲۴

ح	ل	ی	م
ی	م	ح	ل
م	ی	ل	ح
ل	ح	م	ی

۱۷	۳۱	۲۷	۲۴
۲۸	۳۲	۱۸	۳۰
۲۲	۲۵	۳۳	۱۹
۳۲	۲۰	۲۱	۲۶

العظیم یعنی خداوند بزرگ و بزرگواری او زیاده از آن است
که وهم و ادراک او را در یابد این نامی است که ملائکه و رسل از

هیبت

هفتاد بار بخوانند عجب است
بجهت هر امر مشکلی که رو دهد
وضو بسازد و رو بجانب روضهٔ
مقدسهٔ حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام و بمناجات صد بار
ابن داعی را بخوانند که عجب است
یا امیر المؤمنین یا ذا النعیم
یا امام المتقین یا ذا الکریم
انتنا حاجتنا فیها نعیم
لا تخیب بنا و قل فیها نعم
و هر وقت که داعی تمام شود
بار دیگر بهمین طریق آب الکریم
انفتح و این ختم را از جملهٔ عجایب
شمرده اند ختم اعتصمت بالله
از برای دفع دشمن هزار و شصت و
از برای دفع شر از دشمن
نه مرتبه بخوانند کبیر
دفع شود و عداوت بالضد
گردد ختم کلمهٔ نور کان علی الله
از برای قضای حوائج
و مخصوص

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ العظیم

هیبت این نام بیچاره اند اهل تحقیق گویند هر که خواهد حصانت
این اسم کند باید که نفس خود را خوار و ذلیل داند و امر و فرمان
خداوند عظیم را من الوجوه گردن نهاده تعظیم کند خلاف فرمان
او نکند تا حضرت عزت او را معظم کند بنحوی که هر که در روی او نظر
کند بی اختیار او را تعظیم کند و امور او را گردن نهد شیخ فرموده
که هر کس مداومت نماید بخواند این اسم را باطن ذاکر ربانی گردد و
حقتعالی او را عظیم القدر گرداند و در میان بندگان خود عزیز و مکرم
کند و دعوت این اسم مناسب کسانی است که طالب مرتبهٔ تعظیم و جاه
و بزرگی و عظمت باشند یا آنها که بدین مراتب سیده اند خواهند که
در آن مقیم باشند و اگر کسی خواهد که از فقیری
بعظمت رسد بیاد قدری اطلس سرخ و بطلا این مربع را چهار در چهار

ع	ظ	ی	م
ی	م	ع	ظ
م	ی	ظ	ع
ظ	ع	م	ی

۴۵	۵۸	۵۵	۵۲
۵۶	۵۱	۴۶	۵۷
۵۰	۵۳	۴۰	۴۷
۵۹	۴۸	۴۹	۵۴

در شرف آفتاب بدان بنویسد و اگر میسر نشود بر کاغذ زرد هم میشود
که بمداد بکشد و بنویسد عظیم را اما باین روش که نموده شد باخود

دارد

بودن از قصاید بعد خود این کلمه
هزار و بیست و سه بخواند نافع
مجربست ختم دعای امیر المؤمنین
از برای حصول حاجهٔ صدم تبه بعد از
نماز صبح بخواند مجربست
لک الحمد فتاح
فی کل صباح و مساء
عند افتتاح کل باب و فتوح
من
ابواب فتوح
از برای گشایش فتوح فتاح
و حصول مرادات کلی و جزئی و
ایمن بودن بمطالب و دفع اعدا
هفتصد بار بخواند بخاست و گفتن
بالله و کفی بالله نصیرا
و کفی بالله حسیبا و کفی بالله
و کفی بالله وکیلا و کفی بالله شهیدا
ایضا بجهت خلاصی از مهلکه
که زود مدد نظر با سمان کند هزار
یکبار بگوید باید یم
الکنوز

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ العظیم

دارد و اگر این مربع دیگر با خود دارد که عدد این از تکسیر مکسر خاصهٔ
سید العلما است بهند بطریق وفق که مذکور شده طرح کنند و
کسر بنهند عدد لوح هفصد ست و ربع او دویست و هفده و کسر او دو است
و این مربعات با خود دارد و هر دو یازده عدد تکسیر بخوانند شیخ مغرب
فرماید که هر که این دعوت کند و این مربعات با خود دارد چهل روز سلطنت
روی زمین بیابد و اسکندر که سلطنت بر او دوام کرد آخر وحی بر
او نازل شد از برکت تعظیم و تکریم این اسم بود و حکما جهت این مربعات
ترتیب کرده بودند و دیگر از عجایب و غرایب عامل و قاری خود را
بدیدار علی برسانند و بعد از این ایام هر دو یک عدد تکسیر بخواند تا
مدام در از عظمت بماند و در تعظیم امور حضرت عظیم تقصیر نکند پس
لازم بود روایات عدد تکسیر و دانی و عدد تکسیر و هزار و بیست است
و یازده عدد تکسیر هزار و صد بیست و دو است و عدد تکسیر مع صد
مؤخر شصت و دوازده است و مجموع هفده هزار و سیصد و چهل و چهار
الغفور بمعنی آمرزنده جرم و جنایت بندگان از معاصی و این نام است
که طاعت مطیعان و توبهٔ عاصیان ببرکت این نام قبول است و اهل
تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که گناه جمله خلایق
بپوشد و هر چه از ایشان صادر شود عفو کند تا حضرت عزت عفو کند گناهان
وی را و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند که جهد پنهان ماندن

وَالْأَرْضِ نَافِعٌ شَفَاءٌ
رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
أَنَّهُ مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي كُلِّ
يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ شَهْرًا أَغْنَاهُ
اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الْمَالِ وَأَنْزَلَ
مِنْ السَّمَاءِ وَفِي قَوْلِ الْخَرَائِجِ
مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
وَالْعَظَمَةِ وَالْقُدْرَةِ وَالْجَبَرُوتِ
وَالْعِزَّةِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعَلَاءِ
وَالْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالِ الْعُلْيَا
وَالْمَلَكُوتِ وَالْمَشِيئَةِ وَالْإِرَادَةِ
وَالْقَضَاءِ وَالْقَدَرِ وَالْإِمْضَاءِ
وَالْإِبْدَاءِ وَالْإِعَادَةِ وَالْإِحْيَاءِ
وَالْإِمَاتَةِ وَالْإِفْنَاءِ وَالْإِبْقَاءِ
وَالْإِنْشَاءِ وَالْإِيجَادِ وَالْإِعْدَادِ
وَالْإِمْدَادِ وَالْإِسْعَادِ وَالْإِرْشَادِ
وَالْإِفَادَةِ وَالْإِجَادَةِ وَالْإِعَانَةِ
وَالْإِغَاثَةِ وَالْإِثَابَةِ وَالْإِنَابَةِ
وَالْإِجَابَةِ وَالْإِكْرَامِ وَالْإِنْعَامِ
وَالْإِحْسَانِ وَالْإِمْتِنَانِ وَالْإِيمَانِ
وَالْإِيقَانِ وَالْإِذْعَانِ وَالْإِخْلَاصِ
وَالْإِخْلَافِ وَالْإِنْصَافِ وَالْإِسْعَافِ
وَالْإِتْحَافِ وَالْإِتْلَافِ وَالْإِسْرَافِ
وَالْإِعْرَافِ وَالْإِعْلَامِ وَالْإِلْهَامِ
وَالْإِكْرَامِ وَالْإِنْعَامِ وَالْإِحْسَانِ
وَالْإِمْتِنَانِ وَالْإِيمَانِ وَالْإِيقَانِ
وَالْإِذْعَانِ وَالْإِخْلَاصِ وَالْإِخْلَافِ
وَالْإِنْصَافِ وَالْإِسْعَافِ وَالْإِتْحَافِ
وَالْإِتْلَافِ وَالْإِسْرَافِ وَالْإِعْرَافِ
وَالْإِعْلَامِ وَالْإِلْهَامِ وَالْإِكْرَامِ
وَالْإِنْعَامِ وَالْإِحْسَانِ وَالْإِمْتِنَانِ
وَالْإِيمَانِ وَالْإِيقَانِ وَالْإِذْعَانِ
وَالْإِخْلَاصِ وَالْإِخْلَافِ وَالْإِنْصَافِ
وَالْإِسْعَافِ وَالْإِتْحَافِ وَالْإِتْلَافِ
وَالْإِسْرَافِ وَالْإِعْرَافِ وَالْإِعْلَامِ
وَالْإِلْهَام

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الغفور

از عطر و بهار داشتن او و کلی هزار و دویست و نود و نه نوبت بر سنگ
سبا خوانند و در چاه اندازند و یکی از اکابر فرموده که از جهت درد
سر و جمله بیماریها که از علاج آن عاجز باشند بر سپاره کاغذ نویسند
و بر هر پاره سیصد بار یا غفور بخوانند و فرو برد از آن مرض نجات یابد و بصحت
مبدل شود و اگر دل تنگی یا غمزده این عمل کند فرح یابد و سرور دهر
شود و هر که بدین اسم مداومت نماید و حال اندوه او بشادی مبدل
گردد و این مربع را با خود نگاه دارد که بسیار نیک است

۳۲۱	۳۲۴	۳۲۷	۳۱۴		ر	و	ف	غ
۳۲۶	۳۱۵	۳۲۰	۳۲۵		ف	غ	ر	و
۳۱۶	۳۲۹	۳۲۲	۳۱۹		غ	ف	و	ر
۳۲۴	۳۱۸	۳۱۷	۳۲۸		و	ر	غ	ف

الشکور یعنی بنده کرامت بسیار باندک طاعتی و محقر خدمتی
اینمایی است که پیش از خلقت ارواح بپانصد هزار سال انداز
مخلوقات ببرکت این اسم موسوم شده است اهل تحقیق گویند هر که
خواهد که احصاء این اسم کند باید که رزاق مخلوقات و رزاق عالم را
داند و بهیچ چیز از کسب و مال و غیره نداند و محکم فرو ماند داود
محکوم مرغزار حضرت حق گردد تا خداوند شکور مأوای او بفردوس

اعلی

و بر ریاز گرداند و ادعای مجربه
شده است ایضاً هر که در شانزده
شام و خفتن هزار و هفت بار
بگوید یا غنی
نون کلمه دو در این مود و بیست
ادعای مجربه شده است ایضاً
روایت است که هر که در نصف آخر
شب بجزع و سر برهنه کند و این
بگوید یا وهاب خدای و فایده
وقا در مقتبس اسباب او را
البته توانگر گرداند و بعضی از
علما فرموده اند که اگر یکصد و
سی بار بهمین طریق مذکور بخواند
در ثانی از او خواهد بود و بعضی
شها کرده اند که این عمل در زیر
آسمان باشد **اورده اند**
که هر که بامداد قبل از نماز صبح
در چهار زاویه خانه خود
در هر زاویه

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الشکور

اعلی اکرماند حضرت امام رضا علیه السلام فرماید که هر که دفع
غم و کدورت را خواهد چهل و یک نوبت بخواند و بر آب مدور بیاشامد
غمهای او دفع گردد و بزرگان گویند هر که را معیشت تنگ شده باشد
و روزگار بد شود هر گاه گذارد باید که بذکر این اسم مداومت نماید
تا معیشت بر وی گشاده گردد و اگر کسی چهار روز هر روز سیصد و یک بار
از هزار نوبت بخواند حق تعالی باطن او را از غل و غش و حقد پاک
دارد و اگر کسی در چشم تیره گی داشته باشد این اسم را چهل و یک نوبت
بر آب پاک خواند و چشم را از آن آب چند نوبت بشوید شفا یابد و
این مربع که در حاشیه است با خود دارد که خواص بسیار دیده شده
العلی یعنی بزرگواری که منزه است در شرکت و شبه این نامی است که
انبیا و اولیا و ملائکه از عظمت این اسم در زلزله اند اهل تحقیق گویند
که هر که خواهد احصای این اسم کند باید که حضرت او را بزرگ داند و
خود را خوار و حقیر و ذلیل تر از جملهٔ مخلوقات تا حضرت العلی او را
غالب جناب گرداند و بزرگ حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که
این نام را بسیار گوید یا از مداومت نماید قدر و شرف بلند گردد و اگر غریب
بخواند این اسم مداومت نماید با آبرو و بوطن خویش باز گردد و یکی از
اکابر فرموده هر که بنویسد این اسم را با این طریق (طریق ظهر) و با خود
دارد و بعدد کبیر و رساند و یکصد و ده روز بخواند اگر خوار بود عزیز

ش	ل	و	د
و	د	ش	ل
د	و	ل	ش
ل	ش	د	و

۱۳۶	۱۳۴	۱۳۷	۱۲۴
۱۳۶	۱۲۵	۱۳۰	۱۲۵
۱۳۶	۱۳۹	۱۳۲	۱۲۹
۱۳۳	۱۲۸	۱۲۷	۱۳۸

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ العلی

گردد و اگر در مرتبهٔ دنی بود عالی گردد و اگر غریب بود وطن خود

العلی العلی العلی العلی

۱۲۵۷	۱۲۶۱	۱۲۶۸	۱۲۵۴
۱۲۶۴	۱۲۵۸	۱۲۵۳	۱۲۶۵
۱۲۵۲	۱۲۶۶	۱۲۶۳	۱۲۵۹
۱۲۶۷	۱۲۵۵	۱۲۵۶	۱۲۶۲

ما علی ما علی ما علی ما علی

دود و برد دشمن قوی و مظفر کردد و اولاد مبان خلق هیبت تمام بود و تقرب مملوک و سلاطین یابد و خواص

بسیار دارد اما در وقت نوشتن باید که آفتاب در برج سنبله باشد تا نوزده درجهٔ حمل و قمر با سعد ناظر بود و از نحسین دور باشد و احتراق هیچ کوکب نباشد و در چنین کتابت این لوح حساب او بخور لبنی دود و در جائی شریف و خلوت پاک و تنهائی جا بردارد و با حضور دل نویسد و اگر پانزده روز سه هزار و سیصد سی و سه نوبت بعد از نماز بگوید با مردم کم اختلاط کند و در خلوت بخور لبنی دود و نماز بجماعت گذارد و بخلوت رود و اگر تواند در این ایام هر روز غسل کند جامهای پاک پوشد چون از نمازها پنجگانه فارغ شود بخواندن آیة الکرسی قیام نماید باخبر گردد باطن او از علم لدنی و علوم غریبه

دعا

دعا بگوید الرزاق را بخدا از دست راست کند و بجانب قبله رود از مغز و ناف خدا می باید ایضاً هرگاه در ساعت اول از روز سه صد و هشت دفعه بگوید یا رزاق البته روزی او وسیع گردد و من حیث لا یحتسب مرزوق گردد و بحرکت هرگاه کسی را حاجتی باشد مرد و زن شصت بار بگوید یا مغنی الشائلین البته مقصودش حاصل شود و اگر در نصف شب هم برهنه کند و دست بدعا بردارد تا سه شب متصل این اسم را سیصد و دوازده مرتبه بگوید البته مطلب او روا و حاجت او برآورده خواهد شد هرگاه کسی را مطلبی باشد عظیم بعد از نماز صبح قبل از مناجات نماز با عینک تمام این دعا را صد بار خواند تمام این بار

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ العلی

وعجایب و غرایب عالم و خواص اشیاء و اطاعت سلاطین و داوا
شود و دوستی خدا بود چنانکه هر کس او را ببیند اگر دوست شمن بود
مطیع و کردد و هر که نام او شنود محب او کردد و محبوب مخلوقات شود
و هیچکس از اطاعت او بیرون نرود و در امور دنیا حاکم خدا بود شود
و طبرزد فرکه توجه کند اسلام آورد و این دعوت ضعیف قدر را قوی مرتبه
کرداند اما باید که بعد از دعوت هر روز صد و ده نوبت بگوید که عدد
تام است و اگر خواهد پاده خواند باید که دشنبه روز بعد تکبیر
حروف ملفوظ اسم یکهزار و یکصد هشتاد و یک نوبت شمع صد
و موخر بخواند بعد از تمام دارد و تحفه شاهی او ده که هر که از جهت
از دیاد دولت خود یا دیکری صد و یازده نوبت بخواند و طلب جاه و رفعت
کند بیابد انچه مقصود او است **الکبیر** یعنی خدای بزرگ و پاکست

ال	ع	ل	ی		۲۵۰	۲۶۴	۲۶۱	۲۵۸
ل	ی	ال	ع	۲۶۲	۲۵۶	۲۵۷	۲۵۱	۲۶۳
ی	ل	ع	ال		۲۵۶	۲۵۹	۲۶۶	۲۵۲
ع	ال	ی	ل		۲۶۵	۲۵۳	۲۵۵	۲۶۰

ذات او از صورت و خیال و شبه و مثال شیخ جلال الدین فرمود
که روزی از شیخ بزرگ سؤال کردم چونست که شرح این اسم نوشته
نشده است شیخ فرمود نامی است که از هیبت این نام اسمانها و زمینها

وعرش

خوانند اگر مقصود حاصل نشود
باسه و زهبین دست و رعاکنند
انبیه مقصود حاصل است و چون
دعا تمام شود بیست و یکبار بکوید
از اول و آخر کلام و ده
تا از اجداد اول
نوبت صلوات بفرستند و چهل
یکبار بیت نفس بکوید تا آخر
و علماء کفته اند زنهار زنهار
اینند عمار انبیاء اهل الله تا موزند
که از تجربات است و باب در کلمه
و انجمع طلبتنا مطلب دنیا
بکذرانند و اگر در خواند ملا احظه
معانی کنند بحضور قلب بخوانند
بهتر است و در اکثر بلاد تا وشنا بد
بجهت رسیدن است و دعای مذکور
تا مبتلی فی الشهوات است
باب بیم مذکور خواهد شد انشاء الله
جهان از رشتهای باید
و غلبه بر خصمها

در سر کلمهٔ مبارکهٔ الکبیر

وعرش و کرسی و بهشت و دوزخ و قلم نفها نیز داری ثابت اند
هر که خواهد که دعوات این اسم اعظم کند باید که حضرت کبیر را
بزرگ خواند و بزرگ داند و هیچ کس را در درگاه آنحضرت عظیم قدر
و بزرگ نداند که انبیا و اولیا و اقطاب سر بر آستانا و بر زمین
نهاده و او را بزرگ داشته اند تا بدان مقام رسیده اند پس هر که
طلب جاه و بزرگی کند در عالم صورت و سیرت در روزی هفتاد نوبت
بخواند و شرف یابد اما باید که بان فوقیت نشود و در طلب جاه
و مراتب عالم باشد تا زیانکار نگردد و یکی از بزرگان فرموده
هر که صد بیت و ز دعوات این اسم کند بشرایطی که در اسم الرحیم
گفته شد در شبانه روزی هزار و چهار صد شصت و شش نوبت
بخواند با خضور دل و خلوت اصل و اربعین اخر در خلوت نشیند و
بی ضرورت بیرون نیاید و ترک حیوانات کند و حلال خود را شکار
گردد بر او ارواح انبیاء و اولیاء و مسلمین و ملائکه و با او انس
گیرند و بیشتر در شب با او باشند و اسرار عالم ارواح و ملکوت
عجایب عالم کبیر با او بگویند و مسخر صاحب دعوت گردد قلوب
اکابر و قضاة و امراء و وزراء و ملوک و سلاطین و رعایا و
خلایق طالب دیدار و صحبت با او گردند و او را بود بزرگی در عالم
صورت و معنی و در اربعین باید که شب و روز از تکرار غافل نشود

بعد از فریضهٔ صبح قبل از طلوع آفتاب بعدد اسم خود تا پنجاه روز بخواند مجربست امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء ایضاً منقول است که هر که پیش از صبح برخیزد و به عنبر بخور کند و هزار و یک بار این آیه را بخواند ان الله هو الرزاق ذو القوة المتین تا پایان هفت بعمل آید خصوصاً اگر قصد رزق و تحصیل مال حلال باشد

ارجهٔ کشایش روزی

نصف شهر از ربنا بگوید سبحان الملک الحی القیوم الذی لا یموت بسیار نافع است

ارجهٔ هلال دشمن در

نصف شهر از ربنا بگوید الفایض از دشمن هلاک شود البته

شرح کلمهٔ مبارکهٔ الکبیر

وکمتر از هفتاد هزار بار نخواند و اگر زیاده خواند باکی نیست
و بسازد خاتمی از نقرهٔ خالص در ساعت سعد و نظرات خوب
چون تثلیث و تسدیس و شرف سعدین و نقش کند حروف اسم دایر
از خاتم باین طریق تا باید که چون خاتم تمام شود روز یکشنبه یا

ك	ب	ى	ر	٥٠	٦٤	٦١	٥٧
ى	ر	ك	ب	٦٢	٩٤	٥١	٦٣
ر	ى	ب	ك	٥٥	٥٩	٦٦	٥٢
ب	ك	ر	ى	٦٥	٥٣	٥٤	٦٠

دوشنبه یا پنجشنبه پیش از صبح غسل کند در آب روان یا در خانهٔ
خلوت و شکر وضو بگذارد و استغفار گوید در و فرستد آنگاه
خاتم در انگشت کند چون ابتدای دعوت کند باید اول با تعظیم و حضور
دل بگوید یا کبیر یا کبیر و در حین دعوت در نقش خاتم نظر کند و
مغلی سم در دل میکذراند و در آخر هر مجلس میگوید یا کبیر اکبرنی
و چند نوبت در و فرستد و در اول و آخر هر دعا در و فرستادن سبب
اجابت دعا است و در دعوت کبیر شرح این اسم نوشته اند و عمل نموده اند
و بعضی از بزرگان فرموده اند که در آن سه ربعین هر شبان روزی
بعد اول خواندن نمود اجابت است و عدد اول هفتاد هزار است ....
الحفیظ یعنی نگاه دارنده هر چیز از انحراف او بود این نامی است

از برای قضاء حوائج دنیویه و
اخرویه و غفران ذنوب و حصول
مقاصد عالیه بخواندن دعا عشاء
شب بعد از عصر روز جمعه طریق
مشروع که بجوانب قضاء حوائج
و اصلاح عاقبت باشرح از درمقصد
بعضی کتب معتبره مسطور است و هم
بسیار مبارک و میمون است و هم
خیر است بخواندن دعای همان شب و
چنین است نزدیک غروب آفتاب
آخر روز جمعه از برای قضاء حوائج خصوصا
از برای دفع دشمن مجرب است سیما تا چهل روز
جمعه و از تعیینات شاه است و هم
کشایش در کارها در میان نماز ظهر
و عصر روز جمعه بعد از سلام خوانده
بخوانند سبحان الله بعدد عیب کبیر
وجه حصول ثروت و دولت و
توسعه رزق در روز
دوشنبه

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحفیظ

که نوح پیغمبر علیه السلام ز برکت این نام ز طوفان نجات یافت
هر که خواهد احصا این اسم کند اول باید که دل و چشم و زبان و دست
خود را از جملهٔ مناهی و خطا نگاه دارد تا حضرت حفیظ او را از
بلیات محفوظ دارد و شیخ مغربی گوید هر که خواهد از غرق شدن
در آب و سوختن در آتش و شر دیوان و دیگر حرام ایمن بود این اسم را
بنویسد و بخوند تا دیو پریان و بند از نکبات ایمن بود حضرت امام
رضا علیه السلام فرموده اند هر که بعد این اسم که هفتصد و نود و هشت است
مکرر در روز جمعه بعد از نماز بنویسد بخط باریک و طومار کند و
پریان و بند از وسوسهٔ شیطان و خوف سلطان و بیم سباع و مار
و عفریت و خیالات فاسد در امان حق تعالی بوده باشد و شیخ فرموده

۲۴۸	۲۵۷	۲۶۶		۲۲۷	ظ	ی	ف	ح
۲۶۳	۲۳۰	۲۴۵	۲۶۰		ف	ح	ظ	ی
۲۳۳	۲۷۲	۲۵۱	۲۴۲		ح	ف	ی	ظ
۲۵۴	۲۳۹	۲۳۶	۲۶۹		ی	ظ	ح	ف

اگر کسی باین که نموده شد نقش کند بر لوح نقره و با خود دارد ایمن
گردد از شر تمام مخلوقات و حرکت مفاجات و قرض و درویشی و جمیع امراض و بلیات
آخر الزمان و غم و آنچه تعلق بنکبت دارد و اگر نقره میسر نشود در روز شرف آفتاب
بر کاغذ نویسد همین خواص دهد اگر این نوشته را در میان مال نهد ایمن

در قرطاس افتاب شهزاده شصت
بار بگوید یا غنی آزموده است
خمسه چهار ضرب اگرچه گفته
از بهت وجه دیگر نقل شده
لکن دو سه وجه آن بهتر
که در این سال ایراد میشود اول
قسمی است که محل اعتماد جمیع علما
است و آن این است که دو دفتر سفینه در
زیر آسمان هفتاد و چهار دانه بر
و سی و هفت دانه را بشمار است
دست راست را بطرف راست و دست
چپ را بطرف چپ گذارد و بعد دو رکعت
نماز حاجت بگذارد و بر هر یک از
طرف داشته مرتبه صلوات بنویسد
مکرر یک آخری که بر او شش بار صلوات
بفرستد که مجموع سیصد شش بار می
شود و بعد دیگهای طرف چپ را
بر هر یک ده مرتبه
چهار مرتبه

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحفیظ

گردد و اگر اهل کشتی بخوانند این اسم قیام نمایند سالم بساحل
رسند و از امواج و جانوران و بلیهٔ دریا ایمن بوند و دیگر فرموده اند
هر که نقش کند این اسم را بتکسیر بر عقیق یا بلور یا نقره و لوح سازد
یا بنطریق که نموده میشود که لوح زینج جزو یک جزو از طلا باشد و

نقاش ناطهات باشد یا صاحب	ی ح ف ی ظ ا ح ف ظ ن ی
دعوت در روز جمعه در خلوت شود	ی ی ن ا ظ ح ف ف ح ی ا ظ
قبله یا در روز دوشنبه یا غار شعد	ظ ی ا ی ی ن ح ا ف ظ ف ح
و قمر ناظر بسعود و این تا حفیظ	ح ظ ف ی ظ ا ف ی ا ی ح ن
از حفیظی در ده سطر بنویسد	ن ح ح ظ ی ف ا ی ی ظ ف ا
و زمام را نویسند سطر را نقش	ا ن ف ح ظ ح ی ظ ی ی ا ف
کند و هر دو در حین نقش کردن ذاکر	ف ا ا ن ی ف ی ح ظ ظ ی ح
باشند و هیچ سخن نگویند چون نقش	ح ف ی ا ظ ا ظ ن ح ی ی ف
کرد صاحب دعوت معطر شاخته	ف ح ی ف ی ی ح ا ن ظ ظ ا
آن لوح را نگاه دارد در روز پنجشنبه	ا ف ظ ح ظ ی ن ف ا ی ح ی

یا یکشنبه یا جمعه سحرگاه در آب روان غسل کند یا در خلوت و بحمام رود
و در خلوت دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن بعدد تکسیر بخواند
و لوح را در پیش سجاده نهد و در آن نظر کند و اگر مجموع عدد تکسیر
در مربع نهد و نگین خاتم از عقیق یا بلور یا بنطریق بنویسد (ظهور وقت

و خاتم

بخواند مکرر آخر یکی که بر او شش مرتبه
مرتبه بخواند بعد صلوات و بعد
از آن سه بار عابر داشته مطالب را
از خدا بخواهد پس از آن دو رکعتهای
اول را در آب روان اندازد و دو رکعت
دوم را در دهان بجای دهن و
دفن نماید که تخلف ندارد و تا دهان
شجره شده است وجه آن روز
روز شنبه یا چهارشنبه سیصد و
شصت و شش بار بخوانند و بعد
کنار دهن آب دو رو بقبله بوضو
یکبار تمام ضرب را بخوانند تا تمام
شود و بعد در گودال بریزد و آن
گودال را پنهان کند و بر روی آن
بول نماید و بر روی آن
خاکم یا سر قلم بنهد آب ما تمام
شود و این طریقه بخیر بخیر بشده
است وجه تسمیه روز دوشنبه بعدد
روز و چهار صد و بیست و پنج ربایت
برچیند در میان قبر
کهنه گودال
بکند

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحفیظ

وخاتم در انگشت کند بهتر است و در وقت دعوت بر لوح و خانه نظر کند و آهسته تکرار میکند

۵۱۴۳	۵۱۴۹	۵۱۵۰	۵۱۳۸
۵۱۵۱	۵۱۳۷	۵۱۴۴	۵۱۴۸
۵۱۴۰	۵۱۵۲	۵۱۴۷	۵۱۴۱
۵۱۴۶		۵۱۳۹	۵۱۳۵

یا حفیظ والحفیظ منزه مخفی است و در آخر مجلس میگوید یا حفیظ احفظنی اگر میسر شود بر این مداومت نماید والا دعوت این نام هشتاد و شش ۵۱۴۲ روز است که بعد تکبیر بخواند و اگر بعد از آن کم کند شاید اما ترک نباید کرد و آنکس که این دعوت بجای آورد از جملهٔ آفات و بلیات و شر دشمنان و حاسدان و مکاران و قهر سلطان و کید زنان و سحر ساحران و بیماریهای گران و شر شیطان و آفات آخر الزمان محفوظ باشد و پیوسته در کنف عنایت و حرز حمایت حضرت عالی باشد و باطن او را بود جمعیتی و سلامتی از وسوسه و خیالات فاسد و باید که خود را از کبایر نگاه دارد که اسم اعظم است و حضرت عزت جل جلاله حافظ و ناظر او است اما باید که خاطر از اندیشه دور دارد و این وقتی میشود که اگر وضو نداشته باشد وضو کند و اگر میسر نشود تیمم کند و در وقت خیابت و قضای حاجت تربت الواح از خود دور کند و عزیز دارد تا مقاصد بکلی و بزودی میسر گردد و در ان

روبقبله بطهارت یکی یک مرتبه چهار جزء را بخواند و در گوی اندازد و چهار بزرگان بزرگ و بزرگوار و اگر دفعهٔ الی بطلب نرسد دوشنبه دوم و سوم عمل نماید که بطلب رسد

هذا الکشف بخشش

چهارشنبه و مستطلع آفتاب چهل بکیفیت دعای آنکه مذکور میشود بخواند و بعد از آن بخانهٔ او بدهد البته یا هلال شود یا ذلیل گردد و مکرر تجربه شده است

بسم الله الرحمن الرحیم

بفضل بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم ببرکت بسم الله الرحمن الرحیم یا ابا الصبیر اعنی یا دعلیا مظهر العجائب یجیبه عوفا لک فی الغرائب کل هم و غم سیجلی بولایتک یا علی یا علی یا علی

حاجات از قضای

چهارشنبه ابتدا از روز

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المقیت

مدام بماند و نزد بعضی تکسیر الحفیظ ششهزار و یکصد و هفتاد و
چهار عدد است مع صد و مؤخر دوازده هزار و سیصد و چهل و
هفت عدد است و عدد تکسیر یا حفیظ ششهزار و یا نصد و چهار عدد
است و مع صد و مؤخر ده هزار و یکصد و چهل و نه عدد است و عدد
تکسیر حفیظ دو هزار و هفتصد و نود و چهار عدد است و مع صد و مؤخر
پنجهزار و نهصد و هشتاد و هشت عدد داست و عدد اصل حفیظ هفتصد
نود و هشت عدد داست **المقیت** یعنی خدای توانا بر نگاهداشتن
هر چیزی و هر کاری بقدر و مقدار و این نامی است که پرورش جمله
آفریدگان ببرکت این نام است اهل تحقیق گویند هر که خواهد حصار
این اسم کند باید که خود را بر آن دارد که دایم اوقات خود را صرف
بندگان خدای تعالی کند و دایم خواهان او باشد که افتاده را دست
گیرد و فرومانده را خاطر جوئی کند و با ضعیفان فروتنی کند و شفقت
و مرحمت از دوست و دشمن دریغ ندارد تا حضرت عزت نفس او را
مطیع و گرداند و قوتی کرامت کند که تواند با اژدها هفت سر
طبرا و وجه مجادله کرده او را مسخر او گرداند و حضرت امام رضا
فرموده اند هر که این اسم را هفت نوبت بر آب روان یا آب باران بخواند
و طفل بدخوی بخورد خوشخوی گردد و خوش ذهن شود که هر چه بخواند
یاد گیرد دیگر فرموده اند هر که خواهد نفس خود را بعذاب تشنگی

بسم الله الرحمن الرحیم
یا مفتح الابواب یا مسبب الاسباب
یا مقلب القلوب و الابصار یا غیاث
یا دلیل المتحیرین یا مالک یوم
الدین ایاک نعبد و ایاک
نستعین و باید در اثنای خواندن
حرف نزند و اگر حاجت روا نشود
مثلهٔ دیگر بخواند که بفضل الهی در آمد
میشود و این نسخه از خط میر دراز
عبد الرحمن نقل شده بود از روی
مطلبی در شیعه بسیصد یک
نظر بجانب نیست یا مقدر
الرحمن الرحیم یا مسبب یا مستعمل سبحان
قدر یا ارحم الراحمین یا رحمن یا علی
من کان عدو و لا یعلم علی
دفعه فلیعمل

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المجیب

وگرسنگی معذب گرداند و بران قادر نباشد یا در دوره و سلوک
طاقت ندارد یا در سال قحط بطعام اندک صبر نتواند کردن یا طفلان
شیر یاد کرده بود یا در غربت بیخانمانی گرفتار گشته یا در بیابانی بی آب و
بیطعام مانده این نام را هفتاد و هفت نوبت بر کوزهٔ تهی یا اعتقاد
تمام بخواند و یا در درون کوزه مدد پر آب کند و از آن آب بیاشامد
جملهٔ علتهای مذکور را مفید بود و در بیابان و در کند ایزد تعالی
او را صبر کرامت فرماید و تشنگی ببرد و اگر بعد تکبیر بقول شیخ
که دوازده هزار و یکصد و نود و عدد است مع صد و موخر بر خاک
پاک خواند ایزد تعالی نگاهدارد هر قلیل الصبر که او در حین
جوع و عطش قدری از آن خاک بلب تر کند و بوکند او را تسلی
تمام حاصل گردد و غریب قادری این نام زود بوطن باز رسد شاد
کام و توانگر اما مربع را با خود دارد

۱۳۷	۱۴	۱۴۳		۱۳۰	ث	ی	ق	م
۱۴۲	۱۳۱	۱۳۶	۱۴۱		ق	م	ث	ی
۱۳۲	۱۴۵	۱۳۸	۱۳۵		م	ق	ی	ث
۱۳۹	۱۳۴	۱۳۳	۱۴۴		ی	ث	م	ق

المجیب یعنی خدای بسیار اجابت است خلایق را در قضا کردن
حاجات و دفع بلیات این نامی است که کرام الکاتبین بر گناه بندگان

من الآفاق الفرسخة ویقول
تکلوا احد منها حرة القوی و
یرمیها للطیور یکفی مرعده و من
اکثر ذکر الشاد رعند وضوئه
المشتق کفی امر عدوه از بوا
ظاهر گشته و در دزد بود و امر
غایب و اشکار اشد معذبها و
اطلاع بر عاقبت کارها کهیا اند
بیحق میشود شیخ بخشنه در بلد
مجلس دو سیز و بیکار بخواند که مقصود
حاصل گردد و ادعای بحرمه کوده اند
آیه ایست الم تعلم ان الله
یعلم ما فی السموات والارض
ان ذلک فی کتاب ان
الله یسیر
مدد استمداد از
رای قضا حوائج مشروعه در ایام هفته
هر روز هزار بار بخواند و ابتدا
از روز جمعه

در شرح کلمهٔ حسبی الله الحسیب

ببرکت این اسم اطلاع می‌یابد و حضرت امام رضا علیه السلام
فرموده اند هر که از جهت دفع دشمن قوی مورد کند هر روز هشت
نوبت بگوید از روز پنجشنبه ابتدا کند از شر او خلاص شود
و اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصای این اسم کند اول
باید هر روز حساب اعمال ذمهٔ خود کند از او پشیمان و نادم
بوده چنانکه سروران اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله
میکرده اند میان برای کفایت خلایق در بند و در حصول
مقاصد خلق کوشد کار خود را بخدا گذارد تا حساب قیامت
بروی آسان کردد دیگر فرموده اند هر که خائف بود از شر دشمنان و بیم
دزدان و چشم زخم و کید عدو همیشه و همراه بدو زوج زوجه
ناسازگار و ترس سلاطین و حکام جابر و بلای سفر و ترس قرض
خواه و شر دزدان و موذیان باید که از روز پنجشنبه تا روز چهارشنبه
این ایام دو روز دارد در این ایام هفتاد و هفت نوبت بگوید
حسبی الله الحسیب و شبانگاه همچنین میگوید مراد او حاصل
گردد و از جمله علل نجات یابد و بعد از آن دیگر حاجت بروز
نیست هر که هر بامداد و شبانگاه این عدد را ورد سازد از برکت این
اسم مال و فرزندان او از جمله نکبات و آفات لیل و نهار ایمن
باشند و شیخ مغرب فرموده هر که این چهار کلمه که حسبی ربی من

نماید در پنجشنبه ختم کند بسیار
خیر کرده اند روز جمعه یا الله
یا هو شنبه یا رحمن یا رحیم
یکشنبه یا واحد یا احد دوشنبه
یا قدوس سه شنبه یا حی یا
قیوم چهارشنبه یا ذا الجلال والاکرام
پنجشنبه یا ذا الجلال والاکرام
جناب امام حسن علیه السلام فرموده
که زیارت هر روز جمعه یا
روز انبار کار را یکشنبه یا رحمن یا
جبار دوشنبه یا مالک الملک سه شنبه
یکشنبه سبحان الله و الحمد لله
دوشنبه یا رحمن چهارشنبه یا
الله سه شنبه یا غفور و رحیم
الله و نعم الوکیل پنجشنبه
الجلال والاکرام جمعه یا
حی یا قیوم

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحسیب

من کل ربی در مربع چهار در چهار وضع کند در حینی که آفتاب در
اول حمل باشد و بعد از ناظر و قمر از منحوسات ساقط نویسد و
با خود دارد و هر روز بیست و یک نوبت بخواند بر خود و اگر همهٔ عالم
دشمن او گردند هیچ آفت بوی نرسد اگر شخصی را بتهمت گرفتار ساخته
باشند او را از سلطان بیم بود این مربع را با خود دارد و چون او را پیش
بر پادشاه افتد این اسم بخواند
تا آنکه حکام با او سخن گویند
هر چه گوید جواب خدا تعالی
از سلطان او را بوی رحم و مهربان
گردانند و از نظر او را بیرون آید

حسیب	ربی	من کل	مربی
مربی	من کل	ربی	حسیب
ربی	حسیب	مربی	من کل
من کل	مربی	حسیب	ربی

باید که با او چندان شفقت و مرحمت نماید چندانکه خلایق از آن حیران
بمانند این از برکت الحسیب است و اگر بر اطلس سبز بطلا نویسد بغایت خوب و
مبارک بود

۱۹	۲۵	۳۱		۵	ب	ی	س	ح
۲۹	۷	۱۷	۲۷		س	ح	ب	ی
۹	۳۵	۲۱	۱۵		ح	س	ی	ب
۲۳	۱۳	۱۱	۳۳		ی	ب	ح	س

چهل مرتبه باین تفصیل بخواند از جهت
شنبه پنج مرتبه یکشنبه سه مرتبه
دوشنبه پنج مرتبه سه شنبه هفت مرتبه
چهارشنبه هفت مرتبه پنجشنبه هشت
مرتبه جمعه نه مرتبه مجموع چهل
از دعاهای مشهور است حضرت امیر
المؤمنین ع در فنون نماز شب خوانده
و در کتاب جمال الصالحین و غیره مسطور
است و شرح و ثواب مبسوط دارد
بجهت هر مهمی که داشته باشد
این مبارکه سلام قولا من رب رحیم
هشتصد و چهل بار بخواند در هر روز
تا پانزده روز و ابتدا از روز چهارشنبه
نماید بغایت موثر است
اما در حق حاجت
نماز صبح بعد از خواندن
بخ بخ بی تکلم در یک هفته هر روز
پانزده بار ابتدا از شنبه کند و جمعه
ختم نماید بعد از آن در یک هفته دیگر
هر روز نه بار بخواند و شنبه
شروع کند و یکشنبه

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الجلیل

الجلیل یعنی خدای بزرگوار بذات و جمیع صفات این نامی است که
همه مخلوقات از هیبت و جلالت این نام میترسند اهل حقیقت
گویند هر که خواهد حصار این اسم کند اول باید که بعین یقین ببیند
و بعلم یقین بداند که جلالت و عظمت و بزرگواری خاصهٔ حضرت جلیل
جبار است و صفت بندهٔ مسکنت و ضعف است و چندان مسکنت و عجز خود
اظهار کند و ظاهر و باطن خود مشابه مسکینان سازد تا حضرت
جلیل او را حشر گرداند با طایفه که حضرت بهترین موجودات صلی
الله علیه و آله فرموده اند اللهم احینی مسکینا و امتنی مسکینا
و احشرنی فی زمرة المساکین و حضرت امام رضا فرموده اند هر که
هفت روز هر روز بنویسد این اسم را بمشک و زعفران و گلاب و شکر
بر نان و بخورد و هر روز یک نان صدقه کند او را بود در میان خلایق
امراز تمام از برکت این نام دیگر فرموده اند هر که هفت او سه نوبت
بنویسد این نام را بمشک و زعفران و گلاب بر کاغذ بقلم باریک
و بر بازوی راست بندد و بر خاتم نقره که بیخیک او طلا باشد نقش
کند بحروف تکسیر و در دست چپ کند و هر روز بعدد تکسیر بخواند
مجرب است برای بزرگی و حشمت و طلب جاه میان خلایق و تقرب نزد
سلاطین و هیبتی باشد از او در دل خلایق و اعدا او را اگر خواهد که
بدعوت این اسم قیام نماید بعدد تکسیر یا بعدد کبیر خواند و عدد تکسیر

دو هفت و

تمام نماید بخورد هر روز بنویسد بعدد تمام
و هفت هر روز یک نان صدقه کند و بخواند
مجرب است خمسة الفاظ مکرر
سجاده خود را و منبر بگوید این اسم را
خداوندا او را غنی گردان و هر که
شب سر را برهنه کند و دست خود را بلند
نماید و صد مرتبه این اسم را بگوید البته
فقر او زایل گردد و حاجات و قضا شود
فقر او زایل گردد و بی نیاز و در روز نیز
بجهت دفع فقر و بی نیازی
رسول صلی الله علیه و آله منقول است که
در شبانه روز صد بار این دعا بخواند
غنی کند بحق بسم الله الرحمن الرحیم
اگر کسی
تا آخر آیه الرحمن
باشد که هیچکس نه بیاد او نرسد و نه دزد
تا بحق گرفتار باشد هر روز نود و نه بار این
کلمات را بخواند تا حق تعالی بفضل و کرم
دست حاجت او را بحق
کشاید آمین

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الجلیل

دویست و نوزده است و مع صد مؤخر چهار صد هشت است و دعوت این اسم مناسب کنایه است که سر و دو نزول کشته باشند و رمیاً خلایق خواهند که همچنان بمانند در وقت خوف در نقش خاتم نگاه کنند و نظر کنند و دیگر کنایه اصلم است خواندن این اسم که ایشان متجلی کشته باشند بصفات عظمت و بزرگواری حضرت عزت جل جلاله

ج	ل	ی	ل		۲۴	۲۱	۱۸
ی	ل	ج	ل		۳۲	۱۱	۲۳
ل	ی	ل	ج		۱۹	۲۶	۱۲
ل	ج	ل	ی		۲۵	۱۳	۲۰

۱۰

الکریم یعنی خدا پاکست و صفت نیکو دارد و درگذرنده جرم و تقصیر زیبنده کار زنگنه کار پریشان روزگار این نامی است که هر که را قدر و منزلت باشد ببرکت این نام بر قرار ماند اهل حقیقت گویند که هر که خواهد عوت این اسم عظم کند باید خود را موصوف بکرم سازد و آنمقدار که تواند رحم و شفقت و کرم و معرفت از خلق خدا دریغ ندارد بلکه منت قبول کند حضرت امام رضا علیه السلام میفرماید هر که این اسم بدل بسیار گوید حضرت کریم مقاصد دنیا و آخرت او را کفایت

یا غیاثی عند کل کربة و معاذی عند کل شدة و مجیبی عند کل دعوة از هفتم مطلب دعوة ابتدا از روز شنبه باید تا دوازده روز بعد از نماز صبح بگوید لا اله الا الله القابض العلی العظیم و صد مرتبه بگوید لا اله الا الله النبی الحلیم و صد مرتبه بگوید محمد رسول الله الکریم و سی مرتبه بگوید علی ولی الله الخالص الصفی العلیم و صد مرتبه بگوید اللهم صل علی النبی الامی محمد و آله و سلم و بعد از آن بار بگوید یا الله صمدی و منک مددی و علیک معتمدی یا علی یا علی یا علی مظهر العجائب جنده عونا لک فی النوائب هم و غم بسبب تو بر کل یا علی یا علی یا علی و صد مرتبه بگوید لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین

ذکر تکبیر پدر الکبیر

مخفی نماند شیخ ابو العباس که بدهد که این اسم لطیف را بر صورت و
مکتوم کرده و هر که در بعضی خواب بر وی این اسم را چنان بخوید که
در خواب ملتجی بود و دعا کند دعای ملائکه سریع الاجابت
و دیگر فرموده اند هر که بدولتی و فقر و عیال فرو مانده باشد چون
بر این اسم مداومت نماید مفتاح رزق وی بود و روزی او از جائی برسد
که گمان ندارد و مداومت بدین نام بعد تکبیر باید
عدد تکبیر الکریم یکهزار و هشتصد شش است و عدد تکبیر ها کریم
یکهزار و ششصد هشتاد شش است و عدد اصاد و بیست و هفتاد
و تکبیر زیاده از هزار بار و عدد تکبیر شیخ مغرب مع صد و مؤخر
سه هزار و ده است یا کریم مع صد و مؤخر دو هزار و دویست و هفتاد است
و بی صد و مؤخر یکهزار و ششصد و بیست قاری هر عدد که خواهد بخواند
و مربع این نام در سعت رزق اثری عظیم دارد خواه بعدد و شر تکبیر
خواه بعدد و شر کبیر هر دو را مثال نمائیم تا عامل را مشکل نباشد

۶۸۱	۵۸۵	۵۸۸	۵۷۴		۶۲	۷۰	۷۳	۶۰		م	ی	د	ک
۵۸۷	۵۸۵	۵۸۰	۵۸۶		۷۲	۶۱	۶۶	۷۱		د	ک	م	ی
۵۷۶	۵۹۰	۵۸۳	۵۷۹		۶۲	۷۵	۶۸	۶۵		ک	د	ی	م
۵۸۴	۵۷۸	۵۷۷	۵۸۹		۶۹	۶۴		۷۴		ی	م	ک	د

۶۳

اما باید که بر نقره نقش کنند و بطالع سعد و انگشت کنند تا اثر عظیم دهد

درج کلمهٔ مبارکهٔ الرقیب

وآنچه را بعد پرخواهد کرد باید که در شرف آفتاب یا در تثلیث ولیکن
سعدین و قمر بعد بعد متصل و از نحسین منصرف باشد عدد این اسم را
یا عدد اسم خود در مربع نهد چنانکه سابقاً مذکور شد عمل نماید خواص
تمام باید اگر بر لوح نقره نقش کند اثر تمام دارد و اگر بر نقره میسر
نشود بر کاغذ نویسد همین خواص دهد و چون الواح با خود دارد هر
روز کمتر از هزار و دویست و هشتاد و یک نوبت نباید خواند
الرقیب یعنی نگاهدارنده همه کس و همه چیز در همه حال این نامی است
که حضرت شعیب پیغمبر گوسفندان میرفت این نام را بسیار میگفت بهرکب
این نام بسلامت میماند اهل تحقیق گویند هر که خواهد حصار این
اسم کند باید که خدای تعالی را در نهان و آشکارا ناظر و نگهبان خود
داند و دایم متحرز باشد که نباید از او قول و فعل و اندیشه صادر شود
که مرضی حضرت عزت نباشد تا حضرت رقیب بدیده دل او را ناظر بملک
ملکوت نماید حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که رادمنشی
قوی باشد هفت نوبت بخواند از شر او ایمن شود شیخ گوید هر که بخواند
این اسم مداومت نماید چندانکه تواند بنیت اهل و فرزندان و نفس و
مال و عیال او آسیبی نرسد ایمن گردد و از آفات و بلیات سالم ماند
و اگر کسی را عورت جمیله یا پسر صاحب جمال بود این اسم را دایم
خواند خدا او را از حفظ خود نگاهدارد (مربع الرقیب در صفحه بعد)

بعد از نماز جمعه سیصد مرتبه
بگوید یا قهار بسیار از موه و بجز
و در جمیع دعوات داعی بنماید بلکه
بعضی از شرایط و آداب دعا قیام نماید
زیرا بیشک بمقصود فایز گردد و آن
اینست که در وقت دعا رو بقبله
بنشیند و با وضو باشد و رفتن بنا
ادب باشد و در اثناء ذکر سخن نگوید
و از مناهی محترز نماید و با اعتقاد
اخلاص تمام بخواند و از سر غفلت
نشود و دل حاضر دارد و التماس بسیار
کند در دعا و اگر حال طلب نکند
بر استجابت بخیل نماید و از دعا کردن
ملول نشود و در ماکول و ملبوس
ملاحظه حلیت و حرمت نماید
اول ماخذ غاصبانه
این شرایط و آداب شک و شبهه در تاثیر
دعا نیست فایده شود
بنا بجهت مطلب و هر حاجت
نماند بجا بیاورد شعر الحمد لله بر این
ایدا الجواب الله
الحمد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المجیب

۷۲	۸۳	۸۹	۶۳		ب	ی	ق	ر
۸۷	۶۵	۷۵	۸۵		ق	ر	ب	ی
۶۷	۹۳	۷۹	۷۳		ر	ق	ی	ب
	۷۱	۶۹	۹۱		ی	ب	ر	ق

۸۱

المجیب یعنی خدای اجابت کننده است انرا که خواهد این نامی است که اسمعیل ع میگفت و کار دبر گلوی وی کار نکرد و حق تعالی از جهت او فدا فرستاد و نجات یافت چون کسی خواهد که احصای این اسم کند باید که هر حاجتمندی که حاجت خود را برا و عرض کند یا بمقدار که تواند اجابت کند و او را نومید نگرداند حاجت خود را بجز خدا تعالی نگوید تا حضرت عزت حاجات وی را برا و روا گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که صد ده بار بگوید حاجت خود عرض کند حاجات او بکلی برا و روا گردد و هر که دایم مداومت کند ایمن بود از نکبات دنیا شیخ ابو سعید گوید هر که در آخر هر دعائی بیست و شش بار بگوید یا سریع یا مجیب بزودی دعا او مستجاب گردد و شیخ شمس الدین سمرقندی فرموده که این مربع (در صفحهٔ ظهر) با خود دارد در همه حال از بلا ایمن بود اگر کسی را مهمی و کاری بود و در حصول آن مضطر گشته جمعی یا یک تن در یک مجلس این نام را نود هزار بار بخوانند البته اثر اجابت ظاهر گردد و اگر میسر نشود نوزده هزار نوبت بگوید در تخته شاهی

بعبادیه یرزق من یشاء بغیر حساب و هو القوی العزیز و بجوز سلام و صلوات بر محمد و آل محمد بر ذمه مرتبه این اسم را بگوید با لطیف و بعد بصلوات و درود و حاجت بخواهد که انشاء الله تعالی باجابت مقرون گردد مثلی تا سه روز صبح کند اگر تا خیر قضاء حاجت شود باز دو رکعت نماز بهمان نظر تعیین نماید و اسم مذکور را هفصد و سه مرتبه این عجایب و حضرت بجهت بنمود ام بجهت هر حاجت شرعی هدیه بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم کنانید و هر سوره که خواند بعد از سلام دهم سه بار بگوید صلوات فرستد و سه مرتبه بگوید استغفر الله العظیم و توبه الیه و حاجت که داشته باشد از خدای تعالی طلب کند که برا و روا گردد انشاء الله

ایضا جهت هر حاجت در هفت اقسام

دعوت کلمهٔ یا ذا الجلال والاکرام المجیب

الوفق اندر صفحهٔ خواص مختفیا بالدعوه ذو الجلال که مذکور

۱۳	۱۶	۲۰	۶
۱۹	۲	۱۲	۱۷
۸		۱۴	۱۱
۱۵	۱۰	۹	۲۱

ب	ی	ج	م
ج	م	ب	ی
م	ج	ی	ب
ی	ب	م	ج

۲۲

شد هر روز شصت و شش نوبت بگوید و آخر بخواند استجب دعوتی کلها یا ذا الجلال والاکرام همه دعوات مستجاب شود الواسع یعنی خدای گشاده است فضل و رحمت او و قهر و عدل او رسا شده این جمله است بر بندگان این نامی است که عرش برکت این نام قائم است و اهل تحقیق گویند که خواهد حصار این نام کند باید که حسد و بخل را من جمیع الوجوه از خود دور گرداند و آنچه دارد بر بندگان خدای تعالی ایثار کند طعام دهد تا گرداند و جمعی از اکابر گویند هر که را خدای تعالی مالی داده باشد و بر آن قناعت نکند و در جمع مال حریص باشد چون بدین نام مداومت نماید قانع گردد و یکی از اکابر فرموده هر که را معیشت تنگ بود و بر جر کند و اندازه اسم ابو نفره بر رؤس تکسیر نقش کند و اگر معتبر نگردد بر کاغذ نقش کند و با خود دارد مداومت نماید حق تعالی روزی او را فراخ گرداند بآسانی و سهولت باو رساند بعد از آنکه هر روز بخواند

شرح کلمات مبارکه الواسع (۸۹)

و	ا	س	ع
س	ع	و	ا
ع	س	ا	و
ا	و	ع	س

۲۶	۳۰	۳۷	۳۴
۳۸	۳۳	۲۷	۳۹
۳۲	۳۵		۲۸
۴۱	۲۹	۳۱	۳۶

هو و هفت است عدد تکبیر چهار صد یازده نوبت است و تکبیر ۴۲
این است واس ع و س ا ع س و هم شیخ فرموده که اسرار عجیب
خواص بزرگ در دعوت این اسم چهار اسم است اَلْوَدُودُ اَلْوَاسِعُ
اَللَّطِیفُ اَلشَّهِیدُ هر که بعد تکبیر این چهار اسم را مداومت
نماید چهل روز او را باشد در دعوت این اسماء علو مرتبه و منزلت عالی
در هر امر که خواهد در تسخیر قلوب سلاطین و سیف فتح و جاه و
مناصب و احوال عجیب و حالات غریب و وسعت رزق در دعوت این اسما
است سه هزار و بیست و پنج عدد است اَلْحَکَمُ یعنی خدای
تعالی صواب کار است و بسیار معانی پوشیده است در گفتار و کردار
این نامی است که روح برکت این نام در قالب ایجاد از هیبت این اسم
در دو و شیخ فرموده هر که را دولت دست دهد در آن مضطرب گردد
و او را تحمل اندوخت ناگاه نبود و از زوال ترسد این نام را بسیار خواند
او را در آن دولت عظمت و ابهت پیدا شود و حضرت امام رضا علیه السلام

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحکیم

فرموده اند هر که جهت آنحضرت شهرت شود این نام را بسیار گویند انکار
آن کرده اهل دانش گویند که در این عجایب و غرایب بسیار است
هر که را مهمی پیش آید از قبض و بسط و قرض و غربت و تنگی معیشت
و درویشی و امثال این باید که مداومت بذکر این اسماء نماید اهل
حقیقت گویند هر که خواهد احصای این اسم کند اول باید که زبان
از اغراض نگاه دارد و در کارهای مخلوقات مدخل نسازد و بداند
که هر چه از اراده حضرت حکیم بود موجود گردانیده و جملهٔ موجودات را
چنانکه میخواست آفریده و هر چه بهر که داده عین حکمت است و غیر
آن نمیشایست پس باید که بهر حال رضا بقضا دهد تا حضرت
حکیم حقیقت اشیا را بروی منکشف گرداند و دعوت این اسم مناسب
کسانیست که خواهند در علم حکمت شروع کنند و آنچه دانند در تزاید
او کوشند و بذکر این اسم قیام نمایند و هر چند بیش خوانند بار
یابند از آنچه خواهند و این را عدد معین نساخته اند چنانکه بنقل
صحیح آورده اند که روزی مردی نزد حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
آمد و عرض کرد یا رسول الله پدر و مادرم فدای تو باد قرض بسیار دارم
حضرت فرمود این اینها را بخوان و روزی و عدد تعیین نفرمودند بار دیگر
آمد استدعا کرد که یا رسول الله وام ادا شد اما از متاع
دنیا هیچ ندارم فرمود بقرائت همین آیات قیام نما بعد از مدتی آمد و

عرض کرد

ایضاً از جملهٔ نمازهای روز قضا
جمع شود و گفته شد که حاجت هر که
باز دیار سوره قدر را صد
مرتبه بخواند بعد از
بفرستد بملائکه در بنده یا رب
اغنی بفضلک عن خلقک و ده
یا رب کوید اللهم اغنی بحلالک
عن حرامک و بفضلک عمن سواک
ایضاً جهت مطالب عمده
دوست رزق و غالب شدن بر خصم
در شب جمعه یک ساعت پیش از
طلوع صبح برخیزد دو رکعت نماز
افتتاح بجا آورد در رکعت اول
بعد از حمد سورهٔ اذا جاء نصر الله را
تا آخر بخواند و در رکعت دوم بعد از
حمد سورهٔ قل هو الله احد را بخواند
و بعد از نماز یکصد مرتبه صلوات
بفرستد که آخر او و عجل
فرجهم

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحکیم

عرض کرد یا حبیب الله دشمن بسیار دارم و همسایه بد دارم امر
بمداومت همین آیه کریمه فرمود دوی زیر این گذشت باز بخدمت
رسول خدا آمد گفت از حکام و سلاطین میترسم فرمود همین
آیات بر زبان میران و از هیچ فریبه مترس و هر امر مشکل که تو را
پیش آید که در آن متحیر مانی در این آیات شروع کن تا خدا بتعالی
از برکت این چند نام بزرگ آسان گرداند راوی گوید که حکمت
چه بود که این آیات را فرمود و آیه دیگر ارشاد نکرد اهل حقیقت
گویند که معنی پوشیده در ضمن این آیات بسیار است و شرح این
آیات آنچه میخواهند در جواهر القرآن است حضرت امام رضا علیه السلام
فرموده هر که این آیات بخواند و ثواب آنها را بروح والدین بخشد
ایشان را هیچ حقی در گردن آن فرزند نماند و آیه کریمه این است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ فَلِلّٰهِ الْحَمْدُ رَبِّ
السَّمٰوٰتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمٰوٰتِ
وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَلِلّٰهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَ
رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَهُ الْعَظَمَةُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَلِلّٰهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَلَهُ الْفَضْلُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ فَلِلّٰهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

بوده باشد و بعد از آن هزار و
یکبار بگوید تا الطیف رحیم
آنا عبد الضعیف عدد
کبیر شش چهل و یک روز و
عدد صغیر شش و یک روز

ایضاً از حضرت امام زین
العابدین علیه السلام روایت است
که چون حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
کار دشواری پیش آمدی جامهٔ
پاک پوشیدی و وضوء ساختی
بایستادی بر جای از بام خانه شش
و چهار رکعت نماز کردی در هر رکعت
اول بعد از حمد سورهٔ انا انزلنا
سوم انا جاء و در رکعت
و در رکعت سوم قل یا ایها الکافرون
چهارم قل هو الله احد خواندی
آنگاه دست بدعا برداشتی و این دعا
بخواندی اللهم انی اسئلک
بأسمائک التی

شرح کلمات یا حکیم

قال الله تعالی له ما فی السموات وما فی الارض وهو العلی العظیم فلله
الحمد رب السموات ورب الارض رب العالمین وله الملک
فی السموات وهو العزیز الحکیم وشرح نهایات رابن مختصر همین
قدر کفایت میکند و بعد شیخ مغرب که تکبیر کرده اند و عدد تکبیر
نکرده اند اول تکبیر است نزد استاد شیخ ابو العباس عدد تکبیر
الحکیم پانصد و چهل و پنج عدد است یا حکیم چهارصد و چهل و پنج
عدد است عدد تکبیر صغیر بی بالف و لام پانصد و چهل و پنج عدد است
و بنای ندا چهارصد و چهل و پنج عدد است و بر مجموع عدد قاری مخیر است

ح	ك	ى	م	اقامه چند	١٢	٢٥	٢٢	١٩
ى	م	ح	ك	بشیخی شند	٢٣	١٨	١٣	٢٤
م	ى	ك	ح	فایشیر	١٧	٣٠		١٤
ك	ح	م	ى	دهلدن	٢٦	١٥	١٦	٢١

الودود یعنی خدای تعالی دوست مطیعان است و دوست دارنده
هر دوست فرمانبردار و این نامی است که آدم و حوا علیهما السلام را
موت زیاده بیش از اهل حقیقت گویند هر که خواهد احصای این
اسم کند باید کمر اطاعت و دوستی مخلوقات را بر میان جان بندد
و تمامی ایشان که مخلوق حضرت دوست اند دوست دارد و از راه عداوت
کینه هیچ افریده در دل نگیرد تا حضرت ودود او را بخلق خود محبوب

کرداند

اذا دعیت باسمائک
الحسنی للسیر تیسرت واشتملت
علی الفتوح للنشر واشترت و
اقلبت بقضاء حاجتی چون این
دعا را بخواند و در بغداد بخانه کعبه
رواشود ایضا حاجت خود
دینی و دنیوی و فتح و بیچه
از شبیهار شنبه و پنجشنبه جمعه
دو رکعت نماز بجا آورد در هر رکعت
بعد از حمد سوره یس را بخواند و حجره
از خداوند بخواهد که برآورده
و مجتبی است

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الودود

گویند که هر که او را بسیار خواند حضرت امام رضا علیه السلام
فرموده اند هر که هر روز جمعه از جهت الفت ازواج بر هزار و یک
مرتبه بخواند با بر طعام و هر دو بخورند موافقت یابند و یکی از اکابر
فرموده اگر کسی را دشمنی قوی باشد یا جمعی دشمن شخصی باشند بجهت
دفع آن خصم نبودک چهل روز دعوت این اسم کند بعد کبیر آن عدد محبت
و مهربان گردد باذن الله تعالی و یکی از اکابر در فضیلت اسم الودود
المجید در جواهر القرآن آورده که جهت جاه و قدر و قوت و حرمت میان
خلایق و عزت نزد ملوک و سلاطین و گشاده گی کارها و دفع غم و
حزن و خصم قوی و بختهای بسته و برآمدن حاجات و نفاهت تعظیم
و صفای باطن و جلای قلب و دفع وسوسه و سودا و حصول مراد از بزرگ
و در روز آخر شعبان یا روز عرفه عید قربان یا روز جمعه غره ماه هر ماه که
باشد بهر نیت که باشد باید بخواند عدد کبیر و هزار و دویست و بیست
دو عدد است و عدد وسیط هزار و صد پانزده است و عدد صغیر هفتاد
هفت است و البته روز دعوت غسل کند و روزه دارد و بیک مجلس بخواند
و بخود بسوزاند و متوجه قبله باشد بی آنکه سخن گوید و چون وقت افطار
شود و از دعوت چیزی باقی باشد افطار کند اما سخن دنیا نگوید و چون
از طعام فارغ شود بعد از آن بخواند و باتمام برساند صباح آن شب
آنچه تواند تصدق کند و از هفته مقاصد بحصول پیوندد و از برکت

رفعت و حشمت و جاه و دولت دو
رکعت نماز حاجت بگذارد و بعد
از صد مرتبه بگوید که اشرع عظیم
و بعد از سیصد مرتبه من کان یرید
الغنی فلله الغنی جمیعا و بعضی در
روز جمعه بنیت گوید انه
از جمله نمازهای حاجت
که از شب پیری نگذارد که از غم نجات یابد
و بایشان نیاورد و طریقه او این است
که غسل از برای قضاء حاجت بکند
و چهار رکعت نماز
بجا آورد و بعد از سلام و اگر در شب جمعه
بگذارد بهتر است و رکعت اول بعد
از حمد صد بار بگوید و آنقدر من
اعتز الی الله ان الله
یجیب المضطر

در شرح کلمهٔ مباکه الودود

ایه کریمه محبوب خلایق گردد و هم او دارد که شخصی بود قطاع الطریق
و بزنا کردن مشهور و شارب خمر و عاق والدین و کذاب که هر چه گفتی
تخلف کردی و اغلب دروغ گفتی و در ایذای اهل اسلام کوشیدی
و ترسا بود نوبتی با وی ملاقات کردم حول قیامت بگفتم که گریه
بر وی غالب گشت بعد از فرصتی گفت حق من دعائی کن گفتم سلا
او دانا تو را کلمه چند بیاموزم تا بان قیام نمائی خدای تعالی تو را
از این ضلالت نجات بخشد کلمه عرض کرد این ایه نوشتم و بوی تعلیم کرد
تا سه روز این ایه را حفظ کرد روز غرهٔ ماه رجب که جمعه بود او را
غسل داده بدعوت این ارشاد کردم و بنده بجهت تسخیر قلوب هم
در آن حین خوانده بودم چون ختم را با تمام رسانید او را دید که در ادای
حقوق مسلمانان شروع کرده از هر کس که بجهل در قطع طریق چیزی
برده بود میکوشید تا عوض باز دهد تا واقعهٔ قربان او را در عرفات
دیدم و نگ زرد و شاد در برجمعی که با او مصاحب بودند همرنگ او
او برآمده در یک جانب از دشت پر خلایق بسجده در افتاده اند و مناجات
میکنند نزدیک ایشان رفتم چون روی از خاک برداشت گفت ای شیخ
دیدی که حضرت دوست بندهٔ خود را از برکت این کلام خود از درجهٔ اسفل
بدرجهٔ علی میرساند یا شیخ بسرم رسید آنچه در ضمیر خلایق است
و چند کلمه بیان کرد که مشکلات دیوینهٔ من از آن حل شد و او را دیدم

وده رکعت وم بعد از حمد صد مرتبه
بگوید نصر من الله و فتح قریب و در
رکعت سوم بعد از حمد صد مرتبه
بگوید الا الی الله تصیر الامور و در
رکعت چهارم بعد از حمد صد مرتبه
بگوید انا فتحنا لک فتحا مبینا
و چون سلام باز دهد صد بار بگوید
غفرانک ربنا و الیک المصیر
پس بسجده بهد و دست بر دارد و صد
بار بگوید استغفر الله و اتوب الیه
هنوز سر از سجده برنداشته باشد
حاجت او روا شود ان شاء الله تعالی
ایضا از اهل بیت عصمت مروی است
که هر که دو رکعت نماز بگذارد در موضعی
که او را نه بیند و شب یا در روز و
در هر رکعتی حمد یکبار و آیة الکرسی
یکبار بخواند و چون فارغ شود از نماز
پا بسته و سر برهنه کند و دستها را
باسمان بلند کند و قوطه
در گردن اندازد

در شرح کلمهٔ ذا کرم المجید

با صفای باطنی که بتصور نبود در میان خلایق عرفات در آمدند و فریاد میکردند میگفتند یا ودود یا ودود تا از میان آن جمع بیرون رفتند و راه بادیه پیش گرفته برفتند دیگر ایشان را ندیدم و اگر کسی این دعوت نتواند کرد باین ورد صغیر که هفتاد هفت است مداومت نماید و این کریمه را شرح بسیار است در این مختصر بدین قدر اختصار کردیم تا بتطویل نیانجامد و این است انه هو یبدئ و یعید و هو الغفور الودود ذو العرش المجید فعال لما یرید

المجید یعنی خدای پاک و منزه است از گرفتن زمان و مکان و رسیدن آثار و بزرگواری هر کس این نامی است که آدم صفی بمرتبهٔ وعلم آدم الاسماء کلها ببرکت این نام رسید اهل تحقیق گویند هر که خواهد دعوت این اسم کند باید با نقدادی که تواند بندگان خدای را شفقت کند و نفع رساند بی منت تا حضرت حق تعالی او را نزد بندگان مکرم گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر سالک را که قبض بود و فتح نشود در ریاضت طالب مراتب بتکرار این اسم مداومت نماید بواب سیر و سلوک بروی بگشاید و یکی از اکابر فرموده در میان ابنای جنس خود هر که بی اعتبار گشته باشد ورد کرده هر روز بعد از اتمام نماز بامداد نوزده بار این اسم را بخواند و باد بر خود مدبر نیت دولت و جاه و طلب عزت و هر که ترسد از علت برص و جذام و نقرس

سوره ابتدا البتاره تمام کند چون بر کن فیکون برسد سجده کند در سبحان ملکوت کل شیء و الیه ترجعون و بعد از آن خاجت خود را از خداوند بخواهد سزاوار سجده خاجت او روا شود انشاء الله تعالی

ایضاً اگر کسی را مشکلی پیش آید از برای قضای آن باید دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول بعد از حمد سوره اخلاص و آیة الکرسی و در رکعت دوم بعد از حمد سوره اخلاص و الم نشرح و نیز آیة الکرسی خوانده البته گشوده خواهد شد انشاء الله تعالی

ایضاً برای مطلب در نصف شب بخیزد و دوازده رکعت نماز بگذارد در هر رکعت

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الباعث

وجملهٔ علتها باید که ایام البیض روزه دارد و در این سه روز
متصل تکرار این اسم قیام نماید حق سبحانه و تعالی او را از آن علل
نگاه دارد و اگر بعلت گرفتار بود خدا تعالی او را صحت کرامت
فرماید علی الخصوص از این سه علت **الباعث** یعنی
برانگیزانندهٔ هر نفس و تن مرده و پیدا کنندهٔ هر چیز زنده این نامی
نامی است که در روز محشر مردگان را ببرکت این نام زنده گردانند اهل
تحقیق گویند هر که خواهد دعوت این اسم کند اول باید که امر بمعروف
و نهی منکر لازم گیرد و بندگان خداوند را و باعث طاعت شود تا
حضرت ملک علام باعمال دل مردهٔ او را زنده گرداند و در روز محشر
او را سفید روی برانگیزاند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده
هر از مومن را که عقد شهوت بود یا آنکه نفس خود را کشته بود و
او را امری دست دهد که بآن قیام باید نمود هفت روز هر روز
پانصد بار بگوید و در مربع نوشته بآن طریق در بازو بندد بگشاید

ب	ا	ع	ث
ث	ع	ا	ب
ا	ب	ث	ع
ع	ث	ب	ا

۱۴۳	۱۴۶	۱۴۹	۱۳۵
۱۴۸	۱۳۶	۱۴۲	۱۴۷
۱۳۷		۱۴۴	۱۴۱
۱۴۵	۱۴۰	۱۳۸	۱۵۰

۱۵۱

و در نظر هیچکس خجل نشود و یکی از آنها بر فرموده هر که را دل مرده بود

بعد از حمد ده بار سورهٔ قل یا ایها الکافرون بخواند
و بعد از هر دو رکعت که سلام میدهد
سی بار بگوید استغفر الله چون
از دعا فارغ شود سر بسجده نهد و
از خداوند حاجت را بخواهد البته
باذن الله روا میشود **و ایضا**
از دعای توسل در امر مهمات و غیره
و توانگری نزد پیل صبح بر خیزد و دو
رکعت نماز حاجت بجا آورد در رکعت
اول بعد از حمد هفده مرتبه سورهٔ قل یا
ایها الکافرون و در رکعت دوم
هفده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد
و در رکوع هر دو رکعت هفده مرتبه
ذکر رکوع و در سجود هر دو هفده
مرتبه ذکر سجود و بعد از نماز هفده
مرتبه صلوات بخواند که مجرب است
و گفته اند که از کنوز مخفیه است و بهر
کس نیاموزند **ایضا**
از حضرت رسول

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الباعث

از غفلت هوا و هوس و وسوسهٔ نفس و خیالات فاسد حرص
و جمع کردن دنیا و افراط شهوت تکرار این اسم اعظم مداومت نماید
خاصه بوقت خواب در شب سینه نهاده صد بار این اسم را بگوید
حق تعالی او را مطالع انوار معرفت خود گرداند و دل مردهٔ او را به
معرفت خود زنده سازد و چون مقصود دانست شیخ مغربی فرموده که
دعوت این اسم بجهت صفای باطن و کشایش ملوک و دفع وسوسهٔ شیطان
هر روز بعد تکبیر بخواند و عدد تکبیر شیخ مغرب الباعث هزار و
بیست عدد است و عدد تکبیر شیخ ابو العباس را باعث سه هزار و پانصد و
چهل میشود نزد این هر دو بزرگ عدد تکبیر باعث هزار و هفتصد و
نوزده است و قاری مخیر است بهر عدد و کیفیت که خواهد بخواند
الشهید یعنی خدای تعالی آگاه و بینا است بهمه چیزهای آنکه
و بنهان و آشکارا این نامی است که طفلان را در شکم مادر
بطفیل این اسم سعادت میدهند اهل تحقیق گویند هر که خواهد که
احصای این اسم کند باید که هر چه گوید راست و کلمهٔ الله را هیچ
کس در رنج ندارد و از هیچ کس نترسد اگر او را گواهی باشد در محل خود
راست ادا کند و محل میل و کتمان قرار ندهد تا حضرت الله تعالی او را
در روز موعود و سفید حشر کند و بنیاکی گواهی دهد یکی از اکابر
فرموده هر که از زن و فرزند یا کنیزک یا کسی دیگر اطاعت نکند هر چه

روایت شده که هر که روز جمعه
رکعت از نماز ظهر بعد از نماز
و در رکعت اول بعد از حمد سوره
سوره اعلی و در رکعت دوم بعد از حمد
و پانزده مرتبه توحید و در سوم
بعد از حمد سوره توحید و پانزده مرتبه
و در چهارم بعد از حمد سوره فاتحه و پانزده بار
توحید بخواند و بعد از فراغ نماز
خود را از قاضی الحاجات بخواهد
بر او رده است **ایضا** از حضرت
خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله
که هر که در آخر شب روی بدهد
بجای آورد آن حاجت بر آورده شود
نماز حاجت بگذارد و ده مرتبه بعد و بعد
نماز حاجت صلوات بفرستد و دو
دستها را بر داشته و هم نهد و دو
بامیان نماید و حاجت خود را
بخواهد یا در دل
بگذراند

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحق

دست بر پیشانی او نهاده و پیشانی او را بگیرد و بیست و یک بار
بگوید یا شهید حق تعالی او را مطیع و فرمانبردار او گرداند
و بلطف و صلاح باز آرد **الحق** یعنی خدای هست و هستی او
بدستی و سزاوار بجدائی این نامی است که یوسف بمرکت این نام به
یعقوب واصل گشت و موسی برادر خود بزرگواری این نام رسید و خاتم
سلیمان بزرگواری این اسم قرار یافت و نوبت دوم بتخت سلطنت
نشست و بعزت داشت این نام را مملکت بر او قرار گرفت اهل تحقیق
گویند هر که خواهد اسکا این اسم کند باید اول بداند که تعظیم
و تکریم مر غیر خدای تعالی را جایز نیست و استعانت و امید از همه کس
باطل است و من کل الوجوه روی بجوار رحمت خدای تعالی دیده دل
او را نوری و حضوری بخشد که در هر چه نظر کند حق تعالی را معاینه و
مشاهده کند یعنی تجلی نور حق را هم بنور حق مطالعه نماید
حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که نیم شب برخیزد
و وضو نماید و دو رکعت نماز بگذارد و دستهای خود را بسوی آسمان
برداره صد بار بگوید یا حق و بر این دعا مداومت نماید دل او نورانی
گردد و بصفا باطن و جلا قلب بجائی رسد که ضمیر الناس بر وی
منکشف گردد و شیخ معزی فرموده که هر که را چیزی ضایع شده باشد
و اسباب حصول آن ندارد باید که نام آن چیز را بر چهار گوشه کاغذ

وده مرتبه بگوید تعالی شانه
پس رو بقبله و مستحب است که
بگوید لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم ایاک نعبد و ایاک
نستعین اللهم کف عنی بأس
الذین کفروا فانک اشد بأسا
و اشد تنکیلا و بعد از آن دست را
باز کند که بزودی فرج و فتح روی
ایضا بجهت رسیدن
بمقاصد عظیمه و مطالب کلیه روز
پنجشنبه را روزه دارد و با غسل
صد مرتبه صلوات بفرستد و
دو رکعت نماز حاجت بگذارد و
در هر رکعت بعد از حمد پانزده
مرتبه انا انزلناه و بیست و پنج بار
قل هو الله بخواند و بعد از سلام
بلا فاصله چهل و یک بار
بگوید

در شرح کلمهٔ یا کافی الحق

بنویسد در میان قدم حق بنویسد یکی از بزرگان مکس
این فرموده یعنی بر چهار کن کاغذ حق بنویسند نام ضایع شده
در میان صفحه و چون نیم شب شود با طهارت تمام آن نوشته را
بر کف دست نهد و رو بجانب آسمان کند و چندانکه میتواند
اسم یا حق بگوید و اگر چند شب بر این مداومت نماید حق تعالی
آن غایب شده را بوی باز رساند یا عوض آن چیز که نیکوتر از
آن باشد بوی رساند و اگر از جهت مرده غایب شده این عمل
کند و از باد بیاویزد بزودی بدست آید و خواص اسماء حضرت
عزت هر چه و حرفی است در آخر کتاب نوشته خواهد شد ان شاء الله

الوکیل یعنی خدای پیش برنده آن چیز که بدو تفویض است وکیل
گشته است مر بندگان متوکل را این نامی است که محمد سلیمان
از برکت این نام رهوا صرفت و کشتی نوح از طوفان نجات
یافت و تن ابراهیم از آتش بسلامت شد همه از برکت این نام
بود اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصای این اسم کند اول
باید که اعتماد کلی بر خدای تعالی کند و کفایت مهمات مخلوقات را
از حضرت وکیل داند که در کلام مجید فرقان حمید فرموده است که
وَکَفٰی بِاللّٰهِ وَکِیْلًا و شیخ احمد تستری در شرح کبیر آورده که در
جمیع مهمات شصت و شش بار بخواند کفایت کند و دعوت این اسم

یا وهاب ادعای عجیب کرده اند
و گفته اند بنماز سبح الثانیه
بعد از فضا و حاجات روز
پنجشنبه چهار رکعت
سلام رکعت اول بعد از حمد
یا سوره اخلاص دو رکعت
دوازده بار رکعت سوم سیزده بار
رکعت چهارم چهارده بار بخواند
بعد از سلام بجا و بلب یا سوره
اخلاص بخواند و بجا و بلب
بعد از سلام بخواند پس سجده کند و در سجده
صد بار بگوید یا الله حاجت
خود را بخواهد که از حجاب باشد
غرض یا آنکه بیاد آورد فنا باشد و
فنا فقر و فنا و جمع
فنا خویش جمع

ذکر سوم کلمهٔ مبارکهٔ الوکیل

مناسب کسانی است که ناسپاسی و سوء ایشان غالب باشد و
طلب رزق مضطر باشند و علی الدوام در تنگ روزی سرگشته اند
این چنین کسی باید بدین اسم قیام نماید و دعوت این اسم چنان است
که عدد این اسم شصت و شش است موافق عدد الله باید که ضرب کند
صاحب دعوت شصت و شش در شصت و شش و به بیند که چند عدد
میشود سه روز هر روز با عدد بخواند بشرط صوم و طهر و خلوت
خدای تعالی او را از آن وسوسه نجات بخشد و فقیر محرر این رساله
حساب کردم عدد نوشته در این سه روز هر روز چهار صد نود و شش
میباید خواند چون در این ایام باین عدد بخواند دیگر بعد از هر نماز
اگر نتواند شصت و شش نوبت بخواند و اگر نتواند بعد از نماز بامداد
هر روز پیش از آنکه سخن گوید شصت نوبت بخواند همین خواص دارد

و	ك	ى	ل
ى	ل	و	ك
ل	ى	ك	و
ك	و	ل	ى

۹	۲۲	۱۹	۱۶
۲۰	۱۵	۱۰	۲۱
۱۴	۱۷		۱۱
۲۳	۱۲	۱۳	۱۸

القوی یعنی خدای توانا است بر هر چیز خواهد این نامی است
که فرعون و شداد و نمرود از هیبت این نام هلاک شدند اهل
تحقیق گویند هر که خواهد حصار این اسم کند اول باید که خود را

وقام

وضو خاصه شب جمعه در ثلث آخر شب برخیزد
و وضو کامل بگیرد و دو رکعت نماز
حاجت بگذارد بطریق سوره که خواهد
و صد مرتبه صلوات بفرستد بعد از
آن هزار و یکبار بگوید یا الله
الرحمن الرحیم و باز صد بار صلوات
بفرستد و مطلب خود را از خداوند
بخواهد و اشتغال را در سه شب جمعه
بجا آورد که تخلف ندارد و بارها
تجربه شده است **ایضاً** هر که در شب
برخیزد و بعد از نماز تهجد چهار رکعت
نماز حاجت بگذارد بعد از حمد و هر
رکعت سوره مدثر را سه مرتبه بخواند
بعد از اتمام نماز صد صلوات بفرستد
حاجت خود را از خدا بخواهد البته روا
خواهد شد **ایضاً** نماز کسی میگوید
از بزرگان دین برای فقرا
کردند

شرح کلمهٔ یا کافی القوی

وتمام مخلوقات را در نزد قدرت حق ضعیف و حقیر و مسکین داند
وخود را چنان اعتبار کند که خاشاکی در صحرائی در زیر تند باد
افتاده که بهر سو زاده او را میبرد و هیچ اختیار ایستادن ندارد
وتا خود را در پیش قدرت حقتعالی چنان اعتبار نکند تمام نیست
آنگاه او را حضرت عزت قوت دهد و بر اعدا غالب بدشمنی بوی
وشمع معرب وجمعی دیگر بر این متفقند که هر که را دشمن قوی
باشد و او را در پیش قهر خصم مضطرب سازد بیاورد قدری آرد
وخمیر کند و هزار و یک گلوله بسازد و بهر یک یکبار این اسم بخواند
وآن خمیرها را بمرغان دهد اما باید که در زمین پاک بریزد و در
دل دفع دشمن گذراند حقتعالی آن دشمن را قهر کند اگر بعد از آن
عمل بذکر این اسم مداومت نماید بعد کبیر دشمن هلاک شود و بنا
او فاچر گردند و گویند خواجه نصیر الدین طوسی را ورد هلاکو
جهت خلفای عباسی بعمل کرد و آن فتنه انگیخت اهل طریقت
گویند هر که بدست نفس امّاره گرفتار بود و وسوسهٔ شیطان دارد
برای دفع این چهار اسم اعظم را از وقت طلوع صبح تا ادای فرض
بامداد بعد از اتمام نماز تا طلوع آفتاب بذکر این اسماء قیام نماید
بی عدد حقتعالی او را بر نفس و شیطان غالب گرداند و در حین سلوک
سلوک سالک از ذکر این اسماء غافل نباید بود الفاد القدیر

القوی

داود را موثر یافتند و انا بر این
بعد از نماز خفتن شب جمعه بمقام
خلوت معهود دو رکعت نماز بجا
دو رکعت اول بعد از حمد سوره
تکاثر و دوم انتم عن ایاب
انعام تا و کنتم عن ایاب
بخواند در رکوع و سجود بعد از حمد
و در رکعت دوم بعد از حمد
و لقد جئتمونا فرادی تا آخر سوره
بخواند و سلام نماز را بگوید بعد از آن
بخواند صلوات نعت شد و دعا کند و حاجت
بخواهد البته باجابت مقرون
اگر چه میان او و از حاجت
تا بشش و ابن حجب مسخر شود
نماز کن مکون گشته و از تعجب
بسیار عجب شده است اگر سوره را حفظ
نباشد باشد از روی قرآن بخواند
ایضاً بجهت مطالب کلیه شب جمعه
عمل کند دو رکعت نماز
بکنار دو صد مرتبه
سلوک

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ القوی

القوی القائم وهم شیخ فرموده هر که مداومت نماید بر این اسماء
بعد کبیر چهل روز پیاپی او را قوت و قدرت و توانائی در نفس
که بدان غالب بر هر که سالک و سعی بجهت خواص این اسماء
و شرح آن در مصنف نماید و صاحب دعوت این اسماء از مکاشفات
عالم غیب اسرار این اسماء واقف گردد و دعوت این اسم مستجاب
کتابی است که با اهل دولت و سلاطین که از زوال ملک و دولت
ترسند دعوت این اسم قوی صد شانزده روز است بعد اسم
اما بعد کبیر باید خواند و هر روز یکبار و در هر یک محل خواند
میان طلوع صبح صادق و برآمدن آفتاب و لی است خواندن
این اسم و اگر چهار اسم در مربع نهد باین طریق با خود دارد هر که

القائم	المقتدر	القوی	القائم		۱۷۸	۱۹۲	۱۸۹	۱۸۵			
القائم	القوی	المقتدر	القائم		۱۹۰	۱۸۴	۱۷۹	۱۹۱			
المقتدر	القائم	القائم	القوی		۱۸۳	۱۸۷		۱۸۰			۹۴
القوی	القائم	القائم	المقتدر		۱۹۳	۱۸۱	۱۸۲	۸۸۸			

ی	و	ق	یا		۱۴	۴۰	۳۴	۲۸			
ق	یا	ی	و		۳۶	۲۴	۱۶	۳۸			
یا	ق	و	ی		۲۴	۳۰		۱۸			
و	ی	یا	ق		۴۲	۲۰	۲۲	۳۲			
							۴۴				

یادداشته

بفرستند بعد از آن بحضور قلب ایشان
یکصد و یازده بار بخوانند که البته مطلب
حاصل است و بجهت دشمنان جسمانی
باش لیس فی السموات العلی الی
منتهی قرار نجوم الارضین
ترک عیاث لاحد عنده شیء
واتح طلبنا فانک اعرف
بحاجاتنا یا ارحم الراحمین
و بعضی از علما گفته اند این دعا را از
جهت دفع شدائد و سلامتی بیماریها
در هر مجلس چهارده مرتبه هر یکصد
یازده بار بخوانند که مجموع هزار و
پانصد بنجاه و چهار مرتبه و از برای
دفع فقر و قصد دفع عمر و حرز و نگاه
داشتن و برطرف شدن صنف و بی نوائی
نیاز دولت و بخت رسیدن و سعت
بنمودن اعداء و هلاک ظالم
و اهل ستم و غیر
ذلک

در شرح کلمهٔ صبا کالمتین

با دارنده این لوح مجادله کند مقهور گردد اگر پادشاه با طلسم زند
با شیخ فرو بیند بر شقه علم دوزد هیچ لشکر با او مقاومت نتوانند
کرد و در وقت نوشتن بخور شرط است اما ساعت تعیین نکرده اند
و اگر قبر متصل بسعد باشد طیر و دابه تمتع عجایب و غرایب بسیار است
المتین یعنی خدای استوار کار این نامی است که شیر
پستانها و آب در چشمها از برکت این اسم فرید پیشوا اهل
حقیقت گویند هر که خواهد احصای این اسم کند اول باید که
حکم هیچ حاکم فانی را در این عالم فانی محکم نداند و هر را محکوم
حکم خالق داند و غیر خالق را هباء منثورا داند تا خدای تعالی
او را بدرگاه خود بقبر صادق کرامت کند حضرت امام رضا
علیه السلام فرموده اند هر از عورت را که شیر در پستان کم
باشد این نام را در کاشی چینی نویسد و باب باران بنشاند شود
که دعا خوانده باشند و بدهد تا بخورد شیر زیاده شود و هر که را
قبض و بسط در کار واقع شده باشد باید که چون قمر از منحوسات
خارج بود و بسعود ناظر این مربع را در ظرف سفید با طبوخ چینی
یا آبگینه بمشک و زعفران نویسد آب در شیشه کند و محکم نگاه
دارد و هر دو از آن قدری بر کف دست کند بر قفا مالد و هنوز خشک
نشده روی را بدرب واز بشوید فتح در کارها او پیدا شود و در میان

بسیار عجایب ایضا بعضی
علما در شرح این روایت بکرات
که جهت صاحب صفت جمعه
برخیزی و دو رکعت نماز بکند و بعد از
نماز هزار بار بگوید یا جبار ایضا
مقصود او است بجلالیه ایضا
وارد است که در شب جمعه یا در سب
عبد صحی دو رکعت نماز بکند در هر رکعت
سوره حمد پنجاه چون بآیه الا ربعین
و آیات آن بر سی یکصد مرتبه
و در رکعت دوم سوره توحید
و در رکعت سلام هفتاد بار یا حی
و بعد از سلام هفتاد بار یا حی
و بعد از آن بگوید لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس بعد
و در رکعت سلام هفتاد بار یا حی
و بعد از آن بگوید یا حی
از خواص صاحب است و در بعضی نسخ بنظر رسیده
که این بار سوره توحید بخواند و
صاحب نام ذکر کرده بخواند و
مکرر کند بخواند

شرح کلمهٔ مبارکهٔ المبین

مردم با ابرو گردد و با آب برکت و زرع که رسد خدا تعالی برکت
و جمعیت در آن مزرعه زیاد گرداند و زمینی که دخل کرده اگر از آن
آب شیشه مذکور باب باغ بریزند چندان بر دهد که منصور زارع نباشد
و هر که از آن آب مذکور بر دو بمالد با مجرد نبض او بفتح استبدال
یابد و اگر عولی بدشواری زاید از آن آب شربت او داخل سازند
بدانشا بارد هد مریض بزاست و اگر محبوس بسیار خواند نجات یابد

				م	ث	ی	ن
				ی	ن	م	ث
				ن	ی	ث	م
				ث	م	ن	ی

۱۲۴	۱۳۰	۱۳۶	۱۱۰	
۱۳۴	۱۱۲	۱۲۲	۱۳۲	
۱۱۴		۱۲۶	۱۲۰	۱۴۰
۱۲۸	۱۱۸	۱۱۶	۱۳۸	

و دعوت این اسم مناسب کسانی است که در توکل استوار نباشند
این اسم را هر روز بعد تکبیر بخوانند یقین استوار گردد و عدد
تکبیر با مثبین سیصد شصت و شش میشود جهت ادای قرض اگر
ورد کنند در هر روز باین عدد بخوانند کفایت گردد و اگر طفل را
از شیر باز کنند صبر نتواند کردن این اسم را بر خورنی خوانند و
بدان کودک دهند تا بخورد صابر گردد **الولی** یعنی خدای
نیکوداره دوستان و بندگان پاکیزه اعتقاد و بمعنی دیگر
خدای دوست دارنده دوستان و این نامی است که محبت خدا بود

دلها

و ایضاً هر که در نصف شب دوشنبه
دو رکعت نماز بکند بعد از سجده دو
در سجده هفتاد بار بگوید یا
وهاب فانگری یابد و هر حاجتی که
خواهد برآورد خواهد شد البته
ایضاً جهت قضای حوائج و انجاح
مهمات در شب دوازده روز هر روز
وقت ضحی که دو ساعت از روز
برآمده باشد دو رکعت نماز بکند در
اول مطلب برآورد استغفار بار
بجا بیاورد **ایضاً لقضاء الحوائج**
دو رکعت نماز که رو به
قبله دو هزار و
سیصد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الولی

دلهای مؤمنان بعظمت این نام فرح میگردد اهل تحقیق گویند
هر که احصای این نام کند اول باید که بتمامت اعضا و جوارح مطیع
امر خدا باشد و امری بخلاف حکم حضرت عزت نکند دوستان و مطیعان
خدا او را دوست دارند با همه اشیا محبت ورزد و بطمع زهد کمتر بود
تا ولی متعال در دنیا و آخرت ناصری باشد و ذکر این اسم مناسب
کسانی است که چشم از نامحرمان نگاه توانند داشت تا بدعوت این اسم
قیام نمایند هر روز دو ساخته پنجاه و هفت نوبت بعد از هر نماز
بخواند و اگر کسی را عوت سلیطه باشد یا کنیزکی بدزبان این اسم در حضور
ایشان بکند اهسته بسیار خواند خدا تعالی ایشان را خوبیک دهد
و اگر کسی بعد از هر نماز چهل و شش نوبت بخواند حضرت الهی خلق را
دوست و مهربان او گرداند و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده
که اگر سلطان یا امیری از کسی در غضب باشد و خواهد که تسخیر
قلوب ایشان کند یا یکی از خواتین محتشم را خواهد که مطیع
خود گرداند این نام را با اکرام بر گلی یا میوه بقول شیخ مغربی سه
عدد تکبیر یا ولی ششصد یازده نوبت و بقول امام رضا
علیه السلام چهل و شش نوبت و چون آن گل را ببوید نزد او عزیز
گردد یا میوه را بخورد خدای تعالی او را رحیم و مهربان گرداند
و باید شک نباشد تا مراد برسد انشاء الله و مربع یا ولی در صفحه بعد است

بگیرد

نوذ و دیگر یا باکو بد لا اله الا
انت سبحانک انی کنت من الظالمین
بیان مطلب حاصل گردد ایضا
از برای قضا و هر شب دو رکعت نماز
بگذارد و در دبر مطلب حاجت خود
کهیعص اکفنی حمعسق ارحمنی
سبحان القادر القاهر الکافی
و در این صورت نماز دعا مجربه شده
است ایضا هر که نصف شب
برخیزد و دو رکعت نماز حاجت کند
و سبحان الله و سیصد و نه مرتبه بگوید
ماشاء الله مراد او حاصل شود
ایضا در مکارم الاخلاق
وارد است که هر که در صباح پنجشنبه
دو رکعت نماز بگذارد در هر
بعد از حمد معوذتین و اخلاص و فلق
و الناس و سی مرتبه انک
خلق الصورت تا کلمه انک

درشرح کلمهٔ مبارکهٔ الحمید

				ی	ل	و	یا
				و	ما	ی	ل
			و	ما		ل	ی
				ل	ی	ی	و
۱۱	۱۴	۱۷	۴				
۱۶	۵	۱۰	۱۵				
۱۶	۶	۱۲	۹				
۱۳	۸	۷	۱۸				

الحمید یعنی خدای ستوده بذات خویش بسبب کروستایش
وپراستش بندگان وبنداشت هر یک کمان این نامی است که
زبان فانی این اسما باقی را ببرکت این نام میگوید اهل تحقیق گویند
هرکه خواهد احصای این اسم کند اول باید که دل وزبان خود را
بحمد حمید دائم وذاکر سازد ومحب صلحا وخادمان کردد حضرت امام
رضا علیه السلام فرموده اند جهت دفع سفاهت خود یا دیگری بنویسد
وهر بار که نویسد بر طرفی که آب میخورد اندازد واز آن آب بیاشامد
ان فعل وقول از وی برود ودعوت این اسم مناسب هزالان وفحش
گویندها است حضرت شیخ فرموده اند هرکه را عوت یا کنیزک یا دختر
که زندگانی بد بر صورت صلاح ونیکنامی کنند وبر منع ایشان قادر
نباشند این نیت این اسماء را بر طعام میخواند وبایشان میدهد
تا میخورند حقتعالی ایشانرا بصلاح باز آورد وهرکه قادر نیست
بر زبان خود وبتوسط فحش میگوید هزل میکند از قول وفعل
او ایذاء بر خلایق میرسد خود نیز از آن پشیمان میشود اما ضبط

احوال

بخوانند چون سلام دهد تسبیح فاطمه
زهرا علیها السلام را بخوانند وبگویند
مولای مولای انقطع الرجاء الا
منک وخابت الامال الا فیک
فاسئلک یا الهی بحق من حقه واجب
علیک ممن جعلت له الحق عندک
ان تصلی علی محمد وآل محمد
وتقضی حاجتی ومطلبی بخواهد که
البته حاصل است **ایضا** جهت
هر حاجت بعد از نماز صبح دو رکعت
نماز حاجت بگذارد ومطلب را در دل
مصمم نماید وقنوت ورکوع وسجود را
طولانی کند وبعد از سلام پیشانی را
بمهر گذارد ویکصد بار بگوید یا مولای
یا فاطمة اغیثینی بعد از آن صورت
راست صورت را بگذارد ویکصد
بار همین کلمه را بگوید وبعد طرف
چپ را بمهر بگذارد ویکصد بار بگوید
بعد پیشانی را بگذارد
ویکصد وده بار

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحمید

احوال خود نمیتوانند کرد یا حاکم یا بزرگی است و مردم از انفعال وی
رنجیده خاطر میگردند خود یا غیر این مربع را بر کوزهٔ که آب مجود
بنویسند و اگر این لوح را بر طلا نقش کرده در ظرف آبی اندازند
و دایم از آن آب بخورند لذت زبان و بخیر و صلاح آید و انصفات وی
بر دو و بنیکوئی میل کردد و مقلب القلوب بآن او را بحمد و ثنای خود
جای رساند و نزد خلایق عزیز و مکرم کردد و هر کس که بمداومت این
اسم الولی الحمید مدت شصت روز بعد تکبیر بیند اسم بیاید
نداهزار و چهار صد سی عدد است بی یا و الف و لام عدد تکسیر چهار
صد سی و دو بار میشود و چون این عدد کند پیدا آید در الباطن و اصفتی
و خاصیتی که بدان دست خلایق گردد و پسندیده عهد خود گردد و مذکور
زبانها شود و معزز و مکرم امراء و وزراء و سلاطین و عوام شود او را بوجود
دلها و مشهور روزگار گردد و غم بر او راه نیابد دایم مسرور باشد مربع این است

ح	م	ی	د	
ی	د	ح	م	
د	ی	م	ح	
م	ح	د	ی	

۱۵	۱۸	۲۱	۸	
۲۰	۹	۱۴	۱۹	
۱۰		۱۶	۱۳	۲۳
۱۷	۱۲	۱۲	۲۲	

المحصی یعنی خداداد نا است بر عدد هر چیزی این نامی است که
بندگان نام خود بر کت این نام خواهند خواند اهل تحقیق گویند هر که

بگوید و بعد از آن بر چیزی دیگر خلوص
معنی با بر هفت نماید و گردن را کج
کند و یکصد مرتبه بگوید یا وهاب
و حاجت را از خداوند بجو
بر آورده و از حجابات که خواب
خبر بجهت کردم و بصاحب همین
که صفوف عمل تمام نشده اثر اجابت ظاهر
شد **ایضا** جهت هر مطلب و در کفت
نماز حاجت بکذارد بعد از حمد سه مرتبه
انبیاء را بخواند الله لطیف بعباده
یرزق من یشاء و هو القوی
چون سلام دهد بر راست و چپ
یکصد و سی مرتبه بگوید یا لطیف
و بسجده کناه حاجت بخواهد که
روز صبر کند اگر تا خیر و حاجت
شود باز دو رکعت نماز بهمین طریق بکذارد
و اسم مذکور را نهصد و سه مرتبه بخواند
بعد از آن دعای گوید هر چه خود
خواهد بگوید

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المحصی

احصا این نام کند اول باید که بداند که علم خدای تعالی بر کلیات وجزئیات محیط است پس روی بحضرت دوست او دو ملازم مطیع حضرت عزت باشد تا او را عالم بر خواص اشیاء و مخلوقات گرداند و یکی از اکابر فرموده هر که ورد سازد روز جمعه هزار و پانصد و پنجاه و پنج نوبت بخواند حساب قیامت بروی آسان گردد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که شب جمعه هزار و پانصد و پنجاه پنج نوبت بخواند روز آخر حساب وی سهل گیرند اما اگر کسی ورد سازد و هر روز هزار و پانصد و پنجاه و پنج بار بخواند اگر حساب مملکتی بوی دهند از عهده بیرون تواند آمد و بروی آسان گردد و دعوت این اسم مناسب کسانی است که در حساب عاجز باشند و عدد نکیر این اسم هفتصد و پنجاه و چهار و بقول شیخ هزار و یکعدد و این عدد کبیر است و مدت چهار روز و این عدد باید خواند تا نسیان دفع شود و هر چه بشنود یاد گیرد و در حساب اشتباه نکند

۳۶	۴۲	۴۸	۲۲		ی	ص	ح	م
۴۶	۲۴	۳۴	۴۴		ح	م	ی	ص
۲۶		۳۸	۳۲		م	ح	ص	ی
۴۰	۳۰	۲۸	۵		ص	ی	م	ح

۵۲

المبدئ یعنی آفریننده هر چیزی بی علت و حاجت این نامی است

ایضاً هرگاه کسی را حاجتی باشد سه روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه دارد روزه بدارد و روز جمعه قبل از زوال بعد از غسل دو رکعت نماز به نیت حاجت بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه قل هو الله را بخواند و ده مرتبه در رکوع قل هو الله و بعد از رکوع ده مرتبه و در سجود اول ده مرتبه و در سجدهٔ ثانیه ده مرتبه و بعد از سجده دوم ده مرتبه و هر دو رکعت بهمین طریق تمام نماید و بعد از فراغ حمد خداوند بجای آورد و صلوات بر محمد و آل او بفرستد و حاجت خود را از خداوند بخواهد که مجیب است

ایضاً از سید کائنات صلی الله علیه و آله منقول است که چون کسی را مشکلی پیش آید

در شرح کلمهٔ یا کافی المبدی

که ارواح زاد و اشباح ببرکت این نام دنیا و زندا هل تحقیق
گویند هر که خواهد این اسم کند اول باید که حضرت عزت را آفریننده
همه اشیا و خلاق بداند تا خدا تعالی بقدرت کامله او را از بلیات
و نکبات دور دارد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند
هر که در کاری شروع نماید اول باید که این نام با اکرام را پنجاه
و شش نوبت از سر تعظیم بگوید بعد از آن بدان کار اقدام نماید
البته باتمام رسد شیخ فرموده هر که طالب فرزند باشد این کو این
اسم را مدام نماید دایم در دل خواند وقت صحبت با حلال خود زن و
شوهر هر دو مداومت نمایند حضرت عزت ایشان فرزند صالح
کرامت فرماید و اگر از فوت شدن حمل ترسند این مربع را بر لوح عقیق
باین طریق نقش کنند و با بریشم سبز عورت بگردن خود بندد و مرد
انگشت شهادت را بر گرد شکم زن بر آورد و اگر شوهر حاضر نباشد
پدر یا برادر غسل کنند و بدین عمل قیام نمایند چون زن نماز بامداد
بگذارد همچنان بر جای نماز نشسته رو بر روح حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله فرستد و نود و نه بار این اسم بخواند و باید بر
حامله مدت سه روز یا هفت روز چنین کند آنچه در شکم زن بود
خدا تعالی ایمن و سالم دارد و اگر حامله نیز این اسم مداومت
نماید به آسانی وضع حمل شود و اگر عورتی بود که دایم حمل او ضایع

دو رکعت نماز بگذارد و بعد سر
بسجده نهاد و سی بار بخواند غافر
الذنب و قابل التوب شدید العقاب
ذی الطول لا اله الا هو الیه المصیر
بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله الذی استعملنا بالایمان
و اکرمنا بالقرآن و اسئلک بالنبی الکریم
و بالکتاب العظیم و بالکلیم و بالکلیم الذی اذا
دعیت به اجبت و اذا سئلت به اعطیت ان تقضی حاجتی بحرمة
محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین

ایضاً

شخصی خدمت امام جعفر صادق
علیه السلام مشرف شد و شکایت
از فقر و فاقه نمود حضرت امر نمود
که سه روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را
روزه بدارد و در روز جمعه دو سه
ساعت گذشته در بام خانه بر آید و بعد
حضرت رسول صلعم را از بار کند و بعد
از آن هر روز انور را برهنه کند و
بر جبین گذارد و دست راست بر آن
دست چپ گذارد و دو
رکعت

شرح کلمهٔ مبارکهٔ المعید

میشود یا حامله نمیشود و تصور میکند که عقیم ست بذکر این اسم
مداومت نماید بعدد کبیر و این لوح عقیق یا خود دارد و اگر
میسر نشود بر طلا و اگر طلا نیز میسر نشود بر اطلس سرخ یا کاغذ
زرد نویسد و با خود دارد خداوند باو فرزند کرامت فرماید و اما
باید مدام بخواند تا از نکبات محفوظ مانده در پناه خدا باشد و لو اعلم

م	ب	د	ی
د	ی	م	ب
ی	د	ب	م
ب	م	ی	د

۱۳	۱۷	۲۰	۶
۱۹	۷	۱۲	۱۸
۸		۱۵	۱۱
۱۶	۱۰	۹	۲۱

المعید یعنی خدای تا زبرنده هر چیز فانی و ناچیز شده مرده
و زنده تا اول حال خویش این نامی است که ارواح در وقت صور
از برکت این نام بیدنها در آیند اهل تحقیق گویند هر که خواهد
احصای این اسم کتب باید که خدا تعالی را افریننده و زنده کننده
و میراننده داند و مقر و صاق و معتقد بود بر آنکه یخرج الحی
من المیت و یخرج المیت من الحی صفت او است تعالی شانه و از
مذاهب حلولی و وجودی و اتحاد اجتناب کند و با آن طایفه هرگز
صحبت ندارد و از هستی خود در پیش قدرت خدای فانی شود تا خدا تعالی
او را زنده جاوید گرداند و بقای ابدی و رضوان اکبر کرامت فرماید

ابتدا بخواند اللهم انت
امن انقطع الرجاء الا منک
و خابت الآمال الا فیک یا ثقة
اجعله لی غیرک
اذ فنی من حیث احتسب و من
حیث لا احتسب و بعد بیجل دو
و این کلمات بگوید یا معسر اجعل
له مخرجا من فضلک چون این عمل
بشنبه نموده مگر آنکه رزق
و بعد از آن به مبارکه قل اللهم
مالک الملک را بخواند و این
کلمات بگوید یا رحمن الدنیا و
الآخرة و رحیمهما تعطی منهما
من تشاء و تمنع منهما من تشاء
صلی علی محمد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المعید

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که خواهد که
هیچ چیز از او فوت نشود باید روز قیام نماید هر روز در چهار
طرف خانهٔ خود هفتاد نوبت بگوید یا معید ایزد تعالی
از خانه و اسالهٔ دارد و اگر غایب شده دارد بزودی بوطن بیاید حضرت
شیخ فرموده که اگر کسی غایبی دارد و از او خبر ندارد شب جمعه و دوشنبه
و پنجشنبه چون مردم آرام گیرند برخیزد و غسل کند باید که پیش از پنجشنبه
صدقه داده باشد و دو رکعت نماز بگذارد و روی بقبله کند و سیصد
پنجاه مرتبه یا معید بگوید و در هر رکعت هفت بار دیگر
بگوید دست دارد و آنمقدار که تواند بگوید طلب غایب کند
چون در آن شب قیام نماید بزودی غایب یا خبر وی برسد و از چگونگی
احوال او مطلع گردد و هر کس که بدعوت این اسم مداومت نماید
چهل روز بعد تکبیر که هزار و یک بار است یا بعد تکبیر که مع صدر
و مؤخر هشتصد عدد است که باید خواند اما اگر بعد تکبیر خواند
در هر شبانه روز باید ده عدد تکبیر بخواند که هشتهزار باشد
او را بود در مبادی صاحب دعوت اسماء الله تعالی منزلت و قدر عالی
که از دریافت آن عاجز باشد و این اسم با این دعوت خواص عجیب دارد
و در مبادی دعوت بر صاحب آن ظاهر گردد و مشایخی که دعوت
این اسم کرده اند طالبان صادق را وصیت کرده اند بمداومت

اول تمام و افضل عمل دین ان
دین بزودی ادا شود انصاف
جهت ادای دین و توسعه رزق نماز
است منسوب بحضرت امام محمد
علیه السلام و آن بدین نحو است
چهار رکعت نماز بگذارد بدو سلام بعد
رکعت اول بعد از حمد ده بار سوره قل
هو الله احد و در ثانیه بعد از حمد سوره قل
یا ایها الکافرون و در ثالثه بعد از حمد سوره قل اعوذ برب الناس
و در رابعه بعد از حمد سوره توحید و بعد از سلام اندک
سوره بخوانند و بعد از سلام ده بار بگوید سبحان الله الاحد الاحد
سبحان الله الواحد الواحد سبحان الله
الفرد الفرد سبحان الله
الصمد الصمد سبحان الله
الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد
بار صاحب حاجت و ولد و والدین
از دو رکعت نماز بعد از حمد سوره
سوره الهیکم التکاثر بخوانند
و در ثانیه بعد از حمد سوره

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المحیی

این نام و دعوت این نام مناسب کسانی است که از شقاوت عامت
ترسند مداومت این اسم فرمایند هر روز و اگر میسر شود بعد از هر نماز
صد بیست و چهار نوبت بگویند خیر و برکات ایمان شود و مربع این است

				م	ع	ی	د
				ی	د	م	ع
				د	ی	ع	م
				ع	م	د	ی

۳۰	۳۶	۴۲	۱۶	
۴۰	۱۸	۲۸	۳۸	
۲۰		۳۲	۲۶	۴۹
۳۴	۲۴	۲۲	۴۴	

المحیی یعنی زنده کننده و جان دهنده هر جا در این نامی
است که استخوانها پوسیده از برکت این نام هم بیوندد اهل تجسم
گویند هر که احصای این اسم کند اول باید که بداند که میرانند و زنده
کننده جمله مخلوقات و است اول باید که به بیند در آن فصل بها
از چوب خشک گیاه سبز و نرم بیرون میاورد و در کلام مجید فرموده
که فَانْظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
و چون بنده خدای خود را باین صفت بدانست بدعوت این اسم شریف
قیام نماید و محیی قدیم دل او را زنده گرداند حضرت امام رضا علیه السلام
فرموده اند هر که از رنج صعب ترسد و شیخ فرموده هر که را از سلطان
توهم است و از کشتن یا بند کردن بیم دارد هفت روز در لیالی صحت
و فراغت این اسم را نود و نه نوبت بخواند بر خود مداوم از جمله آفات ایمن گردد

سورهٔ مذکوره سه مرتبه سورهٔ اذا
زلزلت الارض بخواند و چون فارغ
شود در سجده هفت بار بگوید
اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ التَّیْسِیْرَ
فِیْ كُلِّ عَسِیْرٍ فَاِنَّ تَیْسِیْرَ
الْعَسِیْرِ عَلَیْكَ یَسِیْرٌ و سر از
سجده بردارد و ده بار این پیدا
بخواند فَلِلّٰهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِیْزُ الْحَكِیْمُ
جهت توسعهٔ رزق و انواع فتوح
و دفع فقر این نماز سریع الاثر و مجرب
است از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله روایت است که
هر که پیش از نماز بامداد دو رکعت
نماز بگذارد و در رکعت اول هفت
بار سورهٔ حمد و یکبار سورهٔ
جحد و در ثانی الحمد لله یکبار و
توحید یکبار بخواند و بعد از سلام
تسبیحات اربع ده بار و
صلوات

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المبیث

وشیخ مغربی فرموده هر که خواهد تا در قبر از هم نریزد تا قیامت که روح دمد این نام را بعدد تکبیر که بیست نوبت است بخواند سالم ماند از پوسیدگی در قبر

م	ح	ی	ی		۲	۲۸	۲۲	۱۶
ی	ی	م	ح		۲۴	۱۴	۴	۲۶
ی	ی	ح	م		۱۲	۱۸		۶
ح	م	ی	ی		۳۰	۸	۱۰	۲۰

۳۲

المبیث یعنی میراننده هر زنده این نامی است که انبیاء و اولیاء را کام از طلب این نام بشکند اهل حقیقت گویند هر که خواهد حکما این اسم کیمیا بدکه خود را در پیش قدرت حق چون میت داند در تعال تا حق سبحانه و تعالی او را از مردن نگاه دارد در دنیا و آخرت و او را بنور معرفت خود زنده دارد تا تواند یابد که بحدیث ثابت شده است مداومت نماید در میان سنت و فرض با مداسه نوبت خدا تعالی او را از زوال ایمان نگاه دارد و دل او را نورانی گرداند و دعا این است اللهم یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام یا الله یا الله یا الله یا لا اله الا انت اسئلک ان تحیی قلبی بنور معرفتک ابدا یا قریب یا مجیب اللهم یا ولی الاسلام واهله ثبتنی علی الاسلام حتی الی لقائک به اللهم رب جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و رب محمد النبی

صلی الله

در بیان مطالب و حوائج و مؤثره و اشیاء نافعه بجال عباد الله تعالی جن و انس و پادشاه و امرا و وزرا و ارباب بین و دولت و اعیان که بدین خواست که بدین حروف بیست و هشت اسم از اسماء حسنی و هشتگانه بیست و هشت حرف ضم و نسبت کرده شود و بعدد اسماء خداوندی و مطلوب و مطلوب و مطلوب

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المهیمن

صلی الله علیه و آله و اعوذ بک من النار یا مقلب القلوب
و الابصار ثبت قلبی علی ما تحب و ترضی یا ارحم الراحمین
حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند که آنکس که نفس امّاره
بر او غالب باشد خواهد که مطیع وی گردد باید که بوقت خواب هر دو
دست بر سینه نهد و صد بار بگوید یا مهیمن بعد از آن همچنان
میگوید تا در خواب شود حق تعالی نفس او را مطیع وی گرداند و اگر سلخ
ماه به تثبیت طالع صد یک نوبت بخواند ظالم هلاک شود برای
دفع خصمان قوی چهل روز هر روز بعدد تکسیر که هزار و پانصد
هفتاد نوبت است بخواند دشمن مقهور گردد و در فضیلت این پنج
اسم المصوّر المبدئ المعید المحیی المهیمن شیخ
فرموده که این اسماء
ذکر اهل عبادت است و
هر هیئتی که یک اربعین
بذکر این اسماء مداومت
نماید غالب گردد و اگر
طالب علم بدعوت
این اسماء قیام نماید
غالب گردد و فهم و ادراک و عقل او را بود که خود هم متحیر بماند و هیچ

المصور	المبدئ	المعید	المحیی	المهیمن
المهیمن	المحیی	المعید	المبدئ	المصور
المعید	المبدئ	المحیی	المهیمن	المصور
المحیی	المهیمن	المبدئ	المصور	المعید
المبدئ	المعید	المهیمن	المصور	المحیی

مثلاً محمود نامی اگر مطلوب باشد
بعد از حذف مکررات م ح م و
دال ابجد که در مقابل میم وضع
شده است عدد نامی که بجز
سه نیست چنین عدد بخواند بعد از
آن بحروف که مقابل حروف خاص
شده است که یا مهیمن باشد به
عدد او که چهل باشد بخواند پس از آن
اسم مناسب او که سلام باشد
بعدد او که صد و سی و یک باشد بخواند
بعد از آن اسم مناسب دال را بگیرد
که یا مالک باشد و بعدد عدد
او که نود و یک باشد بخواند
از شخص معلم و متخدوی گردد
آنکه اگر مرعی نباشد خواهد هم
ابجد که در مقابل
حروف

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الحیّ

چیزی برا و مشکل نگردد حلال مشکلات خود گردد و اگر چیزی
برا و مشکل شود باز رجوع باین اسماء کند بگشاید و از خواص این
اسما آنست که اگر کسی قوت این اسما کند ممالک را ضبط تواند کرد و
محاسبه آنرا بخاطر نگاه تواند داشت قعد که در اربعین هر روز بخواند هزار و هفت صد و چهل است

م	م	ی	ث		۱۱۵	۱۲۸	۱۲۵	۱۲۲
ی	ث	م	م		۱۲۶	۱۲۱	۱۱۶	۱۲۷
ث	ی	م	م		۱۲۰	۱۲۳		۱۱۷
م	م	ث	ی		۱۲۹	۶۱۸	۱۱۹	۱۲۴

۱۳۰

الحیّ یعنی زنده پاینده از ذات خویش نه از سبب دیگر این نامی
است که ملائکه را از برکت این نام احتیاج بخوردن و خواب نیست
اهل حقیقت گویند هر که خواهد حصاری این اسم کند باید که الله
تعالی را زنده جاوید داند و ازلی و ابدی همیشه و پاینده تا خواص او را در
دنیا و عقبی زنده دل گرداند و اهل طریقت حیّ و قیّوم را اسم اعظم
گفته اند و یکی از اکابر فرموده که اگر بر سر بیمار خوانند بعدد کبیر یا هفت
روز البته صحت یابد اگر بر باغ یا پالیز خوانند بعدد کبیر هفت روز
ثمر بعد از آن شما بی در امان باشد و از هر سال برابر دهد
اگر چشمش درد کند یا از نابینائی ترسد بعدد کبیر بخواند صحت
یابد و از کوری سالم ماند انشاء الله تعالی و عدد کبیر صد و یکوبست

شبیه شده بعد از آنکه بعد آن
اسم قوت کرد بعد آن حرف
شد و در اسم محمد بعد
بخوانند مثلاً در
از آنکه بعد خود اسما چنانچه
شد بخوانند تا بطاری بعد
که چهل است بخوانند و مهیمن را
بعد حرف حا که هشت است بخوانند
و همچنین سلام و مالک را بعد
او و دال که شش و چهار است بخوانند
الثبت بزود و ما تا بت مغفرت
مجرب از مرده است و اسما مخصوص
فتح بعد آنها بخوانند که مقوم
حروف تا الله تا رحمن تا سلام
گشت تا قدوس تا عزیز
تا مالک تا مهیمن تا کبیر
تا مؤمن تا جبار تا متکبر
تا خالق

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ القیوم

۱۲	۱۵	۱۸	۴
۱۷	۵	۱۱	۱۶
۶		۱۳	۱۰
۱۴	۹	۷	۱۹

ی	ح	ل	ا
ل	ا	ی	ح
ا	ل	ح	ی
ح	ی	ا	ل

القیوم یعنی خدای قایم و پاینده و همیشه بی زوال که ذات او قایم بخویش است نه بواسطهٔ غیر این نامی است که هیچ فرید از عظمت این نام بر ذات خود تصریف ها حقیقت کوینده که خواهد حصار این اسم کند باید که قیوم پاینده را قایم داند و قیام جملهٔ مخلوقات و حرکت همه موجودات بقوت کاملهٔ او شناسد تا از قیوم تام و رادمیان بندگان خود پاینده دارد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده که این دو اسم را ورد ساعت عمر دراز گردد و مرادات او حاصل شود و بر دشمنان غالب آید و ابو نصر فرید دلها و مرادات او حاصل شود بر وی از کل و جزی ببرکت اسم حی و قیوم و یکی از اکابر فرموده هر که مداومت نماید بر تکرار این اسم خاصه بر وقت سحرگاه قادر گردد بر آنکه تصرف کند در دل خلایق چنانکه خواهد و اکثر اکابر بر آنند که اسم اعظم این دو اسم است که از جملهٔ اسما ذات است و از امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که فرمود دیدم رسول خدا را در حالت اضطراب گفتم یا حی یا قیوم در حال فرج دیدم و هم شیخ

بجهت ظهور گنج
و گنجینه و دزدیده و اهل غایب
و اظهار خفایا و امثال آن در این
مجلس و بیت نار این آیه را بخواند
و در خواب یا در بیداری با و منکشف
گردد از موده است الم تعلم
ان الله یعلم ما فی السموات و الارض
ان ذلک فی کتاب ان ذلک علی
الله یسیر

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ القیوم

فرموده که این دو اسم ذکر اهل مراقبت است و لا یوطالبان جاه و عزت و جویندگان رزق بسیار روا و وقات دعوات این اسم زوق سحر تا طلوع افتاب است و از جملهٔ اسماء تحیثا یکی این است یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت و بعضی بکر گفته اند یا حی یا قیوم یا لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و بدین نام هر چه بجوئی بیابی و هر چه خواهی توانی کرد از خواص این اسما حکایات غریب گفته اند از ظاهر شدن قدرت و سرعت اجابت و قضا شدن حاجات و بر اوردن مقاصد و انچه متقدمان در کتب ذکر کرده اند از خواص این اسما و بر ایشان کشف شده ما جمله را در این مختصر بیاوریم تا بر دوستان اسان کردی و بدعملی امداد نمایند حضرت شیخ فرموده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله پنجاه و یکبار بخواب بدم عرض کردم یا رسول الله مرا چیزی تعلیم نما که بدو زنده کردی دل من و پاک گردد از کدورات انحضرت فرمود که بر تو باد که هر روز چهل و یک نوبت بگوئی یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت اسئلک ان تحیی قلبی بنور معرفتک ابدا یا الله و خواص این اسما است و جمعی از بزرگان فرموده اند هر که خواهد که بدعوات این اسما قیام نماید با مردم اختلاط کم کند کم خود را پیش گیرد و پیوسته صائم و با وضو باشد تا تواند خلوت را دکند بیشتر وقت سخن ذاکر باشد یکی از شرایط آنست که بعد تکبیر تمام حرف بخاتم

جهت حصول مرادات اولاد
بسبع صلوات بفرستد و هزار بار
یا ودود الغالب الغیب بیست صد مرتبه
یا بعلی و کفی بالله حسیبا و کفی بالله
علیما و کفی بالله ولیا و کفی بالله
شهیدا محمد رسول الله عجب است
که اگر اراده کنی در شهر یا در قریه
و منزل نمائی و ندانی که کدام زن را
خوب نیکو و مادر خوب و نام ان
شهر یا قریه و اسم محله را بجا
بجا طرح کن اگر یکی بماند نعوذ بالله
کشد و اگر دو بماند مصلحت باشد و اگر
سه بماند دو بر سه اگر چهار بماند
سعادت باید و بدی کشد و اگر پنج
بماند برای کسی ولادت شود یا نه
مادر او و اسم زن او و مادر زن او و
اسم صغیر شیر شیر بمد حکم کند اگر سبز
بماند ولادت شود و اگر نه
بماند ولادت نشود

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ القیوم

نقره نقش کند که صورت آن این است و از پنج دانگ و یک دانگ زر باشد
و او را درست کند و بعد تکبیر
بخواند و اگر خواهد که تسخیر قلوب
یکی از سلاطین کند نام طالب را
با اسم مطلوب و این دو اسم تکبیر
کنند و بعد کامل بخوانند یعنی به

۹۵۳	۹۵۷	۹۶۰	۹۴۶
۹۵۹	۹۴۷	۹۵۲	۹۵۸
۹۴۸		۹۵۵	۹۵۱
۹۵۶	۹۵۰	۹۴۹	۹۶۱

۹۶۲

بینند که عدد تکبیر شما و تکبیر اسمین چند است و این دو اسم را بعد
بخواند و انگشتر را عزیز و مکرم دارد و در چنین عوت گاه گاه در نقش
نگاه کند چون بدین طریقه مداومت نماید از برکت این اسما کارها
او بجائی رسد که بر هر مرده دل که نظر اندازد بشفقت دل او زنده
گردد و از نفس او بیمار شفا یابد و از چوب خشک بنفس او میوه حاصل
آید اگر شرایط بجا آورد اما باید که پنهان دارد حالات غریب و عجیب
در حال عوت ظاهر گردد یکی آنکه صاحب عوت را در سر چشمهٔ آب
حیوان برند و مخیر سازند در خوردن آب اما باید بخود تا خدای او را جان
ابدی کرامت فرماید تا او نخواهد روح از بدن او مفارقت نکند و
شرح این زیاده از آنست اما باید که در خواص عقل ناقص را بشک
نیندازد که بزه کار هر کجا باشد و اگر در اعتقاد او نقصان باشد
رجوع بدعوت نکند که اصل اعتقاد است و نقش خاتم این بود که نموده شد

که هر کس قبل از صبح قبل از تکلم بسه بار
این آیه را بخواند روزی از روزها
جائی رسد که گمان نداشته باشد
بسم الله الرحمن الرحیم ربنا
انزل علینا مائدة من السماء
تکون لنا عیدا لاولنا و آخرنا و
آیة منک وارزقنا وانت خیر الرازقین
انی بها الیک
مفعول کن که هر که را حاجتی باشد
هفتاد بار این آیه را بخواند که حاجت
او برآید بعون من لعنت نماید لا اله
الا الله یعزتک وقدرتک لا اله
الا الله بحق حقک لا اله الا الله
فرج رحمتک یحق کسی
که بنویسد حاجت او برآید
سطور آن رقعه بدون سیاهی بقلم
و دعا الحق بتوکلا علیه
دعا

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ القیوم

وعدد تکسیر این دو اسم سه هزار و هشتصد و شانزده عدد است و اگر نتواند این عدد را پیش از طلوع صبح تا برآمدن آفتاب بخواند و از برآمدن آفتاب تا استوای یک عدد بخواند و بعد از نماز پیشین تا نماز شام یک نوبت بخواند و از نماز شام تا وقت خواب یک نوبت دیگر بخواند که در شبانروزی سه عدد تکسیر خوانده باشد و قاروقاتی خواند تا حی یا قیوم یا حی یا قیوم و معنای نام در خاطر گذراند تا زود مقصود حاصل گردد و این خاتم را دایم در انگشت کند که حکم خاتم سلیمان بن داود علیهما السلام دارد که جمیع خلایق مطیع و فرمانبردار او گردند و از حکم و فرمان او نتوانند پیچید اما آن خاتم را از عورت و کودک و از چشم حلم بض و نفساء نگاه دارد تا خواص نیکو دهد

ق	ی	و	م
و	م	ق	ی
م	و	ی	ق
ی	ق	م	و

۳۱	۴۵	۴۲	۳۸
۴۳	۳۷	۳۲	۴۴
۳۶	۴۰		۳۳
۴۶	۳۴	۳۵	۴۱

۴۲

الواجد یعنی خدای توانا است هر چه خواهد و این نامی است که طالبان صادق را از برکت این نام وجد و رقتی حاصل میگردد اهل تحقیق گفته اند هر که را داعیهٔ حصاب این اسم باشد اول باید که بداند هر چه بر جمیع فرزندان آدم پوشیده است بر آنحضرت ظاهر است و می بیند

فوض الیه امره صلی الله علیه وسلم ایام مع الصلب بدا بجهة
زمع احلام دروغ خواب بخواند
تخرج من بین الصلب والترائب
اند علی رجعه لقادر بجهة
در روز جمعه هزار بار این اسم را
بر نار شیرین بخواند و بخورد
مطلوب مدد و شبی نهایت گردد
و تا روز دیگر از جدا نشود الوود
بجهت قطع دعا فنا
دماغ ابد بر پیشانی بنویسد و حال
بسته شود شام تمام کام نام
بگاه خوشه تا بی کسی از عطش فرو
بجهت دود این اسمها را نوشته در
میان دو ابرو چپ گذارد و بنشیند
یا شیخ شاه عمل شاما مالکی اخرج
هذا الملعون اکتبه و فقرا بشند ملا عبد
نویسد و اگر سه نفر باشند ملا عبد
نویسد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الماجد

وخواص این چیزها میدانند و پنهان و آشکار این خلق را معلوم دارد
خاصیت هر چیز را خود داده است و هر چه بر ضمیر بنده خواهد گذشت
از خیر و شر همه آنحضرت ثابت است پس باید که با خلق خدا پاک دل
و پاک دل باشد تا وی را دولتی دینی و دنیائی دهد که هر چه بجوید
و دعوت این اسم مناسب آنست که طالب حال و اخلاص باشد
وجد بر ایشان ظاهر گردد و باین اسم مداومت نماید بعد از نماز بامداد
صد و پنجاه نوبت یا واجد بگوید تا حالت درویشان بر او کشف
شود و اگر بعد از نماز بامداد قیام نماید اولی و اصح بود و اگر در حین
طعام خوردن هر لقمه را یا واجد بگوید یا واجد آن طعام که در دهن
او نور الهی گردد و اثر او زود بر او ظاهر شود انشاء الله تعالی

۲۱	۲۴	۲۷	۱۴
۲۶	۱۵	۲۰	۲۵
۱۶		۲۲	۱۹
۲۳	۱۸	۱۷	۲۸

۲۹

د	ج	ا	و
ا	و	د	ج
و	ا	ج	د
ج	د	و	ا

الماجد یعنی بزرگوار عطا دادن در ثواب بسیار دهد و عطا
زیاده از یافت عقول او این نامی است که جمله کافران و مشرکان از
هیبت این نام ایمان آوردند یا معدل و مقلوب گردیدند اهل حقیقت
گفته اند هر که خواهد حصار این اسم کند باید که خداوند را حمد بزرگ

جهت مقهور کردن خصم و
مقدم بلغا نه کردن شمشیر
خانگی
اثر الله جل علیه
بجهت غنیمت شدن در هفتم هر ماه نوشته
بیاید بجهت آب روان نگاه دارند که
خود نگاه دارد
ذوالطول ذوالطول ذوالطول ذوالطول
ذوالطول ذوالطول ذوالطول ذوالطول
ذوالطول ذوالطول ذوالطول ذوالطول

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الماجد

وبزرگ کنندهٔ والی دانند و اگر مردی را عزت دارند و اعتقاد کنند بزرگی یا
که بجهت آن بود که خدای از بندگان خود برگزیده و بزرگ گردانیده و
خود را درگاه آنحضرت حقیر و کمترین جملهٔ بندگان شمارند برامید قبول
تا حضرت واهب العطایا او را از بندگان و مقربان درگاه گرداند و
شیخ فرموده هر که در خلوت تا نیم شب چندان یا ماجد بگوید که از
حس طبعی بیرون رود و بیهوش گردد در آن حالت نوری در دل او افروخته آید
که از پرتو آن نور باطن او معمور گردد و میان خلایق سرافراز شود و اگر
این ذکر را گریان گوید معنی آن در دل بگذراند سودا جایت بود و عوت
این اسم مناسب کسانی است که اهل خلوت و سلوک کنند و ایشان را قبض واقع
است و از آثار نور باطن بهره مند شود و صیت کرا این نام باید کرد و این را
عدد تعیین نفرموده است شیخ عدد کبیر زیاده از هزار بار گفته اند اما
بطریق جفر بعلیکی عدد معین کرده طریق ایشان بدین منوال است
که زیر بینات قسمت میکنند عدد بینات میگیرند میم لفجیم را اعداد
اولین را که خواهند کبیر خوانند جفر بیزیاده از ده اعداد میخوانند از ده عدد

م	ا	ج	د	
ج	د	م	ا	
د	ج	ا	م	
ا	م	د	ج	

۴	۱۸	۱۷	۱۱	
۱۶	۱۰	۵	۱۷	
۹	۱۳		۶	۲۰
۱۹	۷	۸	۱۴	

تا یازده عدد
و دو این باب
این دو قاعده
کافی است

بنده ما ملامت شود و فرمودند که بعضی
زن دادم و ما ملامت شدند و بعضی
جمال القرآن نیز گوید که از بزرگی
مناجات ضرورت بنده خدا را نوشته
ربی وان اندازند بجهت الله الرحمن الرحیم من العبد الذلیل
المولی ابراهیم الحنفی محمد واله
انه ارحم الراحمین بحق محمد و آله و
انه کاشف ضری و هو حسبی و هو
الکافی حسبی و کفی لا اله الا انت سبحانک
فتح عفی عنی لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین بحق
کلمات ما چون شب شود بگوید یا بگوید
الله الملک الحق الذی لا یموت کار
بشمار و گشاده کرده ایضا
که هر مؤمن و مؤمنه صبح گرفتار شود و
امور دینی و دنیوی او و مشکل باشد بخواند
رفتار بکلمات طیبات یا بگوید یا ذا الجلال
ارحم عصری عجل الله فرجه یا ذا الجلال
فارس الجلال از آدم کف تا آنا
صالح المهدی

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الواحد

الواحد یعنی خدای تعالی یگانه است در صفات الوهیت و پادشاهی خویش این نامی است که از بزرگی صفت این نام در دل هیچکس نگنجد حضرت امام رضا علیه السلام فرماید هر که را مرض صعب بود ورد کند و هر روز صد یک نوبت بگوید یا واحد از آن بیماری صحت یابد و از اکابر گفته هر که در راهی یا جائی از تنهائی ترسد یا از وحشت شخصی خائف بود یا در خلوت متوهم باشد این اسم را هزار و یکبار بخواند نجات یابد و از

و	ا	ح	د	توسن ایمن کرد	۵	۱۸	۱۵	۱۲
ح	د	و	ا		۱۶	۱۱	۶	۱۷
د	ح	ا	و		۱	۱۳		۷
ا	و	د	ح		۱۹	۸	۹	۱۴

۲۰

الأحد یعنی یگانه در یگانگی و بی همتائی در ذات خویش است این نامی است که همهٔ عالم و عالمیان ببرکت و بزرگواری این نام خلق شده و ظاهر گشته اند اهل حقیقت گویند هر که را داعیهٔ دعوت این اسم است اول باید اعتقاد کند که احد قدیم واست و هر یک از افراد عالم را با واحتیاج است و حضرت او محتاج هیچکس و هیچ چیز نیست چون بنده را این اعتقاد واقع شود حضرت احد او را به اکابر طریقت برسانند تا ایشان را بشناسد دست در دامن توکل زده پا در دامن قناعت کشد و یکی از اکابر فرموده هر که مداومت نماید در خلوت بعدد کبیر بخواند چون دعوت

یا ابا القاسم در دکی ادرکنی ولا تدعنی فانی عاجز ذلیل **بجهت دفع**

دعوت و فواحد دوز و محبت علیکم شش بار و عدد سیطش چهل مجلس بخواند مجربست فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم **منقولست** که این حرز بجهت قضاء حوائج عظیمه مجرب است بنا از بزرگان براین مداومت نموده و مطلب خود را دریافته اند یا قاهر العدو یا والی الولی یا مظهر العجائب یا مرتضی علی ارشد بهائی علیه الرحمه منقولست که هر که روز چهارشنبه شروع کند تا ده روز از جمعه باشد هر روز یکصد و پنج بار بحضور قلب و طهارت جامه و بدن بخواند اگر مطلب او روا نشود بر من تعیین کنند بسم الله الرحمن الرحیم یا

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الاحد

بکمال رسد ملائکه بر او ظاهر گردند بدانکه دعوت صغیر را اسما
از یکی استا هفتصد نود و نه که عدد صغیر خوانند و کبیر از هزار و
یک تا ده هزار که عدد کبیر خوانند و بدانکه در هر جا عدد اسما معین
نکرده اند قاری مخیر است خواه کبیر و خواه صغیر بخواند و آنچه عدد
تعیین شد در این نسخه بحساب جمل و تکسیر و فوق مجموع جامع این رساله
تکسیر کرده ام با انواع تکسیرات و تا آنرا تحقیق نکرده و بیرون نیاورده ام
و بر هر نکته که بر بیاض مکتوب شده یا رها در رسایل و کتاب شارحان
اسماء الله تعالی نظر کرده ام ننوشته ام و جز زحمت تکسیرات اصل اسما
بالف و لام یا بی آن ندا و طلب در رسایل مشایخ تحقیق روش مربعات
و ظاهر گردانیدن رموز و اشارات از خود هیچ در این کتاب درج نکرده ام
و در این کتاب از قاریان اسما الله و عاملان مربعات و صاحب دعوات
بعد از تحقیق بدعای خیر امیدوار بوده ام لتوفیق الی الله تعالی
یکی از اکابر فرموده الواحد لا حد و اسم عظمند و اسم سالکان است
که دلهای ایشان معلق گشته باسرار الهی و اسرار توحید هر دو که
طالب این حال بود بر او باد که مداومت نماید بذکر این اسماء خاصه شب
و در خلوت که شب خلوت اهل معنی است و بزرگان گویند که شب روز
بازار مردان است و این دو اسم را عدد معین نکرده اند زیرا که سالک هر چند
ذکر بیشتر گوید جلا قلب او زیاده شود و در آخر او را حالتی دست دهد که

رب دعا را در شب جمعه بر چهار یار
فرض نویسد و مطلب خود را در دست
گاه نویسد و پشت هر دو گاه غذا
صاحب نبویسد و در زیر بستر مقابل
بهم بخسبانند و در پیش از طلوع آفتاب
بلند دو رجوع بدو پیش از طلوع آفتاب
بخوانند و آب و آن نان از دالبته ارزش
حاصل است بسم الله الرحمن الرحیم
سبحان الذی لم یزل سبحان الذی
العظیم الذی لا یجهل سبحان الذی
الذی لا یتحول سبحان الذی
لا یتحول افض حاجتی برحمتک یا
ارحم الراحمین و صلی الله علی
خاتم محمد و آله اجمعین طریقه
رفع اسما الله تعالی
خواص است

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الصمد

اگر یک طرفة العین از ذکر خدا غافل شود از طریقت خارج گردد

	۱۰	۱۴	۱۷	۳		د	ح	ا	ما
	۱۶	۴	۹	۱۵		ا	ما	د	ح
۱۹	۵		۱۲	۸		ما	ا	ح	د
	۱۳	۷	۶	۱۸		ح	د	ما	ا

الصَّمَدُ یعنی خداوند معبود و پناه همه نیازمندانست در همه حال اهل تحقیق گویند هر که خواهد حصار این اسم کند باید بدانند که بر او رنج حاجات مسکینان و شنوندهٔ دعای مظلومان و پناه نیازمندان بغیر حضرت او دیگری نیست و هر حال که وی را پیش آید و بدرگاه صمدیت کند و عرض حاجت خود را بجا برد تا حضرت صمد او را از جملهٔ حاجات مستغنی گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که در خلوت بسیار گوید و انجمن او را از هیچکس بیم نبود و یکی از اکابر گفته هر که بعد از تهجد یا در سحرگاه وضو ساخته روی بر زمین نهد و صد و یازده بار بگوید یا صمد و معنی او را در دل نقش کند و بر این مداومت نماید بمرتبهٔ اهل یقین برسد و از جملهٔ صادقان گردد و هر کس را که بر جوع طاقت نبود بذکر این اسم مداومت نماید بعدد کبیر حق سبحانه و تعالی درهای رزق بروی بگشاید در صوت و معنی

که یک اسم یا زیاده از اسماء الله که عدد آن موافق باشد با عدد اسم خود تحصیل نموده ورد خود سازد و همیشه بعدد اسم خود بخواند اثرها بیند اما باید از عدد اسماء الله بیک عدد علاوه باشد از عدد اسم قاری و اگر اصل عدد اسم زیاد نباشد اسم خداوند را یک بار زیاده بخواند و این اسم را اسم اعظم دانسته از برای خود و تولد نماید که در سینه دارد و در نسخهٔ دیگر بنظر رسیده که اسمی از اسماء الله که در عدد موافق اسم خود باشد تحصیل نموده بجای عدد اسم جلاله سورهٔ فاتحه و اخلاص و معوذتین و آلم نشرح بخواند و بعد صلوات بفرستد بعد از آن اسم را تا سه هزار بخواند و در هر روز شروع سود انجاح مطالب را یکبار بخواند بجهت موافق با اسم خود باشد بگیرد و در هر روز بخواند

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ القادر

یا	ص	م	د	۱۶	۳۶	۳۶	۳۳
م	د	یا	ص	۳۷	۲۷	۳۲	۳۸
د	م	ص	یا	۳۱		۳۴	۲۸
ص	یا	د	م	۴۰	۳۰	۲۹	۳۵

۴۱

القادر یعنی خداوند توانا بر هر چه خواهد بی مدد و معاونت دیگری در همهٔ احوال این نامی است که ادریس علیه السلام بر قوم خود ببرکت این نام نبوت یافت اهل تحقیق گویند هر که خواهد اخصاء این نام با هیبت و احترام کند باید بداند که توانائی بحقیقت قادر است هر چه خواست کرد هر چه خواهد کند یفعل الله ما یشاء و یحکم ما یرید پس باید ترک تردد و حصول مراد کند و کار خود بکارساز باز گذارد تا قادر روی توانائی دهد آنچه خواهد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که در وقت وضو ساختن بر هر عضوی سه بار بگوید بر خصمان غالب آید اگرچه ضعیف بود و یکی از اکابر فرموده هر که در محل قتال و جدال با خصم بذکر این اسم مداومت نماید بر خصمان غالب گردد و هر که را خصم قوی باشد و در دست او اسیر و عاجز شده باشد این اسم را در وقت طهارت بدل مداومت نماید حقتعالی خصم وی را مغلوب گرداند (مربع آن در صفحهٔ بعد)

وهر روز آن چهار اسم را بعدد
خود بخوانند بجانب شاه شهدا
راوی گوید خدمت
جعفر صادق علیه السلام بود
عرض کرد که پادشاه مرا از دیگران
و من از او و از اتباع او خوف دارم حضرت
فرمودند اگر چنین است بنا کن در
اطراف خود شهری و قلعه عرض کرد
چگونه بنا کنم این قلعه را فرمودند
که هنگام از منزل خود بیرون آیی
بخوان سوره فاتحه و الله اعلم را و در
چهار سمت خود بدم با این تربت را و در
از پیش رو بعد از جانب راست بعد از
طرف چپ بعد از پس پا بخود تا
از بالای سر بعد از پای خود تا
برای تو مانند حلقه و قلعه
که محافظت کند تو را در آن فرزند
خدای پادشاه و سلطان مبعوث
از حضرت امام جعفر
صادق

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المقتدر

ق	ا	د	ر	۶۸	۸۲	۷۹	۷۶
د	ر	ق	ا	۸۰	۷۵	۶۹	۸۱
ر	د	ا	ق	۷۴	۷۷		۷۰
ا	ق	ر	د	۸۲	۷۱	۷۳	۷۸

۸۴

المقتدر یعنی خدای تعالی انا بر او ردن و بردن همه چیز از مرتبهٔ اسفل به اعلی درجه و از کمال درجهٔ اعلی تا بزیر نده یا اسفل این نام می‌آید که روح و بدن از برکت این نام در آید و از خصایص این اسم بیرون رود اهل حقیقت گویند هر که از خواب بیدار گردد و همچنان چشم برهم نهد و گوید یا مقتدر و مکرر سازد حق تعالی او را تا قیامت چشم او را روشن سازد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که در حرب خصم نوشته و با خود دارد و بذکر آن مداومت نماید غالب شود بر خصم و دل او بیدار کرد از خواب غفلت و یکی از اکابر فرموده که این اسم را در این مختصر بیان کنیم بدو خاصیت اول در جاه و منصب و قدرت و منزلت نزد اکابر و خویشان و دوستان و دیگر شکست و خواری و کسر اعدا و عزل ایشان از اعلی درجه باسفل هر که خواهد تا این دو مقصود یکی یا هر دو برآید بر عوض این اسم بعدد کامل تکسیر هفتاد روز باید که اگر جاه و منصب مقصود است نام خود و نام آنکس که تقرب با و میجوید با این اسم

که آنحضرت بغلام خود فرمود که هر گاه خواهی رفتن جهت حاجتی بکسی بنویس که حاجت و مقصود تو بحل این بنویس با قلم نو تراشیده بمداد این آیه

بسم الله الرحمن الرحیم

ان الله وعد المتقین والصابرین المخرج مما یکرهون ویرزقه من حیث لا یحتسبون جعلنا الله و ایاکم من الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون و در نظر رسیده در دست دیگر جای یکرهون بخاطر نوشته و بعد از نوشتن این آیه بار بنویسد ابو تراب ابو تراب

ایضاً بجهت این مطلب قدری خالد در رهنه بوده و بعد یافته اند البته مقصود بحل آید

تکسیر کند مثلاً محمد تقرب محمود میخواهد چنین تکسیر کند
که در حاشیهٔ این صفحه نموده میشود و طالب و مطلوب پس مجموع
این حساب کردیم هزار و هفتصد و هشتاد و شش بود قاریرا
مخیر ساختیم اگر تواند هر روز با بیعدد یا مقتدر بگوید در این
ایام مذکور و اگر میسر نشود ابیعدد را باین طریق بر کاغذ
وضع کند و با خود دارد و بعدد کبیر که زیاده از هزار بار است
میخواند و تا تواند با بعدد کامل خواند که تقرب واقع شود که
عاقبت محمود گردد و این را بسیاری از بزرگان تجربه کرده اند و
بتقرب سلاطین رسیده اند و مقاصد کلی از این عمل حاصل
شده و در تای ندا و الف و لام تعریف مخیر است در تمام
اسما و در این ایام شرایط خلوت بجای آورد و بخور بسوزد بعود
و صندل و بعدد کامل خواند یا بعدد تکسیر تا او را از و خواص
دهد و برای کسر نام خود و نام خصم تکسیر کند اما بشرایط
نام خصم بر نام خود مقدم دارد و در وقت تکسیر و خواندن
مقهور شدن اعداء در خاطر آورد و هر عدد که از تکسیر بیرون
آید بر والای سیاه بر نیل و زنگار در مربع نهد بنیاد او بر
و اگر چنان بود که باد از والا گذرد و بخانهٔ دشمن رسد
زودتر مقهور گردد (و مربعات در صفحهٔ بعد وضع شد)

م ح م د م ح م و د م ق ث
د د ر م د ح ث م ق د م م د
ح ~~م ق د م د ح~~ و م م
ز و م ح د د ح م ث م م ر ق
ق م د د م و م م ث ح م د ح
د د ق ح م د د م د ح م ر ث
و م م م د م ق و ح ث م م
د ح د ر م م م د د د م ح ق
د و م ح ~~ق د و م ح م~~ ث ث
م م م ح د م د و د د م ق
ح ح ث ق م م م د م د
ح و ر د م م ح د ث ر ق
و م ح م د م م د د م م ح
م د د ث م ر ح ق م و و
د م م ق م ح ح د م م ر ث
د د و ث د د م م م ق د م
ح ح ح د ح و م ث ر د
ق د م م م م

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المقدم

۴۴۸	۴۵۱	۴۵۴	۴۴۱		۱۸۵	۱۸۹	۱۹۲	۱۷۸
۴۵۳	۴۴۳	۴۴۷	۴۵۲		۱۹۱	۱۷۹	۱۸۴	۱۹۰
۴۴۳		۴۴۹	۴۴۶	۱۹۴	۱۸۰		۱۸۷	۱۸۳
۴۵۰	۴۴۵	۴۴۴	۴۵۵		۱۸۸	۱۸۲	۱۸۱	۱۹۳

م	ق	ت	د	ر
د	ر	م	ق	ت
ق	ت	د	ر	م
ر	م	ق	ت	د
ت	د	ر	م	ق

المقدم یعنی پیش آرندهٔ نیکی و بدی و بهر چه سزاوار باشد
این نامی است که موسی علیه السلام ببرکت این نام بر طور قوت
نافت و کلام بیچون شنید اهل تحقیق گویند هر که خواهد حاجت
این نام کند اول باید که در جمیع مور که او را پیش آید کار دین بر
دنیا مقدم دارد تا حضرت عزت او را در زمرهٔ ارباب یقین دارد
و دعای او را بتصدیم اجابت کند و دعوت این نام مناسب کسانی است
است که ایشان را قبض و بسط باشد و کار ایشان در هیچ امر از
پیش نمیرود بدعوت این اسم رجوع نمایند حضرت امام رضا علیه السلام
فرموده اند هر که در حین خوف این نام را بسیار گوید ایمن
گردد و از هیچ چیز نترسد و یکی از اکابر فرموده که مربع این
این اسم را باین طریق (در صفحهٔ بعد) نموده مینویسد اگر سلطان
بر سر علم بندد تا هر لشکر که با خود دارد بر خصم غالب آید یا ماه
در دو مربع نویسد یکی بحروف و یکی بعدد و حرف را بر عدد مقدم

دارد

از شر دشمن کشتی

از شر دشمن کشتی دوا بر
کرده که چون روز ورود شود بکو
طبعش حمص و دو هر حرفی بار
انگشت عقد کن و ابتدا کن از انگشت
ابهام دست راست و ختم کن با انگشت
ابهام دست چپ بی خواندن و پنجاه بار
چون بکام زمهم دشمنان کلمه را
دو بار مکرر کند در هر بار باید
انگشت را یکتا بدو این از عجایب
و مجربات است **ایضاً** از جمله
مجربات بجهت حصول مراد و
قضای حوایج

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المؤخر

دارد و دارندهٔ این لوح بر اعداء غالب گردد و هر اسم که در دشمنان

م	ق	د	م		۳۸	۵۲	۴۹	۴۵
د	م	م	ق		۵۰	۴۴	۳۹	۵۱
م	د	ق	م		۴۳	۴۲		۴۰
ق	م	م	د		۵۳	۴۱	۴۲	۴۸

۵۴

افتد که بتوسط فراد بر قرار لازم داشتند اگر بر لوح نقر نقش
کنند اثر زود تر واقع شود و سلطان را واجب که در دو صاف
این اسم بر زبان راند و بر خود و سپاه خود مدتا از شر خصم محفوظ ماند
المؤخر یعنی پس دارندهٔ آنچه شایستهٔ خواری و پستی بود در آب
این نامی است که آفریدگان از سبب این نام فنا خواهند شد اهل
تحقیق گویند هر که خواهد احصای این اسم کند اول باید که در جمیع امور
ترک هوای حظ نفس کند و رضای خدای تعالی را بر مراد نفس خود
مقدم دارد تا ایزد تعالی جل جلاله دعای وی را سبب تاخیر بلای بندگان
خود گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که دائم
بر آخر سپید باشد و اعمال خیر داشته باشد باین اسم مداومت
نماید عمر او دراز گردد و عمل او را مقبول گرداند و بتقدیر او بحق تعالی
زیاده گردد و در آن تمکن بماند انشاء الله (مربع مؤخر در صفحهٔ بعد)

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الأوّل

	۲۱۱	۲۱۴	۲۱۷	۲۰۴		و	خ	ح	م
	۲۱۶	۲۰۵	۲۱۰	۲۱۵		و	م	د	خ
۲۱۹	۲۰۶		۲۱۲	۲۰۹		م	و	خ	د
	۲۱۳	۲۰۸	۲۰۷	۲۱۸		خ	د	م	و

الأوّل یعنی خدای همیشه بودی کمال ایناست این نامی است که جملهٔ مکوّنات از برکت و بزرگی این نام پیدا شده اهل حقیقت گویند هر که خواهد احصای این اسم کند اوّل باید که قدم در راه خدا تعالی نهد و مرد اندر اید و اوّل و آخر خدا را و خدا تعالی شانه و دعوت این اسم مناسب کسانیست که بفراق غایبی گرفتار شده باشند حضرت امام رضا علیه السلام فرمود جهت غایب ماهر کار صعب که باشد چهل شب جمعه هر شب هزار بار بگوید غایب حاضر گردد و جملهٔ مرادات او حاصل شود شیخ فرموده که هر که طالب فرزند باشد یا در مقابلهٔ امید دفینه دارد و فتوح عالم غیب میخواهد و هیچ جا کمان ندارد بعد از هر نماز جمعه بمداومت این اسم قیام نماید در چهل جمعه چون اربعین تمام شود مقصود او حاصل گردد و مربع الأوّل در صفحهٔ بعد است بدانجا مراجعه و استفاضه نمایند

الآخر یعنی خدای همیشه باشد و هم و زوال اهل تحقیق

هر که در نیم شب پنجهزار مرتبه بگوید یا جامع المفترقین و مطلب دارا بخواهد آنکس مطیع او گردد **هذا رشمی** هفتاد و نوبت بخواند مجرب و آزموده است بسم الله الرحمن الرحیم اللهم شتت شملهم و فرق جمعهم و قلب تدبیرهم و زیّن بینهم و بدّل احوالهم و قیّد آجالهم و قطع اعمارهم و اشغلهم بآثامهم و حذهم اخذ غیر مفید یا قهّار یا قهّار یا قهّار یا جبّار یا جبّار یا جبّار و اما تا ممکن باشد این عمل را نکند که اثر عجیب دارد **ایضاً** اگر بگوید مشت خاکی از خرابه کهنه و کهنی از مسجد خرابه و کهنی از قبرستان خرابه و کهنی از چهار راه و این خاکها مخلوط کرده

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الآخر

۹	۱۲	۱۵	۱		ل	و	لا	ا
۱۴	۲	۸	۱۳		لا	ا	ل	و
۳		۱۰	۷		ا	لا	و	ل
۱۱	۶	۴	۱۶		و	ل	ا	لا

۱۷

گویند هر که خواهد احصای این اسم کند باید که با خود شرط کند و عزیمت جزم گرداند که هر قول و فعلی که از او در وجود آید خاصةً لله باشد و هیچ عمل بر ما نکند تا خاتمهٔ کار او بخیر و صلاح باز گردد و دعوت این اسم مناسب کسانی است که دنیا از خاتمهٔ کار ترسند و رد شاند ایزد سبحانه و تعالی ختم کار شریعت ایمان کرداند شیخ فرموده که قاری این اسم همه حال بصفای باطن و خوشحالی بود دایم دل او خرم باشد با ایمان و معرفت کامل دایم متوجه آستانهٔ کبریا بود و او را رضوان اکبر نصیب کردی چون بصیدل کوید و بمغز دل و ذکر بزبان گذراند تا دل وی را زنده و زبان وی را ذاکر باسماء حسنا خو گرداند

۱۲۰۰	۲۰۳	۲۰۶	۱۹۲		د	خ	لا	ا
۲۰۵	۱۹۳	۱۹۹	۲۰۴		لا	ا	د	ح
۱۹۴		۲۰۱	۱۹۸		ا	لا	خ	د
۲۰۲	۱۹۷	۱۹۵	۲۰۷		خ	د	ا	لا

۲۰۸

کرده و هفت بار سوره اخلاص بکن و
برانها بخواند و دو رکعت نماز
درخانه و شخص بنا شد و بران
شود و حاجات او بر آید
شود بحق ابن الدین فارس
ابن ابرا بوسنال الدین فارس
شخص را بوان نوشته در حکم او دفن
کند مغز دل کرد و دوما محمد الله
رسول قاضات و قبل اقلیم
آفات ما ت و قبل اقلیم
آمنا بالله تا انجا به ولد و اولاد
مغیبه و احادیث صحیحه و ارادت که
بجهت قضاء حوایج و انجاح مطالب
منوسل بحضرت سید الشهداء علیه السلام
بشود و بکصد بار بیست و هشت بار بگوید
الهی بحق الحسن و اخیه و جده و ابیه
و امه و عمه و زوجته و ذریته و اولاده و جاریته
صل علی محمد

شرح کلمهٔ مبارکهٔ الظاهر

الظاهر یعنی خدای که پیدا است هستی او با آثار و علامات بسیار در ظهور و وجودات اهل تحقیق گویند هر که خواهد حصار این اسم کند باید که ظاهر و باطن او با خلق خدا یکی باشد چنانکه باشد چنانکه نماید باشد تا روز حشر با آن صفت محشور گردد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که بعد از طلوع آفتاب هزار بار این نام را بگوید ایزد تعالی او را از نابینائی نگاه دارد و اگر امید ظهور مخفیات دارد ایام بیض روزه دارد و هر روز هزار بار بگوید تا در خواب بیند او را از آن امر نشان دهند یکی از اکابر فرموده هر که روز شنبه و هر روز بعد از نماز چاشت این اسم را با نصف نوبت بگوید خدای تعالی بکمال قدرت ظاهر و باطن او را نورانی گرداند و دل او را از خواب غفلت بیدار کند و از تاریکی دل ایمن شود و عورت این اسم مناسب کسانی است که خواهند دشمن خود را مقهور گردانند که ایشان را هیچ خلل در آن نباشد و زوال نعمت طالب خواهند و مدام بخوانند این اسم بعدد تکبیر بخوانند هر روز شش هزار و پنجاه و مرتبه دشمن مقهور گردد

ظ	ا	ه	ر
ه	ر	ظ	ا
ر	ه	ا	ظ
ا	ظ	ر	ه

۲۶۹	۲۸۲	۲۷۹	۲۱۶
۲۸۰	۲۷۵	۲۷۰	۲۸۱
۲۷۴	۲۷۷		۲۷۱
۲۸۳	۲۷۲	۲۷۳	۲۷۸

۲۸۴

وآل محمد واخرجني من الظلمات الى النور انا فيه ومن الغم الذي انا فيه برحمتك يا ارحم الراحمين الرحم او كفايت شود و از بزرگان بزرگوار حاجت او را دو مرتبه دوم و غم او برطرف میگردد اما اگر در مسجد با وضو و حضور دل بخوانند بهتر است

برای قضای حوائج

هر که این دعا را هفتاد و دو نوبت بخواند گفته اند مجرب است بسم الله الرحمن الرحیم الهی انا فاقر فی کل شیء وانت الغنی علی کل شیء ارحم عبدک وافض حاجته برحمتك یا ارحم الراحمین

هر حاجت

صلوات بفرستند و صبر نمایند بجوانند البته مطلب بر آورده استرواد عاجزه کرده اند

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الباطن

الباطن یعنی پوشیده ذات او از دریافت ابصار و اوهام
این نامی است که جمله جانوران از عظمت و بزرگواری این نام خدای تعالی
شناخته اند اهل تحقیق گویند هر که خواهد حصای این اسم کند
باید خود را چنان بخلق نماید که در باطن نزد خدای تعالی باشد ایزد
سبحانه و تعالی باطن او را از ضلالت نگاهدارد حضرت امام رضا
علیه السلام فرموده اند هر که اثنی جائی بیست و یک دفعه بیند
این نام را بوفق این نقش مربع با آن رخوت نهاده را امانت بیند
از دست دزد سالم ماند و دست غیری بآن نرسد و هیچکس بر آن
مطلع نگردد از برکت این لوح بزرگی فرموده هر که هر روز سی و سه
هزار بار بزبان راند و مداومت نماید حق تعالی او را از همه چیز بی نیاز گرداند

ب	ا	ط	ن
ط	ن	ب	ا
ن	ط	ا	ب
ا	ب	ن	ط

۱۰	۲۴	۲۱	۱۸
۲۲	۱۷	۱۱	۲۳
۱۶	۱۹		۱۲
۲۵	۱۳	۱۵	۲۰

۲۶

الاول الآخر الظاهر الباطن این چهار اسم
خواص بسیار است و اسرار عجیب و احوال غریب در دعوات این اسماء است
هر که مداومت نماید بر دعوت این نامها هفتاد روز بشرط مذکور در

وانا اهلا لان یخفی اربابنا
لا سهل الا ما جعلته سهلا
وانت تجعل الحزن اذا شئت
سهلا وسهل لنا امورنا
والآخرة یا مسهل یا مسهل
فردنا قدیما برحمتک یا
ارحم الراحمین وبعد از فراغ
حاجت خود را از خداوند بخواهد
شرح اسماء الله
هر که بامداد قبل از نماز صبح
در چهار زاویهٔ خانهٔ خود در هر
زاویه یک بار بگوید الوتاق
وابتدا از دست راست کند بجانب
قبله رود از فقر و فاقه خلاص یابد
ازبرای قضای حوائج بعد از
نماز صبح صد مرتبه
بخواند صد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الباطن

شبان روز بعد تکبیر اصل اسما بخواند که پانزده هزار و چهار صد و هشتاد و چهار عدد است چون تمام شود و این دعوت نوفق یابد بر او ظاهر گردد اسرار عالم و مکشوف گردد آنچه علم ظاهر و باطن است استیر صاحب دعوت این اسما و خواص ظاهر و باطن اشیا را بداند و بر ظاهر و باطن هر موجود بینا و توانا گردد و پیش از این در شرح این اسما شروع نباید کرد زیرا که از حد اعتدال درگذرد و چون ختم باتمام رسد باید که بالکلیه ترک ذکر این اسما نکند و همچنان بخواند و اگر بدان عدد نتواند خواند باید که بعدد کبیر بخواند تا مدام در آن حالت بماند و این مربع را نوشته با خود دارد

الاول	الرزاق	الظاهر	الرب	۵۳۲	۵۳۵	۵۳۸	۵۲۵
الظاهر	الباطن	الرزاق	الاخر	۵۳۷	۵۲۶	۵۳۱	۵۳۹
الباطن	الظاهر	الاخر	الرزاق	۵۲۷		۵۳۴	۵۳۰
الرزاق	الاول	الرب	الظاهر	۵۳۴	۵۲۹	۵۲۸	۵۳۹

۵۴

الوالی یعنی پادشاه فرمانروا بر جمیع مخلوقات این نامی است که جهانرا ببرکت این نام داشته اند اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصای این نام کند باید که محب صالحان باشد و خود نیز صاحب محبت پیش گیرد و مهمات جزئی و کلی خود را بخدای تعالی گذارد و ظاهر

باطن

مرتبه جلی این نام را بگوید بشرط حضور قلب و خضوع و خشوع البته از عاجز برآمده خواهد شد و بحق شاه مرتضی

اقرأ وای طلب مال و توسعه احوال و جمیع مقاصد و مال بعد از سلام نماز صبح بلا فاصله بگوید بسم الله الرحمن الرحیم وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین آدعو لی یا سمیع یا مجیب یا مجیبنا ومن الکنز العظیم الحسنی و بعد صد شش مرتبه بگوید یا جوادنا الطیف یا باسط یا مغنی یا الله یا لا اله الا هو و بر مشتاقان نصلی علی محمد وآل محمد وان تعطینی من کرائم جودک ما تغنینی عن لا احتیاجه الا عندک وان

شرح کلمهٔ مبارکهٔ الوالی

باطن خود را یکی سازد تا والی المتعال کارها او را بنماید ملکه
بدعا او امور و مهمات بندگان نیز ساخته گردد و دعوا این اسم
مناسب کسانی است که خواهند درجهٔ ولایت سند حضرت امام رضا
علیه السلام فرموده اند هر که این نام بر کوزه نویسد و پر آب کند
و در چهار حد خانه و بام سرای خود بپاشد بخانه اندر دزد و صاعقه
و سیل و زلزله و حملهٔ افعی ایمن بود و بزرگی فرموده هر که این
مربع را بنویسد در شرف آفتاب یا در تثلیث سعدین و با خود دارد و این
اسم را بعدد کبیر هر روز بخواند ایمن بود از قهر سلطان و عزل عمل
و تنزل جاه و منصب و غرق و حرق و سالم بود در بر و بحر از آفات
و بلیات و نکبات آخر الزمانی

۱۱۱۷	۱۱۳۱	۱۱۲۷	۱۱۲۴
۱۱۲۸	۱۱۲۳	۱۱۱۸	۱۹۳۰
۱۱۲۲	۱۱۲۵		۱۱۱۹ ۱۱۲۳
۱۱۳۲	۱۱۲۰	۱۱۲۱	۱۱۲۶

محفوظ ماند و اگر این نام را
یازده عدد تکسیر بخواند هر
روز تا بیست روز و دوره دارد
و در خلوت خواند چون بیرون
آید تمام خلق ولایت او مطیع
و مسخر او گردند و خبر بزرگی او با طراف و جوانب عالم منتشر گردد
و اگر در این دعوت بصدق و اعتقاد بود و جهت تسخیر خلایق بخواند
بدرجهٔ ولایت رسد و خفایای باطن وی را روشن نماید که بر او منکشف

گردد

تعلیق علی طاعیک و آداب
حقک الثابت از عجائب باشد
از برای قضاء حوائج شب جمعه
بعد از نماز عشاء این دعا را
صد بار بخواند و صد بار صلوات
بفرستد البته حاجت او بر آورده شود
بسم الله الرحمن الرحیم
الهی بحق رسولک فادعوه ولا
الهی بحق علی فادعوه ولا
العبد والعبد المخطی والمذنب
فان کان دعوتی للصادق و تقبل
خالصا فصل علی محمد و آل محمد و اغثنی
یا غیاث المستغیثین یا رب العالمین و
صلی الله علی محمد و آله و سلم
تمت و فرغ عن کتابت مجمع
الدعوات مسطور و از تنبیه
بجا علیه الرحمة

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المتعالی

گردد علوم غریبه علم لدنی و حالات عجیب و غریب عدد تکبیر
شیخ مع صد و مؤخر چهار صد و نه عدد شود و با زده مدان چهار
هزار و چهار صد نود و نه عدد است و بعضی از اکابر گفته اند هر که
روزی سه نوبت بخواند و معنی آن در دل کند داند چنانکه غیر در
خاطر او خطور نکند از اصحاب تغیر گردد انشاء الله تعالی

۱۱	۱۴	۱۸	۴
۱۷	۵	۱۰	۱۵
۶		۱۲	۹
۱۳	۸	۷	۱۹

ی	ل	ا	و
ا	و	ی	ل
و	ا	ل	ی
ل	ی	و	ا

المتعالی یعنی ظاهر کننده بزرگی خویش با نیتهای پیدا اهل
تحقیق گویند هر که خواهد احصای این اسم کند باید که با کمال
تحمید و تمجید خود را عاجز داند در اعلی درجه که با وجود کمال
حضرت رسالت صلی الله علیه و آله میفرماید که لا احصی ثناء
علیک انت کما اثنیت علی نفسک پس در احوال و اقوال و
افعال موافق حضرت بهترین موجودات گردد علیه افضل الصلوات و
اکمل التحیات تا اثر متعالی وی را بزرگ گرداند این نامی است که
حوا ببرکت این نام مصون است حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند
هر زنی که در حالت حیض و نفاس این نام بسیار گوید ایمن ماند از حمل

منقول است که مخاوفات و موجودات
باین نامها متحرک اند و دارنده این
اسماء عجایبها از او مشاهده گردد
هر که مواظبت و مداومت نماید دل
جانان در دش گردد بخوبی که اسرار
غیب بر او منکشف شود و شیخ از اسما
مبارکه بسیار است تا بطریق ایجاز و
اختصار از برای هر امری شیخ علیش
فرموده اند که هر کس بخواند
مستجاب گردد اسم اول اگر کسی را
پادشاه از او رنجیده باشد و با او
متغیر باشد چون نزد پادشاه
رود هفتاد بار برابر پادشاه
و بوجود بدل در دل پادشاه مهر و
محبت این شخص پیدا شود و بخصوص که
خواند همین فایده بخشد و اگر
بر دل خواند

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المتعال

آفتها خصوصاً از استحاضه و یکی از اکابر فرموده هر که مداومت
نماید بعد تکبیر این اسم باطن او پاک گردد از غل و غش و کدورت
و جمیع عیوب ظاهری و باطنی و هر که نقش کند حروف این اسم را
بر نگین عقیق و یا بلور و اگر دست ندهد بر نقرهٔ خالص بعد
تکبیر و با حرمت نگاه دارد و دعوت در روز یا در شب بطریق
عدد کند حاصل آید او را مرتبهٔ عالی در صورت و معنی و شیخ معروف فرموده
هر که این عدد در روز خواند مرتبهٔ ظاهر و بلند گردد و اگر در
شب خواند مرتبهٔ عالی در یابد در باطن و طریق مربع که بحروف نویسند این است

م	ث	عا	لی		۱۳۰	۱۴۴	۱۴۰	۱۳۷
عا	لے	م	ث		۱۴۱	۱۳۶	۱۳۱	۱۴۳
لے	عا	ث	م		۱۳۵	۱۳۸		۱۳۲
ث	م	لے	عا		۱۴۵	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۹

۱۴۶

و بعد نقش کند هر دو را و عدد تکبیر که بخواند هزار و یک و
هشتاد و هشت عدد است یا متعالی و دو هزار و سیصد و بیست و هشت
عدد است المتعالی هر کدام که خواهند دعوت فرمایند و دعوت این
اسم مناسب کسانی است که در سلوک یا در دنیا خواهند که بدرجهٔ
کمال رسند بعد دعوت این نام قیام نمایند اگر بعد تکبیر شوند خوانند

او چنان روشن گردد که راز ها
مشکل بر او آسان شود و شرار از
دل او برود و حفظ و جاه و مرتبه
او زیاد شود و اگر ما عسل و جام
بالای صد بیت یکبار بر چیز خورد
بخوانند و بطلوب بخورانند مطیع و
فرمانبردار وی گردد و بجای و فراز نگاهد
و در جهان ما لا اله الا انت یا رب
کل شیء و وارث و فوق و راجعه
بیرون آرند و بر مرغ بشکند و
بر نظر مردم مرغ بشکند و
تا بشد و در بعضی نسخ
روز هر روز تا نه بار بخوانند فراخ
دستی و جلالت و وسعت در مال او
پیدا شود و در نظر خلق بزرگ و
هیبت او را بر عبد و
وی شود

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ البرّ

بعد وسیط که اصل عدد است بخوانند که پانصد پنجاه و یک نوبت است یا بقول شیخ بعد کبیر که زیاده از هزار بار است بخوانند **البرّ جلّ جلاله** یعنی خدای نیکوکننده با خلایق خویش و نیکوئی او همه جا و همه کس رسیده است و این نامی است که خوردان از برکت این نام بزرگی رسیده اند اهل تحقیق گویند هر که خواهد حصار این نام کند اوّل باید که شفقت و مرحمت از خلق خدا دریغ ندارند و ناتوانند تشنگان را سیراب گردانند و تصدّق بدهد تا برّ رحیم وی را در میان ابرار درج کند و در جنّت الخلد وی را جای دهد و منزلی کرامت فرماید و دعوت این اسم مناسب کسانی است که از آفت دهر و نزول جاه و منصب بترسند حضرت امام رضا علیه السّلام فرموده اند هر که این اسم را بر کودک چون بسن بلوغ رسد همین بود از آفت روزگار و بزرگی فرموده که چون طفل متولّد گردد سه روز هر روز هفتاد بار بخواند و نفس بر او دمد آن طفل از آفات و بلیّات محفوظ ماند تا حدّ بلوغ و شیخ مغربی گوید هر که مداومت نماید سرّ و علانیه بذکر این اسم حسبی الله و تعالی بوی رساند آنچه طلبکار آنست و اگر بعدد تکسیر که ششصد و نود و نه نوبت است یا بعدد کبیر بخواند زود تر بمقصود واصل گردد و آنچه مطلوب او است بواسطه بوی رسد (مربعات در صفحهٔ بعد است)

دیگر تنگدست و درویش نگردد یا اللّٰه الاله الرفیع جلاله هر روز جمعه وضو سازد و جامهٔ پاک پوشد و بمسجد جامع رود بعد از نماز جمعه دویست نوبت این اسم را با خلوص بخواند با اعتقاد درست بنیّت هر حاجت و هر مطلب و هر مراد که داشته باشد البتّه آن حاجت بر آورده است یا اللّٰه المحمود فی کلّ فعاله اسم جهاد مر اگر که قاهر و تند خو و بد خلق باشد و مردم از او در ترس و آزار باشند و خواهند که این صفت از او دفع شود و دل گردد این اسم را بمثل و زعفران بر سر بنویسد بنام خود و نفس و مادرش و در منزل آن تکسر کند رضا و نیاز آن منزل و تکسر دفع گردد بنظر روز اول

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ التوّاب

ی	ا	ب	ر		۴۳	۵۶	۵۳	۵۰
ب	ر	ی	ا		۵۴	۴۹	۴۴	۵۵
ر	ب	ا	ی		۴۸	۵۱		۴۵ ۵۸
ا	ی	ر	ب		۵۷	۴۶	۴۷	۵۲

التوّاب یعنی خدای توبه دهنده و توبه پذیرنده است این نامی است که توبهٔ آدم علیه السّلام را برکت این اسم قبول کردند اهل حقیقت گویند هر که خواهد احصای این اسم کند باید که اگر روزی از راه سهو و غفلت جریمه واقع شود روز و شام گریبان ندامت گرفته روی بدرگاه کبریا آورده سر بسجده نهد و توبه کند و با دست تواضع و عجز و نیستی دامن کرم وجود و رحمت را نگذارد و اگر بندهٔ از بندگان خدای تعالی بنسبت وی عذری آورد یا بدی الحال قبول کرده و بپذیرد و عذر خواهی کند حضرت امام رضا علیه السّلام فرموده اند هر که هر روز سی نوبت ورد کند دفع وسوسهٔ اهرمن کند و شیخ مغرب گوید هر که هر روز دو نوبت بر طفل خواند تا از شیر باز کند آن طفل از تأنّب اکرد و شیخ فرموده هر که بعد از نماز چاشت این اسم را سیصد و شصت بار ورد کند از بهر خویش یا دیگری حق سبحانه و تعالی او را توبه کرامت کند و قبول نموده وی را از نزدیکان گرداند

واز برای تجنیب روز روزه دارد و هر روز تا پنجاه بار این اسم را بخواند چون روز سوم شود بخانهٔ رود که درش رو بقبله باشد و غسل کند و چون بیرون آید این اسم را بر کف دست راست بنویسد و بر آب انگشت ورد بسیار آن آب باشد که از عجب بخواند شود یا رحیم اسم اعظم و از جمله اسماء اعظم است و از بعضی از مشایخ و اجمع اگر کسی مریض باشد و اطبا از علاج عاجز مانده باشند این اسم را بر کاسهٔ چینی بنویسد و بشستن آن آب باشد که از عجب بخواند شود یا رحیم اسم اعظم است و از بعضی از مشایخ و اجمع اگر کسی مریض باشد و اطبا از علاج عاجز مانده باشند این اسم را بر کاسهٔ چینی بنویسد و بشستن آن آب باشد که از عجب بخواند شود یا رحیم اسم اعظم است و از بعضی از مشایخ و اجمع اگر کسی مریض باشد و اطبا از علاج عاجز مانده باشند این اسم را بر کاسهٔ چینی بنویسد و بشستن آن آب باشد که از عجب بخواند شود یا رحیم اسم اعظم است و از بعضی از مشایخ و اجمع اگر کسی

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المنتقم

واگر کسی را سوء و خیالات فاسده و وسوسهٔ شیطان نفرت رساند و دل خود حاضر نتواند کرد در میان فرض و سنت نماز بامداد صد بار بخواند کند از آن بلیه نجات یابد و دل او را بخود مشغول کند حق تعالی او را نور معرفت از باطن بر افروزد و اگر بر آن مداومت نماید از اهل قلوب گردد

ث	و	ا	ب
ا	ب	ث	و
ب	ا	و	ث
و	ث	ب	ا

۹۴	۱۰۸	۱۰۵	۱۰۲
۱۰۶	۱۰۱	۹۵	۱۰۷
۱۰۰	۱۰۳		۹۶
۱۰۹	۹۷	۹۹	۱۰۴

المنتقم یعنی خدا تعالی انتقام کشنده است از بندگان بدکار و بد چنانکه حق او است این نامی است که پیغمبران بر کافران از برکت این نام ظفر یافته اند و این اسم مناسب کسانی است که از ظالمان انتقام خواهند اهل تحقیق گویند هر که خواهد حصاری این نام کند باید که هرگز هیچکس جفا نکند و در حق مخلوقات هیچ بدی جایز ندارد و آنچه تواند از نیکوئی در حق مخلوقات دریغ ندارد تا حق سبحانه و تعالی او را شوکت و ابهت و شجاعت کرامت کند در باطن تا انتقام مظلوم از ظالم بستاند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که بر جفا خصم صبر نتواند کرد این اسم را ورد کند هر جمعه و ششصد و شصت و یک نوبت بخواند چون سه جمعه بگذرد خصم راضی

و کم ذهن باشد که هر چه خواند فراموش کند و یاد نگیرد هر روز بیست و یک بار یا بیست و هفت بار این اسم را بخواند و بخواند تا فهم و ذهن او زیاد گردد و هر چه بشنود فراموش نکند و اگر کسی از او چیزی گم شده باشد روز شنبه صد بار بخواند چون بخواند جواب رود کسی یا وزنی گم شده را بدهد و اگر مداومت نماید دزد در خانهٔ او راه نیابد یا قوم فلا یقوم شیء من علیه و لا یوده

اسم هفتم چون کسی را فکر و خیال باطل بسیار باشد و باطل بسیار باشد و بجائی واسطه مشوش باشد اگر این اسم را بسیار بخواند نجات یابد و اگر کسی خواهد که باشد اندیشه و فکر پیش غیب کند

شرح کلمهٔ مبارکهٔ العفو

با مقهور گردد و شیخ فرموده هر که قوت مقاومت با دشمن نبود
دشمن او قوی بود یا بسیار باشند و خصم قوی و وی ضعیف است
مدت بیست و یک روز هر روز بعد کبیر یا تکبیر کند دو هزار و
پانصد شصت و چهار نوبت استدامت نماید دشمن چنان مطیع و
مهربان گردد که عفو کند هر چه بوی کرده و خدا تعالی کرد او را بر و تکبیر

م	ن	ث	ق	م
ق	م	م	ن	ث
ن	ث	ق	م	م
م	م	ن	ث	ق
ث	ق	م	م	ن

۱۵۰	۱۶۳	۱۶۰	۱۵۷
۱۶۱	۱۵۶	۱۵۱	۱۶۲
۵۵	۱۵۸		۱۵۲
۱۶۴	۱۵۳	۱۵۴	۱۵۹
۱۶۵			

العفو یعنی خدای درگذرانندهٔ گناه از مخلوقات بتخصیص انکه
بسیار از گناه ترسد این نامی است که آب حوض کوثر به بندگان
ببرکت این نام خواهد رسید اهل تحقیق گویند هر که خواهد
احصای این نام کند باید بداند که هر چه از بندگان خدا تعالی
عفو میکند حضرت خداوند از وی صد هزار چندان در میگذراند
چون بنده از بنده عفو فرماید تا نامهٔ اعمال وی را پاک کرداند والله
سبحانه در کلام مجید فرموده است هل جزاء الاحسان الا الاحسان
و اثر باقی نماند چون بنده از ضعیفان زیردست عفو فرماید

و نماز کند چون از نماز فارغ شود
پنجاه بار این اسم را بخواند از روز
و خوف دشمن ایمن گردد و دشمن
بروی مهربان شود با او صلح کند
اول کل بیت و اخره اسم
اگر کسی خواهد که در کارها
قاهر باشد بر تنبل از سه روز روزه
دارد و هر روز با وضو سیصد بار این
اسم را بخواند خدا حاجت او را
روا کند و اگر پادشاه با فرزند
رفع شبهات مرتبه نماند این اسم را
که در دولت منفعت نماند این اسم را
و اگر زوال ملک و بقای ایمن
اگر در دشمنی فرزند و شوهر
شاد کار بخواهند

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الرؤف

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که را گناه بسیار بود چنانکه نزدیک بنا امید رسد نعوذ بالله این نام را بسیار گوید مدد تمام زاید در بهشت و بزرگی فرموده که مداومت باین اسم موجب سیاه بمقام عالیه است

۳۸	۴۲	۴۵	۳۱		و	ف	ع	ال
۴۴	۳۲	۳۷	۴۳		ع	ال	و	ف
۳۳		۴۰	۳۶		ال	ع	ف	و
۴۱	۳۵	۳۴	۴۶		ف	و	ال	ع

۴۷

الرؤف یعنی خدای بخشاینده و مهربان بر خلقان و نماینده راه فلاح و نجات باهل فساد و طغیان بیواسطه این نامی است که اهل شفاعت محمد صلی الله علیه و آله را باین نام خوانند یا در حقیقت گویند هر که خواهد خدای تعالی رحمتش در دنیا شامل است بر مؤمن و فاسق و کافر و منافق و هر طایفه که هست گردانیده اما در قیامت مخصوص بمؤمنان است پس باید که طریق مؤمنان پیش گیرد و بر فاسقان و فاجران رحم کند و در حق ایشان دعا خیر کند تا حضرت ملک رؤف دعای وی را قبول کند و او را برحمت بی نهایت برساند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که خواهد مظلومی را از حبس ظالمی برهاند باید این اسم را بگوید زیرا که آن ظالم شفاعت او را در حق آن مظلوم

این اسم را بمشک و زعفران بکاشه چنین نوشته و بار چشمه بشوید و از آب آن بینا شامند مهر بانی پیدا شود و هر که حضور مرتکب صد من غیر شبهه فلا شیء کشاید یا ابد اسم اگر کسی خواهد زبان بدگویان بروی بسته گردد که در حق وی بگو نتوانند گفت باید لوحی از سه مثقال سرب و این اسم را بر آن نقش کند و نام خصمان را بنویسد در شکم ماهی نهد و در زیر زمین دفن کند زبان ایشان بروی بسته گردد و هر که در حق او سخن بناپسند و ناملایم گفته باشد باید هفت روز روزه دارد و روز جواز کند

درشرح کلمهٔ مبارکهٔ الرؤف

قبول کند او را بوی بخشد و دعوت این اسم مناسب کسانی است که
ضعیف الحال و نحیف الجسد باشند یکی از اکابر فرموده هر که گرفتار
باشد بدست خصم قوی یا مجوس یهود و نصاری ظالمی یا سلطانی بدست
کافری اسیر باشد این اسم را بعد تکبیر یا تکسیر بخواند و کبیر از هزار
بار زیاده است بقول شیخ مغربی و تکسیر هزار و هفتصد و چهل و
هشت عدد است هفده روز خدای تعالی رحم کرداند ظالم را و
نجات یابد از مجوس از برکت این اسم و هر که راهب باشد یا
حاکم که بهیچوجه مهربان نگردد روز جمعه این اسم را بعد از نماز دو رکعت
نوبت بدون الکلام بر شیرینی یا بر آب خواند یا بر نبات و در کوزهٔ آب
اندازد چون آب خورد مطیع و مسخر گردد و از فرمان وی البته تجاوز ننماید

۷۱	۷۴	۷۷	۶۴
۷۶	۶۵	۷۰	۷۵
۷۹	۶۶	۷۲	۶۹
۷۳	۶۸	۶۷	۷۸

ف	و	ء	ر
ء	ر	ف	و
ر	ء	و	ف
و	ف	ر	ء

مالک الملک یعنی پادشاهان و شکننده گردن
هر جباری و متکبر سوی موصوف بر نیکو داشت هر شکسته دل بیچاره
عاجز اهل حقیقت گویند هر که خواهد حصای این نام کند باید هرگز
هیچ حاجت خود بکسی عرض نکند خدای تعالی بعضی از بندگان خود را

همت

وهر روز هزار بار این اسم را بخوانند
چون عدد تمام شود دشمن مغلوب
و محکوم و اگر قرض دار باشد بادا
اسم مداومت نماید قرض او ادا
شود یا اکبر آنت الذی لا هو
المسئول یوصف عظمته اسم
دوازدهم که بخوانند این
اسم را بر آب خورد و بر نان خورد و بر
بر مرض بخوانند یا بجادو و دعوی کرده باشند
باشند و یا بجادو و دعوی کرده باشند این
اسم را بر نخود هفت جوش نقش کنند
و در بجادو و دعوی بر او دعوی بر دو
و با خود دارند و وسعت رزق و فتوح شود
هر روز هفت بار بر آب خوانند
باورد و دهند یا بار بجای النفوذ
مثال خلاص از غیبی اسم
که هفت روز روزه دارد که
از خوانان یا بار بجای
باشد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ مالک الملک

همت عالی کرامت فرموده که هرگز حاجات خود را بخدای خود عرض
نمیکنند زیرا که بتحقیق میدانند که خدای تعالی بر جمیع شئون و ضمیر
تمامت مخلوقات از آنچه در ضمایر ایشان گذشته و خواهد گذشت
الی یوم القیمة مطلع و دانا است بعلم قدیم این نامی است که پادشاهان
عالم از برکت و جلالت این نام بپادشاهی و سلطنت رسیده اند
حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که این نام بسیار خواند
بحسب دنیا توانگر گردد و منصب یابد و بزرگی فرموده هر که این اسم را
بهر خدا یاد کند که یا مالک الملک یا ذا الجلال و الاکرام
تعالی شانه و بر این مداومت نماید بعد کبیر بیابد پادشاهی و
سلطنت و جاه و منصب و عزت و توانگری در عالم صورت و معنی
در آنچه همت او بود و اگر خواهد که تصرف در قلوب ملوک و
سلاطین و تسخیر قلوب خلایق کند و شرطی که مذکور شد در
اسم الرحیم بجای آورد و همت بلند دارد در ریاضت نفس کوشد
و چون نفس را ضعیف سازد روح قوت گیرد و چون روح قوت
یابد عروج بعالم علوی تواند کرد و کار او بالا گیرد و فزونی
در توفی باشد حضرت رسالت صلی الله علیه و آله وصیت فرموده اند
بر شما باد که در وقت عرض حاجات مبالغه نمایید و الحاح کنید
در گفتن یا ذا الجلال و الاکرام هر حاجت که خواهد بر آورد

و همه روزه غسل کند و جامه های پاک
بپوشد در مکان خلوت هر روز هزار
بار و بیست بار بخواند و خط در اطراف
خود بکشد بخور بسوزاند و چون روز
چهارشنبه هفتم از دعوت فارغ شود
هفت نفر مسخر و مرید و گردند و آنچه
فرمان دهد اطاعت و کنند بشرط
آنکه در این ایام از جمیع معاصی احتراز
نماید باز اگر الظاهر من کل
اسم بعد از آن بیست هو بنویسد
اگر حاجت دارد که
باشد در بیابان
بشکل زعفران بر پوست آهو بنویسد
و در خانه اگر فرو کند البته مراد
نقد برآید بالکافی الموسع المنفق
من عطایا فضله
اسم پانزدهم

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ مالک الملک

شود و کام روا گردد و اگر عدد این اسم را در مربع چهار در چهار وضع
کند و در مربع یکی که در جنب آنست باین طرز نویسد با خود دارد

یا ذا الجلال ۲۷۱	و ۲۷۷	الاکرام ۲۷۴	۲۷۲	۲۸۹	۲۷۶	۲۹۳	۲۸۰
الاکرام ۲۷۱	و ۲۷۰	الجلال ۲۷۵	یا ذا ۲۸۰	۲۸۵	۲۷۷	۲۹۴	۲۷۳
الجلال ۲۷۶	یا ذا ۲۷۹	الاکرام ۲۸۲	و ۲۶۹	۲۷۸	۲۹۰	۲۸۲	۲۸۶
و ۲۷۸	الاکرام ۲۷۳	یا ذا ۲۷۲	الجلال ۲۸۳	۲۹۱	۲۸۳	۲۷۰	۲۷۹
				۲۸۴	۲۷۱		۲۷۵	۲۹۲

۲۸۸

ایمن و سالم بود از جمیع بلیه و آفات آخر الزمان اما جهد کند
تا در شرف آفتاب و خوشحالی مشتری نویسد حامل این مربع نزد
وضیع و شریف مقبول القول گردد و کارها بسته او بگشاید و اگر
عدد این اسماء با عدد نام خود و نام هر که خواهد در شرف زهره بنج
در بنج بهمان نکس مطیع و گردد و در اول هر دعا یا ذا الجلال و الاکرام را
بیشتر گوید زود تر بمقصود رسد و دارندهٔ این مربعات خوص بسیار بیند
المقسط یعنی خداوند پدید آورنده بهره هر شخصی از بدی
و نیکی که بدو رسد چنانچه در ازل قسمت فرموده است اهل تحقیق
گویند هر که خواهد احصاء این اسم کند اول باید که اعتقاد چنین
دارد و یقین داند که آنچه بوی و بهمه عالمیان میرسد خواهد رسید

اپنان همه اگر کسی در دست
نگاه کرد فنا نباشد بخواب آب
اسم مذکور از برکت این
از دست انظار و فنا شود تا فتح
میگیرد جود آن رضا و
فیالله استغنی همه اگر کسی
دست و چشم و زبان بسته شود بنا
هیچ کار از وی بنا بود خواهد انجام
خود و بندگی از وی بجو
کار او بیعوت این اسم مشغول
بایکه بیعوت نور جوار نماید و همه روز در
هفت بعوز نور جوار نماید و صد و نوبت
جای خلوت این اسم را صد و نوبت یا
هر روز یا نوبت بخوانند کارها بنا
کشاد و گردد باز نه
آنکه از زنجیر سعی گل شیخ
و عملیات اسم هفتم همه اگر کسی
دست و قبه باشد با این
نماز کند

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المقسط

الی یوم القیمة همزانست که در ازل پیش از آنکه خلق عالم موجود
شوند بر لوح محفوظ نوشته بقدرت کاملهٔ تقدیر فرموده از افراد
آدمیان که حال از ما بشان میرسد خواهد رسید هیچ نعمت و بلا
از خود نداند و نگوید اگر چنین نمیکردم این نوع بلیه بمن نمیرسید
و این کار میکردم این نعمت بمن میرسید آنها همه خطا است آنچه
قسمت شده تغییر نمی یابد چون خود را بدین معتقد ساخت و همه
از خدا بتعالی دانست و بدادهٔ خدای تعالی راضی شد آن بنده
عارفست اگر سائل سؤال کند که چون هرچه بود هست و خواهد
بود جمله بتقدیر او است پس کافر را در کفر و زدن چه گناه چون
کفر در ازل نصیب وی آمده است جواب گوئیم که مشیت تابع
علم است و علم تابع معلوم چون خدا بتعالی میداند که استعداد
کافر مقتضی کفر است عطای ایمان منافی حکمت و عدل بود
قوله تعالی وَمَا ظَلَمَهُمُ اللّٰهُ وَلٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ
دال است بر این معنی که گفته شد باید هرگز کسی حسد نبرد
و بدادهٔ مقسط راضی گردد تا وی را در مقام رضا از جملهٔ مطیعان
کردانند بزرگی فرموده هر که را وسواس بود یا بسیار محتلم گردد و
خیالات فاسد را نشویش دهد این اسم را بدین طریق در مربع
وضع کند و در موکار نقر موده گرفته با خود دارد و بعد تکبیر و

کن

فرمود بشاب از وی بلا کرد و از
تنگدستی خلاص شود یا مستان
ذوالاحسان قدیم الخزائن
من وقعه اسمه هجیه
اگر کسی را مانی بجانب یکدیگر دارد این
اسم را در میان آنها مانت بگذارد
از آفت و خیانت محفوظ ماند و
اگر بچه نوزاد باشد و
دیار الیتیما و فکل یوم صبیا
طیبة و رغبة اسمه
نور تنهم اگر کسی غایبی داشته
باشد این اسم را بخط ابجد
رقوی از غایب را بخواند
و غایب را مدبیر را باشد
یا خالق من الموت و الاخیر
و کل البنه معاده
اسم

در شرح کلمهٔ مباکه المقسط

م	ق	س	ط	
س	ط	م	ق	
ط	س	ق	م	
ق	م	ط	س	

۵۲	۵۵	۵۸	۶۴	
۵۷	۴۵	۵۱	۵۶	
۴۶		۵۳	۵۰	۶۰
۵۴	۴۹	۴۷	۵۹	

کتمان آن بجا نیابد چون موت از چهل روز بکذرد بر
انواع حکمت مطلع کردد و برکت دولت در کار او ظاهر کردد
و از مخلوقات بهره مند شود اما باید که او را از خلق هیچ طمع
نبود و هر چه خواهد از خدا خواهد چون بنده بدین اعتقاد صاف
کردد خدای تعالی خلق خود را مطیع و فرمانبردار وی کرداند و شیخ
مغربی کوید هر که اسم مقسط و جامع را در مربع پنج در پنج وضع
کند بجهت کارهای پریشان جمع کردد و آنچه مطلوب او است
میسر کردد و این مربع جهت کریخته و دزد برده و غایب اثر عظیم دارد

وچون وضع سما در مربع وقوع
نماید نام کریخته یا چیزیکه دزد
برد بر پشت مربع نوشته آنرا
در میان کتان بطلبد که کریخته و دزد برده
ظاهر کردد و دارنده را فتوحات رسد

۶۲	۷۵	۵۸	۷۱	۵۴
۵۵	۶۳	۷۶	۵۹	۷۶
۶۸	۵۶	۶۴	۷۲	۶۰
	۶۹	۵۲	۶۵	۷۳
۷۴	۵۷	۷۰	۵۳	۶۶

۶۱

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الجامع

الجامع یعنی جمع دارنده چیزهای پراکنده و پریشان بقدرت و رحمت خویش این نامی است که بر نگین سلیمان علیه السلام بوده که مخلوقات از برکت و هیبت این نام مهر سلیمان را مطیع و مسخر گشتند اهل تحقیق گویند هر که خواهد اختیار نام کند باید که معانی حدیث نبوی صلی الله علیه و آله را کار فرماید یعنی علم با عمل جمع کند چنانکه حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمودند اَلْعِلْمُ بِلَا عَمَلٍ وَبَالٌ وَالْعَمَلُ بِلَا عِلْمٍ ضَلَالٌ و چون علم ضروری حاصل کرد و با او عمل جمع ساخت حضرت جامع او را جمعیت کرامت کند در ظاهر و باطن که در آن جمعیت سبب جامع جمیع حاجات عالمیان گردد و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده هر که را پریشانی دست دهد و از دوستان و یاران دیار خود دور افتاده باشد و در کار خود سرگشته و سرشته از دست داده باشد روز یکشنبه چاشت غسل کند و نماز گذارد و دست بر دارد و بهر آنکس یکبار یا جامع گوید و آنکس عقد کند و جمع گردد در مجمع یاران و دوستان خود شیخ فرموده اگر میان دو کس از دوستان یا میان زن و شوهر عداوت باشد که سبب تفرقه شود این اسم را بخوانند بنیت جمعیت هر کدام خاصه وقتی که در چاشت خواب در آیند هنوز پای

این اسم را بخوانند بنیاد پیچیده
پنهان بروی آشکارا کرده و مصفا
بیند و هر مراد که داشته باشد
بعلایه یا مسرع البدایع لم
یبع فی ارضها عوذا من خلقه
ابیض سوی اکسیر هر روز
دوزده هزار و یکبار بخواند در
واقبال بر گردد و تا بدو دین
خلایق عینه بوزد باشد و هیچ
با قصد نتواند رسانید و جمیع
مهمات و بخوبی کفایت کرده
یا علام الغیوب و یا غیاث
من علیه و لا یوده من حفظه
ابیض و یا حلاوه کس
با اسم ملاوت غایبه کس
او مباحثه و مجادله شیخ کس
نتوانکرد

شرح کلمهٔ مبارکهٔ الجامع

دراز ناکرده بداده نوبت یا زیاده یاد کنند آن وقت از
میان برو واکرد رغبت افتاده این اسم را ورد کند و مداومت نماید
بعد کبیر یا عدد تکبیر باز رسد بمقصود و مقصد اکبر پریشان
و تفرقه دیده و بحال خود مضطر گشته دعوت این اسم کند و به
عدد تکبیر بخواند که پانصد هشتاد چهار عدد است پریشانی او
بزودی جمع گردد و اگر بقول شیخ معرف هر روز پنج عدد بخواند که دو
هزار و پانصد بیست عدد است جمعیت وی دهد و بمراد رسد
روی بوطن آورد و اگر در وطن بود از نکبات نجات یافته و از درد و
خلاص شده توانگر گردد و جامع شود بهر چه خواهد و نصیب شود
او را جمعیت صوری و معنوی و صاحب دعوت این اسم اگر شرط
مذکور تمام نماید دعوت این اسم مناسب کسانی است که پریشان
و مفلس باشند و ایشان را آرزوی غنا باشد این مربع را با خود
دارد تا تاثیرش زودتر بخشد جمعیت زودتر فراهم آید

۲۸	۳۱	۳۴	۲۱		ع	م	ا	ج
۳۳	۲۶	۲۷	۳۲		ا	ج	ع	م
۲۳		۲۹	۲۶	۳۰	ج	ا	م	ع
۳۰	۲۵	۲۴	۳۵		م	ع	ج	ا
۳۶								

و صحیح گو باب پنجاه آب و آگو
جمل و ابنا با ابنا اسم را بر و
یا سبب بخواند و بخود و مطلوب
دهد دوست و مهربان گردد و
بنویسد بیاو نزد مهر خاصیت
دارد تا حلیم ذوالاناة فلا
بنا ولد شبی من خاطره ابیض
شده باشد هر روز این اسم
مذکور بخواند بوطن خود باز گردد
اگر بعض عدد بخواند فتح بسیار
در کار او پیدا شود و زبان جمله
مردم و بسته گردد تا بیند
یا گوناب بر و اگر
ما اغنا ما اذا ابوز الغلا ابقا
منتخاف اسبب و شمس
اگر کسی این اسم را بخواند قدر
بقدر بود در نظر مردم
خواهد و مکن

شرح کلمهٔ مبارکهٔ الغنی

الغنی یعنی غنای بی نیاز از همه کس و همه چیز در همه حال این نام
است که اهل بهشت را از اندوه و کاهش از دل برکت این اسم
زایل کرد اهل تحقیق گویند هر که خواهد که این نام کند
اول باید که بداند غنی مطلق او است غیر او همه فقیران و نیاز مند
اند و این معنی که او را میسر کرد طمع را از خلق برد احتیاج خود
بهیچ کس نگوید بهیچ چیز از غیر خدا طمع ندارد تا ابد غنی او را
از خلق مستغنی گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده
هر که ببلای طمع گرفتار باشد مبتلا گشته باشد تا آنکه هر
چیز از او چیزی طلبد اگرچه بظاهر طلب ندارد اما در باطن
طامع بود این اسم را هر روز بخواند و بر عضوی از اعضای خود
دست فرو نهاد و قطع طمع کرد و دعوت این اسم مناسب کسانی
است که ایشان را آرزوی غنا باشد بزرگی فرموده هر که ببلای
وسعتی گرفتار باشد یا درویشی و فقیری وی را دریافته و عیال
و فرزند باشد و حال اضطرار چون وضو ساخته باشد دست
بر دارد و بزبان تمام بقدر که تواند بگوید یا غنی خدا تعالی او را
از آن بلیه نجات بخشد شاخان اسماء الله تعالی چنین فرموده انه
ذکر الغنی بعد التکبیر و ذلک صنع قرآنی انه یستغنی عن جمیع العوالم
و قاعده آن بر سه قسم است اول آنکه الف و لام ضافه تکسیر میکند

مثل

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الغنی

مثل الغنی و در این صورت پنجهزار و پانصد پنجاه و پنج عدد است
دوم آنکه بحرف ندا تکسیر میکنند مثل یا غنی در این نوع پنجهزار و
سیصد و پنجاه و پنج باشد سوم آنکه بی یا و الف و لام مثل غنی در
این مثال سه هزار و صد و هشتاد عدد است و اکثر ائمه این اسم را الف
و لام و یا ندا تکسیر کرده اند و صاحب گلشن و شیخ عبد اللطیف تبریزی
و مولانا فخر الملة و الدین یزدی و مولانا شرف الدین علی یزدی و شیخ
ابو العباس در کتاب شرح اسماء حسنی چنین آورده اند که چنانچه
میخوانند تکسیر کنند بی ندا یا با الف و لام و تمام اسما بر این قیاس کنند

ال	غ	ن	ی
ن	ی	ال	غ
ی	ن	غ	ال
غ	ال	ی	ن

۲۵۷	۲۷۱	۲۶۷	۲۶۳
۲۶۸	۲۶۳	۲۵۸	۲۷۰
۲۶۲	۲۶۵	۲۵۹	۲۷۳
۲۷۲	۲۶۰	۲۶۱	۲۶۶

المغنی یعنی بی نیاز کننده نیازمندان در همه چیزی این نام
است که آب در کاریزها و چشمها و سنگها برکت این نام جاری و
ظاهر میگردد اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصای این اسم کند
اول باید بداند که مغنی بر خواست تمام مخلوقات و اشیا را بوی
نیاز است و او را هیچ کس نیاز نیست و چون این معنی دانسته باید که هر چه

دانشه

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المغنی

داشته باشد از نیاز مندان باز ندارد و ما توانند بمهمات مردم قضا
نماید و استعدادی خلق را اجابت کند تا منعمی علی الاطلاق او را آن خلق
بی نیاز کرداند و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر محنت زده
و از خلق ناامید گشته که هر روزه هزار بار بگوید بروی او و از خدای
توانگر گرداند و اگر میسر شود که بعد از ذکور در یک مجلس با داب بخواند چون
فارغ گردد غنی شود و او را بعالمیان هیچ احتیاجی نباشد

م	غ	ن	ی		۲۶۷	۲۸۱	۲۷۷	۲۷۴
ن	ی	م	غ		۳۷۸	۲۷۳	۲۶۸	۲۸۱
ی	ن	غ	م	۲۲۵	۲۷۲		۲۸۴	۲۶۹
غ	م	ی	ن		۲۸۳	۲۷۰	۲۷۱	۲۷۶

الغنی الکافی والمغنی صاحب سر مکتوم فرموده هر طلب
توانگری یا کفایت معاش و برآمدن مراد و حصول مقاصد کلی دارد
باید که روز جمعه بعد از فرض بامداد غسل کند و در خلوت رود یا
بمسجد جامع رود یکوشه بنشیند هفت بار این کلمات را بخواند
سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ و بعد از آن دو
رکعت نماز سنت کند و چون تکبیر بندد هفتاد بار این کلمات بگوید
بعد از آن اعوذ و بسمله بگوید و فاتحة الکتاب بخواند و بعد از فاتحه

اسم امر اگر کسی گاو یا اوا
بسته باشد و هیچ کار بر او
انجام نگیرد بستانند دل گوسفند
سیاه را و هفتصد مرتبه این اسم را
بر آن بخواند و بلافاصله بعد از آن
بنویسد و در مسجد دفن کند کار
او بفرمان خدای تعالی گشاده گردد
و بجهت هلاک دشمن ملک هفت
هزار بار با اعتقاد درست
بخواند که هلاک شود و بجهت دوستی
هفتصد بار بر شکر بخواند بجوز
مطلوب شود دوست او شود یا
مثل گل بجاری
سلطانیه اسم موی بیمار اگر
کسی را دشمنی باشد خواهد که بر
وی غالب شود روز یکشنبه روزه دار
و آنگاه غسل کند و
جامه

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الغنی

سورهٔ یس تا آخر بخواند و بر رکوع و در رکوع این کلمات هفت بار
بگوید و در سجدهٔ اول هفت بار بگوید و در سجدهٔ دوم هفت بار
دیگر این کلمات بگوید و در رکعت دوم پیش از فاتحه سورهٔ تبارک
الذی بیده الملک را بخواند و مثل رکعت اولی آخر سازد و چون
خواهد سلام دهد هفت بار دیگر این تسبیح بگوید بلفظ سلام
از نماز بیرون آید بعد تکبیر این اسماء را بخواند و عدد تکبیر
با الف و لام تعریف سی و پنجهزار و ششصد و سی و چهار عدد است
مع صد و مؤخر و عدد تکبیر اصل اسم صد و مؤخر بیست و هشت هزار و
سیصد و شصت و هشت عدد میشود و بیای ندا چهار هزار و هفتصد و
سی و چهار و تکبیر کبیر امیر سید حسین اصل اسماء غنی کافی
مغنی سی و هفتهزار و بیست و چهار عدد است و قاری مخیر است هر
کدام که خواهد اما بقول شارح شیخ ابو العباس فضل آنست که
بیاء ندا خوانند و چون ختم باتمام رسد دست بردارد و از خدای
تعالی توانگری خواهد مع عافیت و باید که هفت جمعه این ورد
بجای آورد و اگر هفت روز پیوسته باین عمل قیام نماید یعنی روز
جمعه ابتدا کند و روز پنجشنبه باتمام رساند و دعا کند در شب جمعه
خدای تعالی او را توانگری کرامت فرماید و از خلقان بی نیاز نماید
اما توانگری که او را بود با تواضع و تصدق و عطا بسیار باشد

پاک پوشد و بجای خالی از غیر خود
رود و هزار و هفتصد بار این اسم را
بخواند و حاجت طلبد بر دشمن ظفر
یابد و غالب گردد بغیر مان خدای تعالی
تا بنور کلیات بنوره اسمی و
فلق الکلمات بنوره اسمی و
وقوم الکلیه از ذلیل بخواهد بکند
و یا انک غنی نماید بخواهد از برای او میسر
شود و اگر بخواهد از برای او میسر
در مدت یکماه مداومت نماید از بهر منبر
خواند بهتر است و بعد از یکماه هم بهتر
باشد بهتر بود و تا هر بن زیاد
مشغول باشد با عالی الشانع هو و یکلمه
خواهد بود با عالی الشانع هو و یکلمه
تا یکی علوی از تعالی عمر اسمی و
رجوع و مدد از باشد با بنا اسم
بیاء و مدد کند نفع گیرد و اگر
خبر باشد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ الغنی

واو را بود دل سلیم و باطن روشن و اگر خواهد که دولت بر وی مدام بود و پایندهٔ باشد و از آن برخوردار باید باید که اشمار را در انگشتری نقره که از پنج جزو یک جزو زر باشد روز جمعه بعد تکبیر حروف آنرا بنویسد یا بنظر بوی نقش کند و انگشتر در انگشت

غنی	کا	نی	مغنی	۱۹۰۱	۱۹۱۴	۱۹۱۱	۱۹۰۸
نی	مغنی	غنی	کا	۱۹۱۲	۱۹۰۷	۱۹۰۲	۱۹۱۳
مغنی	نی	کا	غنی	۱۹۰۶	۱۹۰۹		۱۹۰۳ ۱۹۱۴
کا	غنی	مغنی	نی	۱۹۱۵	۱۹۰۴	۱۹۰۵	۱۹۱۰

کند و صدقه بدهد از حلال بفقراء و مساکین و آن خاتم را پاک و با حرمت نگاه دارد اگر دو خاتم ساده بر وش هر دو شارح زود تر اجابت شود و هر دو روایت را مثال نمود شد و بعد تکبیر بذکر این اسما مداومت نماید و اگر میسر نشود بعد تکبیر میخواند و البته باید که ترک نکند و بوی خوش بکار دارد و هر گاه این نماز با تسبیح که در میان مؤمنین و مؤمنات مشهور است میگذارد و بعد تکبیر میخواند و اگر وی را کار کلی یا مهمی بزرگ دست دهد در روز جمعه غسل کند و نمازی که مذکور شد بگذارد و این اسما را بعد تکبیر که بالف و لام شصت و شش هزار و پانصد و سی و هشت عدد است بخواند و عدد تکبیر صد و سی و پنجاه و هشت هزار و ششصد و هشتاد

شده باشد و یا کسی در کار او دشمنی شده باشد بیکره دل کو سفند تر سیاه را هفتصد بار این اسم را بخواند و بنویسد این اسم را و میان دل نهد و در آستانهٔ مسجد بر سفره فرو کند کشاده گردد و در شش در کار ظاهر شود یا مقدس الظاهر من کل شیء فلا شیء یعادله این اسم مداومت کند کارهای دینی و دنیوی او آراسته شود و هر کسی مطیع و منقاد وی گردد یا میسر آید الیه آیا و معیها بعد فنا تها یقدر اسمه و پنجه اگر کسی بحال احتضار رسیده باشد این اسم را بر بنا دیوار بخواند و بدمد شفا یابد و اگر کسی را حکم بقتل او کرده باشند هم سیاه بخواند خلاص شود

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المغنی

عدد است و مجموع یکصد بیست و پنج هزار و دویست و هجده عدد باشد
باید بخواند الغنی المغنی الکافی الفتاح و بعد از آن
خدا تعالی بجوهد آنچه از مراد و مقاصد دارد که خدای تعالی
عطا فرماید صاحب کتاب نقل میکند از شیخ احمد نهدی که او فرمود
مرا از جهت معاش جواز متعلقان خاطر متفرق بود از شیخ خود
التماس کردم که مرا چیزی بیاموز که وجه معاش من حاصل گردد

الغنی	المغنی	الکافی	الفتاح		۵۲۲	۵۳۶	۵۳۳	۵۲۹
الکافی	الفتاح	الغنی	المغنی		۵۳۴	۵۲۸	۵۲۳	۵۳۵
الفتاح	الکافی	المغنی	الغنی	۵۱۸	۵۲۷	۵۳۱		۵۲۴
المغنی	الغنی	الفتاح	الکافی		۵۳۲	۵۲۵	۵۲۶	۵۳۲

شیخ فرمودند که بذکر اسماء اربعه مداومت باید نمود و این اسماء را
تلقین کرد که بگوی یا کافی یا غنی یا فتاح یا رزاق
پس بگوشه بنشستم و خلوت اختیار کردم و بعد تکبیر ذکر این اسماء
میکردم و اوقات بحضور میگذرانیدم روز چهلم دیدم که سقف خانه
باز شد و چهل همبازی سرخ در صفه انداختند و آوازی شنیدم
که بزبان فصیح گفت یا احمد گر بود این ذکر بیغرض ما نیز این چیز بیغرض
و اگر کم کنی ما نیز کم کنیم و اگر این باز ایستی ما نیز باز ایستیم
و بعد تکبیر بر چهار اسم یا کافی یا غنی یا فتاح یا رزاق چهل

و اگر مداومت نمایند بر این اسم در نزد
بندگان بحضور مرد و همه خلق
بوی عشق ورند یا جلیل الاکبر
عن کل شیء و الاسم
و نام اسم فی شمس الکل
مدت چهل روز بجهت حکم هر روز
شغل دنیا نماید و بنگاه هر روز
و هر شب هزار و پنجاه و نه مرتبه بنام
بخوانند صاحب غرض ملاحظه و مقاصد
گردد و هر چه را طاعت دارد باشد
عجایب مشاهده خواهد نمود یا مجموع
قاری اسماء الاسماء و ام کتاب ثنا و بعد
و قرءة اسمی فی فضل
حلال از کناهان نا دور گردد و شمه از آن
شود با بنا اسم مداومت ملاحظه حاصل شود
یا کریم استغفر الله العلی العظیم
الذی لا اله الا هو الحی القیوم

در شرح کلمهٔ یا کافی المغنی

ششهزار و دویست و هفتاد و شش عدد است و عدد تکسیر صد و موخر
چهل و پنجهزار و دویست و چهار عدد است و مجموع هشتاد و ششهزار و

یا کافی	یا غنی	یا فتاح	یا رزاق
یا غنی	یا رزاق	یا کافی	یا فتاح
یا رزاق	یا فتاح	یا غنی	یا کافی
یا فتاح	یا کافی	یا رزاق	یا غنی

۴۹۱	۴۹۵	۴۹۸	۴۸۴
۴۹۷	۴۸۵	۴۹۰	۴۹۶
۴۸۶		۴۹۳	۴۸۹
۴۹۴	۴۸۸	۴۸۷	۴۹۹

پانصد و هجده عدد است یکی از بزرگان حکایت کرد که وقتی بجهت
مهمی متوجه این اسماء بودم یکی از سالکان با من گفت که مرا
در مکاشفه اسرار الهی چنان معلوم شد که غنی و مغنی میباید
گفت و از روی معنی این مناسب تر است و مرا بدین حاصل شد که این
اسما عظام را بدین طریق با کلمهٔ المغنی ذکر میباید کرد پس توکل بالله
تعالی کردم و بذکر این اسما خمسه مداومت نمودم و منتظر میبودم
که چون اربعین تمام شود آن مهم کلی ساخته گردد از برکت خواص
اسما الله تعالی روز بیست و ششم یا بیست و هفتم که آن مهم ساخته
شد بی سعی و کوشش و در آن قضیه صوامری غریب که شرح آن طولی
دارد روی داد و از جمله غرایب است و عدد یا کافی یا غنی یا مغنی
یا فتاح یا رزاق بتکسیر سی و یک هزار و دویست و سی و عدد است و تکسیر

صد

عدد اسمی و هشتاد اگر کسی
مدیون باشد مداومت این اسم نماید
بزودی ادا شود و اگر پادشاه و یا وزیر
با او در غضب باشد هزار بار بخواند
بلطف و مهربانی مبدل گردد یا عظیم
ذو الثناء الفاخر و ذو العز و
المجد و الکبریاء فلا یبلغه
اسمی و هشتاد اگر کسی متمرد دنیا
مداومت نماید جمیع مهمات او بدلخواه
او حاصل گردد یا عجبا من
یتملق الا لمن یملک الایه و شانه
این اسم را همیشه
بخواند نزد سلاطین عزیز و مکرم
گردد و هیچ کس بر گرد نتواند
دزدان و غیره در امان باشد و از
این اسم را از خود جدا نکند و
شرح این اسماء

شرح کلمهٔ مبارکهٔ الفتاح

جمله و مؤخر نه هزار و ششصد و شصت و هفت عدد است مجموع
چهل و هشت هزار و نهصد و هفت عدد باشد شیخ ابو العباس گفته
که الکافی الغنی المغنی الفتاح الرزاق لا یذکرها احد بالشرط
الا وجدنا بتمنی و قد لا یذکرها عند القلیل الا کثر و علی
شیء الا ظهر فیه زیادة بامر الله تعالی و جمعی دیگر از شارحان
اسماء الله گفته اند هر که این پنج اسم را در شرف آفتاب که زهره
مسعود بود و مشتری خوشحال و قمر در شرف باد در خانهٔ خود و عطارد از
نحوست میرا و حل و صریح مستقیم باشد و لوح پنج پنج که از لوح پنج
مثقال طلا باشد یک مثقال نقره ممزوج کرده با خود دارد منسوبات
این هفت کوکب را زنده را مسخر گردانند مطیع شوند العاقل یکفیه الاشارة

یا رزاق	یا مغنی	یا غنی	یا فتاح	یا قابض
یا فتاح	یا رزاق	یا قابض	یا مغنی	یا غنی
یا مغنی	یا قابض	یا فتاح	یا رزاق	یا قابض
یا رزاق	یا قابض	یا غنی	یا مغنی	یا فتاح
یا مغنی	یا قابض	یا رزاق	یا قابض	یا غنی

المعطی یعنی دهنده مصلحهٔ معاش هر چه خواهد مرید کافر این نامی است که آدم علیه السلام را از برکت این نام بر جمله اشیا مکرم کردانید بزرگی فرمود هر که خواهد محتاج نباشد هیچ چیز و هیچکس بدعوات این اسم مداومت نماید بعد کبیر و زاخر بگوید یا معطی السائلین از خلق بی نیاز گردد

بسیار بود مخصوص بهم تا ملا العاصل
تنود ما غنیا فی عند کل کرنه
و مناذری عند کل عوه اشتلا انا
عند کل عوه اشتلا انا
علی مجاه و الا نما فصاد بن
الثنا و الا نما فصاد بن
زهص و فتحی الف
صد ماینده الف رب جمعه نبوسه
با خود دارد زنوز پادشاه
غنت و حرمت شاه و دارد
و دلش را صاف گرداند و شکم نوشتن
گرداشته باشد بزاید در هنگام نوشتن
بعد و مسمی از اردو مقام و فی فکینه
ذا بل شود و اگر کسی دو شنبه
و بمال سخن بدارد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ المانع

المانع یعنی خدای باز دارنده از بلا و نعمت و راحت و محنت از هر که
خواهد بندگان اهل تحقیق گویند هر که خواهد حصار این نام
کند باید دانست که اگر اهل عالم با جمع شوند و خواهند که مقدر نه حضرت
بشخصی رسانند نتوانند رسانید تا تقدیر نشده باشد پس باید که خدای
تعالی را بدستی گیرد از غیر خدا خاطر جمع دارند که نه خیر توانند رسانید
و نه شر و نفس خود را از هوا منع کند تا مانع بلای دنیا و آخرت از او دفع
کند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که را جنبشی ناسازگار باشد
هنگام خواب این نام بسیار گوید سازگار شود بزرگی فرموده اند زمان نزول
آفت مثل لشکر بیگانه بر قریه آمدن ملخ و باران و باد و طوفان و
هر بلا که باشد از آن ترسند بدان که این اسما فنا نمایند از آن بلیه مبتلا
مانند اگر در میان جمعی خصومت افتد از هر جانب که بمداومت بخوانند این
اسم تمام نمایند غالب بند یا میان ایشان صلح شود یا سعی مبذول شود

م	ا	ن	ع	۳۲	۴۶	۴۳	۴۰
ن	ع	م	ا	۴۴	۳۹	۳۳	۴۵
ع	ن	ا	م	۳۸	۴۱		۳۴
ا	م	ع	ن	۴۷	۳۵	۳۷	۴۲

الضار یعنی رساننده الم و خواری و مصیبت هر که خواهد این
نامی است که زمین و آسمان ببرکت این نام قائمند اهل تحقیق گویند هر که

خواهد

عجز او شود و اگر که مریض باشد کاغذ
چینی نویسد و بخورد در وقت نوشتن
این دو اسم بخواند یا رحمن یا رحیم
هر که چهار صد ت بنویسد و
بخورد در چهارشنبه در هنگام فرو رفتن آفتاب
و بخورد دل کور بیابد و حفظ بیفزاید
و همه چیزها یاد تواند گرفت و اگر که
فراموش شده باشد بنویسد و در پیش
نهد یا زنان بنویسد و در پیش
و اگر با خود دارد از دشمن ایمن گردد
در وقت نوشتن این دو اسم بخواند
یا قیوم یا واحد
هر که یا نصد
دفعه بنویسد در روز شنبه وقت
زوال و در پیش خانه که از جانب قبله
باشد بنهد و بر در گاهها ثابت قدم باشد
و حرام روز بنویسد و گناه نکند و اگر که تعویذ
کند و در گوزه آب اندازد و بخورد زن
و سوگند دهند که جنگ کرده
باشند و یکجا
نکنند

خواهد حصاً این نام کند باید که از او هیچ مضرت بکسی نرسد و بر این باشد
که نفع رساند تا حضرت عزت سبحانه و تعالی حاضر بخلق از او دور دارد و نزدیکی
فرموده هر که را طلب جاه و مرتبهٔ عالی باشد و زیادتی قدرت و منزلت خواهد
و آرزو با خود خواهد هر شب این اسم را صد بار بخواند از خواری و مذلت ایمن گردد
و بدولت و سعادت و منزلت عالی برسد حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند
هر که را جاه و منصب باشد از زوال آن ترسد هر شب جمعه و هر شب ایام البیض
این اسم را صد بار بگوید از دولت پایدار بماند و بکردوها و سبهای جمعه بسیار
خواند تا دولت و ثابت و مرتبت عالی او با کمال عزت برقرار بماند انشاء
النافع یعنی رساننده منفعت و شادی چه در صورت خیر یا در صورت شر
و مکروه این نامی است که دنیاها ببرکت این نام نهایت ندارد اهل حقیقت
گویند هر که خواهد حصاً این اسم کند باید که اول بدل اعتقاد کند
که خیر و شر و نعمت و غم و شادی و بلا و راحت که بهر کس میرسد بارادت و
تقدیر او است و تا تواند بر آن باشد که از خود نفعی برسد بندگان خدا رساند
و نیکخواه خلق باشد تا خدا تعالی در دنیا و آخرت با او نیکوئی کند
چون نیت و نیک او نیکوئی بیند حضرت بهترین موجودات علیه افضل
التحیات فرموده اند که انما الاعمال بالنیات حضرت امام رضا ع
فرموده هر که بسیار بگوید علی الخصوص در شبهای جمعه تقرب بر او واقع شود
باشد که بر پا بیچون و اگر دایم گوید گرد رهبات صد هزار دشمن رو هیچ ضرر

و در وقت نوشتن این دو اسم
بخوانند یا ذا الجلال یا محمد ۞ هو
هکذا بخوانند و طلوع
هکذا بخوانند
افتاب و با خود نگاه دارند از زبان
بر گو لبشه شود و جماعت اهل و اح بدانند
و اگر از علل اشتباه باشد یا ذا بدو برکت
و عمی و بیشتر و در وقت نوشتن
یا باری یا کبیر ۞
هکذا بخوانند
نقش بند کرده باشد

ال	ض	ا	ر
ا	ر	ال	ض
ر	ا	ض	ال
ض	ال	ر	ا

۲۴۲	۲۵۸	۲۵۲	۲۴۹
۲۵۳	۲۴۸	۲۴۳	۲۵۱
۲۴۷	۲۵۰		۲۴۴
۲۵۹	۲۴۵	۲۴۶	۲۵۱

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ النافع

بوی نرسد و عوض این اسم مناسب کسانی است که در عالم از خصم متوهم باشند
یکی از آنکه بر فرموده هر که در سفر و در وقت خرید و فروخت و در حین زراعت
بذکر این اسم مداومت نماید او را بود از آنکه رسوبیا و زیان گشت
دخل بجد یابد و بمال او هیچ نقصان نرسد و اگر کشتی که در کشتی باشند
ده کس هر یک ده هزار بار این اسم را بخوانند و اگر سه تن یا دو تن یا یک تن
اسم را صد هزار بار بخوانند ایمن گردند از غرق شدن و افتادن در آب و
شیخ مغربی فرموده که النافع را شش عدد هر که تکبیر بخواند سبب
توانگری شود اما باید که این اسم را در شرف آفتاب یا در شرف زحل
خوشحالی مشتری بر لوح نقره نقش کند بطریقی که در جایها نموده میشود
و در حال خواندن در جام سفید یا کاسهٔ چینی سفید نهاده
آب و گلاب در وی باشد و در نظر خود نهاده هر روز در وی نظر کند و هر روز
یکصد تکبیر بخواند و شنبه ابتداء کند و روز پنجشنبه تمام کند و شب
جمعه اگر تواند باشش عدد تکبیر بخواند و دعا کند البته باجابت
گردد و اگر شب جمعه نتواند خواند توانگر شود در دنیا و اگر شب جمعه بخواند
خدای تعالی او را از ظاهر و باطن توانگر گرداند و جملهٔ خصمان وی
مقهور گردند و نفع رساند همه خلقان بوی و او را نیز حالتی دست دهد
که دایم خواهد مردم از او منتفع گردند بحسب ظاهر و باطن صفائی
واقع شود که فیض و همه شیا برسد و کسی با وی مقاومت نتواند کرد

و با خود نگاه دارد محبت گانکند
و چشم زخم بوی نرسد و اگر بشک
و زعفران بنویسد و در چرب پیچد و
در موم سفید نگرفته در زیر دندان
نهد جمیع ارواح را به بیند و در وقت
نوشتن بنده و اسم را بخواند یا باری
یا زکی ح هر که ششصد و
ح بنویسد و جای غالی در نیکشنبه
آخر ماه و در خانهٔ خود نهد که
او را زود بر آید و در فرنوشتن
بنده و اسم را
بخواند

ع	ف	ا	ن
ا	ن	ع	ف
ن	ا	ف	ع
ف	ع	ن	ا
ع	ف	ا	ن
ا	ن	ع	ف
۵۰	۵۳	۵۶	۴۲
۵۵	۴۳	۴۹	۵۴
۵۸	۴۴	۵۱	۴۸
۵۲	۴۷	۴۵	۵۲

شرح کلمهٔ مبارکهٔ النور

واین اسم اعظم را خواص بسیار است عدد تکبیر نافع ششصد و سی
عدد است مع صد و مؤخر هزار و دویست و شش عدد است عدد تکبیر
النافع مع الف و لام هزار و صد و شصت عدد است مع صد و مؤخر هزار و
هشتصد و پنجاه و سه عدد تکبیر نافع مع یای ندا هزار و شصت عدد است مع
صد و مؤخر هزار و پانصد و چهل و سه عدد است و شش عدد تکبیر نافع هفتصد و
پنجاه عدد است و شش عدد تکبیر نافع هزار و دویست و پنجاه و هشت است
و شش عدد تکبیر النافع یازده هزار و صد و هجده عدد است و قاری نجم است
در کلمهٔ ندا و الف و لام النور یعنی خداوند پیدا و روشن هستی او
بنشانهای ظاهر و پیدا و نشانها از دلهای بندگان را که خواهد این
نامیست که موسی ع در بیابان از صورت آتش انی انا الله شنید اهل حقیقت
گویند هر که خواهد احصای این اسم کند باید معتقد باشد بر آنکه جملهٔ
موجودات بنور وی ظاهر گشته اند و دست نیاز و تواضع در دامن کبریای او
باز بیکی زنند تا وی را نور محض گرداند و پیوسته آن باشند که خود را
از ظلمت گناه نگاه دارند اهل طریقت و شیخ نیز چنین فرموده اند که هر که
سورهٔ نور را هفت بار بخواند بعد تکبیر این اسم تکرار کند نور در باطن او
ظاهر گردد و اگر مداومت نماید از نور ترقی باشد و اگر میسر نشود البته
هفت جمعه پیوسته مداومت نماید و اگر در روزها بعد این اسم مداومت نماید
در ایام مذکور و شبها بعد تکبیر تکرار کند نوری در باطن او پیدا آید و

در شرح کلمهٔ یا کافی الهادی

دل او بنور الهی روشن کردد و از باطن او شعله های نور بر افروزد و شیخ
در شرح کبیر اسما الله اورده که هر که این اسما را که الکبیر الشمع النور القابض
یا بسط صورت که نموده میشود تکبیر کند ۱۱۱ ال ل ل ب ن ق در وای ربیع ض
بر فضه نقش کند بر دایره ان الله نور السموات والارض یا بکل شیء
علیم نقش کند روز جمعه در وقت طلوع فتاب و در وقت نقش کردن
غسل کند و جامهٔ پاک در پوشد و با خود دارد و هر روز اسما را چهار صد بار
بخواند شروع کند در هر امر کلی که خواهد از تقرب سلاطین و خلاص
و اسیران بلکه در استخلاص انها که حکم بر قتل ایشان کرده باشند و مراتب
او بلند کردد و نجاب یابند **الهادی** یعنی پیدا کنندهٔ و دانا نمایندهٔ
باشیا نفع و ضرر مریدگانرا این نامیست که دلها بندگان مقرب بمعرفت
خدا تعالی ببرکت این نام راه می یابند اهل حقیقت کویند هر که خواهد
احصای این نام کند البته باید بداند که راهنما بحقیقت او است و هر که را
دیده دل نکشود و راه راست ننمود هیچ کس راه نتواند نمود و ضلالت
جاوید بماند پس باید که طریقی نیکو پیش کیرد بحکم اهدنا الصراط
المستقیم طلب هدایت کند تا هادی المضلین وی را راه نماید و مرشد
خلقش سنا دشیخ فرموده هر که نظر با سمان کند و دست بر دارد و چندانکه
تواند این اسم را بکوید دست بر روی خود فرود اورد الله سبحانه و تعالی او را راه
نمائی و دلیلی بفرستد تا خود از غیر عنایت باطهام او را راه نماید و عوث

با غنی حرمت باشد و در وقت نوشتن
این دو اسم را بخواند یا رحمن یا رحیم
هر که هفتصد بنویسد روز
مشتبه عند العزیز و بر
کند چند علم که از مردم و بخار است
بلکه منکشف شود و بدولت رسد و قرب
نوشتن این دو اسم بخواند یا میدع
یا علام
هر که صد بنویسد روز جمعه با خود نگاه دارد
چیزی که بخواهد انکند هر چه
کند روی خلق

ال	ن	و	د
و	ر	ال	ن
د	و	ن	ال
ن	ال	د	و

۵۶	۷۰	۶۷	۶۳
۶۸	۶۲	۵۷	۶۹
۶۱	۶۵		۵۸
۷۱	۵۹	۶۰	۶۶

۷۲

در شرح کلمهٔ یا کریم البدیع

این اسم مناسب لکان راه است هر که راه راست خواهد باید که دعوت
این اسم کند و بعد تکبیر کبیر بخواند شبها روزی پنج نوبت و در خلوتگاه
کند این اسم را و در آخر هر نوبت بگوید یا هادی المضلین حقها و تعالی
او را راه راست نماید و صفای باطن کرامت کند و وی را مشهور عصر گرداند
و مردم از وی راه هدایت جویند و در آن مستقیم بمانند و عدد تکبیر این اسم
چهار هزار و نهصد و چهل چهار است و پنج عدد تکبیر کبیر بیست و چهار هزار و
هفتصد بیست میشود و شیخ فرموده که یا هادی خواندن مناسب تر است

۵	۱	د	ی		۵	۱۹	۱۵	۱۲
د	ی	۵	۱		۱۶	۱۱	۶	۱۸
ی	د	۱	۵		۱۰	۱۳		۷
۱	۵	ی	د		۲۰	۸	۹	۱۴

۲۱

البدیع یعنی تو آفریننده هر چیزی بسابقه بی اصلی این نامیست که
آسمانها بکوکب و زمینها باشجار مزین ببرکت این نام است و یوسف
پیغمبر از زندان بیرون آوردی این اسم نجات یافت و بسلطنت و عزیزی
مصر رسید حضرت امام رضا علیه السلم فرموده اند هر که دو وقت دعا هفتاد
بار بگوید دعای او مستجاب گردد اهل تحقیق گویند هر که خواهد حصای
این اسم کند باید دانند که حضرت بدیع این عالم را از کتم عدم بعرصهٔ وجود
در آورده بنوعی که نظیر ندارد و از بی نظیر هر چه بدیع بی نظیر خواهد بود و زنان

و اگر بسفر رود بوطن باز آید و هر که
از جوشن بسند و در وقت نوشتن این
دو اسم بخواند یا حلیم یا معید صد
هر که سیصد و شصت شب
در روز چهارشنبه در حمام رود و
آب بشوید و بوسه کند و نصف بدهد
گشاده گردد اما مال باشد و اگر بدهد
مبدل شود و در وقت نوشتن این
خوانند یا عزیز
نود و پنج صبا بنویسد
اگر سحر بر دو گرد باشد بحمام رود
آب بر سر ریزد سحر باطل شود و اگر
در آب بر سر ریزد و صبح مبدل شود و اگر
جبل باشد دشمن هلاک شود و اگر
معصفر باشد یا قاهر یا عزیز
این دو اسم بخواند
هر که هفتصد و پنج صبا بنویسد و شبها
و بر جوز انار بندد مثل عاجی و بر
خانه بر دیوار قبله بود

در شرح کلمهٔ یا بدیع

اغراض کوتاه کند از مخلوقات او تا حضرت بدیع علی الاطلاق او را
از بی نظیران کرداند و بزرگی فرموده هر که را اندوه یا غمی پیش آید و در
آن مضطرب گردد و نجات بخود اندازد کار او فرو بسته بود و خواهد که
آن امر اقدام رسد غسل کند دو رکعت نماز بگذارد و بجهت او کلی هفتاد
هزار بار بگوید یا بدیع السموات والارض و آنچه تواند از وجه جلال
صد دهد بعد از اتمام ختم و چون تصدق بجای آرد یکهزار بار دیگر
بگوید یا بروی کار و ساخته گردد و شیخ مغربی فرموده از برای هر مهم
کلی این ربع را بمشک و زعفران و گلاب بر کاغذ کشد یا خود دارد و روز
جمعه این کلمات را بعد تکبیر در یک
مجلس بخواند چنانچه دعا اندعوت
سخن نگوید کرفی المثل سلطنت
خواهد خدای تعالی وی را بامید رسانید
و برای هر مهمی مقصود که این ختم
بخواند از هفتاد اتمام کفایت گردد و عدد تکسیر این کلمات بیست و چهار هزار و چهار

والارض	السموات	بدیع	یا
بدیع	یا	السموات	والارض
یا	بدیع	والارض	السموات
السموات	والارض	یا	بدیع

البادی یعنی خدای همیشه باشد هست بی تغیر و تبدیل این نامی است که
اهل بهشت از برکت این نام بر بهشت می آیند و از هول قیامت ایمن گردند حضرت
امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که هر شب صد بار بگوید عمل او مقبول گردد
اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصای این اسم کند باید اندکی تفاوت

ع	ی	د	ب
د	ب	ع	ی
ب	د	ی	ع
ی	ع	ب	د
۲۱	۲۴	۲۷	۱۴
۲۶	۱۵	۲۰	۲۵
۱۶		۲۲	۱۹
۲۳	۱۸	۱۷	۲۸

۲۹

اگر پیش کسی داشته باشد بازبوی
دسته و در میان مردم عینکه خود و مرت
نوشتن این دو اسم را بخواند یا مرتب
باشد
ط هر که نوزده جا بنویسد در
مجمعه بمشک و زعفران زرد در زیر هند
جمال الباکمال حضرت رسول صلی الله علیه و آله
در خواب به بیند و اگر از نوشته در آب
اندازد و از آن آب بخورد و در دل
پیدا آید و اگر بر سر شمع نوشته
زنبیل بیرد و اگر با خود دارد در نظر
سلاطین عزیز باشد در دو
نوشتن این دو

شرح کلمهٔ مبارکهٔ الباقی

بیدِ قدرت او است و مالک ملک او است و از ازلی و ابدی او است و خواهد بود
وَکُلُّ شَیْءٍ هَالِکٌ اِلَّا وَجْهَهُ تا حضرت باقی وی را حیات ابدی کرامت فرماید
یکی از اکابر گفته هر که هر شب این اسم صد نوبت بگوید شب جمعه هزار بار
خدای تعالی دعای او را مستجاب گرداند و اعمال او مقبول حضرت عزت گردد و حضرت
عزت بنظر عنایت در وی نظر کند و از جملهٔ مقبولان گردد و عدد این اسم مع الف و
لام صد و چهل چهار است و با یای ندا صد و بیست چهار و بی الف و لام صد و شش عدد است

۲۸	۳۱	۳۴	۲۰
۳۳	۲۱	۲۷	۳۲
۲۲		۲۹	۲۶
۳۰	۲۵	۲۳	۳۵

ی	ق	ا	ب
ا	ب	ی	ق
ب	ا	ق	ی
ق	ی	ب	ا

۳۴

الوارث یعنی خدای باز ستاننده دادها است از خلق اهل تحقیق
گویند هر که خواهد اعطای این اسم کند باید بداند که مخلوقات مجموع فانی اند
جز خدای تعالی و آنچه و بخواهد خواهد ماند و حضرت وارث ندا در خواهد داد
که لِمَنِ الْمُلْکُ الْیَوْمَ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ چون چنین اعتقاد کند باید
که ادب نگاه دارد و از ملک خدای چیزی بخود اضافت نکند و ملک و مال و
علم و حیات و ارادت و قدرت و سمع و بصر و کلام همه را بوی باز گذارد تا حضرت
وارث وی را ملک سرمدی کرامت فرماید و بحیات ابدی مخصوص گرداند و وارث
انبیا سازد و علم لدنی ارزانی دارد و بزرگی فرموده هر که مداومت خاطر بر این

اسم بخواند یا عالی یا قدوس
یا مرکب مضمون ده بار بنویسد
شب جمعه خشک بخورد و روزه بدارد
و هر کار که خواهد و در وقت نوشتن
و در هیچ کار فرماند و در وقت نوشتن
این اسم بخواند یا عالی یا قدوس
هر که صد بار عمل کند و در وقت نوشتن
و با خود دارد ایمان کامل و در وقت
مشغول عمل گردد و در وقت نوشتن این اسم
بخواند یا عالی یا قدوس
شصت بار بنویسد و در وقت نوشتن
و در هر که محتاج شود و هر که
بر بدن بندد و بخواند یا عالی یا قدوس
هر که نوشتن این اسم بخواند
یا عظیم یا جبار
و در وقت نوشتن این اسم
بخواند تا اجابت
شود

در شرح کلمهٔ ماکه الوشد

طلوع آفتاب نیاشد و وحشتی و گزندی در جمادات و حیوانات و انکه هاوشت
کند اسم را خاصه در شب وقت خواب بلند و زمانهای حضرت حق و دانهای نکذار
و در قبر لطف خود مونس او کردان باید که دانو کر این اسم هفت نوبت یا سه نوبت این آیه را
بخواند رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ تا از وحشت ایمن کردد

۱۷۶	۱۷۹	۱۸۳	۱۶۹
۱۸۲	۱۷۰	۱۷۵	۱۸۰
۱۷۱	۱۸۵	۱۷۴	۱۷۴
۱۷۸	۱۷۳	۱۷۲	۱۸۴

ث	ر	ا	و
ا	و	ث	ر
و	ا	ر	ث
ر	ث	و	ا

الرشید یعنی خدای صواب کار و راست این نامی است که حضرت
خضر آب حیوان در ظلمات از برکت این نام یافت اهل تحقیق کویند هر که
خواهد حصار این نام کند اول باید که در راه خدا بندکان خدا تعالی
راست باشد البته مذبذب نباید بود و کاه در طاعت و کاه در معصیت با خلق
بمکر و حیله نزدیک نشاید بود و خود را چنان باید نمود که هست و یکرنک و یکدل
و یکجهت باید نمود در راه خدا تعالی تا حضرت رشید در طریق راشد کویند
و دعوت این اسم مناسب کسانی است که طالب راه راست باشند و کسانیکه
سرشتهٔ تدبیر کم کرده اند و ندانند که احوال شان چکونه خواهد بود یکی
از اکابر فرموده هر که مواظبت کند بعد از نماز شام بتلاوت این آیات قیام
نماید قطع نکند بعد از اتمام به هزار بار اسم الرشید بکوید بدرفتح و تدبیر

وسرانجام

یا عیسا یا مسیح یا ق هر که صد هفتاد
یک ق بنویسد با خود دارد از بند
زندانها نباید و در روز بروی کشاید
و در وقت نوشتن باید و اسم بخواند
یا ملک یا مهیمن
صد یک کاف بنویسد و با خود دارد
هر دردها و غمها ایمن کردد و در دولت
بروی او کشاده شود و وقت نوشتن
این دو اسم را بخواند یا کلیم یا کریم
هر که هفتاد و یک لام بنویسد
در شب چهارشنبه و با خود دارد
خلایق ایمن کردد و در وقت نوشتن
این دو اسم را بخواند یا شکور یا غفور
هر که نود و سه م در دو نیم
طلوع آفتاب بنویسد و با خود دارد
که خواهد و آرزو که برآید
چهل ق بنویسد از طلسم و غیره
در امان باشد

شرح کلمهٔ صباکه الصبور

وسرانجام کارها را بتمام دارد و این است قوله هو الذی سخر البحر لتاکلوا
منه لحما طریا وتستخرجوا منه حلیة تلبسونها وتری الفلک مواخر
فیه ولتبتغوا من فضله لعلکم تشکرون واگر کسی بر نیت
استخاره هزار بار بخواند نفع و ضرر آن کار بر او روشن گردد

ر	ش	ی	د		۱۲۱	۱۳۴	۱۳۱	۱۲۸
ی	د	ر	ش		۱۳۲	۱۲۷	۱۲۲	۱۳۳
د	ی	ش	ر	۱۳۶	۱۲۶	۱۲۹		۱۲۳
ش	ر	د	ی		۱۳۵	۱۲۴	۱۲۵	۱۳۰

الصبور یعنی صبر کننده در مکافات و عفو گنه کاران و در عذاب
فرستادن بر کافران این نام است که ایوب بر برکت این نام خلاص گشت اهل
تحقیق گویند هر که خواهد حصار این نام کند باید که در کارها شتاب
نکند و هر بلا و شدت و محنت و گرسنگی که وی را روی نماید از خدا داند
و خوار و مشقت و برهنگی از خلق نداند و قبض و بسط و جبر و نسلط
اعتقاد نکند و در این امور اگر وقوع یابد بصبر سعی خود زیاد تا حصول صبور
وی را دو دایره صابران داود و نام وی در جریدهٔ صابران نویسد که
انا نجزی الصابرین انا وجدناه صابرا نعم العبد وی را استاد شرکت بر آن
صبری پس هر کس که خدا را استاد شرکت بخشد و صادق باید جمعی از
شارحان اسماء الله عدد این اسم هزار بار او را اندازه المهیمن باطن

در شرح کلمهٔ یا کاف الصبور

اما بزرگی و قوه اگر کسی را در باشد طاقت آن ندارد و در حال استغا
در تو کرما و خوف هلاک از بلای این اسم ابتدا کند بقت انکه سی
هزار بار خواهد خواند چون سی هزار بار تمام شد از سر گیرد بعد
یا ایها و سد چون عدد کل تمام شود حضرت صبوری را در آن بیند صبر
و اطمینان خاطر کرامت کند اگر محبت دیگری خواند انکس را هم خاطر
صبر جمیل کرامت کند دعوت این اسم مناسب کتابی است که صبر نداشته
باشند بلا و سختی و شدت و این اسم علمای اهل حق عدد معین نکرده اند
و بعضی گفته اند که سیصد بیست و نه عدد است و بعضی گفته اند سیصد و نود عدد
است صبور و بیست و نود و هشت عدد باشد تکبیر بطریق شیخ هزار و
هشتصد و پنجاه عدد است و بطریق شیخ مغرب الصبور هزار و ششصد و
چهل و پنج عدد است و بعد تکبیر سیصد و پنجاه و دو عدد شود
و سبحه حسب فرموده که از برای هر مهم کلی که واقع شود در یک مجلس
بشرط طهارت و خلوت و صوم بعد تکبیر بخواند امید چنان است که از موضع
خود بر نخواسته باشد که اثر اجابت و حصول مراد بر وی منکشف گردد
و این عدد را بعضی تحریر کرده اند و لوح الصبور حاشیه نموده شد و سر
این اسم بسیار است لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر نعم
المولی و نعم النصیر **فصل** در بیان خواص اسماء چند که
در قرآن شاهد است آقا محمد شیرازی و اجداد مصطفوی صلی الله علیه و آله

۹۹۹۹۹۹۹۹۹
۵۵۵۵۵۵۵۵۵

۷۴	۷۷	۸۰	۶۸	ل	و	ب	ن
۷۹	۶۸	۷۳	۶۸	[illegible]	[illegible]	ر	و
۶۹	۸۲	۷۵	۷۲	[illegible]	ب	و	ر
۷۶		۷۰	۸۱	ف	د	س	ب
	۷۱						

در شرح کلمهٔ یا سبوح یا قدوس

بصحت پیوسته شب یاد کرده شد تا فویدان بمومنین و مومنات که بر آن
مطلع گردند برسد هر که مداومت بدعوات این اسم کند صد بیست و دو هر شبان
روزی هفتصد هزار بار باطن و مصفا گردد و موصوف گردد بصفات ملئکه اما
باید که دمبدم دعوات اکثر اوقات صائم و معدا و خالی باشد تا روح او قوت گیرد
و قابلیت رؤیت ملئکه و سیر ملکوت حاصل بدو اکابر فرموده اند یا بصاد عوات
این اسم را بزعفران بر پاتان نویسد بعد نماز جمعه بدان افطار کند مؤثر است
جهت صفای باطن بعد نماز جمعه چندان نویسد تا جمعهٔ دیگر افطار کند اثر کلی بیند

یا سبوح یا قدوس هر که مداومت نماید بدعوات این اسم بعدد تکسیر دویست و
چهل هفت روز میسر گردد او را که سیر کند در ملکوت و مکشوف گردد بروی
علامات سماوی و روشن شود بروی تسبیح تقدیس ایشان و دایم بدعوات شریف که خود
و کم گفتن و کم خفتن است و خلوت و اجتناب از خلق و دوری از عورات و کودکان و
غسل هر روز و اکثر اوقات در آب روان و صاحب دعوات این اسمار چون باطن
کوه و زنی او را از عالم غیب بیاورند دیگر احتیاج بطعام و شراب نباشد
که دل سلوکوشد از و بمقصود برسد و او را دولتهای عظیم دست دهد با یاند
و هزار و ششصد و هشتاد اگر کسی بیفهمیم بی تمیز باشد هیچ یاد نتواند کرد در
شبان روز سه عدد تکسیر بخواند باید که هر دو پیش از صبح بخواند و افطار بحلال کند
و چهار تصدیق بکند و تسبیح خوانان بمزار بزرگی رود و از خداوند تعالی درخواست
کند حقتعالی وی را ذهنی کرامت کند که هر چه بشنود یاد گیرد و صفای باطن جلا
کند

س	ب	و	ح
و	ح	س	ب
ح	و	ب	س
ب	س	ح	و

ق	د	و	س
و	س	ق	د
س	و	د	ق
د	ق	س	و

۴	۳۰	۲۴	۱۸
۲۶	۱۶	۶	۲۸
۱۴	۲۰		۸
۳۲	۱۰	۱۲	۲۲

۳۵	۴۸	۴۵	۴۲
۴۶	۴۱	۳۶	۴۷
۴۰	۴۳		۳۷
۴۹	۳۸	۳۹	۴۴

۳۴

۵

و یا کنندهٔ است جهت فهم کلام از
حضرت امام جعفر صادق منقول است که بنده را
بزعفران بنفشه لوح کند و در وضع خود را
بوغف کند و زکام مزمن شود و دارد که یکبار نا سیاه
است و ایضاً اگر یکبار بخوردن
و هم دانک کند سر را هم بخورد و دماغ
زکام را بطرف میکند جهت صفای عمر
که مفصل خلافت حضرت رضا فی عمر
است که انبات را بر آن بنفشه
که زنگی نفرت را بر آن
مشهور و فرمودند بولش شتر بخورد تا
مشهور و فرمودند بولش شتر بخورد تا
جهت مهار کردن در کنار بخور صلی الله
مذکور است که اگر کسی را بیماری
شده باشد انبات را بر آن بولش و بشوید
بخورد شفا یابد و گوشت
بسخاهم علی

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ یا رب

قلب بمرتبهٔ علا رسد و عدد تکبیر هشت و چهل رسد در حالت دعوت بجود
بسود و از علامت حاضر و مجاب شد **یا رب** این ذکر ارباب قرابت است
هر که بمطلب یا حضرت نزدیکتر است این اسما بر زبان او بیشتر است این ذکر
ارباب حاجت در هر گاه و حاجتی که پیش آید هزار بار این اسم را بگوید حق تعالی
کرامت کند و ادا آنچه میخواهد از برود گاه ترتیب یابد در همه حال و همه گاه و هر کس
در کار صعب گرفتار باشد و مدد و معاون نداشته باشد کسی لنفسه الحاجات
نکند و بغیر با او رسد چون ذکر این اسما مداومت نماید دایم بخواند و در سجده مبالغه
نماید و گاه دست بر دارد بلند بالحاح بگوید یا رب یا رب یا رب الملائکة و
الروح یا رب یا رب و دستها بر روی خود فرو آرد ایزد تعالی خود بفریاد وی رسد
و در این امر بفضل لطف خود کار او را بسازد چنانچه محل تعجب بندگان شود
و سر بسجده بنهد چنین حال و از عجز و بیچارگی بگوید یا رب و در آخر
خم که بسیار گفته باشد یا قریب الفرج بگوید و دیگر گفته اند هر که ائمه
پیش آید در آن مضطر کرد این اسم قریب الفرج را هزار بار بگوید مجاب
و اگر ده هزار بار نتواند خواند بعد نماز بامداد هزار بار بخواند همین خاصیت دهد
و مهم و کفایت کرد و در شرح کبیر چنین آورده اند که یا رب اسم اعظم است یعنی
خدای نیکوکار است **یا حنان یا منان** این دو اسم را خواص بسیار
گفته اند اما در این اختصار کرد آنچه مفید است آورده میشود ان شاء الله
و دعوت این دو اسم اثر عظیم دارد هر که مداومت نماید دعوت این اسم مقصود

هر بزن

مکانهم فما استطاعوا مضیا ولا
یرجعون و من ثمرة منکسة فی الخلق فلا
یعقلون **ایضا** در بحر المنافع آورده
که هر که سوره والطارق را بخواند و بخود از فرو کردن اعزکه بجهت
رفع زلزله و بلاها که در سر و بهم رسد
جمع بسیار تجربه کرده اند که هر که سوره
قدر را بر رشته که دختر باکره رشته
باشد هفت گره هفت بار قدر را
بر آن بخواند و هر دهه را بدمد بگوید
فلان یقوله و منزل من القرآن ما هو
شفاء و رحمة للمؤمنین و صبر
زلزله با خود دارد دفع شود **ایضا**
در بحر المنافع آورده جهت زلزله و سنگها
که در اعضا هم و سینگی که در
سنگدانها و سن باشد بگیرند و هر که
با خود دارد هر باد فاسد که در بدن او
باشد زایل شود جهت
میخواهد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ یا حنان یا منان

هر شبانروزی بیست هزار بار در این ایام بلکه پیش از این چهار روز ترک طعام
الوان کند بلکه چون روزی صد بار اعتکاف دارد و پرهیز تمام کند در این دعوت علامتی
خواهد بود و بزودی ظاهر خواهد شد و اگر پیش از دعوت پرهیز کرده و از خلق
اجتناب نموده وی را هیچ توهم نخواهد بود و علامت اول آنست که چون از
مدت دعوت او هشتاد روز در گذرد حاضر و مهیا باشد که مردی کاغذ پیش وی
آید و انواع سخنان گوید اما تیسیر سخنان وی از جهت امور دنیا باشد و نفع بیچارگان
اینعاف فانی اعتبار ندارد و دعوت برای اینعاف فانی نکند مراد او عاقبت باشد
و با آن شخص سخن گوید اما با ادب باشد و در نظر او گستاخی نکند هر چه پرسد
جواب گوید و جرأت ننماید بسؤال لیسیا که او یکی از رجال الغیب است و از
جمله مقربان چون حرمت نگاه دارد و ادب رعایت کند او با وی لطف
نماید و انواع علوم عجیب و غریب آموزد که انعلم هل الله است و خواص آنست که
بر خاک دست نذر کرده او را جهت عالم باقی خواهد موخت بلکه تعلیم
باطنی نماید و متوجه دل وی خواهد بود هیچ شک نیاورد که وی مطلع گردد
و غرض از این آنکه باین علامات آن شخص را بشناسید و بدانید که دعوت قبول است
بعد از آنکه آن شخص علوم غریبه و عجیبه وی آموزد اسرار بر او صاحب دعوت
ریزد و بگشاید دل وی آنچه در فهم و اندیشه نیامده باشد بدولت دو جهانی
مشرف گردد و دیده دل او بگشاید **یا دیان** هر کس که مداومت نماید
باین اسم مدت هفتاد روز هر شبانروز پنجهزار بار چون مدت دعوت باتمام

ح	ن	ا	ن	م	ن	ا	ن
ا	ن	ح	ن	ا	ن	م	ن
ن	ا	ن	ح	ن	ا	ن	م
ن	ح	ن	ا	ن	م	ن	ا

۱۹	۳۳	۳۰	۲۷	۲۷	۴۱	۳۸	۳۵
۳۱	۲۶	۲۰	۳۲	۳۹	۳۴	۲۸	۴۰
۲۵	۲۸		۲۱	۳۳	۳۶		۲۹
۳۴	۲۲	۲۴	۲۹	۴۲	۳۰	۳۲	۳۷

۴۳

۳۵

رسد

در شرح کلمهٔ مبارکهٔ یا دیان

رسد نمقدار که توانند بخوانند یعنی ترک نکنند که احتمال جنت دارد
و از انمقصود باز مانند چون ختم باتمام رسد بنی اسم خواص بسیار دهد
و عجایب بسیار بیند و در حین عوث اموغریبه بر جناب دعوت کشف شود
و صفای باطن و افشود و از دعوت این اسم یکی انستکه دشمن دل او بغیر
خدا تعالی بکس نپردازد و از ملائکه و رجال الغیب و ارواح اولیا بهره مند
گردد اما شرایط این اسم خلوت و اجتناب از خلق و اکل شرب حلال تا از و
اثر کند و هر که این چهار اسم که اول از دال است در مربع چهار در چهار این
نوع در وقت اهو نویسد با خود دارد و در شرف آفتاب نویسد ایمن بود از همه بلاها

دیان	دائم	راعی	دلیل
دائم	دلیل	دیان	راعی
راعی	دیان	دلیل	دائم
دلیل	راعی	دائم	دیان

و هر که هر روز صد و سی نوبت یا وکیل المتحیرین یا غیاث المستغیثین
اغثنی بگوید یا بر سر دعوت رود و چون تمام کند دو رکعت نماز حاجت
بگذارد و طلب مراد از حضرت الهی کند از
برکت این عوث بوی هدی جمعیت و صفای باطن در عوث این چهار اسم ست
و اسما این است دیان دائم راعی دلیل و بعضی بجای دلیل دافع نیز
گفته اند اگر جهت خصم قوی خوانند یا ترس از سلطان و غیره دافع خوانند
و اگر از برای جاه و قرب بسیار خوانند بسبب آنجهان دلیل گویند عدد تکسیر این
چهار اسم صد هفتاد و چهار باشد و اگر بجای دلیل دافع گویند هزار و صد

مطلوب حاصل است وَاِذْ جَعَلْنَا
الْبَيْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ الآیه
وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ از سورهٔ بقره جهت
دفع بخواب آمدن سوره بقره
ذهب مغاضبا را تا آخر یا روز اهو
نویسد و در میان بنفشه بخواب رود
نشود تا این پاره را از او جدا نکنند
ایضاً این آیات را بنویسد و در زیر
بالین آنکس خداوند خواب بلند نشود و
جَعَلْنَا قَوْمَكُمْ بُيُوتًا وَجَعَلْنَا الْمَسْجِدَ
مَعَاشًا وَبَيْتَنَا قَوْمَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا
وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا جهت دفع
احتمال از خصمان و مردمان
که هر که ترسد محتلم شود در بیت
رود این دعا بخواند محتلم نشود اللهم
اِنِّی اَعُوذُ بِكَ مِنَ الاحتلام
الاحلام و من ازیر الاحلام و من سوء
الشیطان

درشرح کلمهٔ مبارکهٔ یا برهان

بیت و هفت و البته دعا او مستجاب است یا برهان شارحان
اسماء الله تعالی چنین فرموده اند که این اسم معطی الحاجات است هر نیت که
دعوت این اسم کند مقصود حاصل شود و دعوت این اسم روا است هر روز سیزده
هزار و پانصد و شصت مرتبه و اولی آنست که در این ایام هر شب نوزدهم را
با تمام رسانند و روز دهم بمنزل شریف رود هزار و یک بار بخواند حاجات عرض کند
که البته در از هفته میل حاصل شود و از جهت فتح الباب و حاصل شدن
مرادات و دفع مکروهات سه بار درود فرستد بعد از آنکه وضو ساخته باشد درود
اینست اللهم صل علی محمد و آل محمد بعدد کلماتک و الطافک و
بارک علی محمد و آل محمد و سلم علی محمد و آل محمد بعدد کل ذرة و مائة
الف الف مرة و صد و نود بار این کلمات بگوید بصدق تمام یا قدیم الاحسان
احسن الینا باحسانک القدیم دیگر بحجت یافتن حاجات و برآمدن مهمات
هر روز هفتاد بار یا حفی الالطاف بحقی مما اخاف و باخر بگوید بحق سورهٔ
الاعراف و مراد عرض کند البته کفایت گردد دیگر بحجت باز آمدن شر عمل و
تقرب نزد بزرگان و هر مقصود کلی غسل کند شب جمعه پیش از صبح و سجده شکر بکند
و قدری شیرینی در پیش سجاده نهاده نیت روزه کند و هفتاد هزار بار بگوید یا
بدیع العجائب بعد از نماز صلوة جمعه یا بعد از نماز ختم را تمام کند و
شیرینی صدقه کند و طلب حاجات کند هم در از هفته آنچه مقصود او است حاصل گردد
که خود از چرا نیماند هر که مربع هشت در هشت بکشد و این هشت اسم درج کند

در البطاقة و الطالع را در وقت خوب بخواند از
اسماء الله بحق جمیع صحیح از حضرت
امام محمد باقر ع مفقود است که بر جن
کنند و مصرع بخوانند سوره
مریم و همین سوره را بنویسند
و بآب بشویند و بآن بخورانند و در
دعوت و عسل شود اخلاص نماز اص شود و در
روایت دیگر از امام جعفر ع
رحیم و الانبیاء را خوانند
و اینکه بر اطراف بنویسند
و اینکه بر اطراف بنویسند
در خانه که جنیان سکنا دارند
بر دارند و بگویند بحسبی الله و کفی سمع الله
و بها نسمت که امام است بنویسند
لمن دعا لمن

شرح مربع اسم خداوند

که داول ان اسمها (حا) است با خود دارد از فتنه‌ها آخر الزمان ایمن گردد

حق ۱۸۴	حلیم ۱۸۷	حبیب ۱۹۸	حکیم ۱۶۹	حکم ۱۶۷	حفیظ ۲۰۳	حمید ۲۲۲	حی ۱۵۲
حی ۲۳۱	حبیر ۸۵۲	حکیم ۱۴۴	ح ۲۰۴	حا ۱۷۲	حکم ۱۷۱	حفیظ ۱۴۸	حمید ۱۸۴
حسیب ۷۱	حکیم ۲۰۰	ح ۱۸۵	حلیم ۱۸۴	حلیم ۱۵۴	حا ۱۷۲	حکم ۲۰۱	حفیظ ۱۴۸
حکیم ۲۰۲	حق ۱۶۴	حکیم ۱۵۵	حسیب ۲۲۳	حفیظ ۱۸۴	حمید ۱۸۱	ح ۱۴۸	حکیم ۱۹۹
حفیظ ۱۵۶	حکم ۲۱۸	حق ۲۰۷	حلیم ۱۴۲	حمید ۱۷۳	ح ۱۴۸	حکیم ۱۹۱	حسیب ۱۷۰
حمید ۱۹۲	حفیظ ۱۷۹	حکم ۱۷۴	حق ۱۹۴	ح ۲۰۸	حکیم ۱۶۲	حسیب ۱۵۷	حلیم ۲۱۷
ح ۱۶۱	حبیب ۲۰۵	حفیظ ۲۱۲	حکیم ۱۵۴	حکیم ۱۷۸	حسیب ۱۶۸	حلیم ۱۹۶	حا ۱۴۴
حکیم ۱۵۴	ح ۱۷۶	حبیب ۱۷۴	حسیب ۱۶۸	حلیم ۱۵۹	حا ۱۴۰	حکم ۲۰۶	

حفیظ ۱۹۲

ودر چشم مردمان عزیز و با هیبت نماید و اگر پادشاهی بر سر علم او و لشکر سپاه متوهم گردند و قهر شوند و این پادشاه مظفر و منصور گردد و دارند این مهر را بر اعدا غالب آید و اگر درویش بود توانگر گردد بصورت و معنی و از خلق مستغنی شود و اگر در روز شرف آفتاب بنویسد و معطر ساخته همان روز بپیچد با خود دارد همین اسما را و در ساخته بیاندازد بخورند مقصود و هر آنکه طلب کند بحصول پیوندد و آنچه در خاطر گذرد برآید یکی او دانند که شش اسم است که اول او (عین) است و مراد از اسما نود و نه نام است الا در هر یکنام مورد دعای استغنا و غیره اسم خداوند تعالی بسیار است که داول او غیر است اما این شش اسم او دانند که در مربع شش در شش نویسد با خود دارد خدای تعالی او را

کفاه و ما لنا الا نتوکل علی الله و قد هدینا سبلنا و لنصبرن علی ما اذیتمونا و علی الله فلیتوکل المتوکلون را بنویسد بر شخص دیوانه جن او را آزار نرسد ایضا سوده و اللیل اذا عسعس بر مصروع بخوانند بمعنی جوش بجهت جنبش جن بنویسد این کلمات را بر بیضه مرغ و اگر بچه آدمی باشد در میان پاهای او و بر زمین زند و بشکند و اگر چون باشد در میان چشمهای او زند تا شکسته شود و در شکستن بیضه بگوید بسم الله و بالله و علی اسم الله و ناسر العین کلمات را بر بیضه نوشته بشود ایستاده عین جمعیت بجمعیت بجمعیت انفلقت انفلقت جمع کلمات بر در حمام او دهد که مرسله فطوبی کاغذ بقلم باریک و زیر و آنرا

شرح مربع اسم جلال و جمال

غیر کردانند و کتابها او را عفو کنند باید که ذکر کند و اگر تواند هر روز و جمعه
این اسمها یکهزار و ششصد و سی چهار نوبت بخواند اگر حاجت روا شود انشاء الله

غنی	علی	علیم	عدل	عظیم	عفو
علی	علیم	عفو	غنی	عدل	عظیم
عدل	کریم	عظیم	علی	عفو	علیم
عظیم	علی	کریم	عفو	علیم	علی
عفو	عظیم	عدل	علیم	علی	کریم
علیم	عفو	علی	عظیم	کریم	عدل

شش بار بخواند او را بود دل
خاشع و زبان ذاکر و این لوح را
چندان شرح نوشته اند که
نهایت ندارد اما این سماء
در درجه شرف زحل که آفتاب
نیز خوشحال بنویسد بر اطلس
سرخ بطلای محلول بنویسد و در خزینه محفوظ کرداند از اطراف و جوانب از
بلای از پادشاه افتد و غیر بهاء بند کنز ائمه مملو کردد **مربع نور و**
نار حضرت امیر المؤمنین علیه السلام این مربع را وضع نموده اند و در روایت
منقول است که واضع این مربع آنحضرت است و این را کو از نور و نار نام بار تعالی را
در این مربع درج کرده اند و ساعات و جهات تعیین فرموده اند از جهت دفع شر
دشمن بر صفحه زر یا نقره کشند در طلب حاجات دست کیرد و برای تقرب نزد
بزرکان در تاج نهد از جهت صحت بیماران بر صفحه مس نقش کنند خاصه در وقتی
که آفتاب در شرفها باشد و قمر در خانهای مسعود و از نحسین دور و از ارباب برابر
و جهت دفع ضرر دزدان در خانها هادر و اکر در کشتی با خود دارند از غرق
شدن ایمن باشند و اکر در انبار غله نهند از آفت سالم ماند و اکر بر کودک بندند

کی از انها را بطالع خاص در فن شود بسم الله
ذی العزة و الکبریاء و الجبروت
هر نقطه بکو بر سر ما رحمت فرمود
و هر نوبتی را بجوز اول عقد باذن الله
دوم سد دست باذن الله سوم
باذن الله جهت ربع ابنا
بنویسد بر او بند و در نسخه دیکر
بنویسد که بر فان نوشته بر او سلام علی ابراهیم
با نار و کلو بر او بند و در نسخه دیکر
و ابراهیم کبیرا فجعلناهم الاخسرین
مرضا از حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام بنویسد بسم الله
الرحمن الرحیم و در دست
جبرائیل و در دست چپ
و بر پای راست بسم الله الرحمن الرحیم
چپ بیرون نهاد کفا و بسم الله العزیز
و در میان کتفها و بسم الله الرحمن
رحیم بر فرق نویسند که اکر کسی مثال او
نفع نمی یابد و اولی ترین که
زنجیر نقش نمی

در شرح لوح و خاتم خداوند

از طلب امان باید و خواص این لوح بسیار است باختصار رقم زدیم

هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن	العزیز الجبار المتکبر الخالق البارئ السمیع الهادی	المصور الغفار القهار الوهاب الرزاق	الفتاح العلیم القابض الباسط المعز المذل الرافع
الخافض المجیب الواسع الحلیم المقسط الصمد	المذل المانع البصیر النور المحیط هو	الشهید المقیت المعید الجلیل الواحد الاول الولی النافع المنیر	العظیم الحق القوی المنعم الحی المحیی الواحد الاحد
الغفور القادر الوکیل القیوم العفو الرافع	الشکور الکریم الودود الغیاث المؤخر	المقسط المعید الرؤف الباقی اللطیف	الوارث الخبیر البر المقدم المؤخر الباطن المحصی
الغنی الرقیب الرشید الصبور الضار النافع	الحکیم الحکم العدل الممیت الظاهر الجامع	التواب الکبیر المتعالی الحی العلی المالک	الملک ذی الجلال والاکرام

فصل

علمای ما تقدم پانزده لوح تصنیف کرده اند هر یک از این مربعات را چند نوبت این بنده ضعیف مکرر نوشته و تجربه کرده ام نخواستم که این نسخه از این تصانیف بی بهره باشد چون تمام مربعات مزین باسمای الله تعالی بود از کتاب بجهت بهره غرائب واجب بود نوشتن و بیان هر یک شرح خواص و نوشته خواهد شد

لوح اول

و آنچه در خواص کبیر مکتوب گشته با خواص و عوام بی بهره نمانند نود و نه نام با تعالی ادراج کرده اند که تمام شما خانه او درج شده است و این لوح شریف است و این لوح حکما کنز الخواص لسلیمان نام کرده اند بهر نیت که آنرا وضع کنند

لمهات باشد تا دو ثلث باشد ایضاً
اطبا بجهت یافته اند که هند که اورا
ذخیره کو بند بر پاره کاغذ نامند
اینکه ارند و بر صابر دفع تعلق بنام
دفع شود ایضاً بجهت رسانند
که با فلان اسوراخ کرده و دو عدد
بشش ادرار جاده ادخل دفع
نماید دفع شود تجربه عجیب
مرد عقیم که باشد و بچه از رحمت
دوت بکمر بنام و بیرون از رحمت
طبیعوما و بر دیگری او حوما و بر دیگر
ابو اسوما و در دار دفان اندازد دفع
شود نوع دیگر بکرد شد از سر بفو
این اشکال را بنویسد سال هلی
فلح موت مات و بر کف دست چپ او
بنویسد فلح هلی مات موت و بر
دیگر بر کف دستها و پاها که بفو نویسد
قوس قوس شاماخ شاخ بعمل
عمل صحت

در شرح الواح پادشاهانه

متبرک بدیدار ملوک و سلاطین بشرف انتساب نویسد از جهت صدور قضایا
بشرف مشتری و بسند و جهت خواتین معظمه محترمه بشرف زهره و امرا
و ارباب دفع خصمان بشرف مریخ و جهت اهل کتاب و دبیران بشرف عطارد

هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الباری المتعالی	الرب الغفور المقدم الحق القیوم السلام	الحی القیوم الغنی الحکیم الواسع الناقی الرشید	الودود الوالی الخبیر الولی المغیث
النور الصمد الحق المبین ذو الجلال والاکرام	الباطن المحصی الناقع المتکبر العلی العظیم	الملک القدوس الصمد الحاضر الجامع الوهاب	الواحد العدل المحیط المهیمن القهار
الماجد الضار النفع الطیف الباعث القوی المعید	الاول الآخر المجیب المذل الثواب المجید	المقتدر الباسط الحافظ الوارث المعز المانع الشهید	القابض الخبیر الشکور الماجد الوقار الجلیل
الوکیل المنعم المؤخر المعطی	الفتاح المهیمن الغفار الحکیم الهادی المجید	القیب البدیع المؤمن المعز الطاهر الجبار	الرافع الخالق القادر العلیم المبدی الرقیب الکریم

الواح دوم بجهت جاه و رفعت پیش پادشاهان و دفع دشمنان و مضار فیها و
و افتادن از اسباب و دفع بیماریها و ایمن بودن از بیدولتی و دلاوری و ادبیه در ساعت
سعد مشتری یا روز یکشنبه و پنجشنبه در ساعت شمس یا آفتاب یا زهره و قمر از
خوشی و باشد نویسد لوح در صفر بعد نمود پیشوا **لوح سوم**
دفع غم و اندوه و کشادن کارها از جهت خرید و فروخت و ایمن بودن از دزدان

ذخیرة الالواح یا گنجینه

(لوح اول)

قل هو الله احد ۲۳۰	الله الصمد ۲۳۱	لم یلد ولم یولد ۲۴۰	ولم یکن له کفوا احد ۳۲۱
یا بار یا جلیل ۳۰۸	یا کبیر ۲۴۳	یا مبدی یا معید ۲۳۳	یا حلیم یا منان ۲۱۹
یا مهیمن یا وکیل ۲۳۳	یا لطیف یا محیط ۲۱۸	یا بدیع یا نافع ۲۰۹	یا منیع یا هادی ۲۴۲
یا حی یا صمد ۲۴۱	یا رب یا مولی ۳۱۰	یا سبحان یا حکیم ۲۲۱	یا غفور یا جامع ۲۳۰

(لوح دوم)

الم الله ۱۳۷	لا اله الا ۱۱۰	هو الحی ۶۰۹	القیوم ۱۸۷
محمود مولی ۱۸۴	یا وهاب ۶۳	طس و دو حبیب ۱۱۱	مؤمن ۱۳۶
لیر طالب ۱۱۲	مهل ۱۳۵	عالی سید ۱۸۵	حمید ۶۲
طاهد حل ۶۱	ق بدیع ۱۸۶	ص حم ۱۳۸	طسم ۱۰۹

(لوح سوم)

یا بار یا جلیل ۳۰۸	یا کبیر ۲۴۳	یا مبدی یا معید ۲۳۳	یا حلیم یا منان ۲۱۹
یا مهیمن یا وکیل ۲۳۳	یا لطیف یا محیط ۲۱۸	یا بدیع یا نافع ۲۰۹	یا منیع یا هادی ۲۴۲
یا حی یا صمد ۲۴۱	یا رب یا مولی ۳۱۰	یا سبحان یا حکیم ۲۲۱	یا غفور یا جامع ۲۳۰

و هر روز و دوشنبه نویسد که قمر را بمشتری نظر دو بود و روز سه شنبه منظور بنظر عطارد باشد از مصوشادی بجا عهده زد با وزن اهو نوشته با خود معطر خانه در با

نهد خواص بسیار بیند و اگر در میان فما شرط اند در لما نا لوح پنجم

(لوح پنجم)

الم الله ۱۳۷	لا اله الا ۱۱۰	هو الحی ۶۰۹	القیوم ۱۸۷
محمود مولی ۱۸۴	یا وهاب ۶۳	طس و دو حبیب ۱۱۱	مؤمن ۱۳۶
لیر طالب ۱۱۲	مهل ۱۳۵	عالی سید ۱۸۵	حمید ۶۲
طاهد حل ۶۱	ق بدیع ۱۸۶	ص حم ۱۳۸	طسم ۱۰۹

از بهر زهن و قوت حافظه و وسوسه شیطان و اندیشه و خطا زدن از در سفر و نافع مرادها کلی و جزئی در جمعه که قمر منفصل از نحس و متصل بسعد تا روز دوشنبه بنویسد با خود دارد بمقاصد خود واصل گردد لوح ششم

از برای گشایش کارها و فرج و دفع مکر دشمن از پادشاهان و بزرگان بنویسد و شنبه که قمر با آفتاب نظر نور و با خود دارد و دفع گریستن اطفال در گردن طفل بندد (لوح چهارم و پنجم در صفحه بعد می باشد)

ایضاً در حدیث وارد صحیح است موضع دیگر آمده برای درست شدن موضع بمال دهنب باریکوا عوذ بالله کلمات فی السماء والارض هو السمیع العلیم ایضاً از مروی است بنویسد صداع دفع گردد دل داود من قف کف لا مرد ولا ح ایضاً انکلمات با و بنگاه بنویسد در دو طرف شود یا لولا لولا یا لولا لولا بجهت دفع دزد و گوش از سحر امام محمد باقر منقول است که برای دفع گوش درد بعوذتین بالله هو هذا الدهر باد ابن عباس بخواند

شرح الواح یازده گانه

رب اشرح ۷۱۱	لی صدری ۳۴۴	ویسر لی ۳۱۶	امری ۳۵۱	حسبی الله لا اله الا هو ۷۸۶	علیه توکلت ۹۷۱	وهو رب العرش ۸۲۰	العظیم ۱۰۵۱
الربا واجد یا کل ۳۱۷	ق علیه ۲۵۰	متین یا نافع ۷۱۲	لطیف منعم وهاب ۳۴۳	رضی الله ۱۰۴۸	بحق واجب یا عزیز ۸۲۳	اول آخر صمد ۹۲۲	یا ذی طالب ۲۵۵
قاسم حم ۲۴۹	قدیر ۳۱۴	کبیر جامع ۳۴۶	فتاح معبد ملیک ۷۱۳	کهیعص خالق و تالی ۱۰۴۸	موجد نافع ۲۵۴	حق شفیع یا کریم ۱۰۴۹	یا حکم یا عالم البالغ ۸۲۲
قیوم سلام معید ذل ۳۴۵	وارث الله ۷۱۴	والی معلی ۲۴۸	امیر بصیر ۳۱۵	فتح ناصر کبیر یا ۸۲۱	یا حافظ یا ۳۰	قیوم صاحب ۲۵۷	طه رحمن رحیم غفار رب حبیب ۹۱۶

لوح ششم

جهت دفع بیماری سخت و جراحتها بدنها و بلاهای مختلف نبوید هر روز که خواهد اما باید که مشتری و قمر خوشحال باشند و اگر این دو کوکب با هم نظر و شبیه بود نیکوتر باشد بوی او خوش و اگر متبخر نشود بر کاغذ بنویسد یا در آب چشمه بشوید و بخورد از جمیع امراض و علل بیماری

ونزل ۱۴۳	من القرآن ۴۷۲	ما هو شفاء ۴۳۴	ورحمة ۶۵۴
ملا المقتدر ۴۳۵	موجد منشی ۶۵۳	مجیب مطلوب ۱۴۴	واعد فتوح ۴۷۱
ثواب جلی ق ۶۵۲	مهاو مرسل ۴۳۲	جامع منیع ۴۷۴	حی واصل ۱۴۵
رافق امان ۴۷۳	مالک دایم ۱۴۶	شافع منعم ۶۵۱	اله معروف ۴۳۳

باید دیگر مرض نشود و باید بصدق نام بخود تا برسد بمقصود

لوح هفتم

جهت دشمن و خصم و زخم و ترس کودکان و کبد دشمنان و مهر و محبت

شرح الواح پانزدگانه

سلامت و مسخر شدن امراء و گشادن بختها بسته و دفع غصه و رجل و
مرادات کلی بنویسد روز شنبه بساعتی که قمر با مریخ یا آفتاب نظر دوستی
باشد یا بزهره و مشتری منظور بود نوشته و با خود دارد حاجات مذکوره بر مدعی
دشمنان مقهور گردند و در این لوح صح

انا فتحنا	لک	فتحا	مبینا
۴۹۰	۱۰۲	۵۹۲	۴۹
۱۰۱	۴۸۷	۵۲	۵۹۳
۵۱	۵۹۴	۱۰۰	۴۸۸

نباشد

لوح هشتم

جهت دفع چشم زخم و ترس
کودکان و کبر بهتان و ایمن بودن از
غم و اندوه و زیاد در امور کلی و دفع
قبض کدورت و دعا رضی و فتح جمله قبضها بنویسد روز چهارشنبه بنظر عطارد
یا روز یکشنبه بنظر مشتری یا روز جمعه بنظر قمر با کواکب سعد روز پنجشنبه
بنظر زهره و با خود دارد جمله مرادات مذکوره حاصل شود

لوح هفتم

جهت طلب حق خود کردن و دعوی
قاضی و دوستی دل خلق و با او دن
غائب از راه دور بنویسد روز که
باشد اما باید که قمر بر حاجات غائب باشد
و منفصل سعد بر نقره نقش کنند یا

حسبنا	الله	ونعم	الوکیل
۱۶۷	۹۰۶	۱۲۲	۶۵
۹۵	۱۶۴	۶۸	۱۲۳
۶۷	۱۲۴	۹۴	۱۶۵

جنبکم	ارتم	الیم	الهاب
۲۱۳	۱۸۰	۳۲۶	۸۲
۱۷۹	۲۰۹	۸۵	۳۲۷
۸۴	۳۲۸	۱۷۸	۲۱۰

بر اطلس سفید اگر نشود بر کاغذ نویسد و با خود دارد که مجرب و آزموده است
(لوح نهم در شاهد نمودن جهت) **لوح دهم** جهت صلح فکنده مهاد دو کس

بیاشد بجهت سپید که دو غنچه کمند دو کوه
چنانند بیرد با بیرد ابد **لوح دهم**
چشم بکوید اعیذ فوق بصره بسم الله
الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء و هو السمیع العلیم
کند ابراء الکبیر بخواند و خاطر
بکند ابراء الله شفا یابد **ایضا**
نیز ترکند و بر چشم کنار دو بکوید
و یعین العین بخلیه الحمد تا ناز کوید
عدا و سلاما علی ابرهیم دفع شود
ایضا در وقت نماز شام بدیدن
سناد و خاطر دهی خود با ما انکشت
بکوه یا زن بیرد یا زان بخواند و بنا کا
چشم خود فرط و دو چند نیز چنین
کند صحت یابد غذا و آتش
غذا و کوه

شرح الواح یازده گانه

ودعوی با خصما و طلب حاجت و سفارش پیش ملوک و امرا و علما و اهل
قلم و طلب روزی حلال و گشایش کسب و عزیز بودن نزد خلایق و سلامت
بودن از زبان بدگویان بنویسد تا باید که آفتاب خوشحال باشد و با
خود دارد تا مراد یابد انشاء الله تعالی

لوح یازدهم اگر کسی بتهمت گرفتار
باشد خوف کشتن دارد بنویسد این
لوح را و با خود دارد تا مبرو سعد نویسد
از آن وهم خلاصی یابد از خطر کشتن

الله	لطیف	بعبادہ	یرزق
۸۵	۳۱۶	۶۷	۱۲۸
۳۱۵	۸۲	۱۳۱	۶۸
۱۳۰	۶۹	۳۱۴	۸۳

ایمن گردد از برکت این لوح و اگر کسی این سوره را ورد کند و متصل بخواند و جمله

لوح دوازدهم فتح و بسط و نکبات ایمن گردد
بنویسد گشایش کارها
و مسخر شدن زنان و خوکه
آفتاب و قمر و دشمن
باشند و چنین شکل با خود

بسم الله الرحمن الرحیم قل اعوذ برب	الفلق من شر ما خلق و من شر	غاسق اذا وقب و من شر النفاثات	فی العقد و من شر حاسد اذا حسد
۴۲۴۱	۱۷۸۲	۱۹۹۴	۲۴۰۱
۱۷۸۴	۴۲۲۸	۲۴۰۴	۱۹۹۵
۲۴۰۲	۱۹۹۴	۱۷۴۵	۲۲۲۹

دارد مقبول القول گردد و جمله اشیا را خضوعی مسخر و مطیع و گرداند و
اگر انگشتر بنویسد و دارد جمل یکبار بخواند انواع فتح در کارها
وی بظهور آید و ضحی از غالب غیب او را روی نماید (لوح دوازدهم صفحه بعد پیش)

در شرح الواح پانزده گانه

بسم الله الرحمن الرحیم	اذا جاء نصر الله والفتح ورایت	الناس یدخلون فی دین الله افواجا فسبح	بحمد ربک و استغفره انه کان توابا
۱۳۰۵	۲۵۶۴	۷۸۷	۲۲۵۴
۲۵۶۳	۱۳۰۲	۲۲۵۷	۷۸۸
۲۲۵۶	۷۸۹	۲۵۶۲	۱۳۰۳

لوح سیزدهم از پنج در پنج را بمشک و زعفران بنویسند و از آهو بوشند بوقت نزع اما قرد سعد و از نحوس دور باشد از برای محبت و اتمام داروی و جهت گشایش کارها و زیادتی فهم و قوه حافظه و تعرف تسلط الطیر بحر لب چون با خود دارد بیوی خوش معطر سازند

لوح چهاردهم جهت شهرت و قضا حوائج از سلطان و امرا و قضا و غالب بودن بر اعدا و نظام کارها بنویسد و شرف مرتبه بالفنا و اکرام صحیح و حمل و قوس نو بنویسد مرا اذا ترک بر یکبر همه کن غالب

والف بین قلوبهم لو	انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت	بین قلوبهم ولکن الله	الف بینهم	انه عزیز حکیم
۴۹۱	۲۲۹	۳۶۳	۱۹۵۰	۷۹۸
۹۵۱	۷۹۴	۳۹۲	۲۳۰	۳۶۴
۲۳۱	۳۶۵	۱۹۵۲	۷۹۵	۲۸۸
۷۹۶	۳۸۹	۲۲۲	۳۶۶	۱۹۵۳

لوح پانزدهم جهت الفت و محبت و دفع سحر و چشم زخم و مهر بانی اخلا بود و دوستی خواتین بنویسند و زیاد اکاوعوا الناس و چه از این قبیل دعوت یا مشرق و اگر بر فراق و سانوبد آن را در حالت (لوح چهاردهم)

ع ۷۰	فر ۸۷	فد ۸۴	عح ۷۸
فنه ۸۵	عز ۷۷	عا ۷۱	فو ۸۶
عو ۷۶	ص ۸۲	فط ۸۹	عب ۷۲
لح ۸۸	عج ۷۳	عه ۷۵	لج ۸۳

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۴۰۶	۷۵	۱۲۲	۱۹۲
۷۸	۴۰۱	۱۹۵	۱۲۲
۷۹۴	۱۸۳	۷۲	۳۰۳

ارجعی الی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی یوم یبعثون وجوه یومئذ ناضرة وجوه یومئذ باسرة فاما الذین امنوا وجوههم فیها خالدون یا حسرة علی العباد ما یاتیهم من رسول الا کانوا به یستهزئون ان الظالمون لفی ضلال مبین الرحمن علم القرآن را بنویسند و با خود دارد و هر کاری که دارد گلوزلو جبینه باشد بسکار را برای تاثیر بخواند و بجود زلو بر ایشان فرود بفرمان خدا بشرط فتحا قریبا و بشر المؤمنین و الاکرام اعزاز و از گلو فلاد در او بنافرد شود بحق آنکه صلی الله علیه و آله

در شرح بیان قواعد تکسیر

فصل قواعد تکسیر از طریق تو بهر نسبت بانواع بیاریم زانچه در این نسخه
مذکور شد مید بر قواعد احتیاجست **اول** طابع حروف نار اه طم فش
هو بی نص ض **ما** ج ذ ا س ق ث ظ **ثر** بی در ج ذ ع
خ غ اگر در تکسیر باعراب احتیاج شود چنین اعراب کنند اگر طریق تو تکسیر
خواهند کرد طریق طابع چنین اورده اند **التشلی** وی ل ن ع **با** د ی
ح ذ ا س ف ت ج **ابی** ه ر ش ث ص ط **خا** کی ب د خ ط ع ض ق
ابتدا تکسیر حضرت سید السادات علمای این فن امیر سید حسین دو نوع تکسیر منتهی
اول چون خواهند که اسمی از اسما تکسیر کنند مثلا بطریق امیر اعظم یکی انست که هر
از صدر موخر حاصل میشود حروف مکرر آنرا بیرون کنند
و بجای آن تکسیر کنند هر چه از تکسیر اول و مولد از صدر و
موخر حاصل شود آنرا احتساب کنند و عدد تکسیر گویند و تکسیر
مکسر حضرت سید العلما آنست که حروف زمام و اخر اعتبار
نمیکنند و تکسیر میکنند بسبب حرف مبتدا و عدد صغیر از
آخر میگویند مثلا الله الصمد را تکسیر کردیم تا نمود
باشد حروف سطر ذیل بجهت اعتبار نمیکنند کان
میزان الله الصمد تکسیر است و صحت تکسیر از
ان معلوم دام لص لل ها میشود و حروف زمام

ح ی ق ی م م ح و
ی ی ق م ی ح ی و
ق ی م ح ی و ح ق
م ی ی م و ق ح
صدر موخر است
ح م ق و ی ی م ق
و ی ی ح مولد از صدر و موخر
ی ح م ق و ی ی
ح و م ق ق ی م ح و
م و ی ق ح

بجهت این تکسیر نداده الم لله که ان سطر اصل اسم است (در حاشیه)

واصل الم مل ل ص ل ل ص م ا ل ل م ل ل ص م ا ل ل م ل ل ص م ا ل ل م

درشرح بیان تکبیر

ش ه ی د س ا ل م	ع ی ن ا م ی	وصد مؤخر این است
ش م ه ل ی ا د س	ع ا ی ی ن م ل ا	ع ا ن ی
ش س م د ه ا ل ی	ع ا ا ل ی م ی ن	ع ی ا ن
ش ی س ل م ا د ه	ع ن ا ی ا م ل ی	ع ن ی ا
ش ه ی د س ا ل م	ع ی ن ا م ی ا	ع ا ن ی

انستکه اسم را که تکبیر کردند چنانکه سطر اول از اخر بیرون آید صد
و مؤخر نمیگیرند و همین تکبیر را جبا میکنند و عدد تکبیر میگویند
و تکبیر شیخ ابو العباس انستکه چون خواهند که اسمی چند را باهم
تکبیر کنند حروف تکبیر در لوح نهند حروف التی را مقدم نهند و بادی را
بعد از ان و ابی را داد اشنا بادی و خاکی را در اخر و بعد از ان تکبیر کنند
و اگر خواهند که چند اسم را در لوح نهند تکبیر نمیکنند مثال الاحد الصمد
الشهید الکریم ا ا ا ا ا ل ل ل م م ی ی د د ه س ص ل ح
این سطر را اگر در لوح خواهند نها چنین نویسند و اگر تکبیر خواهند
کرد مکرر بیرون کنند تا چنین شود ا ل م ی ه ش ص ل ح و تکبیر
کنند تا سطر اول بیرون آید صد و مؤخر نگیرند و تکبیر کنند سطر اخر
چنانکه کنند و باقی را جبا کنند و عدد تکبیر عقبا کنند و دیگر انواع
تکبیر از مداخل و تکبیر بسیط و کبیر و وسط و تکبیر الجزیه بخاطر بود

اما در این مختصر اجتناب بان نبود
امید بکرم مؤمنان و عفا قادرین
انکه اگر مهو بینند قلم عفو در کشند
و اصلاح نمایند اصلاح دارند و گر خطا
بینند از همدم اصلاح دارند
بکرم ذاتکه از مهو و خطا
نموده اند و در گذرند و عفا
بعون الملک الوهاب فی
دار الخلافة الطیبة
الله عز الحق
بطبع الاسلامبول فی قلطه
سنه ۱۲۶۵
کتبه العبد الاثم اقل
الکتاب محمد علی شمس عفی عنه